

# زنان

سال چهارم • خرداد و تیر ۷۳ • ۷۱ صفحه • ۲۰۰ تومان

۲۴

تدارک چهارمین کنفرانس  
جهانی زن

بابچه‌های مشتاق  
تعطیلات چه کنیم؟

جوابیه دکتر سروش  
به اتهامات روزنامه‌های  
کیهان و کیهان‌هوایی

نگاهی به طرح جدید  
قانون مطبوعات

مرد حرف آخر را می‌زند  
نه دادگاه

زنان مؤلف و مترجم در  
سال ۷۳ چه کردند؟





# فروشگاه بزرگ افق

## افق افق

ما افتخار می‌کنیم که

افق در مدت کوتاه توانسته است  
اعتماد شما شیک پوشان را جلب  
نماید

مجموعه‌ای از بهترین و شیکترین پوشاک  
زنانه، مردانه، بچگانه، ایرانی و خارجی  
برای اعضای خانواده شما و...



تهران - خیابان ولیعصر - مقابل شهید عباس پور

(توانیر) - شماره ۱۲۱۳

تلفن: ۲۲۶۰۱۸۵ - فاکس: ۲۲۶۴۲۶۳

# زنان

سال چهارم شماره ۲۳ خرداد و تیر ۷۳

زنان نشریه‌ای است اجتماعی که یک بار در ماه منتشر می‌شود.

## سر خوان

انتخابی میان بد و بدتر: مدیر مسئول

## گزارش و خبر

بیش از یکصد تن از شخصیت‌های فرهنگی کشور خواستار برخورد قاطع با متجاوزان به حقوق مردم شدند:  
از چه می‌هراسید: رضا تهرانی  
جو ابیه دکتری سر وش به اتهامات روزنامه کیهان و کیهان هوایی:  
خبر:

تدارک چهارمین کنفرانس جهانی زن:

زنان ایرانی و مدیریت سینما:

نمایشگاه کتاب بدون مطبوعات: پروین اردلان

ترک عادت موجب...: گیتی شامبیاتی



## علم

با بچه‌های مشتاق تعطیلات چه کنیم: مسرور نعمت‌اللهی

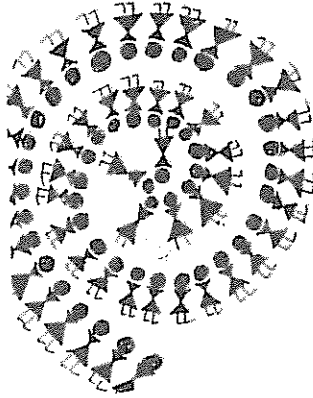
معرفی کتاب:

برای رفع جاقی، چقدر از این شاخه به آن شاخه؟! میج‌الیاس، ترجمه افسون زمریدیان

زنان و برپایی یک سمینار منظم و مفید: رزا افتخاری

تغییرات هورمون‌ها و اختلالات دهان: لیزا امکگراث، ترجمه فرزانه خردمند

نمی‌خورم!: پریسکا میدل میس، ترجمه ندا سهیلی



## اندیشه

درباره پرسشنامه نظرخواهی از خوانندگان زنان:

زنان مؤلف و مترجم در سال ۷۳ چه کردند؟: شهرزاد پاکسرشت

## ادبیات

بایان خانم و آقای گول: طاهره علوی

زن در ساحل: فریبا و فی

نیمه روشن: آریتا قهرمان

بیوه زن من: ناظم حکمت، ترجمه عزت جلالی

## هنر

پارهای دوستی، جرعه‌ای عشق: الهام خاکسار

نقش هنر:

## حقوق

در ماده ۱۱۳۳، مرد حرف آخر را می‌زند، نه دادگاه: مهرانگیز کار



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهلا شرکت

مدیر باخالی: رزا افتخاری

طراح گرافیک: کوروش شبگرد

حرفچینی کامپیوتر: معصومه رحیمی

چاپ رنگی: هادی، تلفن: ۳۱۱۲۵۸۶

چاپ متن: طلوع آزادی، تلفن: ۵۶۰۲۴۵۸

صحافی: شاهد

روی جلد: کوروش شبگرد

License Holder & Editorial Director

Shahla Sherkat

Zanaan is a Persian - language Journal published monthly.

Each issue contains articles and reports related to the women's problems.

زنان در زمینه فعالیت‌های هنری، آموزشی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.

زنان در ویرایش و گوناگون مطالب آزاد است. مطالب ارسال شده بازگردانده نمی‌شود. حقوق چاپ و انتشار، و نقل مطالب، طرحها و عکسها برای مجله زنان محفوظ است.



چندی پیش طرحی برای تصویب قانون جدید مطبوعات به مجلس پیشنهاد شد. طرحی نو در تاریخ «مطبوعات» که فلک را سقف می‌شکافند! و بندیدش چنان به هم ساخته‌است که بنیاد مطبوعاتیان براندازد. سر آن نداشتم که در بازی قد این طرح وارد شوم اما از آنجا که می‌تواند محملی برای بعضی ناگفته‌ها باشد، نخست نکاتی چند درباره طرح می‌آورم و اصل مطلب را به آخر وامی‌گذارم:

۱- مقایسه میزان حقوق «مطبوعات» با حدود آنها در طرح جدید نشان از آن دارد که این طرح به منظور تیزر مطبوعات نوشته شده، نه با «هدف استقرار نظم و اجرای عدالت اجتماعی یا توسعه فرهنگی و نه حتی برای اندک حمایتی از مطبوعات».

طبق ماده ۳۹ فصل جرایم، باب تازه‌ای برای جرم مطبوعاتی و تعزیر مجرم گشوده شده‌است: «در صورتی که معلوم گردد، نویسنده یا خبرنگار یا منبع خبر و «مطلب، موجب اغوای نشریه گردیده‌اند، آنان نیز به همراه مدیر مسئول به دادگاه صالح معرفی می‌شوند.» و به این ترتیب «مسئولیت مدیرمسئول در برابر قانون معنا و مفهوم خود را از دست خواهد داد و باز با تفسیر پلیری واژه «اغوا»، نویسنده یا خبرنگاری که مسئولیتی در قبال آنچه به نشر می‌رسد، ندارد؛ با ابعاد تازه‌ای از عدم امنیت حرفه‌ای مواجه می‌شود. از این گذشته در کل طرح، روزنامه‌نگار نمی‌داند با تعزیرات روبه‌روست یا با «هیأت نظارت، دادگاه یا محاکم دیگر» و آیا این مراجع و احکام آنها هم عرض هستند یا در طول یکدیگر قرار دارند؟

۲- قانون، قاعده‌های حقوقی، کلی و الزام‌آور است و دارا بودن ضمانت اجرایی از «مهمترین لوازم هر دستور حقوقی است؛ که این طرح عمیقاً فاقد آن است: «هیچ مقام دولتی نباید به سانسور و کنترل نشریات «مبادرت کند.» اما اگر «مبادرت کند با او چه باید کرد؟» «مطبوعات ملزم به افشای منابع خبری و اطلاعاتی خود به «هیچ مقام و ارگان دولتی و غیردولتی نیستند.» اگر ملزم شدند، چه باید کرد؟» «نشریات نباید سرعت انبسی کنند.» اگر سرعت انبسی کردند، چه خواهد شد؟ و...

در قانون فعلی نیز به دلیل همین ابهامات و عدم شفافیت و الزام‌آوری، حداقل و حداکثر «مجازات مطبوعات، لغو پروانه کار آنها یعنی اعدام است! آن هم بدون محاکمه در محاکم صالح و بدون صدور حکم از مجرای مشروع و قانونی. البته گزینش این نحوه مجازات خالی از غرض هم نیست. چرا که به جامعه می‌آموزد نیازی به طرحها و قوانین عریض و طویل نیست. قاعده حقوقی هر چه باشد، می‌توان رویه‌های خودسختارانه را بی‌اعتنا به چارچوب قانونی جاری کرد.

۳- تعاریف قانونی در این طرح جامع و مانع نیست و قابلیت تفسیرهای متناقض حاصل از سلیقه‌ها و اغراض مختلف را تقویت و ضمانت اجرای قانون را تضعیف می‌کند: «توزیر آثار عمومی و افزایش دانش و ارتقاء سطح پیش مخاطبان» به چه معناست، که با پایان می‌رسد و الصاق برچسب ایجاد انحراف در افکار از کجا آغاز می‌شود؟ گذشته از این مجریان قانون، منور شدن افکار مردم و ارتقای سطح پیش آنان را تا کجا تاب می‌آورند؟ کسانی که چالش در بسیاری از زمینه‌های فکری و اعتقادی را بر نمی‌تابند و تحول و بسط اندیشه‌ها، قبض افکارشان را در هم می‌ریزد، برای اجرای عادلانه این قانون چه ضمانتی می‌سپارند؟ آیا از نظر قانونگذار «حفظ و تحکیم وحدت»، «عزت و اقتدار ملی» در گرویش و سکوت و بی‌تفاوتی است یا در عزت نفس حرفه‌ای و انتقاد و دردمندی؟ «انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال» را چه میزانی اندازه می‌گیرد؟ و حدود و دامنه منطق کجاست؟ «مقدساتی» که «هانت به آنها ممنوع است» کدامند؟ آیا این تقدس به صورت زنجیره‌ای تا جزئی‌ترین و پایین‌ترین سطح نیز تسری نمی‌یابد؟ اگر چنین شد - که اکنون نیز می‌شود - هر مباحثه و بررسی و هر شکی که می‌تواند مقدمه یقین باشد، توهین تلقی نمی‌شود؟ ناگفته نماند که نه تنها این قانون، بلکه «هیچ قانونی در هیچ زمان و مکانی نمی‌تواند برای «فاهیمی چنین، تعریف مشخصی به دست دهد و اینجا ناگزیر از این اعتراضیم که هیچ قانون بازدارنده و پیش‌گیرنده‌ای نمی‌تواند برای حرفه روزنامه‌نگاری طراحی کرد که بتواند حدود و ثغوری برای مقولات غیرقابل اندازه‌گیری آن وضع کند. چنان که در اصل بیست و چهارم قانون اساسی در

«مورد مطبوعات فقط به این موضوع کلی اشاره رفته که: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد.» و در اصل فراموش شده بیست و سوم آمده است: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.»

۴- شرح وظایف هیأت نظارت بر مطبوعات با عنوان آن کاملاً مغایر و متناقض است. این طرح برای هیأت نظارت، شأن قضایی قائل شده و لغو پروانه نشریات را بدون تشکیل دادگاه و حضور هیأت منصفه به آن واگذار کرده است. بنابراین با باید شرح وظایف هیأت دگرگون شود، یا نام آن به «هیأت قضاوت تغییر یابد. گو اینکه ظاهراً نیازی به این همه قانونمندی نیست، چون هیأت نظارت، در چارچوب قانون فعلی هم، که شأن قضایی ندارد، هر جا صلاح بداند، به جای دادگاه و «هیأت منصفه عمل و پروانه نشریات را لغو می‌کند.

۵- فراز جالب این طرح تشکیل سندیکای خبرنگاران - نه روزنامه‌نگاران - به وسیله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. اساسنامه این سندیکا نیز با موافقت وزیر مربوطه قابل اجراست. از سوی دیگر صدور کارت خبرنگاری، جزو وظایف این وزارتخانه قلمداد شده و کسانی که کارت را دریافت نکرده باشند به عنوان خبرنگار جعلی «مجازات خواهند شد. نحوه و میزان مجازات نیز مانند بسیاری موارد دیگر نامعلوم است.

کوتاه اینکه، در این طرح روزنامه‌نگاران ایران عناصر بالقوه مجرمی هستند که باید با وضوح و اجرای تعزیرات کنترل شوند. این نهادها می‌پویا که در همه جای دنیا پیشاپیش جریان‌های دولتی حرکت می‌کنند، در ایران باید مجوز فعالیت، اساسنامه سندیکای صنفی و کارت حرفه‌ای خود را - به شرط گذر از صافی گزینش - از دولت اخذ کنند.

مطبوعات، دیگر نمی‌توانند به مقدرات از پیش تعیین شده پیرامون خویش تن دهند. آنها به تجربه آموخته‌اند بدون جسارت و ابتکار عمل نمی‌توانند نقش پیشرو خود را در جریان‌های اجتماعی حفظ کنند. چنان که اگر واکنش امروز یک دهه زودتر اتفاق می‌افتاد و آنها با ارائه نقد و نظر کارشناسی خود به تصویب قانونی جامع و عادلانه باری می‌رساندند، امروز در «مواجهه با طرح فعلی ناگزیر از انتخابی میان بد و بدتر نبودیم. چرا که قانون جاری نیز با یکسوسنگریها، بی‌عدالتیها، ابهامها و مشکلات اجرایی بسیار عرصه را برای تفسیرهای گوناگون، به مصلحت زمانه، باز گذارده است.

بازتاب این طرح با همه شگفتیهای حقوقی و کارشناسی آن، از جهاتی جالب توجه‌تر از خود طرح بود. از جمله اینکه تقریباً تمامی نشریاتی که این طرح را به بررسی و نظرخواهی گذاشتند، به آن معترض بودند. حتی آنان که همواره در تنگناها و روزگاران سختی که بر مطبوعات رفته است، موضوع را به توجه و دفاع برقرار کرده‌اند. چرا که نیک دریافته‌اند این تیغ دردم روزی بال و پر آنان را نیز خواهد گرفت.

درباره وجوه غیر کارشناسی طرح و اشکالات و نواقص آن نقد و نظر بسیاری خواندیم اما در مورد چرایی و شتاب شبه‌ناک تدوین آن، به کنجکاو و پرسشی از جانب مطبوعات برنخوریم: آیا با قانون فعلی، مطبوعات به قدر کفایت تحریم و تنبیه نمی‌شوند؟ آیا هم‌اینک راه برخورد غیر قانونی با مطبوعات تا آخرین حد جزا باز نیست؟ پس طرحی جدید برای قانون «مطبوعات چرا؟

آیا قانون آینده قرار است مطبوعات را قدمی به جلو ببرد یا به مجازات‌های فعلی مشروعیت بخشد؟ قطعاً طراحان قانون جدید از واکنش منفی مطبوعات در قبال آن و عقب نشینی ناگزیر خود غافل نبوده‌اند. بنابراین آیا اساساً از پیش، مقصود این نبوده است که با کسب رأی منفی از مطبوعات، رأی مثبتی برای قانون فعلی جمع کنند؟ واقعیت‌های موجود به عنوان پاسخی به این سؤالات، تحلیلی باقی نمی‌گذارد جز آنکه به مرگمان گرفته‌اند تا به تب راضی شویم و بر روزگار حال خود شکر آوریم. لذا طرح تصریب بشود یا نشود، طرح به مقصود خود - که همانا منحرف ساختن ذهن جامعه مطبوعات از اصل تناقض هر دو قانون با تساهل آزانخواهانه قانون اساسی در مورد مطبوعات است - خواهد رسید.



طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور:

# بیش از یکصد تن از شخصیت‌های فرهنگی کشور خواستار بر خورده قاطع با متجاوزان به حقوق مردم شدند

در پی ایجاد اختلال در جریان سخنرانی دکتر عبدالکریم سروش، در مراسم سالگرد دکتر شریعتی در اصفهان، گروهی از مدیران مسئول و سردبیران نشریات، ناشران، پژوهشگران، اساتید دانشگاهها، نویسندگان و هنرمندان در نامه‌ای از رئیس‌جمهور، در مقام مجری قانون اساسی خواستند که از تکرار چنین برخوردهایی جلوگیری به عمل آید و برای حفظ حقوق و امنیت افراد اقدامات قاطعانه‌ای صورت پذیرد. در زیر، متن این نامه و اسامی امضاکنندگان می‌آید: ❦

بسمه تعالی

جناب آقای هاشمی رفسنجانی  
ریاست محترم جمهوری

با سلام،

کشور عزیزمان این روزها علاوه بر مسایل متوع داخلی با موج تازه‌ای از فشارهای خارجی نیز مواجه است. باور داریم که حل موفقیت‌آمیز مسایل و ایستادگی پیروزمندانه در مقابل فشارها در گرو وحدت آگاهانه و مشارکت فعال و قانونمند مردم از یکسو و تبیین خردمندانه مدیران از سوی دیگر و اعتماد متقابل مردم و مدیران است. این شرایط نیز بدون حاکمیت قانون و تحقق حقوق اساسی مردم حاصل نمی‌گردد. از این رو تلاش برای احقاق حقوق اساسی و مقابله با هرگونه تجاوز به این حقوق را بهترین مسیر برای زندگی شرافتمندانه و عزتمند کشور می‌دانیم.

جناب آقای رئیس‌جمهور!

جنابعالی هنگام تصدی مقام ریاست جمهوری در پیشگاه قرآن کریم و ملت ایران به خداوند متعال سوگند یاد کرده‌اید که از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت به رسمیت شناخته است پاسداری کنید. این در حالی است که متأسفانه مشاهده می‌شود که در موارد متعددی به بدترین شکل و به نام دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی حرمت و آزادی اشخاص مورد تجاوز قرار گرفته و حقوق قانونی آنها پایمال می‌گردد. متأسفانه حرمت‌شکستن روزبه‌روز جری‌تر شده و دایره حرمت‌شکنی خود را وسیع‌تر می‌کنند، به گونه‌ای که هم‌اکنون مسلمانان متعهد و اندیشمند جامعه نیز آماج این حرمت‌شکنی‌ها شده‌اند. نمونه آن واقعه‌ای است که در اصفهان برای آقای دکتر عبدالکریم سروش رخ داد. چقدر تأسف آمیز است که انسان شاهد تلاش خست‌ناپذیر برای برهم زدن مجلسی

باشد که در آن استادی دردمند و صاحب‌نظر در بزرگداشت استاد دیگری که نقش احیای تفکر دینی در دنیای معاصر را داشته (زنده یاد شریعتی)، سخن می‌گفته است.

جناب آقای رئیس‌جمهور!

واقعه مذکور و موارد مشابه از طرف گروه‌های غیررسمی و احتمالاً با حمایت برخی مراکز به ظاهر رسمی و به دلیل عدم توجه کافی دولت در برقراری نظم و تأمین حقوق قانونی ملت به وقوع می‌پیوندد، در هر صورت نتیجه تفاوتی ندارد و مسئولیت دولت و شخص جنابعالی به عنوان ضامن اجرای قانون اساسی کاهش نمی‌یابد.

ما امضاکنندگان این نامه مصرأ از جنابعالی می‌خواهیم که با تمام قدرت و امکاناتی که دولت در اختیار دارد و بر مبنای میثاق موجود میان ملت و دولت (قانون اساسی)، اقدامات لازم را برای ممانعت از تکرار چنین حوادثی و نیز برخورد قاطع قانونی با متجاوزین به حقوق مردم مبذول دارید.

والسلام  
۱۳۷۴/۴/۲۷

حسین آبدیان - دکتر سیدهاشم آقاجری - مهندس مسعود آقایی - امیر آقایی - مهندس محسن آرمین - حسین اسکندری - حمید امین‌اسماعیلی - حسین اعتمادی - عبدالرضا افتخاری - محمد امامی - محمدعلی اکبری - کورش امیری - فیض‌الدین پور - عمادالدین باقی - دکتر محمدتقی بانکی - مهندس مجتبی بدیعی - علی بروجردی - اسماعیل بلوری - حسین پایا - ناصر پلنگی - سعید پورعزیزی - عباس پورازهری - مهندس مهدی تابشیمان - سیدمصطفی تاج‌زاده - مصطفی تبریزی - محمد ترکمان - دکتر غلامعباس توسلی - دکتر جلال توکلیان - مرتضی تهاهی - رضا تهرانی - سیدعبدالحسین حجت‌زاده - عبدالرزاق حسامی‌فر - سید حسن حسینی - دکتر

سیدمحمد حسینی - حمید حقانی - محمدعلی حقیقی - هادی خانیکی - دکتر عزت‌الله رادمنش - احمد رجب‌زاده - سیدمصطفی رخ‌صفت - علی رضاقلی - جلیل رضایی - محمد جواد رضایی - محمد ریحانی - مهناز رئیس‌زاده - محمدجواد زالی - دکتر غلامحسین زرگری‌زاده - محسن سازگارا - سعید سبزیان - دکتر محمد ستاری‌فر - دکتر ابراهیم سلطانی - ابوالحسن مجتهد سلیمانی - داود سلیمانی - فهردان سلیمانی - مهندس سیدمجتبی شبیری - دکتر حمیدرضا برادران شرکا - شهلا شرکت - ماشاءالله شمس‌الواعظین - سعید شیرگوند - احمد شیشه‌گران - محمود صارمی - جهانگیر صالح‌پور - مهندس بهروز صحابه - بیژن عبدالکریمی - مهندس عباس عبدی - فیض‌الله عرب‌سرخی - محمود عسگریه - علی‌رضا علوی تبار - دکتر ایرج فاضل - مقصود فراستخواه - علی‌اصغر فرامرزیان - دکتر فتح‌الله فرهادی - حسین قاضیان - محمدرضا فزونی - عزت‌الله قزوانی - مجتبی کاشانی - عبدالله غلامرضا کاشی - محمدجواد کاشی - عبدالرحیم کرکه‌آبادی - اکبر گنجی - جواد مظفر - مهندس حسین مفید - فرشاد مؤمنی - دکتر محمدکاظم مدرس تهرانی - دکتر علی مدرسی - رجیبعلی مزروعی - دکتر علی‌رضا محسنی تبریزی - دکتر محمد میرزایی - مهندس مجید محمودی - علی‌رضا محمودنیا - مختار مختاری - دکتر حسین میانداری - مهندس وحید میرزاده - اله گرم میرزایی - حجت‌الله میرزایی - سیدمجید میرتمتایی - محمدرضا ناجیان - علیرضا ناصری - اسماعیل ناصور - دکتر احمد نراقی - حمیدرضا نواب‌پور - حسینعلی نودری - کتابی‌نوروزی - دکتر حمید وحید - دکتر ناصر هادیان - سید محمد هاشمی - علی یحیایی.

# از چه می‌هراسید؟

به دنبال ارسال نامه بیش از یکصد تن از شخصیت‌های فرهنگی کشور به رئیس‌جمهوری در مورد ضرورت ممانعت از عملکرد قانون‌شکنان بر مبنای میثاق ملی (قانون اساسی)، برخی نشریات بار دیگر به دفاع از قانون‌شکنی و هتک حیثیت اجتماعی و سلب امنیت افراد پرداختند. مدیر مسئول نشریه کیان پاسخ زیر را برای مدیر مسئول کیهان و کیهان‌هوایی و صبح ارسال کرد و طی آن یادآور شد که اگر در گفتار خود صادقانه سخنان دکتر سروش را در جلسه مورد نظر در نشریه خود درج کنند ولی متأسفانه طبق معمول، بر خلاف قانون، اخلاق و دین، تاکنون از درج آن خودداری شده است. یادآور می‌شود که رونوشت این نامه برای سایر نشریات هم ارسال شده است و «زنان» نیز جهت آگاهی عمومی اقدام به درج این نامه می‌کند.

بسمه تعالی

جریده کیهان در تاریخ سه‌شنبه ۷۴/۵/۳ در حاشیه نامه یکصد و هفت تن از شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی ایران خطاب به رئیس محترم جمهوری مطالبی خلاف واقع تحت عنوان «چاره‌جویی از سرناچاری» منتشر کرد. از این جهت تذکر پاره‌ای نکات برای روشن شدن ذهن خوانندگان حقیقت‌جو سودمند است.

اولاً - جریده کیهان مدعی است که دست‌اندرکاران مجله «کیان» در تهیه این نامه دخیل بوده‌اند. اما واقعیت آن است که امضاءکنندگان این نامه - از جمله همکاران و دست‌اندرکاران کیان - بعنوان شخصیت‌هایی مستقل نامه مذکور را امضاء کرده‌اند و چه بسا بعضی از امضاءکنندگان این نامه موافق برخی آراء و نظریات آقای دکتر سروش نباشند. در واقع آنچه امضاءکنندگان این نامه را به هم پیوند داد، نشریه کیان یا صرف تعرض به دکتر سروش نبود، بلکه سئوال‌های مهمتر، یعنی دفاع از حقوق مدنی و اساسی آحاد مردم بود که ماجرای رسوای اصفهان یکی از مصداق‌های تعرض به این حقوق محسوب می‌شود. امضاءکنندگان مقصود از اقدام خود را در نهایت وضوح در آن نامه بیان کرده‌اند و آن، لزوم رعایت قانون اساسی و برخورد قاطع با متجاوزین به حقوق مردم است، یعنی خواسته‌های مشروعی که حتی گردانندگان کیهان نیز دست کم به زبان، نسبت به آنها اظهار اعتقاد می‌کنند.

ثانیاً - ظاهراً این نکته مهم مورد غفلت نویسندگان کیهان واقع شده که در ماجرای اصفهان بیش از هزار نفر از دانشجویان در جلسه سخنرانی آقای دکتر سروش حاضر بوده‌اند و نوار جلسه سخنرانی نیز موجود و هم‌اکنون در دسترس همگان قرار دارد و جملگی گواه بر خلافت‌جویی کیهان است. آنچه از جانب نویسنده به عنوان «سوالات منطقی» عنوان شده چیزی نیست جز ناسزاگویی، اخلافت‌گری، پرتاب کفش، دریدن پیراهن و تهدید به قتل. مزید اطلاع نوار آن را به پیوست ارسال می‌کنیم تا اگر آن را تحریک کننده یافتید منتشر نمایید تا معلوم شود برای سوالات منطقی پیش‌گفته توقع کدامین پاسخ

را دارید؟ بی‌شک سخنران مجلس بزرگداشت زنده‌یاد شریعتی، با بضاعت مزجاتی که داشته پاسخی مناسب به این سوالات منطقی نیافته است! ثالثاً - اما اینکه گردانندگان کیهان، امضاءکنندگان نامه را به ساده‌لوحی و بی‌اطلاعی متهم کرده‌اند و سعی کرده‌اند «اصل ماجرا» بی‌درست کنند و «از سرناچاری» به «چاره‌جویی» بپردازند، «نری است که نزد کیهانیان است و پس. چون «اصل ماجرا»ی مورد ادعا چیزی نیست جز تدوین ناشیانه مجموعه‌ای از ادعاهای بی‌اساس که توسط مثلث کیهان‌هوایی، صبح و کیهان منتشر شده است.

در اینجا فقط برای آنکه ماهیت این مدعا روشن شود، به پاره‌ای از مطالب مندرج در کیهان اشاره می‌رود:

اول: می‌نویسند: «دکتر سروش به دعوت انجمن سیاست خارجی آلمان (وابسته به وزارت امور خارجه آلمان) به آن کشور سفر کرده‌بود». اما خوب است در مقابل، بخش کوتاهی از خبرنگار رابرتی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در آلمان (به شماره ۲۷۷ مورخ ۷۴/۴/۱۶) را نقل کنیم: «دپارتمان شرق‌شناسی دانشگاه بون در هر نیمسال تحصیلی اقدام به برگزاری سلسله‌ای از سخنرانی‌ها می‌کند و در این مجموعه از اساتید و صاحب‌نظران رشته‌های مختلف اسلام‌شناسی دعوت به عمل می‌آورد. در همین چارچوب در روز سه‌شنبه مورخ ۷۴/۴/۱۳ آقای دکتر عبدالکریم سروش به دعوت این دپارتمان در دانشگاه بن پیرامون موضوع «مباحث روز روشنفکران ایران» سخنرانی نمود».

دوم: می‌نویسند که دکتر سروش از شخصی به نام «هوبل»، عضو هیئت مدیره انجمن سیاست خارجی آلمان، خواسته است تا جلسه محرمانه و بدون حضور خبرنگاران تشکیل شود.

آقای دکتر سروش این خبر و هر نوع صحبتی با شخصی به نام هوبل و نیز صحبت ورود و یا عدم ورود خبرنگاران را با هر شخصی تکذیب کرده‌اند. البته ممکن است با توجه به اینکه در سخنرانی ایشان در کانادا مخالفین نظام سعی در برهم زدن جلسه سخنرانی ایشان داشته‌اند مسئولان آلمانی به

صلاح‌دید خود از ورود کسانی که آنان را از مخالفین نظام جمهوری اسلامی تشخیص داده‌اند و احتمالاً سعی در برهم زدن جلسه ایشان داشته‌اند جلوگیری کرده‌باشند. (میراث فرهنگی ما در نگاهی دوباره، مونترال ۱۳۷۴/۱/۲۶، نوار به پیوست این نامه ارسال می‌گردد).

نکته قابل توجه اینکه جلسه مونترال در استفاده از روش‌های ناسشروع برای نشان دادن مخالفت؛ هیچ از جلسه اصفهان کم نداشت. تنها دو تفاوت مونترال و اصفهان را از یکدیگر متمایز ساخت:

اولاً: در مونترال مخالفان جمهوری اسلامی دکتر سروش را سخنگو، مدافع و شریک جنایات یکصد هزار نفری؟؟ رژیم ایران قلمداد کردند. اما در اصفهان مخالفین دکتر سروش، وی را ضد ولایت‌فقیه خواندند.

ثانیاً: در مونترال وقتی روش‌های خشونت‌آمیز از طرف اکثریت حاضر در جلسه محکوم شد و آن اقلیت در انزوا قرار گرفت؛ اخلافت‌گران ناچار به پذیرش روش‌های دموکراتیک شدند. اما در اصفهان آن اقلیت آشوبگر هر چند از طرف اکثریت حاضرین با شعار مرگ بر اخلافت‌گر روبرو شدند اما با توجه به اطمینان خاطر که از عدم پیگیری مراجع قانونی داشتند و با توجه به اینکه احتمال تشویق از سوی پاره‌ای مطبوعات می‌دادند متوسل به شکستن شیشه‌های تالار انجمن، کندن پلاکاردها، پرتاب کفش، حمله به محل سخنرانی و تریبون، ضرب و شتم و پاره کردن پیراهن سخنران و... شدند (رجوع شود به شکایت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان و علوم پزشکی اصفهان خطاب به ریاست دادگستری اصفهان ۲۶۲ و ۱ و س، ۷۴/۴/۶).

سوم: می‌نویسند: «هنوز معلوم نیست هدف سروش از تشریح اختلافات اصولی نظام جمهوری اسلامی ایران با نظام‌های غربی برای سیاستمداران و صاحب‌نظران آلمانی در یک محفل خصوصی چیست؟» (صبح، ۲۷ تیر). «سروش به آلمان سفر کرده بود تا نتیجه تحقیقات خویش پیرامون جامعه اسلامی ایران را برای اعضای این انجمن تشریح کند» (کیهان ۷۴/۵/۳). «دکتر سروش چه سخن محرمانه‌ای برای بیگانگان داشته است؟! [...] اگر موضوع سخنرانی آقای سروش مسائل علمی بوده



# جوابیه دکتر سروش به اتهامات روزنامه‌های کیهان و کیهان‌هوایی

در آخرین اخطااتی که نشریه به زیر چاپ می‌رفت، نامه‌ای از سوی دکتر عبدالکریم سروش در پاسخ به اتهامات وارد شده به ایشان و ۱۰۷ نفر از شخصیت‌های فرهنگی کشور در روزنامه کیهان به دست ما رسید. در زیر، این جوابیه را نیز می‌خوانید: ❏

بنام خدا

مدیر مسئول محترم جریده کیهان

در آن جریده، در تاریخ ۱۳۷۲/۵/۳، حاشیه‌نامه یکصدوهفت تن از شخصیت‌های فرهنگی و اساتید دانشگاهی به رئیس محترم جمهور، درخصوص واقعه اسفهان، نوشته‌ای تحت عنوان «چاره‌جویی از سر ناچاری» آمده بود که حاوی یک تحریف فظیح و یک تهمت بزرگ نسبت به این جانب بود. شرح زیر، بیان واقع و تکلیف آن تهمت نارواست:

اولاً در مورد تشیع در جلسه سخنرانی این جانب در اسفهان، چنین القا شده بود که گویا آشوبگران مذهب بوده‌اند و چون پاسخ به سؤالات منطقی خود را نیافته‌اند دست به اختلال و تطاول بردند. کسانی که در جلسه حاضر بودند که عددها از یک هزار نفر در می‌گذرد - همه شاهد بودند که آشوبگران، که مخلوطی از طلاب و دانشجویان تحریک شده بودند، قبل از آغاز جلسه با شکستن شیئه وارد جلسه شدند و قبل از شروع سخنرانی این جانب، بدون طرح هیچ‌گونه سؤالی، به شعار دادن پرداختند و عاقبت هم سخنرانی را ناتمام گذاشتند و به سوی من حمله‌ور شدند و علاوه بر پرتاب سنگی و کتک و...، پیراهن مرا نیز پاره کردند و علاوه بر تهدید صریح به قتل، از توهین و اذیت و آسایش ادب چیزی فروگذار نکردند. این جانب بیش از یک ساعت، در حالی که در محاصره مهاجمان بودم، با آنان به نرمی سخن گفتم و عاقبت که آثار انفجار را در چهره‌شان دیدم، سالن ویران و درهم‌ریخته را ترک گفتم و البته همان‌جا آن ناآگاهان را بخشیدم که می‌دانستم:

گرچه تیر از گمان همی گذرد

از گماندار بیند اهل خود

و «در طریقت ما کافر است و نجیدن» و به فاصله

امری خیر نداده است. (ایضاً به بند دوم مراجعه شود) هفتم: کیهان می‌نویسد «از بخت بد آقای سروش و امضاءکنندگان اعلامیه فوق که مطابق اخبار موثق از چند ماه پیش در تدارک تشکیل این جلسه بوده‌اند، خبر مربوط به تشکیل جلسه انجمن سیاست خارجی آلمان و اصرارهای سروش برای محرمانه بودن آن به بیرون درز می‌کند». گردانندگان کیهان از یاد می‌برند که چند سطر قبل نوشته بودند که امضاءکنندگان، ساده‌اندیشان و فریب‌خوردگانی هستند که از «اصل ماجرا» خبری ندارند و اینها می‌نویسند که از چند ماه پیش در تدارک تشکیل آن جلسه بوده‌اند. واقعیت این است که سرپای این «ماجرای» وهمی و جعلی از قبیل همین مدعیات است. مابعد خوشوقتی است که نوار این جلسه «محرمانه» موجود است. لذا خوینست دوستان کیهانی که از «درز کردن» مطالب سزی آن «محل تا این حد مسعوف شده‌اند، اصل آن سخنرانی را نیز انتشار دهند تا بر بشاشت‌شان افزوده شود. لذا در «صورت اعلام موافقت کتبی» منی بر چاپ کامل جلسه مذکور، یک عدد نوار آن جلسه سزی ارسال خواهد شد، تا شور حقیقت‌جویی شما در نشر آن آزموده شود.

اما در پایان خوینست که اظهارنظر رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در آلمان را درخصوص سز و سخنرانی آقای دکتر سروش نقل کنیم: «سخنرانی آقای دکتر سروش در دانشگاه بن از دو جهت قابل ملاحظه و با اهمیت است: نخست آنکه ایشان در افواه به عنوان فردی معارض با جمهوری اسلامی ایران معرفی گردیده بود در حالی که هم مضامین سخنرانی ایشان و هم حضور و ملاقات نمایندگان فرهنگی ایران در سخنرانی سزبور با آقای دکتر سروش و رئیس کرسی شرق‌شناسی دانشگاه بن عملاً نافی این تلقی گردید. دیگر آنکه حضور و سخنرانی ایشان و دیگر اساتید ایرانی در دانشگاه بن که فی‌الواقع کرسی شرق‌شناسی آن عمدتاً به عرب‌شناسی و جهان عرب توجه دارد، باب تازه‌ای در مطالعات و پژوهش‌های مربوط به ایران خواهد گشود. برنامه‌هایی از این قبیل سبب اقبال و توجه هر چه بیشتر اساتید و دانشجویان به ایران و فرهنگ آن خواهد بود.»

با این اوصاف اکنون پرسش مهمی که هر فرد منصفی از خود خواهد پرسید این است که چرا متن و مفاد این نامه و شخصیت‌های امضاءکننده آن، گردانندگان کیهان و سایر نشریات همفکرشان را چنین به «چاره‌جویی از سر ناچاری» متوسل کرده است؟ و آنان چرا می‌کوشند هویت امضاءکنندگان را مخدوش کرده و مهمتر از آن دفاع از حقوق اساسی مردم و حاکمیت قانون را موردحمله قرار دهند؟ چه کسانی و به چه دلیل از زیرپا گذاشتن قانون و حقوق اساسی ملت سز می‌برند؟

حالی درون پرده بسی آفته می‌رود

تا آنزمان که پرده برازد چه‌ها کنند

مدیر مسئول نشریه کیهان - رضا تهرانی

۷۴/۵/۸

است، چرا درخواست جلسه سزی و محرمانه کرده‌اند؟...» (پیشن)

جالب است بدانید که موضوع سخنرانی دکتر سروش در جلسه مذکور «تقابل ارزشهای غرب با ارزشهای اسلامی» بوده است. دکتر سروش در این سخنرانی «قولات» همچون راسیونالیسم، لیبرالیسم، تقدم جان بر عقیده، سیاست دنیوی، شکرگویی و سکولاریسم و حقوق بشر را از ارزشهای موردقبول فرهنگ جدید غرب قلمداد می‌کند و در مقابل، یقین‌گرایی، تقدم عقیده بر جان، میل به سعادت اخروی و تقدم تکلیف بر حقوق را نیز از ارزشهای رایج در اندیشه دینی معرفی می‌کند. یعنی همان سخنانی که قبلاً و به تفصیل در مکتوبات خود از آن یاد کرده بود.

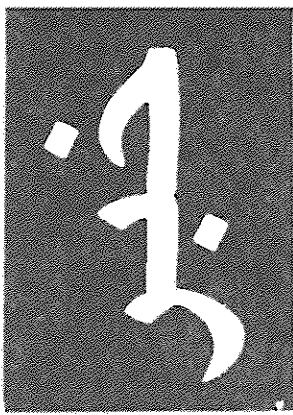
چهارم: می‌نویسند: «انجمن سیاست خارجی آلمان متشکل از بازنشستگان وزارت خارجه آلمان، سیاستمداران کهنه‌کار، کارشناسان، استادان دانشگاه و کارآموزان سیاسی این کشور است و در مسائل سیاست خارجی تحقیق و پژوهش می‌کند. «علموت اشعیت» صدراعظم اسبق آلمان یکی از اعضای این انجمن است و نتایج تحقیقات انجمن یاد شده همواره مورد استفاده وزارت امور خارجه و شخصیت‌های بسیار مهم آلمان قرار می‌گیرد» (کیهان هوایی ۲۲/۲/۷۲، صبح و ایضاً کیهان با اندکی تفاوت).

این خبر به نحوی تنظیم شده است که گویی دکتر سروش به کهنه سیاستمداران دنیا خط فکری و سیاسی می‌دهد. در چهارچوب یک بحث جدلی آیا نمی‌توان پرسید که چرا از توانمندی متفکری چنین توانمند که حتی می‌تواند «کهنه سیاستمداران» دنیا را تحت نفوذ و تأثیر خود درآورد، در کشورمان و برای تأمین منافع ملی حُسن بهره‌برداری نمی‌کنیم؟ پنجم: می‌نویسند: «از ورود خبرنگاران و سایر شخصیت‌های علمی و فرهنگی که معمولاً در جلسات انجمن شرکت می‌کردند، جلوگیری به عمل می‌آید» (کیهان).

اقا واقعیت آن است که در این جلسه بسیاری از شخصیت‌های برجسته علمی و فرهنگی آلمان حضور داشته‌اند. آیا خانم پروفیسور آنه ماری شمیل که از حاضران آن مجمع بود از کهنه سیاستمداران آلمانی است؟

ششم: کیهان می‌نویسد: «... بعد از برپایی آن با اعتراض خبرنگاران و سایر شخصیت‌های علمی و فرهنگی غیرعضو که از ورود آنها به جلسه جلوگیری به عمل آمده بود، روبرو می‌شود و «ماجرای این جلسه محرمانه روی آنتن خبرگزاری می‌رود».

باید پرسید که از ورود کدام خبرنگاران یا شخصیت علمی و فرهنگی جلوگیری شده بود و کدامیک از ایشان به این امر اعتراض کرده‌اند؟ واقعیت آن است که آن شخصیت‌های علمی موهوم، ساخته ذهن همان سه نشریه‌اند و خبر آن جلسه محرمانه فقط بر روی آنتن خبری آن مثلث جعل شده است. هیچ خبرگزاری و رسانه‌ای جز آنها از چنین



تمدن غربی بر شک، حق (در مقابل تکلیف)، قلم جان بر عقیده، اومانیسم و... بنا شده در حالی که فرهنگ دینی بر یقین، تکلیف، تقدم عقیده بر جان و اندیشه خدامرکزی بنا شده است که امیدوارم روزی به طبع تفصیلی آن توفیق یابم.

اینها حقایق بود و من اینکه نه در علم خویشم که بر انحطاط اخلاقی قومی اندوه می‌برم که چون ندای حق جمعی از نیک خواهان این موز و بوم را در استیفای حق مظلومی می‌شنوند، بجای آنکه با آن موافقت کنند، در خاموش کردن آن می‌کوشند و درین راه هم از به کار گرفتن شیوه‌های نیابت آزار و خدانابستندی چون تفتین و اغترا دروغ نمی‌ورزند و نوشتن آن نامه ستم‌ستیزانه را حیلتی برای اخفای جاسوسی و رسوایی حاصله از آن وانمود می‌کنند.

این اندک، البته برای متصفان کافی است تا نشانه‌ای باشد از آنکه اهل قلم در این دیار از آریاب جراید چه می‌کشند و به جرم گفتن سخنان و داشتن آرای غیر مقلدانه، چه عتک‌ها و تهمت‌ها تحمل می‌کنند و مغرضان را جز عصای قانون ادب نخواهد کرد. و داور نهایی خداست، واللہ من ورائهم محیط. والسلام.

عبدالکریم سروش  
۱۳۷۴/۵/۱۲

رونوشت: کیهان هوایی، در پاسخ به دو گزارش نادرست کیهان هوایی مورخ ۱۳۷۳/۴/۲۱ و ۱۳۷۴/۵/۱۱

سلام، جمهوری، ایران، جمهوری اسلامی، اخبار، اطلاعات، رسالت، هفته‌نامه صبح، عصر ما، ابرار، مقام محترم ریاست جمهوری، جهت استحضار ریاست محترم قوه قضاییه

چند روز، نامه‌ای خصوصی به ریاست محترم جمهوری، در این خصوص نوشتم و از ستمی که بر فرهنگ این دیار می‌رود و آوازه سونی که جمعی برای ایران فراهم می‌آورند، نزد ایشان تظلم بردم.

ثانیاً به فرض که پاسخ به سؤالات منطقی‌اشونگران، به گفته کیهان، به جلسات خصوصی موکول شده باشد، این جواب آن این است که خشونت بورژوازی و اهانت و ارباب پیشه کنند و دست به ضرب و شتم بزنند و از قتل و غیب دم بزنند و این چنان کسانی شایسته تأیید و تشویق و مطبوعات‌اند، تا جریده کیهان برای سرپوش نهادن بر واقعه و بیل توجیه آن، مهاجمان را حاصل پرسش‌های منطقی جلوه دهد و برای آنان چهره علمی بسازد؟

ثالثاً و از این مهم‌تر، جریده کیهان در صدد القای این تهمت است که گویا این جانب به جاسوسی نزد اجانب رفهام و درخواست جلسه سزی و محرمانه برای مذاکره کرده‌ام و از مستولان انجمن سیاست خارجی وزارت خارجه آلمان، و به خصوص شخصی به نام هوبل، منع ورود خبرنگاران را به جلسه سخنرانی خواست‌ام و لذا فقط اعضای رسمی انجمن سیاست خارجی در آن جلسه شرکت کرده‌اند و بحثهایی هم که برای «سیاست‌مداران کهنه‌کار غربی» مطرح کرده‌ام، لاجرم، همه مشکوک و غیر علمی و غیر تحقیقی و وطن‌فروشانه بوده است.

این مدعیات کاذب و بی‌اساس که مخلوق وهم مغرضان است و قابل تعقیب قانونی است، و این جانب هم جداگانه از مدیر مسئول کیهان و مدیر مسئول کیهان هوایی به خاطر نشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر، به مراجع صالحه قانونی شکایت برده‌ام. البته هدفی روشن را تعقیب می‌کند و آن برگرداندن بحثهای فکری و نظری به مجرای اتهامات سیاسی است و نشان می‌دهد که دوران «مقابله‌های ناکام و ظاهراً قلمی و علمی» سپری شده و مخالفان وارد فاز تازه‌ای شده‌اند: فاز تهاجم فیزیکی و تهمت سیاسی. تا بعد از این چه کلینیک اقدام کنند!

باری این جانب نه آقای هوبل را می‌شناسم و نه از ایشان یا هیچ‌کس دیگر درخواست جلسه سزی و محرمانه کرده‌ام و نه در آن جلسه سخنان مشکوک و بودله گرفته‌ام (به گواهی نوار موجود) که اینک از رسوایی آن بهراسم و نه آن نامه صدوهفت شخصیت فرهنگی برای پوشاندن آن ماجرای رسوا (به ادعای کیهان) بوده است و نه اعضاکنندگان آن نامه، دخالتی در تدارک سخنرانی آلمان این جانب داشته‌اند (بار هم به ادعای کیهان) و نه چنان بوده است که فقط «سیاستمداران کهنه‌کار غربی» در آن جلسه حاضر باشند. چرا که پروفیسور آله ماری شیل، مولوی‌شناس بزرگ آلمان، نیز در آن جلسه حاضر بود (علاوه بر استاید دیگر) و وقتی سخنرانی مرا در باب تقابل ارکان فرهنگهای دینی و غیر دینی شنید، به زبان فارسی به من گفت: «چشم به دور» سخنان من در ابتدا حول این محور دور می‌رود که

## استفتای وزیر آموزش و پرورش از مقام رهبری، در مورد لزوم استفاده از چادر

از سوی مقام رهبری در پاسخ به استفتای وزیر آموزش و پرورش، درباره نوع حجاب دختران دانش‌آموز اعلام شد: «الزام به چادر وجهی ندارد».

استفتای وزیر آموزش و پرورش به این شرح است:

«به استحضار می‌رساند که وزارت آموزش و پرورش در سالیهای اخیر، با ابلاغ بخشنامه‌ای، حداقل حجاب دختران دانش‌آموز را بر اساس ضوابط شرعی و فتوای حضرت امام(ره) مشخص نموده است. اخیراً برخی از مناطق کشور استفاده از چادر را برای دانش‌آموزان دختر الزامی نموده‌اند و مسئولان محلی، دانش‌آموزان را برای پوشیدن چادر تحت فشار قرار می‌دهند. خواهشمند است نظر مبارک را در این خصوص امر به ابلاغ فرمایید».

متن پاسخ مقام رهبری به این شرح است:

«شکی نیست که چادر یک پوشش مطلوب است و در میان لباسهای ایرانی بهترین نوع حجاب به شمار می‌رود، ولی شرعاً برای تأمین حجاب واجب بانوان لباس خاصی معین نشده است و الزام به چادر وجهی ندارد».

یادآور می‌شود در حال حاضر چادر برای اکثر مدیران مدارس دخترانه از سوی ادارات مناطق مختلف آموزش و پرورش اجباری قلمداد می‌شود.



همچنین در واحدهایی از دانشگاه آزاد و بعضی ادارات و ارگانها نیز پوشیدن چادر اجباری اعلام شده است.

## صدور اعتبارنامه ۱۵ سازمان غیردولتی از سوی پکن

بنا به آخرین اطلاعات خبرنامه دفتر مهابتگی سازمانهای غیردولتی، فعلاً ۱۵ سازمان غیردولتی ایران از سوی مسئولان کنفرانس پکن معتبر شناخته شده‌اند. این سازمانها عبارتند از:

- ۱- مرکز مطالعات و تحقیقات مسائل زنان؛ ۲- انجمن زنان پژوهشگر مسلمان؛ ۳- دفتر مهابتگی سازمانهای غیردولتی زنان؛ ۴- انجمن مامایی زنان؛ ۵- تعاونی زنان روستایی؛ ۶- جمعیت زنان جمهوری اسلامی؛ ۷- مؤسسه زن ارمنی (هایگین)؛ ۸- مرکز بازاریابی داخلی و بین‌المللی برای تولیدات زنان؛ ۹- جامعه زینب؛ ۱۰- انجمن بانوان و دانشجویان کلیسیا؛ ۱۱- جمعیت شهید بنت‌الهدی؛ ۱۲- بنیاد زینب کبری؛ ۱۳- انجمن زنان زرتشتی؛ ۱۴- مؤسسه اسلامی زنان؛ ۱۵- انجمن همبستگی زنان.

ضمناً در جزوهای که به عنوان گزارش نهایی اولین کنفرانس بین‌المللی «نقش زن و خانواده در توسعه انسانی» از سوی دفتر مهابتگی منتشر شده است، در میان اسامی شرکت‌کنندگان سازمانهای غیردولتی زنان در ایران، نام مجله «زنان» نیز به چشم می‌خورد. ما ضمن تکلیب این خبر یادآور می‌شویم که مجله «زنان»، به عنوان سازمان غیردولتی، به دلیل داشتن پاره‌ای اشکالات به شکل‌گیری و استراتژیهای دفتر مهابتگی سازمانهای غیردولتی، در جلسات کنفرانس مذکور شرکت نداشته است.

## گردهمایی مسئولان جراید کشور

مسئولان جراید کشور در روز نهم مردادماه سال جاری، در محل تعاونی مطبوعات گردهم آمدند. این جلسه به منظور بررسی طرح جدید قانون مطبوعات، با شرکت نشریات عضو تعاونی مطبوعات و

همچنین مسئولان و اعضای کمیسیون فرهنگ و ارشاد اسلامی برپا شد و طی آن دکتر افتخار جهرمی، حقوقدان و مدیرمسئول مجله حقوقی؛ مهندس عباس عبدی، سردبیر روزنامه سلام؛ دکتر غنی‌زاده، مدیرمسئول نشریه افتخارات ملی؛ کاسبیز نوروزی، حقوقدان؛ علیرضا بهروزی‌نیا، حقوقدان؛ علی مزروعی، عضو شورای سردبیری روزنامه سلام؛ اکبر باقریان، روزنامه نگار و مدیرمسئول نشریه ماهان؛ و مهندس سحابی، مدیر مسئول نشریه ایران فردا به ایراد سخنرانی پرداختند.

## تقاضای بازنشستگی زنان کارگر با ۲۰ سال سابقه کار

نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی خواستار تقدیم لایحه‌ای از سوی دولت برای بازنشستگی زنان کارگر با ۲۰ سال سابقه کار شدند.

در پی رد اصلاح قانون تأمین اجتماعی در مورد بازنشستگی زنان کارگر با داشتن ۲۰ سال سابقه کار در مجلس شورای اسلامی، نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی طی ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهور درخواست کردند تا برای قانونی شدن بازنشستگی زنان کارگر با ۲۰ سال سابقه کار، لایحه‌ای از سوی دولت به مجلس داده شود.

## کاهش رشد جمعیت در ایران

بر اساس آمار اعلام شده از طرف وزارت بهداشت، رشد سالانه جمعیت کشور طی هفت سال گذشته از ۳/۹ درصد به ۱/۷ درصد کاهش یافته است که نشانه موفقیت ایران در کنترل جمعیت است.

دکتر «ملک افضلی، معاون امور بهداشتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، به مناسبت روز جهانی جمعیت (بیستم تیر) اعلام کرد: «میزان تولید در سال گذشته یک میلیون و ۴۰۰ هزار نوزاد بوده است که این میزان در شهرها ۲۰/۵ در هزار و در روستاها ۲۵/۵ در هزار است. در سال ۷۳، هر زن شهری در طول دوران بارداری (از ۱۵ تا ۵۰ سالگی) ۲/۷ فرزند و هر زن روستایی نیز ۴/۲ فرزند به دنیا آورده است.»

وی با اشاره به این که علی‌رغم موفقیت چشمگیر ایران در کنترل رشد جمعیت، هنوز استانهایی مانند سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان از رشد جمعیت بالایی برخوردارند، اظهار داشت: «با آن که هم اکنون بیشتر وسایل جلوگیری از بارداری و باروری، به صورت رایگان و از طریق مراکز بهداشتی، در اختیار مردم قرار دارد، شمار زنانی که از این وسایل استفاده می‌کنند، ۵۲ درصد بوده و متأسفانه ۴۰ درصد بارداریها ناخواسته است که باید با کمک مردم و گسترش وسایل پیشگیری، از آن جلوگیری شود.» در این راستا آگاهی مردم مهم‌ترین راه برای موفقیت نهایی کنترل جمعیت است. تا کنون تنها ۱۴ درصد زنان و مردان عمل تویکتومی و وازکتومی (بستن لوله‌ها) را انجام داده‌اند و قرار است مرکزی برای بازگرداندن لوله‌های بسته افتتاح شود تا مشکل کسانی که می‌خواهند به طور موقت لوله‌های خود را ببندند حل شود.

به همین منظور، انجمن تنظیم خانواده که هیأت مؤسس آن تعیین شده به زودی کار خود را به صورت یک سازمان غیردولتی آغاز می‌کند و دانشجویان رشته پزشکی دانشگاههای علوم پزشکی، آبان ماه امسال، در یک بسیج همگانی یک هفته‌ای بعد از دیدن آموزش و با حضور در پایگاههای مختلف، با مردم و به ویژه بانوان در زمینه کنترول خانواده، جلوگیری از باروری و دیگر مسایل بهداشتی مشاوره خواهند کرد. ضمناً از ۱۱ تا ۱۶ مرداد نخستین نمایشگاه جمعیت و تنظیم خانواده با همکاری صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در تهران برگزار خواهد شد که در آن فعالیتهای انجام شده توسط دانشگاههای سراسر کشور، در راستای کنترول و تعدیل جمعیت ارائه خواهد شد.

## افتتاح پیست دوچرخه سواری زنان در پارک چیتگر

در مجموعه فرهنگی - ورزشی چیتگر در غرب تهران، پیست

دوچرخه سواری مخصوص زنان افتتاح شد.

در این مجموعه که زیر نظر شهرداری منطقه پنج تهران است، یک پیست سرعت و استقامت برای تمرینات مردان در نظر گرفته شده و از سه ماه پیش، علی‌رغم مشکلاتی که بر سر راه ورزش زنان قرار دارد، پیست کوچکی به وسعت یک کیلومتر برای دوچرخه سواری بانوان اختصاص یافته است. مسئولان این مجموعه فرهنگی - ورزشی تلاش می‌کنند تا در مناسبتهای مختلف امکان استفاده زنان از پیست وسیع‌تری را، که اکنون در اختیار مردان است، فراهم کنند. عزیزبان، مدیر مجموعه فرهنگی - ورزشی چیتگر، در صحبت با مسئولان ورزش بانوان مناطق بیست‌گانه شهرداری، از آنان خواست تا در جهت همگانی کردن ورزش دوچرخه سواری بانوان فعالیت گسترده‌تری داشته باشند. وی همچنین گفت که زنان مسئول ورزش هر منطقه شهرداری می‌توانند، با هماهنگیهای لازم، سه روز در هفته از پیست دوچرخه سواری استفاده کنند و قول مساعد داد که زنان از تخفیف ویژه نیز برخوردار شوند.

## برگزاری کنگره نقش زن در علم و صنعت و توسعه



نخستین کنگره نقش زن در علم و صنعت و توسعه به مدت دو روز، هفتم و هشتم خردادماه، در تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار شد و در کنار آن، نمایشگاهی از دستاوردها و فعالیتهای علمی - پژوهشی زنان، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران برپا شد.

مریم بختیار، دبیر کنگره، مهمترین

هدف برگزاری این کنگره را ارزیابی وضعیت زنان کشور در عرصه‌های علم و توسعه و صنعت و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای زنان در این حوزه‌ها اعلام کرد.

در این کنگره دو روزه، ۲۰ مقاله ارائه شد که عناوین برخی از آنها عبارتند از: بررسی نقش زنان در اهداف و سیاستهای آموزشی و برنامه‌های توسعه کشور؛ تبعیضات شغلی میان زنان و مردان؛ بررسی وضعیت زنان دانشگاهی در رشته‌های علوم پایه و فنی مهندسی؛ نقش زن در تحقیقات؛ زن هویت ملی؛ سیاستهای توسعه فرهنگی و برنامه پنجساله دوم؛ وضعیت اشتغال زنان در ایران؛ نقش زنان در برنامه‌های توسعه اقتصادی و تکنولوژی در ایران و مقایسه با سایر کشورها و ایجاد انگیزش فرهنگ علمی در زنان کشور.

مهندس نعمت‌زاده، وزیر صنایع در مراسم افتتاح این کنگره گفت: «سه چهارم محصولات غذایی کشور توسط زنان تولید می‌شود در صورتی که این حضور در آمار رسمی مشاهده نشده است.»

فیروزه صابری، سرپرست مرکز آموزش سازمان مدیریت صنعتی، در مقاله بررسی نقش زنان در اهداف و سیاستهای آموزشی برنامه‌های توسعه کشور گفت: «به طور کلی با توجه به اینکه ۴۸/۴ درصد کل جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند و ضمن عنایت به روند رو به رشد نقش زنان در نظام آموزشی کشور، خصوصاً طی سالهای اخیر، همچنان آمار و ارقام تفاوت‌گزافی را میان تعداد زنان و مردان با سواد، دانش‌آموز، دانشجو و فارغ‌التحصیل دانشگاهی و کادر آموزشی در حد مقطع تحصیلی نشان می‌دهد.»

دکتر خدیجه سفیری، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء، در زمینه تبعیضات شغلی میان مردان و زنان گفت: «پیشداوریهایی که تأثیرپذیر از نظام ارزشی یک جامعه است باعث تبعیض شغلی میان زنان و مردان شده‌است اما طبق بررسی انجام گرفته بر روی ۵۰ سازمان، مؤسسه و کارخانه (در سطح شهر تهران) نشان داده شده که مدیران سطوح بالای سازمانها بر تعهد و

انضباط کاری و وظیفه‌شناسی زنان بیش از مردان تأکید داشتند در حالی که در انتخاب افراد در رده‌های شغلی بالاتر، میان زنان و مردان با تحصیلات و تجربه مساوی، مردان را ترجیح می‌دادند.»

نمایشگاه که با هدف ارائه دستاوردها و فعالیتهای علمی - تحقیقاتی زنان کشور، در زمینه‌های علوم، تکنولوژی و صنعت از تاریخ ۷ الی ۱۳ خردادماه برگزار شده‌بود شامل بخشهای مختلفی از جمله کتاب، مقالات، تألیفات، پایان‌نامه‌ها، طرحها و تجهیزات تحقیقاتی زنان بود. در این نمایشگاه حدود ۱۱۰ مرکز دانشگاهی، تحقیقاتی و صنعتی حضور داشتند. در این نمایشگاه ۶۰ غرفه وجود داشت که متعلق به مرکز تحقیقات تهیه و اصلاح بذر و نهال، وزارت نیرو، انستیتوپاستور، مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیولوژیک دانشگاه تهران، جهاد سازندگی، آموزش و پرورش و زنان متخصص بود. یکی از این غرفه‌ها متعلق به مهندس احلام دانشمند، مدیرعامل کارخانه شیمی اصفهان بود. وی تنها تولیدکننده مواد اولیه شیمیایی است که برای تولید مواد منفجره به کار می‌رود. او که اولین فرد ایرانی است که طراحی ساختمان و آماده‌سازی ماشین‌آلات کارخانه را به تنهایی انجام داده‌است، می‌گوید: «زنان فعالیتهای علمی بسیار مثبتی دارند که متأسفانه در هیچ جایی مطرح نمی‌شود و برپایی این نمایشگاهها می‌تواند دید جامعه را نسبت به زنان و فعالیتهای آنان تغییر دهد.»

## موفقیت دانش‌آموزان ایرانی در المپیادهای علمی جهان

دانش‌آموزان ایرانی با شرکت در المپیاد فیزیک و المپیاد انفورماتیک افتخار آفرینند.

پریسا فلاحي مروست، دانش‌آموز دبیرستان فرزندگان همین اصفهان، در المپیاد بین‌المللی فیزیک که در کانبرای استرالیا برگزار شد موفق به کسب مدال نقره شد. وی خانواده را مشوق اصلی خود در این راه می‌داند. ایران از میان ۵۱ کشور،

بعد از چین و آمریکا مقام سوم را در این مسابقه به دست آورد.

لازم به ذکر است یاسر گراچیان از دبیرستان شهید هاشمی‌نژاد مشهد، و علیرضا خلیلی از دبیرستان عدوی تهران، موفق به کسب مدال طلا و وحید شاهرزایی دانش‌آموز دبیرستان مفید تهران، و امیرحسین پورموسی از دبیرستان میرزا کوچک‌خان رشت نیز موفق به کسب مدالهای نقره شدند.

رویا بهشتی‌زواره نیز در هفتمین المپیاد بین‌المللی انفورماتیک که در شهر ایندهوفن هلند با شرکت ۲۱۰ دانش‌آموز از ۵۲ کشور برگزار شد، مدال برنز دریافت کرد. این دانش‌آموز تیرماه ۷۳ نیز با شرکت در المپیاد ریاضی هنگ‌کنگ موفق به کسب مدال نقره شده‌بود.

دیگر دانش‌آموزانی که در المپیاد انفورماتیک اسامال موفق به کسب مدال شدند عبارتند از: پورنادر و مهران‌مهر (مدال نقره) و بابک فرزاد و کامران یاور (مدال برنز)

در المپیاد جهانی ریاضی شهر تورنتو کانادا، مریم میرزاخانی از دبیرستان فرزندگان تهران و رضا صادقی از دبیرستان هاشمی‌نژاد مشهد موفق به کسب مدال طلا شدند. در این مسابقات محمد جوهری از دبیرستان غفاری کانیاران، حسین زبوری از دبیرستان امام صادق تهران و کیوان ملاحی کارای از دبیرستان علامه حلی تهران مدال نقره و محمدعلی ابام از دبیرستان رشد تهران نیز موفق به کسب مدال برنز شدند.

در این مسابقات دانش‌آموزان ایرانی مقام هشتم ریاضی جهان و مقام اول هندسه را برای کشور خود به ارمغان آوردند.

لازم به ذکر است که در المپیاد شیمی جهان نیز دانش‌آموزان ایرانی موفق به کسب مقام اول جهان شدند.

## کشف غار توسط کوهنوردان زن ایرانی

اخیراً چندین کوهنورد زن از اعضای تیم فدراسیون کوهنوردی زنان، غاری را در استان فارس کشف کرده‌اند.

هشت زن کوهنورد در صعود در

روزه خود به کوههای منطقه مازوجان بوانات در استان فارس موفق به کشف غاری شدند که تا عمق ۱۲۰ متری در رشته‌کوههای قبله نفوذ دارد.

## دومین المپیاد ورزشی دانشجویان



دومین المپیاد ورزشی دانشجویان دختر و پسر دانشگاههای سراسر کشور از هشتم تا ۱۸ مردادماه اسامال در اصفهان برگزار می‌شود.

این المپیاد با شرکت ۲۲۰ تیم در ۱۱ رشته ورزشی در بخش دختران و با اهداف استمرار نهضت تربیت ورزش دانشجویان، به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی ورزش دانشگاهها و پرریار کردن اوقات فراغت، حفظ نشاط، سلامت جسمانی، کمک به تحرک و پرورایی دانشجویان برگزار می‌شود.

دانشجویان دختر در ۱۱ رشته والیبال، ژیمناستیک، شنا، شطرنج، دو و میدانی، بدمینتون، کاراته، آمادگی جسمانی، تنیس روی میز، هندبال و بسکتبال مسابقه می‌دهند.

آمار و ارقام کمی نشان دهنده افزایش تعداد ورزشکاران به ویژه دانشجویان دختر به میزان ۱۵ درصد نسبت به المپیاد گذشته است.

برای پر کردن اوقات فراغت و فعالیتهای فرهنگی دانشجویان برنامه‌های بازدید از آثار باستانی اصفهان و مراکز صنعتی این شهر و اقدامات فرهنگی دیگر در نظر گرفته شده‌است. مراسم افتتاحیه دوره دوم المپیاد روز یکشنبه، هشتم مردادماه، در سالن پیروزی اصفهان برگزار خواهد شد.

## آموزش گلف به بانوان

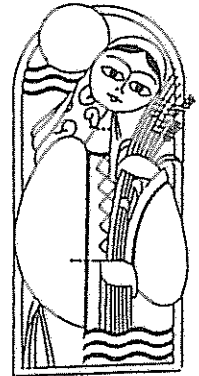
هیأت گلف بانوان که از ۲۶ تیرماه تأسیس شده‌است در نظر دارد یک دوره کلاس آموزشی برای علاقه‌مندان برگزار کند.

این هیأت هنوز برنامه دقیق خود را اعلام نکرده‌است اما زنان



علاقه‌مند می‌توانند برای شرکت در کلاس فوق به دفتر معاونت ورزش بانوان استان مراجعه کنند.

## انتشار خبرنامه دفتر ترویج فعالیت‌های زنان روستایی



دفتر ترویج فعالیت‌های زنان روستایی زیر نظر وزارت کشاورزی اولین خبرنامه خود را منتشر کرد.

این خبرنامه که در حال حاضر به صورت تک ورق منتشر شده است، قرار است به صورت ماهانه در اختیار مخاطبان قرار گیرد. مخاطبان نشریه کارشناسان و کارکنانی هستند که در اقصی نقاط کشور در قالب تشکیلات مربوط به این دفتر یا هر تشکیلات دولتی و غیردولتی دیگر در زمینه آموزش زنان روستایی و افزایش درآمد آنان به خدمت اشتغال دارند.

هدف از انتشار این خبرنامه، تبادل اطلاعات میان این مجموعه و سازمان‌های مختلف زنان روستایی اعلام شده است.

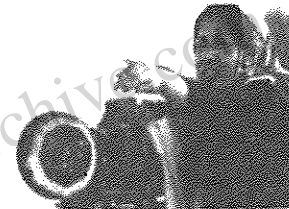
## شورای کتاب کودک و برنامه سال جدید

شورای کتاب کودک در گردهمایی شنبه ۲۳ اردیبهشت در کتابخانه عمومی حسینیه ارشاد برنامه سال جدید خود و گزارش سفرهای خارج را ارائه داد.

در این جلسه که با حضور بیش از ۴۰۰ نفر از علاقه‌مندان برگزار شد، شورا برنامه‌های سال جدید خود را بدین شرح اعلام کرد: فرهنگنامه، چهره دختر بچه‌ها، کتاب گویا، کارگاه تصویر، حقوق فرهنگی کودک و کتاب مرجع.

بخش دیگر این گردهمایی به گزارش سفرهای آلمان، ایتالیا و مالزی اختصاص داشت. سارا ایروانی، گزارش کتابخانه بین‌المللی کودکان در مونیخ و نمایشگاه بین‌المللی کتاب کودک در بولونیا را ارائه داد. نوش آفرین انصاری، دبیر شورای کتاب کودک نیز از سفر خود به مالزی گزارش داد. بخش اعظم صحبت وی به گزارش وضع ناپیایان مالزی و تولید کتاب برای آنان اختصاص داشت.

## مروری بر آثار رخشان بنی‌اعتماد در جشنواره «سینمای جوان» ایتالیا



برای نخستین بار، یک جشنواره جهانی، با برگزاری برنامه مروری بر آثار یک فیلمساز زن ایرانی، از وی تجلیل می‌کند.

در سیزدهمین جشنواره بین‌المللی سینمای جوان که از ۱۹ تا ۲۷ آبان ۷۴ در شهر تورین ایتالیا برگزار می‌شود، پنج فیلم بلند رخشان بنی‌اعتماد، فیلمساز معتبر سینمای ایران، در بخش ویژه‌ای به نمایش درخواهد آمد: خلیج از محدوده (۱۳۶۸)، زده قناری (۱۳۶۹)، پون خارجی (۱۳۷۰)، نوگی (۱۳۷۱) و دوسری آبی (۱۳۷۳).

رخشان بنی‌اعتماد با حضور در این جشنواره علاوه بر شرکت در جلسات نمایش فیلمهایش و گفتگوهای مطبوعاتی، به عنوان یکی از اعضای هیأت داوران بین‌المللی، به قضاوت درباره فیلمهای بخش مسابقه این جشنواره خواهد پرداخت. دوسری آبی، آخرین فیلم بنی‌اعتماد در بخش مسابقه جشنواره لوکارنو نیز که از ۱۲ تا ۲۲ مرداد امسال در سوئیس برگزار می‌شود، شرکت خواهد کرد.

## مروری بر آثار فیلمسازان زن ایرانی در جشنواره لوکارنو

جشنواره لوکارنو (سوئیس) در چهل و هشتمین دوره‌اش که از ۱۲ تا ۲۲ مرداد امسال برگزار می‌شود، یکی از بخشهایش را به زنان فیلمساز ایرانی اختصاص داده است.

این جشنواره، که یکی از پربافت‌ترین جشنواره‌های سینمایی اروپا و جهان است، به مناسبت صدسالگی سینما برنامه‌های گسترده‌ای ترتیب داده است و سینمای ایران در آن حضور پرباری دارد.

در بخش «زنان فیلمساز ایران» شش فیلم به نمایش درمی‌آید و نکته جالب، حضور مستند کوتاه و سیاه و سفید فروغ فرخزاد با عنوان خانه سیاه است، (۱۳۴۲) است. فیلمهای دیگر عبارتند از رابطه (۱۳۶۵) و زمان از دست رفته (۱۳۶۹) از پوران درخشنده، زده قناری و نوگی از رخشان بنی‌اعتماد، و افسانه آه (۱۳۷۰) از تهینه میلانی.

در بخش مسابقه این جشنواره معتبر، فیلم دوسری آبی ساخته رخشان بنی‌اعتماد نیز پذیرفته شده است همچنین ابراهیم فروزش، که سال گذشته فیلمش به نام خمیره جایزه اول همین جشنواره را گرفته‌بود، عضو هیأت داوران بین‌المللی در این دوره جشنواره است. یادکنک سفید ساخته جعفر پناهی که اخیراً دوربین طلایی جشنواره کن را گرفت، جزو فیلمهای انتخابی لوکارنو برای نمایش در سینمای رویار میدان بزرگ شهر لوکارنو (بیاتزا گراند) است. همچنین نسخه سه ساعته فیلم سلام، سینما ساخته محسن مخملباف و مستندی درباره بندر نیس فرانسه ساخته پرویز کیمیاوی در بخشهای دیگر جشنواره لوکارنو به نمایش درمی‌آید. علاوه بر همه اینها، بخشی از جشنواره به مرور کاملی بر آثار کوتاه و بلند عباس کیارستمی اختصاص یافته است.

## یک کارگردان زن دیگر

ویدا شهستانی، تازه‌ترین کارگردان



زن سینمای ایران است. فیلم اول وی، غنچه‌های باغ پردیس، هر چند یک کار ویدیویی است، اما به هر حال یک فیلم بلند است که در مناسبات حرفه‌ای ساخته شده است.

این فیلم توسط تعاونی فرهنگی - هنری خانه، برای تلویزیون و سازمان یونسف، به مناسبت روز جهانی کودک (یازدهم خرداد) ساخته شده و درباره زن جوانی به نام آتیه است که تصمیم می‌گیرد کودکان بی سرپرست را برای مراسمی در روز جهانی کودک آماده کند. او برای نگهداری کودکان از همسر روزنامه‌نگارش کمک می‌خواهد، همسرش ابتدا همکاری می‌کند اما به زودی خسته می‌شود.

شهستانی که دانشجوی رشته کارگردانی سینماست، سابقه فعالیت‌های تلویزیونی هم دارد و غنچه‌های باغ پردیس نخستین کار اوست. وی علاوه بر کارگردانی این فیلم، بر اساس فیلمنامه‌ای از بابک صفوت، طراح صحنه آن نیز بوده است. مدیر تصویربرداری غنچه‌های باغ پردیس، مهدی بمانی است و بازیگرانش آتیه فقیه‌نصیری، محمد الهی، رویا امامی، پروین سلیمانی، مهری ودادیان و بازیگران خردسال حنا و دانیال صفوت هستند.

## گتیه، اولین مستند مخملباف

گتیه، فیلم تازه محسن مخملباف، یک مستند - داستانی قوم‌نگاری و مردم‌شناسی است که آن را با

حمایت سازمان صنایع دستی ایران ساخته است.

طرح اولیه این فیلم براساس ساختن مستندی درباره قدیمیترین نوع قالی ایرانی - که همین نام را دارد - شکل گرفت و در طول نوشتن فیلمنامه، یک خط داستانی نیز به آن افزوده شد. گپه، نوعی قالی بدون نقشه است که مردان و زنان عشایر فارس و جنوب ایران با الهام گرفتن از طبیعت و زندگی پیرامون، و بر اساس



ذهنیت و احساس خویش می‌یافتند. گپه، که زنان ایل‌نشین نقش مهمی در مراحل مختلف تهیه مواد اولیه و بافت آن دارند، طی سالهای اخیر، که صادرات قالی قالی ایران در میدان رقابت با قالیهای مشابه دچار رکود شده، به دلیل بکر و بی‌مشابه بودن، با استقبال بسیار بازارهای خارجی روبه‌رو شده است.

این فیلم، شرح بافته‌شدن یک گپه در طول کوچ بهاره یک ایل، با تمرکز بر روی زندگی یک خانواده و حضور یک معلم و شاعر پیر روستایی است که از او به عنوان احیا کننده رنگرزی سنتی نام می‌برند. گپه را محمود کلاری فیلمبرداری کرده و مخملباف علاوه بر فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی، تدوینگری و صداگذاری آن را نیز برعهده دارد.

### ◀ اخبار تکان‌دهنده درباره «زنان» بوسنیایی نیروهای امدادرسانی خبرهای



تکان‌دهنده‌ای از تجاوز صربها به زنان مسلمان و ناپدید شدن همسران پناهندگان می‌دهند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از زاگرب، یک پزشک زنان که نامش را فاش نمی‌کند، در تماس تلفنی با این خبرگزاری از فرودگاه توزلا گفت: زنها در اینجا نمی‌دانند شوهران، فرزندان و برادرانشان کجا هستند. این پزشک گفته است: خود من دختر جوانی را که مرده تسجاولز قرار گرفته بود مذاوا کردم. او به من گفت: زنان جوان دیگری را دیده‌ام که دچار همین سرنوشت شده‌بودند اما آنان از ستون پناهندگانی که به سوی منطقه تحت کنترل مسلمانان در حال حرکت بودند، ناپدید شدند.

وی گفت: زنی در فرودگاه خود را حلق آویز کرده و زن دیگری دست به خودکشی زده است. پزشک مزبور می‌افزاید: زنها در ناامیدی و شک به سر می‌برند و همواره در حال آرام کردن کودکانشان هستند، گاه نیز کودکان مشغول دل‌داری دادن به مادران گریانشان هستند.

مقام‌های سازمان ملل در توزلا گفته‌اند که سرگرم جمع‌آوری مدرک از آوارگان علیه صربهای متهم به ارتکاب جنایات جنگی هستند. این در حالی است که آوارگان شهرهای امن اعلام شده چشم به کمک فوری سازمان ملل برای نجات از حملات بی‌دری صربها دوخته‌اند.

یک روزنامه آتریشی از تیانسی نیروهای حافظ صلح سازمان ملل با صربها در سربرنیتسا پرده برداشت: صربها با استفاده از لباسهای متحدالشکل سربازان پاسدار صلح سازمان ملل، مخفیگاه مسلمانان را در جنگلها پیدا کرده و سپس آنها را به قتل می‌رسانند.

بیمارستان هلال‌احمر ایران در سارایوو، پایتخت بوسنی، آغاز به کار کرد. ایران کمکهای امدادی و غذایی در اختیار مردم آواره سربرنیتسا و ژیا قرار می‌دهد.

### ◀ خبرهایی از چهارمین کنفرانس جهانی زن زنان جهان در انتظار برگزاری چهارمین کنفرانس جهانی زن هستند

که قرار است از چهار تا ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۵ (شهریورماه امسال) در پکن، پایتخت چین، برگزار شود و در این راستا مدام خبرهایی از این و آن سو به گوش می‌رسد:

پکن اعلام کرده‌است که حدود چهار هزار خبرنگار از کشورهای مختلف جهان در این کنفرانس شرکت می‌کنند. به نوشته روزنامه «مردم» برای پوشش خبری و گزارش این کنفرانس بزرگ که با شرکت بیش از سی هزار نماینده زن از سراسر جهان برگزار می‌شود، اخیراً بخش ویژه‌ای زیر نظر کمیسیون تبلیغات دولت چین تأسیس شده‌است.

احمد کمال، رئیس شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل گفت: «حکم پذیرش و اعتبارنامه ۷۴۱ انجمن و اتحادیه برای شرکت در کنفرانس مذکور صادر شده‌است.»

به گفته وزیر امور خارجه چین، کنفرانس در مکانی به نام «هوارو» برگزار می‌شود که یک ساعت با پکن فاصله دارد. گفته می‌شود که دست‌اندرکاران امریکایی کنفرانس در مورد محل برگزاری آن با مقامات چینی اختلاف نظر داشته‌اند، اما مقامات چینی این محل را به دلیل امکانات مناسبی که برای برگزاری اجتماعات بین‌المللی دارد، مناسب تشخیص داده‌اند.

خبرهایی از واتیکان حاکی است پاپ ژان پل دوم، با تأکید بر اینکه زنان باید از حقوق برابر برخوردار باشند، گفته‌است: «کلیسای کاتولیک روم مخالف سرسخت اعمال ظلم و تبعیض جنسی بر زنان بوده‌است و چهارمین کنفرانس جهانی زن نیز باید حافظ این حقوق باشد.»

یکی از سازمانهای قدرتمند حقوق زنان در سوئد نیز به دلیل جدا بودن جلسات هیاتهای دولتی از گروههای غیردولتی، شرکت در این کنفرانس را تحریم کرده‌است.

زنان ۱۴ کشور عربی نیز در اجلاس سه روزه تدارک برای کنفرانس پکن در هتلتی در بیروت گردهم آمدند. در این کنفرانس «دادگاه زنان» با هدف افشای اعمال خشونت آمیز مردان علیه زنان در دنیای عرب برپا شد. در این دادگاه زنانی که از کشورهای خلیج فارس، خاورمیانه و شمال افریقا آمدند شواهدی ذال بر اعمال خشونتهای سیاسی، اجتماعی و بدنی بر زنان، برای گزارش به سازمان ملل ارائه کردند.

### ◀ اولین زن مدیرعامل تلویزیون پاکستان

رانا شیخ، اولین زنی است که به عنوان مدیرعامل تلویزیون پاکستان منصوب شده‌است.

وی، که همسر قائم مقام وزیر امور خارجه پاکستان است، سابقاً به مدت ۲۰ سال به عنوان تهیه‌کننده برنامه‌های تلویزیونی با تلویزیون پاکستان همکاری داشت، اما به دلیل سفرهای کاری شوهرش مدت‌ها این همکاری متوقف شده بود. اکنون، او با سمت مدیرعامل تلویزیون، فعالیت خود را از سر می‌گیرد.

### ◀ افزایش قاچاق زنان در غرب

در کشورهای ثروتمند غرب و به‌ویژه در مناطقی که زنان مهاجر اروپای مرکزی و شرقی، بیشتر ساکن هستند، قاچاق زنان به مسنظور سوعاستفاده‌های جنسی بسیار شایع است.

به گزارش سازمان جهانی مهاجرت، قاچاقچیان معمولاً در بدو ورود مسافران زن، پاسپورتهای آنها را می‌گیرند و بعد از تهلیل و اخاذی، آنها را وادار به انجام مقاصد شخصی خود می‌کنند. بسیاری از زنان با آنکه می‌دانند در مشاغلی مانند کار در کاباره‌ها، پیشخدمتی و نظافتچی‌گری روابط سوء جنسی نیز در میان است، به این کار تن می‌دهند و ۹۵ درصد آنها دیگر نمی‌توانند به زندگی سالم گذشته خود بازگردند. بر اساس مطالعات انجام شده طی سال ۱۹۹۴، در کشور هلند ۱۵۵ زن بین سنین ۱۵ تا ۱۸ سالگی با همین مقاصد قاچاق شده‌اند که از این تعداد، در سوم اهل اروپای مرکزی و شرقی به‌ویژه جمهوری چک، هلند، اوکراین و روسیه بوده و بقیه را زنهای کشورهای در حال توسعه از قبیل تایلند، جمهوری دومینک و موروکو تشکیل داده‌اند.

### ◀ برگزاری اولین کنفرانس نمایندگان زن مجلس در پاکستان

اوایل مردادماه جاری، پاکستان

پذیرای میهمانان اولین کنفرانس نمایندگان زن مجلس از بیش از ۳۰ کشور اسلامی خواهد بود.

در این کنفرانس قرار است نخست‌وزیران: بی‌نظیر بوتو از پاکستان، خالده ضیا از بنگلادش و تانسو چیللر از ترکیه سخنرانی کنند.

هدف از برگزاری این اجتماع سه روزه دعوت از زنان نماینده کشورهای اسلامی برای مشارکت بیشتر در کلیه امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. در این کنفرانس هیأت‌های سه نفره‌ای از کشورهای زیر دعوت شده‌اند:

آلبانی، الجزایر، آذربایجان، بنگلادش، بنین، بوسنی، بورکینافاسو، کامرون، چاد، گابن، گینه بیسائو، ایران، عراق، اندونزی، اردن، لبنان، لیبی، مغرب، مالدیو، مالزی، مالی، نیجریه، عمان، فلسطین، سینگاپ، سودان، سوریه، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان، اوگاندا و یمن.

## برگزاری کنفرانس «مدیران زن در صحنه تجارت بین‌الملل»

مشاوران امور خاورمیانه در لندن، در تدارک برپایی کنفرانس «مدیران زن در صحنه تجارت بین‌الملل» هستند که قرار است به منظور ایجاد پل ارتباطی میان خاورمیانه، شمال آمریکا و اروپا، در روزهای دهم و یازدهم مهرماه اسفند برگزار شود. در گردشمایی تاجران و مدیران اجرایی ارشد زن از این سه منطقه، با طرح امکانات مشترک و روند اقتصاد جهانی، راه‌های توسعه بازارهای بین‌المللی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

عناوین مورد بحث در کنفرانس عبارتند از: همکاری‌های شبکه‌ای، تصویب توافق‌نامه‌های استراتژیک برای زنان، بررسی روند تجارت بین‌المللی، امکانات خصوصی‌سازی، مشاغل، کار با مشتریان جهانی، طرح گرفتاری‌های زنان در تجارت و معرفی گروهی که زنان را در توسعه تجارت‌های کوچک خود راه یافتن به بازارهای جهانی یاری می‌کنند. این کنفرانس برای زنان تاجر ایرانی، که به طور مداوم به امر صادرات و واردات مشغول‌اند و مایل به نفوذ در بازارهای جهانی و ایجاد شبکه کاری در اروپا، خاورمیانه و شمال آمریکا هستند، فرصت مناسبی است.

لازم به ذکر است حتی زنانی که علاقه‌مند به امر صادرات هستند می‌توانند در این کنفرانس شرکت کنند.

## اعتصاب

**روزنامه‌نگاران پاکستانی** دولت پاکستان برای مخفی نگه داشتن خشونت‌ها و ناآرامی‌های سیاسی و قومی کراچی انتشار ۱۲۲ نشریه ایالت سند را غیرقانونی اعلام و امتیاز شش روزنامه اردو زبان کراچی را لغو کرد.

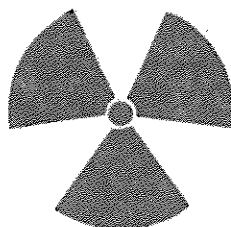
روزنامه‌نگاران پاکستانی نیز در اعتراض به این حرکت، دولت پاکستان را تهدید به اعتصاب کردند و اعلام داشتند که همزمان با برپایی راهپیمایی‌های اعتراض آمیز در شهرهای بزرگ، هیچ‌کدام دست به انتشار نشریه نخواهند زد. دولت ایالت سند پاکستان علت ممنوعیت انتشار شش روزنامه عصر کراچی را «درج اخبار محرک و اعلام ارقام غیرواقعی از حوادث کراچی» عنوان کرده بود.

در پی اعتراضی گسترده روزنامه‌نگاران پاکستان، دولت پاکستان ناچار به لغو ممنوعیت انتشار شش روزنامه کراچی شد و روزنامه‌نگاران نیز برنامه اعتصاب خود را لغو کردند.

به دنبال این مصالحه «نهضت قومی مهاجر» که مدافع منافع و مطالبات مسلمانان هندی‌تبار کراچی است، به منظور یافتن راه‌حل مسالمت‌آمیز برای بحران کراچی، آمادگی خود را برای مذاکره با دولت پاکستان اعلام کرد.

## زنان آسیایی تبار، قربانیان تحقیقات رادیواکتیو انگلستان

به گزارش خیرگزاری جمهوری اسلامی دانشندان انگلیسی در دهه



۱۹۶۰ برای انجام تحقیقات خود پیرامون اثرات مواد رادیواکتیو، از زنان آسیایی تبار استفاده می‌کرده‌اند. انجام این آزمایشها که در منطقه کاوتتری انگلستان، بر روی ۲۰ زن آسیایی تبار و بدون اطلاع آنها صورت می‌گرفته، توسط یکی از کانالهای تلویزیون غیردولتی انگلستان افشا شده‌است. در این آزمایشها روزانه نوعی نان محتوی مواد رادیواکتیو در اختیار این زنان قرار می‌دادند و محققان مؤسسه دولتی «شورای پزشکی بریتانیا» تغییرات ناشی از خوردن این نان را بررسی می‌کردند. یکی از مسئولان «شورای پزشکی بریتانیا» در برنامه تلویزیونی «تشنعات مرگبار» که از کانال چهار تلویزیون غیردولتی انگلستان پخش شد، ادعا کرد که محرمانه بودن این گونه برنامه‌های تحقیقاتی در آن زمان، امری معمول بوده‌است.

## مادر امریکایی، قاتل فرزندان



به نقل از شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی، سوزان اسمیت، دو پسر خود را در دریاچه‌ای غرق کرد.

ری که ۲۳ سال دارد، سال گذشته با مراجعه به پلیس ادعا کرد که «مرد سیاهپوستی فرزندان او را ربوده اما بعد از نه روز بازجویی اعتراف کرد که مایکل سه ساله و آلکس ۱۴ ماهه‌اش را به صدلی عقب اتومبیل بسته و بعد از قتل کردن درها، آنها را

به قمر دریاچه انداخته‌است. اعتراف وی که در جامعه آمریکا انزجار و ناباوری شدیدی را برانگیخت به انگیزه ازدواج او با مردی بوده که فرزندان او را نمی‌پذیرفته است.

دیوید بروک، وکیل او که معتقد است زندگی بر از خیانت و تنهایی، سوزان را به یک قربانی تباه شده جنسی مبدل کرده‌است، نوامبر گذشته خواستار تجلیدنظر دادگاه در صدور حکم مرگ وی شدیدی.

پدر سوزان در کودکی خودکشی کرده‌بود و سوزان به دنبال این بحران روحی و ازدواج مجدد مادرش، در شش سالگی اقدام به خودکشی نمود.

به گفته سوزان، ناپدری وی از ۱۵ سالگی او را مورد تجاوز قرار می‌داده و مادرش نیز به خاطر دوام زندگی جسلبندش جسلبندی این سوءاستفاده‌ها را نمی‌گرفته‌است. وی مجدداً در ۱۳ و ۱۷ سالگی دست به خودکشی زده و مدتی در بیمارستان بستری بوده‌است. بعد از آنکه با دیوید اسمیت آشنا می‌شود، او را دوست خوبی یافته و در ۱۹ سالگی با داشتن یک جنین دوماهه با او ازدواج می‌کند. دوستان آنها گفته‌اند این زوج وضع ثابتی در زندگی مشترکشان نداشتند. دیوید ماجرای زندگی مشترکش با سوزان را در کتابی تحت عنوان زندگی با سوزان اسمیت گردآورده و اکنون آماده ناپ است.

سوزان در سال ۱۹۹۳ که در حال جدا شدن از دیوید بود، با نیندلی، پسر ۲۷ ساله رئیس کارخانه‌اش آشنا شد. اما بعد از مدتی رابطه، فینلی که نمی‌خواست مسئولیت فرزندان سوزان را به عهده بگیرد او را ترک کرد و سوزان به او گفت که به خاطر او از دیوید جدا خواهد شد. در نتیجه دیوید، سوزان را تهدید به فاش رازهایش کرد و به دنبال این تهدید سوزان مرتکب قتل دو فرزندش شد. وی در اعتراف خود اعلام کرده‌است که هرگز در تمام عمرش این قدر تنها و غمزه نبوده‌است.

اسمیت اکنون به حبس ابد، بدون آزادی مشروط تا حداقل ۳۰ سال، محکوم شده‌است.



# بابچه‌های مشتاق تعطیلا

بهره‌وری از اوقات فراغت یکی از جدیترین بحثهای جامعه ماست، خصوصاً در مورد میلیونها کودک و نوجوان و جوانی که از فرط بی‌برنامگی به تماشاگر سست و لمیده برنامه‌های تلویزیون بدل شده و یا نیروی سرشارشان به کوچه‌ها سرازیر می‌شود. با شروع تابستان انباشته از اوقات فراغت، بار دیگر ضرورت برنامه‌ریزی برای فرزندان خانواده مطرح می‌شود چرا که در ساده‌ترین نتایج عدم بهره‌وری، وجود مادر خانه‌دار و بچه‌های سرشار از انرژی و بیکار و بی‌برنامه، موجب درگیریهای مکرر بر سر شیطنتها و امرونی‌هایی می‌شود که به سرعت می‌توانند به پرخاشگری و ناسازگاریهای جدیتری بدل شود.

از سویی درسهای فشرده مدرسه، امتحانات مکرر، تبعیت از نظم و مقررات سخت مدرسه و فشار والدین، معمولاً دانش‌آموزان را چنان خسته و دلزده می‌کند که به نحوی با هر نوع نظم و برنامه‌ریزی عناد می‌ورزند، از سوی دیگر بچه‌ها مشتاق تابستان هستند و باید الگوهای نظم و یادگیری مدارس در تابستان به نحوی دنبال شود تا عاداتهای رفتاری و ذهنی مثبت آنان از بین نرود. پس چه باید کرد؟

تابستان فصل استراحت، کسب آراغش و کاهش اضطراب و شتاب بیهوده است. در چنین دورانی، به ویژه توجه به سه محور اساسی ضروری می‌نماید: (۱) ایجاد ارتباط صمیمانه؛ (۲) استراحت و آسایش؛ (۳)

پرورش استعدادهایی که در مدرسه فرصت و امکان بروز نیافته‌اند.

والدین باید سعی کنند در تابستان چنان فضای متفاوتی با دوران مدرسه برای فرزندان بیافرینند که اول مهر برای آنها شروعی دوباره محسوب شود و با اشتیاق به استقبال مدرسه بشتابند. توجه به نکات زیر می‌تواند برای والدین در ایجاد چنین فضایی راه‌گشا باشد:

همه انسانها، و به‌ویژه جوانان و نوجوانان، به آزادی و تجربه استقلال فکری و رفتاری نیازمندند. از آنجا که دانش‌آموزان دبستانی، راهنمایی و دبیرستانی، و همچنین



## ● بچه‌ها را با برنامه‌های مختلف و

پشت‌سرهم خسته نکنید.

نباید تابستان را با مجموعه‌ای

از برنامه‌ها و کلاسهای مختلف،

چنان پر کنید که آنها اول مهر،

خسته‌تر از اول تیرماه،

دوباره سرکلاس حاضر شوند.

دختران و پسران علائق متنوعی دارند که باید در برنامه‌ریزی به آنها توجه داشت، بد نیست اگر شما هم، تا حد امکان، برنامه‌ریزی‌گذاران اوقات فراغت بچه‌ها را به عهده خودشان بگذارید.

ارتباط صمیمانه با بچه‌ها، در هر سنی که باشند، بسیار ضروری است. در طول سال تحصیلی، دلهرة انجام تکالیف مدرسه، آمادگی برای امتحانات و مراقبتها و گوشه‌های مکرر والدین، به ایجاد ارتباط صمیمانه بین والدین و فرزندان آسیب می‌رساند. متأسفانه بسیاری از والدین تصور می‌کنند که بچه‌هایشان را خیلی خوب می‌شناسند و از تمام روحیات آنها باخبرند. اما بسیاری از آنان، خصوصاً وقتی بچه‌هایشان به کلاس دوم و سوم راهنمایی می‌رسند، ناگهان از بعضی رفتارهای آنها حیرت‌زده می‌شوند. بسیار شنیده‌ایم که پدر یا مادری می‌گوید: «این بچه که این طوری نبود!» یا «او اصلاً از این اخلاقها نداشت!» و همین حیرت‌زدگی نشان می‌دهد که آنها چقدر از شناخت واقعی فرزندان فاصله دارند.

واقعاً چه طور می‌شود به آنها نزدیک شد؟ واقع‌بینی: هر فردی شخصیتی خاص دارد. اصرار نداشته‌باشید که حتماً «این یکی» هم مثل «آن یکی» باشد. فرزند شما موجودی است مستقل که علائق، انگیزه‌ها و عواطف ویژه‌ای دارد و فقط با شناخت واقع‌بینانه از وی می‌توان به درون او نفوذ کرد. آیا شما هم از آن دسته والدینی هستید که الگوهای از «فرزند شایسته» در ذهن



سرور نعمت‌الهی

# ت چه کنیم؟

دارند، که صرف‌نظر از درست یا غلط بودن آن معیارها، با روشهایی بنظیر نصیحت، گوشزدهای مکرر، امر و نهی‌های مداوم و باید و نیاید‌های کلیشه‌ای می‌خواهند فرزندشان را به سوی آن الگوی ذهنی هدایت کنند؟

آنچه باید برای هر پدر و مادری در درجه اول اهمیت باشد این است که بدانند «چه فرزندی، با چه خصوصیتی دارند.» فقط با شناخت واقع‌بینانه از شخصیت واقعی و نیازهای درونی نوجوان می‌توان برای او الگو و مسیر مناسبی در نظر گرفت. هر گونه سهل‌انگاری و انکار واقعیت و پیش‌داوریهای خودمحورانه، تنها باعث افت روحی فرزند شما می‌شود و اعتماد به نفس و جسارت او را در بروز خلاقیت‌هایش کاهش می‌دهد.

تابستان به دور از دلهره‌ها و کمبود وقت سال تحصیلی، سفر و گردش و تفریح و دور هم نشستن‌ها، فرصت مغتنمی است برای ارتباط و شناخت واقعی تمایلات، رنجها و دغدغه‌های فرزندانمان.

ابراز عاطفه: بسیاری از کودکان در اثر سخت‌گیری‌های والدین در طول سال تحصیلی، به غلط، فکر می‌کنند که زیاد مورد توجه و علاقه والدینشان نیستند. حال که دغدغه مدرسه و امتحانات تمام شده، با ابراز محبت، اعتماد او را جلب کنید و محبت و علاقه خود را به وی نشان دهید.

ارتباط دو به دو: سعی کنید بدون تصنع و با پرهیز از نصیحت‌های خسته‌کننده و تکراری، رابطه‌ای محبت‌آمیز و راحت با نوجوانتان

ایجاد کنید. او را به عنوان موجودی مستقل و عضو ارزشمند خانواده بنگرید تا صمیمیت، اعتماد و احترام به خود را باور کند. البته ایجاد چنین رابطه‌ای چه بین مادر و فرزند و چه بین پدر و فرزند، به‌ویژه در دوران بلوغ نوجوان، کار بسیار دشواری است. اما یادتان باشد چنین رابطه‌ای، اگر ایجاد شود، اهرمی قوی برای هدایت و پیشرفت او در آینده خواهد بود.

## ◀ پر کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان

- با آنها به دیدار فامیل و دوستان و آشنایان بروید. رفت‌وآمد با فامیل و دوستان و آشنایان که به دلایل مختلف طی سال تحصیلی مقدر نبوده‌است، می‌تواند در تابستان احیا شود و خانواده‌بسته را در خانواده گسترده‌تر صیقل دهد. بچه‌ها از طریق این‌گونه ارتباطها می‌توانند با طرز فکرها، شیوه‌ها و شرایط مختلف زندگی دیگران آشنا شوند. به مدد چنین روابطی، محبت و مهر و عاطفه جریان سیالی می‌یابد و حس خوشایندی زندگی اجتماعی، افسردگی و خستگی روحی را می‌زداید.

در این رفت‌وآمدها، به خصوص ارتباط با آن دسته از خانواده‌هایی که بینش بهتر، زندگی سالمتر و فرزندان همسن و سال فرزندان شما دارند مفیدتر است. حداقل فایده چنین روابطی این است که شما از همبازیهای فرزندان شناخت دارید و او را نیز به همسالان اجتماعی خود نزدیک می‌کنید.

اگر بتوانید برنامه‌های مسافرت تابستانی یا تفریح و گردش در پارک را به طور دسته‌جمعی با چنین خانواده‌هایی تنظیم کنید، به همه خوش خواهد گذشت.

- با بچه‌ها به خرید و گردش بروید. پیاده‌روی، خرید، حضور در مکانهای عمومی، سفر به مناطق مختلف و هر گونه فعالیتی که امکان ارتباط اجتماعی و تماس مستقیم با مردم و زندگی روزمره را برای فرزند شما فراهم آورد، خصوصاً برای دختران که فرصت و امکان کمتری در اختیار دارند، بسیار سازنده است و حتی به تحکیم رابطه دوستانه شما نیز کمک می‌کند.

- دو یا سه روز در هفته را در اختیار خودشان قرار دهید. بگذارید این مدت را هر طور که می‌خواهند بگذرانند: هر ساعتی بخوابند، بازی کنند یا تلویزیون تماشا کنند. در واقع بگذارید رها شوند، رها از هر گونه قیدوبند، دلهره، اضطراب کار و نظم و مقررات و اجرای دستورات.

- در تابستان کمی از شتاب و اضطراب بکاهید. پدر و مادرهای شاغل در تابستان با مشکل مضاعفی مواجهند زیرا فقط برنامه منظم بچه‌ها قطع می‌شود در حالی که آنها همچنان ناچار به ادامه نظم تلی خود هستند. آنها باید سعی کنند، حتی‌المقدور بلافاصله بعد از تعطیلی مدرسه، چند روزی مرخصی بگیرند و برای رفع خستگی بچه‌ها به مسافرت بروند و دوباره برای وقت مناسبی در نیمه یا انتهای تابستان هم مسافرتی در نظر بگیرند.

در این گونه خانواده‌ها، معمولاً انجام

## ● دانش آموز تجدیدی

احتیاج به مراقبت بیشتری دارد.

با محبت و دلجویی او را به

جبران ضعف گذشته تشویق کنید و

برای او هم اوقات مناسبی برای

ورزش و تفریحات مورد علاقه اش در

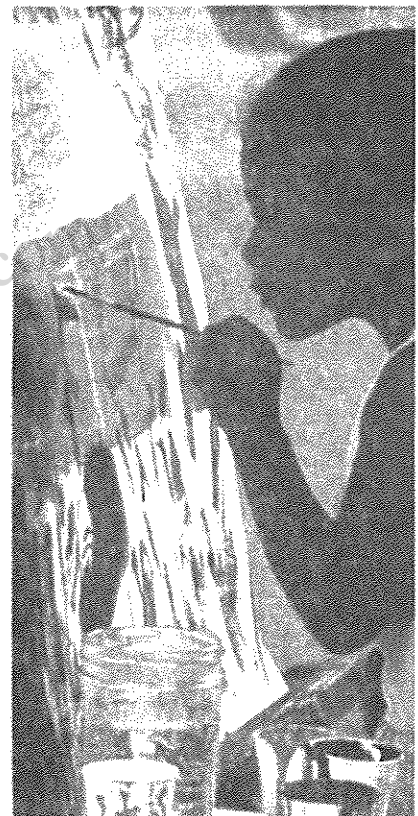
نظر بگیرید.

## ● بازدید از محلات فقیرنشین و

آشنایی با نوجوانانی که برای کسب

معاش کار می کنند؛ بچه ها را به نوعی

با واقعیات زندگی روزمره آشنا می کند.



همه کارها با نوعی شتاب همراه است و در نتیجه این دلهره و شتاب و بی قراری به بچه ها هم منتقل می شود؛ آنها مجبورند در ابتدای شب به اصرار بخوابند تا بامداد به اضطراب از خواب برخیزند، با شتاب لقمه صبحانه ای بخورند و بعد هر کدام به مهد یا مدرسه ای پرتاب شوند و تا ساعت ۴ - ۵ بعد از ظهر منتظر رفتن به منزل باشند و در منزل نیز به اصرار تکالیفشان را انجام دهند، سریع شام

بخورند و زود بخوابند؛ گردونه ای که به

سرعت می چرخد و همه، خصوصاً بچه ها، را

گیج می کند. به نظر می رسد بهترین کار

تابستانی این گروه کاهش فشار و اضطراب و

کسب آرامش باشد، تا بچه ها در این فرصت

خود را دریابند و در تعطیلات آخر هفته با

آرامش و بدون دلهره روز شنبه با والدین

رابطه ای غیر از جواب دادن درس برقرار

کنند؛ حرف دل بزنند و از ته دل شاد شوند.

استراحت و آرامش مهمترین نیاز این

بچه ها است و اگر مشکل نگهداری آنها در

منزل وجود نداشته باشد، یک خواب آرام و

تلافی تمام روزهای سرعت و اضطراب از

هر کاری برای آنها واجب تر است.

استعدادهای ورزشی، هنری و ادبی

فرزندتان را، که معمولاً در مدرسه امکان یا

فرصت کمتری برای رشد و پرورش آنها

وجود دارد، دریابید. این موضوع در مورد

مهارت های فنی آنان نیز مصداق دارد. تابستان

فرصت خوبی برای یادگیری مهارت هایی چون

شنا، زبان دوم، کار با کیت های الکترونیکی،

کامپیوتر و این قبیل فعالیتهاست.

البته مراقب باشید که بچه ها را با

برنامه های مختلف و پشت سرهم خسته نکنید.

نباید تابستان را، با مجموعه ای از برنامه ها و

کلاسهای مختلف، چنان پر کنید که آنها مدام

از این سو به آن سو کشیده شوند و اول مهر،

خسته تر از اول تیرماه، دوباره سرگلاس

حاضر شوند.

دانش آموز تجدیدی احتیاج به مراقبت

بیشتری دارد. با محبت و دلجویی او را به

جبران ضعف گذشته تشویق کنید. برای او هم

اوقاتی مناسب، جهت ورزش و تفریحات

مورد علاقه اش در نظر بگیرید تا انرژی و

نشاط لازم برای درس خواندن تابستانی پیدا

کند زیرا درس خواندن در تابستان بسیار

سخت و توان فرساست و به ندرت با ذوق و

شوق یادگیری همراه است. چنین

دانش آموزی بیشتر از شاگرد ممتاز نیازمند

توجه است و باید از انواع نیروهای کمکی،

اعم از تشویق و ایجاد انگیزه و محبت برای

ایجاد اعتماد به نفس، تلاش و موفقیت وی

استفاده کرد. تهدید، توهین، توبیخ و سرزنش

در این گونه موارد نه تنها هیچ تأثیر مثبتی

ندارد بلکه نتیجه کار را بدتر می کند.

اگر بچه شما نیاز داشت برای سال بعد

درسهای تقویتی بگذرانند، این دروس را

حتی المقدور به یکی - دو درس خلاصه کنید

تا استراحت و فراغت تابستانی او از بین

نرود. با کلاسهای ورزشی و تفریحات جذاب

شادی و نشاط را تأمین کنید تا اول مهر، با

خستگی سال جدید تحصیلی را شروع نکند.

با استفاده از فرصت تابستان،

کتابخوانی را در بین بچه ها رواج دهید. با

عادت به مطالعه، زمینه بروز استعدادها و

تواناییهای مغزی از جمله تجسم و تخیل

بچه ها فراهم می شود. برای تشویق به مطالعه

آنها را به کتابفروشی ببرید، بگذارید کتابها را

ورق بزنند و برای خودشان کتاب انتخاب

کنند.

بهتر است ساعت مشخصی را در روز

برای مطالعه در نظر بگیرید. گاهی شما هم در

کنار او کتاب بخوانید، یا حتی خودتان برایش

کتاب بخوانید، یا از او بخواهید که به صدای

بلند بخواند تا شما هم بشنوید، یا بخواند و

جریان کتاب را برای شما بازگو کند. روش

دیگری که شوق و انگیزه مطالعه را افزایش

می دهد، این است که برای او کتابی متناسب

با برنامه سفرتان تهیه کنید؛ مثلاً بعد از بازدید

از بناهای تاریخی اصفهان، برایش کتابی

مصور و ساده درباره آن مکانها و سابقه

تاریخی آنها تهیه کنید. در این گونه موارد

حتی کتابهای معماری و زیبایی شناسی ساده

نیز کشش ایجاد می کند.

اگر رفتار عادت به مطالعه، با ظرافت و

پی گیری، ظرف یک تابستان در دانش آموز

ایجاد شود؛ گام بسیار بزرگی برداشته شده و

در واقع عالیترین بهره وری از تابستان، برای

آنها که به مطالعه عادت نداشته اند، انجام

گرفته است.

توجه بیش از حد به بعضی از

دانش آموزان در طی سال تحصیلی، تشویقها و

پاداشهای بی موقع و در مجموع رفتاری که به

نوعی به خودخواهی دانش آموز منجر

می شود، بعضی از آنان را بی مسئولیت،

خودخواه و متوقع بار می آورد. تابستان

فرصت خوبی است برای آموخته کردن آنها با

مسئولیتها و دغدغه های واقعی زندگی.

در تابستان که دانش آموزان دیگر درگیر

مسئولیتهای مدرسه و دغدغه امتحانات نیستند،

آنها را در فعالیتهای روزمره زندگی سهیم

کنید؛ بخشی از نظافت یا خرید روزانه خانه،

مسئولیت اداره یک روز خانه، حتی

بودجه بندی یک هفته یا برنامه ریزی برای

گذران یک هفته، رفتن به محل کار پدر یا

مادر، نحوه آرایش منزل و ...

تلفن: ۲۷۸۶۶۷

آلتیه

مریم زندی

تدریس خصوصی عکاسی برای خانمها  
تئوری، ظهور و چاپ، نورپردازی

مشورت در مورد بعضی کارهای مهم، دادن مسئولیت و احترام گذاشتن به نظرات بچه‌ها، آرام آرام، موجب خاموشی رفتارهای نامطلوب و بیداری رفتارهای مطلوب آنان می‌شود. چنین احیایی فقط با پرهیز از نصیحت و حرفهای تکراری و ایجاد ارتباط عمیق و شناخت روحی او حاصل می‌شود. بازدید از محلات فقیرنشین، آشنایی با وضعیت کودکان و نوجوانانی که مجبورند برای کسب معاش کار کنند، و هر تجربه‌ای که بچه‌ها را به نوعی با واقعیات زندگی روزمره آشنا کند، در بازسازی شخصیت آنان بسیار مؤثر خواهد بود و در طی سال تحصیلی بعد، این بازسازی کمک بزرگی به مسئولیت‌پذیری و خودپویی دانش آموز می‌کند.

# ماتئوسرای تدریس

انواع ماتئو و روسری  
در رنگها و مدلهای متنوع

آدرس: نارمک، خیابان آیت، نرسیده به چهارراه تلفنخانه، پلاک ۳۹۲  
تلفن: ۷۹۵۴۰۲

در مجموع تابستان و اوقات فراغت را مفنم بشمارید:  
با یک سفر چند روزه بعد از امتحانات ثلث سوم هم رفع خستگی کنید و هم در طی سفر، با ایجاد ارتباط با فرزندان، برنامه‌ای متناسب با علاقه آنها برای تابستان تدارک ببینید که آن را با ذوق و شوق دنبال کنند. حتماً توجه داشته باشید که این برنامه متنوع باشد، خستگی نیارورد و مکمل آموزش و پرورش مدرسه باشد.

با حضور در طبیعت و کسب آرامش و درک زیباییها، ذوق و استعداد ادبی و هنری بچه‌ها را پرورش دهید. روز جمعه را برای رفتن به کوه یا پارک اختصاص دهید. یک روز بعد از ظهر را به دیدن یکی از اعضای فامیل، که بچه همسن و سال بچه شما دارد، بروید. بازی با بچه‌های همسایه - با کنترل و نظارت غیرمستقیم - رفتن به مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، رفتن به تئاتر، کنسرت، موزه، نمایشگاه، کتابفروشی، بردن آنها به محل کار، و در صورتی که شغل پدر یا مادر ایجاد کند، حتی یک هفته کار منظم با مسئولیت مشخص، از جمله مواردی است که به پرورش اجتماعی و افزایش تجارب نوجوانان کمک شایانی می‌کند و با یک برنامه ریزی مناسب می‌تواند اوقات فراغت آنها را پر کند.

**توک**  
**اعتیاد**  
۹۷۶۶۳۳

**انگلیسی**  
مقدمانی، متوسطه، پیشرفته  
ESL ENGLISH AS A SECOND LANGUAGE  
CERTIFICATE  
سمعی و بصری: کتاب، نوار، فیلم  
**مکاتبه‌ای**  
جدیدترین دوره آموزش زبان کنجهای معتبر دنیا  
تلفن / فاکس ۸۳۰۴۹۵  
تهران - صندوق پستی ۱۴۱۵۵/۴۷۴۴  
N.E.C

تلفن: ۹۷۲۲۷۱  
گام به گام بنویسید  
گام به گام بنویسید  
در سه ماه  
بطور تضمینی  
با سواد شوید  
تدریس‌هایی لوئند بصورت مکاتبه‌ای کتابها و راهنمای تدریس آنها را دریافت دارند

در صورت امکان، یک هفته یا ۱۰ روز به اول مهرماه مانده، به مسافرت دیگری بروید و دو - سه روز هم بگذارید بچه‌ها بیکار و بی‌برنامه باشند تا با اشتیاق در مدرسه حاضر شوند.



در ماده ۱۱۳۳

# مرد حرف آخر را

بررسی تحولات ماده ۱۱۳۳ قانون



● با تصویب جلد دوم قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ شمسی، اختیارات نامحدود مردان برای طلاق در الفاظ-تهدید آمیز ماده ۱۱۳۳ تبلور یافت. الفاظ و مفاهیم آمرانه مستتر در این ماده قانونی روشنتر و صریحتر از آن است که جای تفسیر باقی بگذارد.

دگرگونی در قوانین زن‌ستیز فراهم آمده است. حقوق‌دانان به ارزیابی نیازهای جامعه همسوی تجددگرایی قیام کرده‌اند و تصویب قوانین برپایه حفظ حقوق انسانی زن و مرد پیشنهاد شده است. متأسفانه عمر این‌گونه ثمرات قانونی کوتاه بوده و در مرحله دیگری از تحولات سیاسی دیگر بار قوانین مبتنی بر برابری زن و مرد قلع و قمع شده است. نظر به اهمیت موضوع در نخستین مقاله پژوهشی از این سلسله مقالات حقوقی، سیر تحولات ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی و آثار مترتب بر آن از تاریخ تصویب تا امروز مرور می‌شود:

پیش از تأسیس سازمان نوین قضایی در ایران، مردان هرگاه اراده می‌کردند زن خود را طلاق می‌دادند. تشریفات و آداب شرعی در یک محضر انجام می‌شد و حسب خواسته مرد رشته پیوند زناشویی به سهولت از هم می‌گسیخت. هنگام وقوع طلاق، اساساً رضایت یا عدم رضایت زن استماع نمی‌شد. عاقد که صیغه طلاق را جاری می‌کرد، فقط خود را مکلف می‌دانست تا آداب شرعی راجع به اجرای صیغه طلاق را به زن تذکر بدهد و ضرورت پرداخت مهریه و نفقه ایام عده (سه ماه و ده روز) را به مرد تفهیم کند.

بعد از تأسیس سازمان نوین قضایی، که تدوین قوانین از نتایج آن بود، اختیارات نامحدود مردان برای طلاق تبدیل به قانون شد

ام‌المصائب زنان ایران است، به میدان نقد می‌آوریم. ❁

با آنکه امروز حدود دو دهه از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، اما در مجموعه قانون مدنی ایران همچنان یک ماده قانونی متعارض حیثیت و شئون انسانی زن در زندگی خانوادگی است. با مجوز ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ شمسی «مرد هر وقت که بخواهد می‌تواند زن خود را طلاق دهد».

مفاد این ماده قانونی، به نحوی که در تفاسیر فقهی منتشره در شماره ۲۳ مجله زنان بدان توجه شده است، با موازین شرعی منطبق نیست؛ همچنان‌که با ضوابط عقلی و عرفی ناظر بر حفظ ثبات و امنیت خانواده هم سازگاری ندارد.

بررسی تحولات این ماده قانونی به روشنی نشان می‌دهد که در تاریخ معاصر ایران رویارویی دو جریان عمده سنت‌گرایی و تجددگرایی، متناسب با درجه نفوذی که هر یک در دستگاه حاکمه داشته‌اند، حقوق زن را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. آثار و تبعات این رویارویی همواره در نظام قانونگذاری انعکاس یافته است.

در دورانی از تاریخ تحولات سیاسی مقتضیات اجتماعی همسوی تجددگرایی پذیرفته شده و به تبع این پذیرش، موجبات

نقد و نظرها و نیکخواهیهای معمول، بدون تغییرات جدی در قوانین مربوط به زن و خانواده نمی‌تواند گره از کار بسته زنان بگشاید. مشاوره‌ها و راهنماییها غالباً در انجام کار، به سد نفوذ ناپذیر قوانین برمی‌خورند و تا در این دیوار بلند روزه‌هایی برای راه یافتن زنان به حقوق طبیعی خود پدید نیاید، جامعه ما اعتلای انسانی و اجتماعی مورد انتظار خود را ملاقات نخواهد کرد. بر این اساس «زنان» باب سلسله مباحثی را درباره خلاءهای موجود در قوانین مربوط به زن و خانواده می‌گشاید و امیدوار است که این مباحث مقدمه طرحها و لویحی باشد، برای تغییر قوانین در قوه قانونگذاری. برای آغاز، ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی را، که



# می‌زند، نه دادگاه

## مدنی در روند قانونگذاری کشور

● با تصویب ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی در سال ۱۳۱۳ شمسی، موقعیت نامطلوب زنان تثبیت شد. در آن دوران کابوس طلاق غیابی امنیت و آسایش در زندگی زناشویی را از زنان سلب کرده بود.

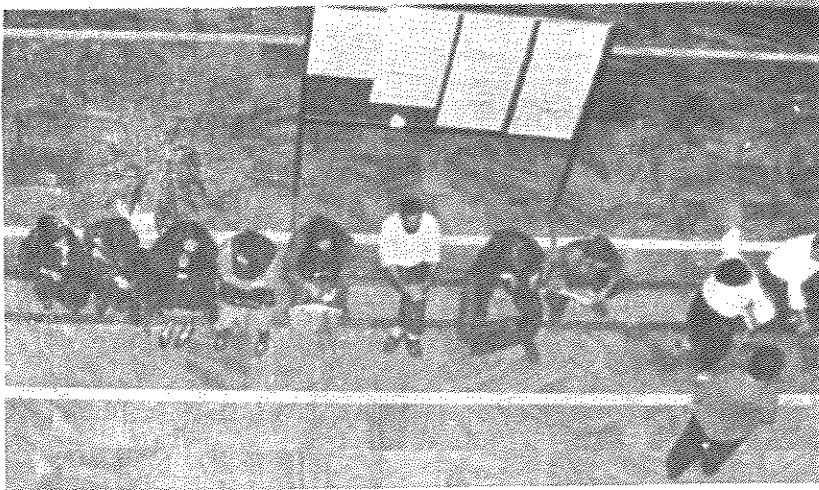
مداخله ندارد. دفترخانه‌ها مجریان بلامنازع حقی بوده‌اند که صریحاً و برپایه دستورات مؤکد قانونی در حیطه اقتدار مردان است. این دیدگاه قانونگذار ایرانی با آنچه در دنیای معاصر می‌گذرد در تعارض است. امروزه حقوقدانان به دولت، که حفظ نظم عمومی را برعهده دارد، حق می‌دهند تا در امر طلاق نظارت داشته باشد. آنها استدلال می‌کنند که ایجاد هر نوع آشفتگی و ناهمسامانی در روابط خانوادگی، که ناشی از وقوع طلاق است، دولت را مکلف می‌سازد تا برای سامان بخشیدن به آلام اجتماعی و بی‌خانمانی افراد خانواده تدابیری بیندیشد.

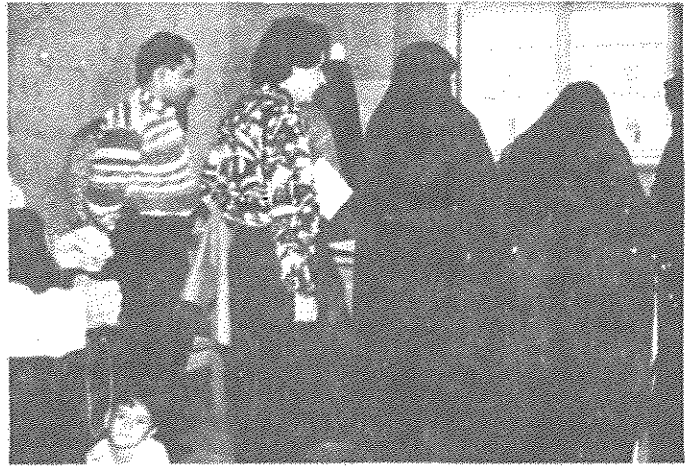
غیابی، کابوسی بود که زنان را در تمام سطوح اجتماعی در سرپنجه قهار خود له و احساس امنیت و آسایش در زندگی زناشویی را از آنان سلب می‌کرد. از طرف دیگر قانونگذار ایرانی، از بدو قانونگذاری به شیوه نوین، نسبت به حقوق و تکالیف دولت در امر طلاق بی‌اعتنا بوده است و محتوای حقوق خصوصی طلاق را بر محتوای حقوق عمومی طلاق ترجیح داده است. از نگاه قانونگذار ایرانی نه تنها اراده زن در واقعه طلاق حسب خواسته مرد مدخلیت ندارد، بلکه دولت هم در جریان طلاقهایی که مرد متقاضی آن است حق

و ضمن تصویب جلد دوم قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ شمسی، این اختیارات در الفاظ تهدیدآمیز ماده ۱۱۳۳ تبلور یافت. الفاظ و مفاهیم آمرانه مستتر در این ماده قانونی روشتر و صریحتر از آن است که جای تفسیر باقی بگذارد.

در ماده قانونی مورد بحث برای زنی که شوهرش می‌خواهد او را طلاق بدهد کمترین فرصت دفاعی پیش‌بینی نشده است و حتی مرد مکلف نیست تا برای انجام خواسته خود به مرجع قضایی معینی مراجعه کند. بنابراین برای زن نیز این حق پیش‌بینی نشده است تا در مقام خواننده دعوی در برابر قاضی حضور یابد و به دفاع از خواسته خود مبنی بر ادامه زندگی مشترک چیزی بگوید. اساساً قانونگذار

طلاق حسب خواسته مرد را «دعوی» تلقی نکرده است. الفاظ و عبارات قانون طوری انتخاب شده که ضرورت طرح دعوی از آن استنباط نمی‌شود. قانونگذار با به رسمیت شناختن این اختیار، که نامحدود و نامشروط است، موضوع را در انحصار محضرهایی قرار داده که مجری اراده مردان در امر حساس طلاق شناخته شده‌اند. بدین ترتیب با تصویب ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی در سال ۱۳۱۳ شمسی، موقعیت نامطلوب زنان تثبیت شده است. به جرأت می‌توان گفت که در آن دوران، ترس از طلاق، به خصوص طلاق





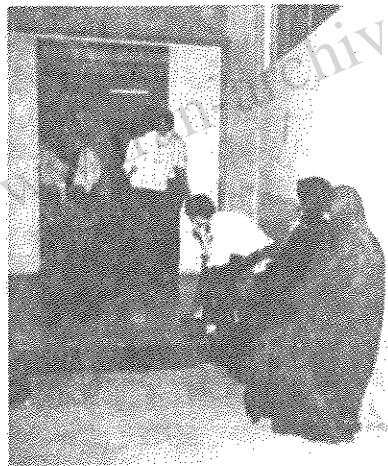
● در ماده ۱۱۳۳، برای زنی که شوهرش می‌خواهد او را طلاق دهد، کمترین فرصت دفاعی پیش‌بینی نشده است و حتی مرد مکلف نیست برای انجام خواسته خود به مرجع قضایی معینی مراجعه کند.

خود، هر چند غالباً پر قدرت و توانا علیه حقوق زن و حقوق دولت مورد بهره‌برداری قرار گرفته است، اما در یک دوران کوتاه زمانی به ضعف گراییده و قلمروی وسیع اجرایی خود را از دست داده است. تجارب جهانی در زمینه پذیرش محتوای حقوقی عمومی طلاق و جریان رو به توسعه در دهه ۴۰ با یکدیگر همسو شدند. در نتیجه طلاق غیابی و مردانه با مختصات زمانه در تعارض قرار گرفت و نخبگان حقوقدانان را برانگیخت تا تداوم بیری بیندیشند. سرانجام به کوشش جمعی از حقوقدانان و به پشتیبانی کثیری از دره‌آشنایان، موضوع طلاق به‌طور وسیع و همه‌جانبه به بحث و تبادل نظر گذاشته شد و عموماً به اتفاق نظر رسیدند که: «محتوای حقوقی عمومی طلاق بر محتوای حقوقی خصوصی آن رجحان دارد. بدین معنا که چون دولت از واقعه طلاق زبان می‌بندد، لذا حق دارد طلاق را در چارچوب قوانین موضوعه که فقط دادگاهها مجری آن هستند تحت نظارت خود قرار دهد.»

نخبگان پس از اتفاق نظر در خصوص موضوع، متناسب با مقتضیات اجتماعی آن روزگار، پیش‌نویس قانونی را تهیه کردند که ضمن شناخت حیثیت عمومی طلاق، موازین حقوقی بین‌المللی نیز در آن مراعات شد و سرنوشت یک‌یک افراد خانواده (پدر، مادر، کودک) بر پایه مصلحت عمومی مبنای قانونگذاری قرار گرفت و سرانجام مطالعات و مذاکرات ثمربخشید و قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۴۶ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۵۳ به تصویب رسید. با تصویب قانون مزبور دوران اقتدار بلامنازع ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی سپری شد.

رسمیت می‌شناسد. شگفت آنکه حتی محتوای حقوق خصوصی طلاق از نگاه قانونگذار ایرانی موضوعی یک‌سره مردانه است و در آن زن حتی مداخله و دفاع شخصی ندارد.

در فاصله سالهای ۱۳۱۳ تا ۱۳۷۴ شمسی، تحولات سیاسی بر عملکرد ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی اثر گذاشته است. به نحوی که این ماده قانونی طی عمر ۶۱ ساله



● قانونگذار ایرانی از بدو قانونگذاری به شیوه نوین، نسبت به حقوق و تکالیف دولت در امر طلاق بی‌اعتنا بوده و محتوای حقوق خصوصی طلاق را بر محتوای حقوق عمومی طلاق ترجیح داده است.

پیامدهای طلاق از قبیل افزایش جرایم از نوع فحشا و افزایش تعداد زنان و کودکان بی‌سرپرست و روان‌پریشی آنها، دولت را با یک سلسله قیود و تکالیف جدید درگیر می‌کند. ایفای این تکالیف مستلزم صرف وقت و هزینه و نیروی بسیار است. این است که امروزه حقوقدانان با تأکید بر تکالیف دولت، که ایجاد نظم عمومی مهم آن است، برای دولت حقوقی را به رسمیت می‌شناسند که از جمله آن حق نظارت در امر طلاق است. از دیدگاه حقوقدانان معاصر نظارت دولت در امر طلاق در محدوده ایفای آداب و تشریفات مذهبی خلاصه نمی‌شود، بلکه بازوی قضایی دولت، یعنی دادگاهها، باید در هر مورد - صرف‌نظر از آنکه متقاضی طلاق زن باشد یا مرد، نسبت به موضوع وارد رسیدگی ماهیتی شده و دلایل و مدارک طرفین را - صرف‌نظر از جنسیت آنها - بی‌طرفانه و همسوی مصلحت عمومی بررسی و حکم قضیه را صادر کنند.

در مقایسه با نقطه نظرهای جدید حقوقی، آشکارا می‌بینیم که الفاظ ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی درست در جهت مخالف با تجارب جهانی عمل می‌کند و با دخالت دولت در امر طلاق سر جنگ دارد. عبارات آمرانه‌ای که ساختمان کلی این قانون را تشکیل داده است و بررسی تحولات مربوط به آن حاکی است که قانونگذار ایرانی نه تنها در سال ۱۳۱۳ شمسی (تاریخ تصویب ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی) بلکه در سال ۱۳۷۴ شمسی (سالهای پایانی قرن بیستم) با وجود گذار از بحرانها و انقلابهای اجتماعی، همچنان محتوای حقوق عمومی را در امر طلاق نفی می‌کند و طلاق را با محتوای حقوق خصوصی به

قانون حمایت خانواده اولاً به زن و مرد ایرانی، در موارد معینی، اجازه داد تا متقاضی طلاق بشوند و ثانیاً هر دو را مکلف ساخت تا خواسته خود را مبنی بر طلاق با مدارک و دلایل کافی به دادگاههای حمایت خانواده تقدیم دارند. طبق این قانون، مرد فقط در چند مورد مشخص می‌توانست علیه همسر خود به خواسته طلاق اقامه دعوی کند. مهمترین موارد یادشده در قانون عبارت است از:

عدم تمکین زن از شوهر، سوء رفتار یا سوء معاشرت زن به حدی که ادامه زندگی برای شوهر غیر قابل تحمل شود، مبتلا شدن زن به بیماری‌ای که درمان آن دشوار باشد، دیوانگی و جنون زن، ترک زندگی خانوادگی از سوی زن، نازا بودن زن، مبتلا شدن زن به اعتیادات زیان‌آور، محکومیت زن به حبسی بیش از پنج سال و یا محکوم شدن وی به جرایمی که حیثیت خانواده را به مخاطره افکند.

از این قرار دوران طلاق دل‌به‌خواه مرد سپری شد و مرد متقاضی طلاق اگر می‌توانست یکی از موارد معین را با دلایل و مدارک کافی در دادگاه ثابت کند، دادگاه به او اجازه می‌داد تا همسر خود را طلاق بدهد. از تاریخ تصویب قانون حمایت خانواده، ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی با آن‌که در مجموعه قوانین موضوعه باقی ماند، اما در عمل اقتدار خود را از دست داد، زیرا محتوای حقوق عمومی طلاق بر محتوای حقوق خصوصی آن چیره گشته بود.

دوران ضعف و تزلزل ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی زود سرآمد. در جریان انقلاب، جمعی از مخالفان احیای حقوق زن با سوءاستفاده از احساسات دینی مردم و با توجیه مغایرت قانون حمایت خانواده با موازین شرعی موجب‌الغای آن را فراهم آوردند. پیش از آنکه قانون حمایت خانواده رسماً لغا بشود، قانون عقیم و بی‌اثر شد و تحت تأثیر جوسازیهای رایج، بسیاری از مردان ناصالح به همدستی جمعی از صاحبان محضرها، پی‌در پی زنان را غیابی طلاق دادند و طلاقنامه‌ها به شیوه گذشته (پیش از تصویب قانون حمایت خانواده) به نشانی زنان پست شد و بدین ترتیب ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی نه تنها اقتدار سابق خود را باز یافت، بلکه بر زورمندی و خودمداری آن نیز بسی افزوده شد. در بررسی تحولات قانونی راجع به طلاق

خودسرانه توسط مردان، تجدید حیات ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی در سبیده انقلاب حرکتی دور از تدبیر و احتیاط و سنجیدگی تلقی می‌شود. زیرا در جریان تجدید حیات آن بخش قابل ملاحظه‌ای از زنان تحصیلکرده که سخت به انقلاب دل بسته بودند، به دامان حرمانها و تشویشها آویختند. امید و انتظار این بود که قانون حمایت خانواده بر مبنای عدالتخواهی و برابری، در جهت تأمین حقوق بیشتری برای زنان، اصلاح بشود. حال آن‌که حرکت‌های ضدزن سیری را در پیش گرفت که منجر به تجدید حیات ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی شد و این شرایط سرانجام به هرج و مرج انجامید؛ چندانکه به ناچار در مهرماه ۱۳۵۸ شمسی به منظور پیشگیری از وقوع طلاقیهای غیابی و خودسرانه، قانون تشکیل دادگاههای مدنی خاص از تصویب شورای انقلاب گذشت. تصور این بود که می‌خواهند بار دیگر روح قانون حمایت خانواده در تن خانواده بدمند اما افسوس که در تبصره ۲ ذیل ماده ۳ قانون اخیرالذکر چنین تصریح شد:

«موارد طلاق همان است که در قانون

مدنی و احکام شرع مقرر گردیده ولی در مواردی که شوهر به استناد ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی تقاضای طلاق می‌کند، دادگاه بدواً حسب آیه کریمه موضوع را به داوری ارجاع می‌کند و در صورتی که بین زوجین سازش حاصل نشود اجازه طلاق به زوج خواهد داد...»

بنابراین و با عنایت به الفاظ قانون تشکیل دادگاههای مدنی خاص، فلسفه وجودی آن را می‌توان چنین بیان کرد:

قانونگذار قصد داشته هرج و مرج ناشی از الغای قانون حمایت خانواده را مهار کند و مردان را برای خواسته طلاق به مراجع قضایی بکشاند. اما هدف قانونگذار ایجاد ضعف و تزلزل در ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی و مراعات حقوق زن نبوده است. به عکس، این قانون قدرت از کف رفته را به ماده قانونی مورد بحث بازگردانده است. فقط به مرد تکلیف کرده تا برای وصول به خواسته خود به دادگاه مراجعه کند و تشریفات داوری را در آنجا به جا آورد.

این است که می‌گویند دادگاههای مدنی



● توقع زنان ایران در بدو پیروزی انقلاب این بود که قانون حمایت خانواده در جهت تأمین خواسته‌های به حق آنان در حقوق خانواده اصلاح شده و سیر تکامل را طی کند، اما این قانون ملغاً شد، بدون آنکه قانون بهتری جایگزین آن شود.



● در مهرماه ۱۳۵۸ به منظور

پیشگیری از هرج و مرج ناشی از لغای قانون حمایت خانواده و وقوع طلاقهای غیابی و خودسرانه، قانون تشکیل دادگاههای مدنی خاص از تصویب شورای انقلاب گذشت.

خاص به طلاقهایی که حسب تقاضای مرد انجام می‌شود، رسیدگی شکلی می‌کنند و وارد رسیدگی ماهیتی نمی‌شوند. گردش کار در این موارد فقط اداری است و دادگاه اساساً وارد تحقیق و رسیدگی راجع به حقانیت یا عدم حقانیت مرد نمی‌شود. قانون به دادگاه اجازه داده، تا اعلام نظریه داور، صدور اجازه طلاق را به تاخیر بیندازد ولی بیش از این برای دادگاه اختیاری قابل نشده است. زنان که با مفاهیم حقوقی و کاربردهای آن آشنا نیستند، وقتی برخی احضاریه دادگاه را دریافت می‌کنند با اعتماد به نفس و در مقام خواننده دعوی در محضر دادگاه حاضر می‌شوند، با این خوش بینی که برپایه اصل تساوی مندرج در قانون اساسی از خود دفاع



کنند و به دادگاه بقبولانند که بر بی‌حقی شوهرشان حکم کند. آنها بعد از چند بار حضور در جلسات دادگاه تازه در می‌یابند که اراده آنها در امر طلاق فاقد ارزش و اعتبار قانونی است و آن‌کس که حرف آخر را می‌زند مرد است نه دادگاه.

صاحب این قلم در تمام سالهایی که از تشکیل دادگاههای مدنی خاص گذشته است، حتی در یک مورد مشاهده نکرده که تقاضای

طلاق حسب خواسته مرد نهایتاً مردود اعلام بشود. مگر برپایه ایرادهای شکلی و اداری از قبیل عدم اثبات رابطه زوجیت، عجز از معرفی داور و... لذا دشنه در زخم باقی ماند تا آنکه:

در اسفند ماه ۱۳۷۱ شمسی ماده واحده‌ای با عنوان قانون اصلاح مقررات طلاق از تصویب شورای مصلحت نظام گذشت و دیگر بار این امید بر دلها نشست که گویا ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی یکبار دیگر مغلوب نیازهای زمانه شده است!

نحوه تصویب قانون به خوبی حاکی از آن است که ضرورتها و فوریتها موجبات تصویب آنرا فراهم ساختند زیرا قانون از تصویب شورای مصلحت نظام گذشته است. برای آنکه اهمیت موضوع بهتر فهمیده بشود نویسنده به قسمتی از اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی توجه می‌دهد که مقرر می‌دارد: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند تشکیل می‌شود...»

بنابراین همین قدر که می‌دانیم قانون اصلاح مقررات طلاق مصوبه شورای مصلحت نظام است، می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که سیاستگذاران، تحت تأثیر خطرات و آسیبهای ناشی از آثار سوء ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، مصمم شده‌اند تا با وجود اختلاف فی‌مابین مجلس و شورای نگهبان، مقرراتی را از تصویب بگذرانند که قدری از تیزی و برندگی ماده قانونی مورد بحث بکاهد.

آیا واقعاً چنین شده است؟

به موجب قانون اصلاح مقررات طلاق، مصوب ۱۳۷۱ شمسی، و سپس قانون استفساریه مربوط به آن، مصوب ۱۳۷۳ شمسی، دادگاه مکلف شده است در مواردی که طلاق حسب خواسته مرد و بدون تقصیر زن صرفاً به استناد ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی واقع می‌شود، حقوق مالی زن که مهریه مافی‌القباله و نفقه ایام عدّه و اجرت‌المثل است، همزمان با وقوع طلاق به زن تأدیه گردد.

با آنکه احتمال دارد این تدابیر قانونی تا حدودی از افزایش آمار طلاقهای مردانه و

خودسرانه جلوگیری کرده باشد، اما ناگزیر از اعلام این واقعیت تلخ بوده و هستیم که:

علی‌رغم هدفهای اعلام شده توسط مراجع رسمی، ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی همچنان با جلال و جبروت بر اریکه قدرت خود باقی است و مردان می‌توانند با تقدیم یک دادخواست دو سطری، ظرف چند ماه به مقصود خود، که طلاق است، برسند. نهایتاً در دادگاه، قاضی از باب مصالح و بخشش، شوهر را متقاعد می‌کند تا چیزی از مال و مکتب خود به عنوان اجرت‌المثل به همسر مطلقه‌اش بپردازد و در بسیاری موارد مرد متقاضی طلاق با استفاده از مشاوره حقوقی، پیش از مراجعه به دادگاه، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری می‌کند و داریی خود را از گزند این قانون دور نگاه می‌دارد.

هر چند تصویب قانون اصلاح مقررات طلاق از حیث پیش‌بینی اجرت‌المثل برای زنان مطلقه اقدام مثبت و آزمون سودمندی است که باید در اصلاحات بعدی از عبارات آن رفع ابهام و رفع نقص بشود، اما هرگز نمی‌توان ادعا کرد که این قانون بر نیروی ویرانگر ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی چیره شده است. بنابراین با وجود تحولات در قانونگذاری راجع به طلاق در سه دهه اخیر از تاریخ معاصر ایران، همچنان دشنه در زخم باقی است و جا دارد سؤال کنیم که: چرا چنین است؟

در گذار از انقلابهای اجتماعی، جوامع بشری به مرحله حساسی از حیات خود می‌رسند که در آن مرحله ناگزیر از رویارویی با مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها می‌شوند. در این رهگذر آنها ناچار هستند که با تهور و بی‌باکی انتخاب کنند و آنچه را در اذهان عمومی رسوب کرده و تبدیل به تابو و ممنوعه شده بشکافند و مورد بحث قرار دهند. حقوق زن، که در کشور ما در اسارت تابوها است، یکی از حساسترین مواضعی است که تا همه جانبه به آن توجه نشود، برای دردهای نیمه‌ای از جمعیت، که نیمه دیگر را نیز رنجور می‌سازد، درمانی متصور نخواهد بود. در جوامعی که آرمان عدالت‌خواهی و برابری موجب خیزشهای انقلابی شده‌است، مردم در عمق وجود نسبت به آرمان خود وفادار باقی می‌مانند، هر چند ممکن است تحت تأثیر خودسری‌ها و خودمحوری‌ها جرأت رویارویی با جریانهای ضدعدالتخواهی را در خود نیابند، اما آنها همواره آمادگی دارند تا

# با اشتراک «زنان» تداوم حیات مجله خود را تضمین کنید.

## فرم اشتراک

(در صورت امکان تایپ شود یا کاملاً خوانا نوشته شود)

نام: .....

نام خانوادگی: .....

سن: .....

تاریخ شروع اشتراک: ..... از شماره: .....

نشانی: .....

کد پستی: .....

تلفن: .....

(لطفاً حتماً تلفن خود یا یکی از نزدیکان را یادداشت فرمایید تا در صورت نیاز بتوان در اسرع وقت با شما تماس گرفت.)

## حق اشتراک برای یکسال (۱۲ شماره)

- ◇ ایران ۲۴۰۰۰ ریال
- ◇ آمریکا، کانادا و خاور دور معادل ۳۰ دلار
- ◇ اروپا معادل ۵۰ مارک
- ◇ خاورمیانه معادل ۲۸ دلار

## شرایط اشتراک

- ۱- فرم اشتراک را پر کنید.
- ۲- حق اشتراک را به حساب جاری ۱۹۷۰ به نام مجله زنان، بانک ملی ایران، شعبه سه (قابل پرداخت در شعبه سراسر کشور)، واریز فرمایید.
- ۳- اصل فیش بانکی و کارت فرم اشتراک (یا کپی آن را) به نشانی ما پست کنید تا در اسرع وقت ترتیب اشتراک شما داده شود.

● خوانندگان گرامی خارج از کشور، شما هم می‌توانید حق اشتراک خود را به نشانی زیر واریز نمایید و اصل فیش بانکی را همراه با فرم اشتراک کامل شده به نشانی ما بفرستید:

Konto - Nr 5001419159  
BLZ: 20220300  
VERBRAUCHER BANK  
BERLIN, GERMANY

نشانی: تهران، صندوق پستی ۵۵۶۴ - ۱۵۸۷۵، مجله زنان  
تلفن: ۸۳۶۲۹۸ - ۸۳۹۱۵۱  
فکس: ۸۸۳۹۶۷۲

عدالت‌گستری پشت سر گذارده است. به نظر می‌رسد در شرایط موجود که ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی تبدیل به یک دمل چرکی شده و پیاپی قربانی می‌دهد، دیگر بار باید به پیشینه قانونی استواری که حاصل تلاش مستمر نخبگان ایرانی در دهه ۴۰ است و سالها مهجور مانده مراجعه کنیم. قانون حمایت خانواده یک مجموعه منسجم حقوقی است که عمالتاً گره از کار فرو بسته ما می‌گشاید. توقع زنان ایران در بدو پیروزی انقلاب این بود که قانون حمایت خانواده در جهت تأمین خرواسته‌های به حق آنها در قلمرو حقوق خانواده اصلاح شده و سیر تکامل را طی کند. اما از آنجا که قانون حمایت خانواده الغا شد، بی‌آنکه قانون بهتری جایگزین آن شود، ناگزیر پیشنهاد ما این است که از همان قانون اعاده حیثیت بشود. به یاد داشته باشیم که قانون حمایت خانواده پاره‌ای از میراث ملی است که به همه مردم ایران تعلق دارد. سوابق درخشان قانونگذاری در جوامع بشری جزو اموال حکام وقت نیست تا در نقطه پایان دوران حاکمیت آنها به دور ریخته شود. این میراث فرهنگی حاصل تبلور هوش و ذکاوت ملتی است که نیازهای زمان و مکان را نیک دریافته و با ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی که نماد زن‌ستیزی و بی‌اعتنایی به حقوق دولت است، هشیارانه برخورد کرده است. ابزار این برخورد، یک مجموعه مرزون قانونی است که بر حفظ خانواده ارج می‌نهد. تحکیم بنای خانواده از دیدگاه نویسندگان قانون مورد بحث مستلزم آن است که اختیارات زن و مرد در امر حساس طلاق تحت نظارت دولت محدود بشود. آیا در شرایط کنونی با وجود ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، که لازم‌الاجراست، می‌توان ادعا کرد که اهمیت حفظ ارکان خانواده مراعات شده است؟ از هر زاویه که به این پرسش توجه بشود، پاسخ منفی است و تجدید حیات قانون حمایت خانواده نیاز روز مردان و زنان و کودکان ایرانی است. بهره‌برداری از آن قانون مانند بهره‌برداری از سایر ذخایر ملی مشروعیت دارد. روح قانون حمایت خانواده حکم دادگاه را تبدیل به حاصل جمع مصالح مرد + مصالح زن + مصالح فرزندان + مصالح دولت می‌کند. اجرای قانونی که این چنین بر مصالح عمومی ارج می‌نهد، حتماً مشروع و با روح تعالیم اسلامی سازگار است ■

با گشایش باب بحث و گفت‌وگو به آرمانهای دیرینه خود تازگی و طراوت ببخشند. زنان ایران سالهاست در انتظار فرصت به‌سر می‌برند، تا در یک عرصه وسیع از بحثهای اجتماعی، تابوها و ممنوعه‌هایی را که در آن ناگزیر از سکوت شده‌اند مورد نقد قرار دهند. تابو در اغلب نمونه‌های شناخته شده به صورت رسم و آیین و سنت درآمده و در اذهان رسوب و رسوخ کرده است. اما متأسفانه در کشور ما نمونه‌های خطرناکی از تابو شکل قوانین مدون و لازم‌الاجرا به خود گرفته و حتی در مواردی اصل برائت را، که مهمترین اصل عدالتخواهی است، در زندگی زنان ایرانی خدشه‌دار کرده است. در این جامعه کسانی که قوانین مغایر با برابری حقوق زنان با مردان را نقد می‌کنند و نامناسب بودن برخی مواد قانونی را با مقتضیات زمان و مکان یادآور می‌شوند، به شدت مورد حمله افراد و گروههایی هستند که با دانش حقوق و تجارب جهانی و حتی امکانات بالقوه اجتهاد بیگانه بوده و اصرار می‌ورزند تا به سلیقه‌ها و برداشتهای شخصی خود در امور صورت عقیدتی بدهند و با استفاده از نیروی ایمان مردم و توجیهات شرعی، آنها را به دشمنی با منتقدان برانگیزند. گاهی در سیاستگذاری و

● به یاد داشته باشیم قانون حمایت خانواده پاره‌ای از میراث ملی است که به همه مردم ایران تعلق دارد. سوابق درخشان قانونگذاری یک جامعه، جزو اموال حکام وقت نیست تا در نقطه پایان دوران حاکمیت آنها به دور ریخته شود.

قانونگذاری علیه افکار واپس‌گرا جرقه‌ای زودگذر زده می‌شود اما به سرعت در برابر یورش همه جانبه مدعیان به خاموشی می‌گراید. مراجع قانونگذاری در جنگ و گریز با این تفکر به سر می‌برند. چنانچه برای رفع ستم از زن گامی پیش می‌نهند، به محض مشاهده واکنشهای مخالف، چند گام پس می‌روند و در نتیجه ایستایی و توقف در زمینه حقوقی زن نصیب جامعه‌ای می‌شود که یک خیزش بزرگ انقلابی را بر پایه آنهای

اندوه زیستن  
ابریست تاریک در چشمهای ما  
رنگین کمان را  
نگاه آفتابی می بیند. \*\*

«وفاداری.» تا بر زبانش می آورد، حالش دگرگون می شود و بی اختیار صدایی که برای خودم هم بیگانه است از سینهام بیرون می ریزد: «مگر نیستم؟» نمی گوید که نیستی، اما سرش را زیر می اندازد، به بهانه ای دستها را در جیبهای کت و شلوار به گردش می فرستد، آن وقت غمگین ترین نگاه جهان را به صورتم می دوزد. باز هم لبهایم به هم می چسبند، غدد اشکی ام فعالیتشان را تشدید می کنند، به خود که می آیم صورتم خیس اشک است. تمام سعی ام این است که اطرافیان، مخصوصاً چهار تا خانم و آقای که سر میز پهلویی نشسته اند متوجه نشوند. از آبروریزی می ترسم. این ترس از مادر، مادر بزرگ و مادر مادر بزرگ به من رسیده. اصلاً ترس از آبروریزی زن غالب زنهای فامیل است. «اجتماع خراب است، آلوده است. آن اعتمادی که من به دنبالش هستم سالها طول می کشد تا به وجود بیاید. بدان اگر حالا توانی از من و از خودت دفاع کنی، هیچ وقت نمی توانی.» نگاهش می کنم. «کجایی، حواست به من است؟» نه حواسم نیست. سرش را به علامت نفی تکان می دهد. «هیچ وقت حواست به من نبوده. به چی فکر می کردی راستش را بگو.» راستش را نمی گویم. «می دانی من اخلاص می خواهم. مخصوصاً در این رابطه، همه چیز را تمام می خواهم. نیمه به کارم نمی آید. یا همه چیز یا هیچ چیز.» به همه چیز فکر می کنم که

رو به روی هم نشسته ایم و او حرف می زند، حرف می زند، حرف می زند: «باور کن ناراحت نمی شوم. یعنی باید بدانم، اگر کس دیگری هست...» به دهانش خیره مانده ام. «این حق من است. می دانی دیگر تحمل این وضع را ندارم. برایم سخت است.» برای من هم سخت است. سخت است که به او چشم بدوزم و او نگاهش را بدزد و روی در، پنجره، صندلی، میز، چهره گیج مشتریها و لبخند کج گارسونها بچرخاند. «این سرنوشت من است، یعنی سرنوشت ماست که تنها بمانیم و من سالهاست که سرنوشتم را پذیرفته ام. گله ای هم ندارم.» حرفهایش برایم تازگی ندارند. بارها و بارها آنها را شنیده ام. اولین بار نیست و می دانم آخرین بار هم نخواهد بود. «بگو، حرفت را بزن. راحت باش. بدان که فقط صداقت و درستی به این رابطه معنی

# پایانِ خانم و آقای گول

طاهره علوی

چقدر زیاد است و به هیچ چیز که چقدر کم است. دوباره نگاهش می کنم. اما این بار چیز دیگری در نگاهم نشسته که او نمی بیند. «می دانی که هنوز دوستت دارم. اما دوست داشتن باعث نمی شود که از ارزشهایم بگذرم. نه. آنجایی که پای ارزشهایم وسط است، کوتاه نمی آیم. حالا طرفم هر کس که می خواهد باشد: تو، مادرم یا... خلاصه سکوت نمی کنم.» احمقانه است، چرا می خواهم بخندم، آن هم با صدای بلند؟ چون نمی خواهم برنجد، گوشه های لبم را گاز می گیرم و در دل به خودم لعنت می فرستم. «اما اگر واقعاً زندگی با مرا دوست داری، باید بزرگ بشوی، طوری که بتوانم با خیال آسوده به تو تکیه کنم. جنگ و جدال را کنار بگذاریم و زندگی کنیم، سفر برویم، گردش کنیم، خوش باشیم و از زندگیمان لذت ببریم.» دوباره اشک به چشمهایم هجوم می آورد، از حسرت نداشتن چنین زندگی ای است. چقدر نزدیک و چقدر دست نیافتنی است! دیدن اشکم ناراحتش می کند. «با این حال حاضریم فرصت دیگری به تو بدهم، نه فقط به تو، به خودم، به زندگیمان، چکار کنیم؟ می دانی از دست دادن تو برای من کار ساده ای نیست، چون از آن مردهایی نیستم که به راحتی جایگزین می کنند.» از نو لبهایم را به هم می دوزد و به جایگزین فکر می کند که باهوش تر، زیباتر، جسورتر، متین تر و بزرگتر و بزرگتر و بزرگتر از من است. حالا سکوت دهن کجی است به او، به خودم و به چیز بدی که دارد بین ما شکلی می گیرد. «با این حال می دانم، یعنی مطمئنم که اگر تویی بروی، بهتر از تو می آید، آن هم بدون اینکه به دنبالش بروم،

می دهند.» با این حال هر بار به اندازه همان بار اول از شنیدنشان ناراحت می شوم: گوشه چشمهایم را به هم می آورند و راه گلویم را می بندند. حالا نفسم به سختی بالا می آید. «و هیچ چیز مثل دروغ آن را خراب نمی کند، متوجه هستی دروغ و ریا دشمن این رابطه است. گوشات با من است؟» گوشم با اوست. اما اگر گوش هم نکند می دانم چه می گوید. حرفهایش را می شنوم. صدایش از خاطراتم تا من می رسد. «راستش دیگر نمی کشم. باور کن دیگر توانش را ندارم. این روزها را گذرانده ام. شاید اگر جوانتر بودم...» مدتهاست که حرف جای خود را به سکوت داده. در مقابل نه دفاع می کنم نه حمله ور می شوم، نه توجیه می بافم، نه معنی می کنم. «فکرهایت را بکن. بین من واقعاً همانی هستم که می خواهی؟ همین که هستم. هیچ چیز از تو پنهان نشده. این دستم، این پایم، این رنگ پوستم، کار و درآمد و خانه و زندگی ام.» حالا بعد از ساعتی سکوت احساس می کنم لبهایم را به هم دوخته اند. طوری که انگار همیشه همین طور بوده اند، طوری که شاید با کوچکترین حرکتی جگر بخورند. «این هم جوانی از دست رفته: صورت پر چروک، موهای ریخته و دندانهایی که به زودی از بین می روند.» با بسته شدن دهانم ارتباطم با دنیای بیرون قطع می شود. در درونم من هستم و من. «بین این مرد را دوست داری، فکرهایت را بکن، بین او را می خواهی و همین طوری که هست می توانی به او قناعت کنی؟ اما اگر می خواهی باید بهش وفادار باشی.» این اسم شب لبهای من است. تنها این کلمه می تواند بین آنها شکاف بیندازد:

خودش می‌آید... طوری نگاهش می‌کنم انگار که به دیدن نمایشی نشسته باشم. «منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن... صدایی می‌شنوم، از درونم. هر بار این شعر چیزی، لابد همانی که نامش دل است را می‌شکند. با این حساب تا به حال باید هزار تکه شده باشد. «رابطه این طوری احتیاج به مراقبت دارد. مثل گل می‌ماند، حساس است، مواظبت می‌خواهد، فقط تو را نمی‌گویم، خودم را هم می‌گویم، باید مواظب باشیم تا بهش صدمه نزنیم، باشد؟ می‌خواهی یک بار دیگر امتحان کنیم؟» لبخندی شکافی بین لبهایم می‌اندازد که تا دو طرف صورتم کشیده می‌شود. یک فرصت دیگر، این چیزی است که می‌خواهم: یک فرصت دیگر و او را.

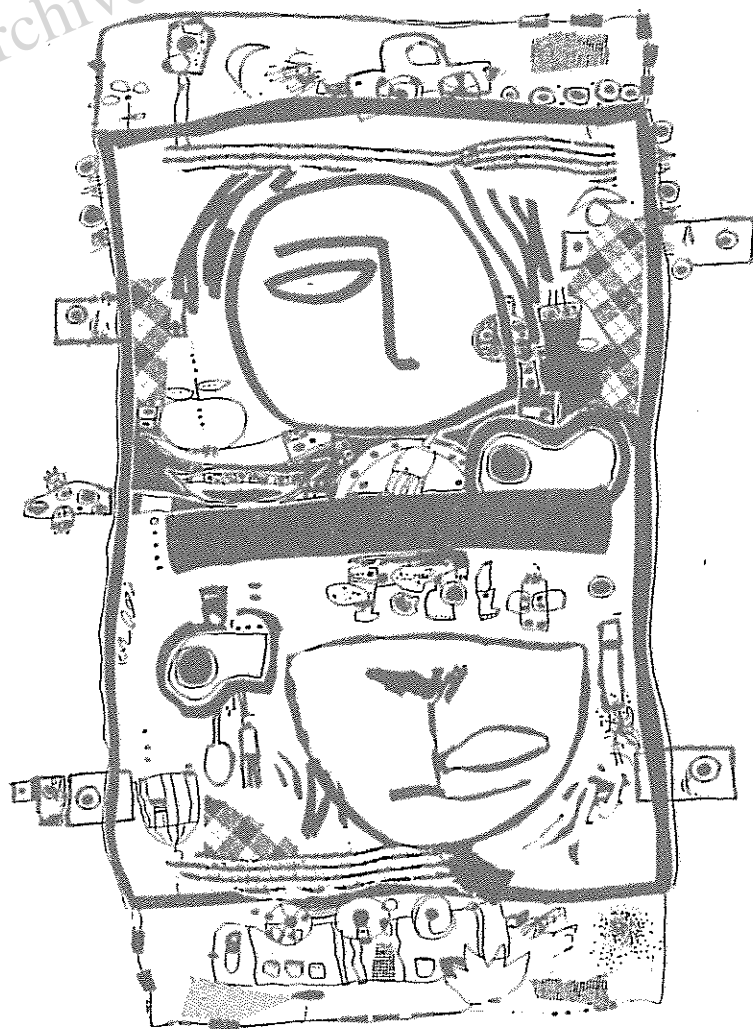
از کنار میز پهلوسی به سرعت می‌گذرم. از سالن رد می‌شوم. می‌خواهم دست و صورتم را بشویم. اما در که به رویم بسته می‌شود، تنهایی غافلگیرم می‌کند، بغضم می‌ترکد: باید خودداتر از اینها باشم. اما نمی‌دانم چرا هیچ وقت این بایدها کاری از پیش نمی‌برند. آرایشم را تازه می‌کنم. به سالن برمی‌گردم. در نگاهش می‌خوانم: کمی ملامت، کمی رنجیدگی، کمی... دیر کردم. نباید آن قدر در دستشویی می‌ماندم. من که می‌دانستم خاطره خوشی از آن ندارد. در چشمهایم می‌خندم. اما خنده‌ام را بی‌جواب می‌گذارد.

حتی هوای تازه شب کمی به ما نمی‌کند. در کنار هم راه می‌رویم اما با هم نیستیم. از کنار چند جوان می‌گذریم، معذب می‌شوم، چرا؟ جوابش را در نگاه او جستجو می‌کنم. جز شماتت نمی‌بینم. دستپاچه می‌شوم. نگاهم را می‌دزدم اما سنگینی نگاهش را حس می‌کنم. بیشتر دستپاچه می‌شوم حالا انگار تمام خیابان، تمام مردم کوچک و بازار به تماشا آمده‌اند تا زن دستپاچه‌ای را ببینند: دستپاچه‌ترین زن جهان را.

دیگر بیگانه‌ایم. آن قدر که اگر دستهای یکدیگر را بگیریم، کسی باور نمی‌کند که با هم هستیم. گاهی جلوی این ویرترین، گاهی جلوی ویرترین دیگر می‌ایستیم اما چشمهایمان خالی است: از مردمک، از نگاه و به چیزهایی خیره می‌شویم که خالی‌اند: از لباس، از اسباب‌بازی. کم‌کم این احساس از چشمها به تمام بدن راه پیدا می‌کند و از خلاء لبریز می‌شوم: آدمی می‌شوم خالی که در فضایی خالی قدم برمی‌دارد. وجودش را حس نمی‌کنم، در کنارش راه می‌روم اما نمی‌بینمش، در کنار من است یا دیگری؟ نمی‌دانم. آشناست یا بیگانه؟ نمی‌پرسم. برایم مهم نیست که در کجای این دنیای بزرگ است: جلو، پشت، کنار ویرترین سمت راست، یا داخل مغازه. این را دوست دارد یا آن دیگری را، گرسنه است، یا سیگارش تمام شده، اصلاً پپ ضررش کمتر است؟ بی‌تفاوتم، نسبت به همه چیز، بین خودم و دنیا دیواری کشیده‌ام به بلندی آرزو. احساس سبکی خاصی دارم. انگار روی ابرها قدم برمی‌دارم. بی‌وزنم و لبهایم سخت به هم چفت شده‌اند. آنها را بیشتر به هم می‌فشارم. از به هم چسبیدگی‌شان لذت می‌برم. کوچکترین روزنی در آنها نیست. هیچ چیز از بیرون به درونم راه پیدا نمی‌کند. چه خودخواه شده‌ام و از پاره شدن ریمان دنیا چه لذت می‌برم! دیگر به راحتی می‌توانم او را فراموش کنم و خودم را، انگار هرگز وجود نداشته‌ایم.

این خیابان دلم را می‌زند به خیابان دیگر می‌پیچم. درست راه رفتن، استفاده از تاکسی، میان‌برزدن... معنی ندارند. همه راهها به یک جا ختم می‌شوند. هیچ راهی، غلط یا درست و هیچ مسیری، مسیر من نیست. چنان بی‌وزن شده‌ام که با کوچکترین حرکتی به هوا پرتاب می‌شوم. مثل فضانوردان باید حساب‌شده عمل کنم. اما حساب‌شدگی چیست؟ حساب‌شدگی هم با من به آن طرف آمده است. پرهیز را همراه هر چه رعایت به جوی آب می‌ریزم و با صدای بلند می‌خندم. احساس نامرئی بودن می‌کنم و ضد ضربه می‌شوم و چنان از خیابان می‌گذرم که شبیه ماشینها از کوچک و بزرگ بلند می‌شود. همه‌شان را به هیچ می‌گیرم و ترمز این یکی را: بنز سفید و راننده‌اش را که می‌شناسم. بارها دیده‌امش. در خیابان، در بانک، پشت دخیل مغازه، در کنارم سر سفره فامیل، شاید هم... خودش است.

... زینکه... بلد نیستی مثل بچه آدم از خیابان رد بشوی؟  
لبخندی تحویلش می‌دهم که: سلام.



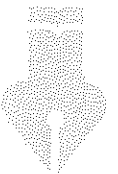
۲

این رستوران را انتخاب کردم، فکر کردم فضایی که دوست دارد بهش آرایش می‌دهد و کمکش می‌کند تا آراستر حرف بزند اما هنوز سر صحبت را باز نکرده عصبانی است، از کوره در رفته و بدون توجه به اطراف صدایش را بالا می‌برد: «چرا متوجه نیستی؟ اگر تو را انتخاب کرده‌ام، یعنی اینکه تو را می‌خواهم و گرنه به دنبال یکی دیگر می‌رفتم،





مگر نه؟ چند بار بگویم که انتخابم تو هستی، تو؟» راست می‌گوید انتخابش من هستم اما فقط بخشی از آن. با دیگری در حسرت من است و با من... شاید اگر می‌توانست همه ما را با هم داشته‌باشد، وضع فرق می‌کرد. «اگر زندگی دیگری می‌خواستم خیلی وقت پیش به دنبالش رفته بودم و این همه سال صبر نمی‌کردم. فکر می‌کنی تنها ماندن و تنها زندگی کردن توی این محیط، کار ساده‌ای است؟» راست می‌گوید تنها ماندن و تنها زندگی کردن کار ساده‌ای نیست اما نمی‌دانم کدام تنهایی را می‌گوید. «مخصوصاً وقتی مثل بقیه زندگی نکنی و راه آنها را نروی. من همه اینها را تحمل کرده‌ام و انتظار کشیده‌ام.» انتظار چه را؟ و حالا که آن قدر انتظار کشیده، به آن رسیده؟ از خودش می‌پرسد. «صبر کردم و تحمل کردم و فکر می‌کنم که این حق من است. این که به آنچه می‌خواهم برسم.» و حالا که زندگی به خاطر تمام آن سالهای انتظار به او بدهکار است، هیچ وقت از هیچ چیز کاملاً راضی نیست. «سعی کن بفهمی، تصمیم‌گیری در مورد چنین قضیه‌ای کار ساده‌ای نیست. آن چیزی که تو اسمش را تردید می‌گذاری، فقط سنجیدن بهتر و دقیقتر است.» نمی‌دانم چرا احساس می‌کنم قبلاً این حرفها را شنیده‌ام، شاید هم در جایی خوانده‌ام. در هر حال می‌دانم پایش چیست. «تحلیل چنین چیزی به خانواده‌ام کار ساده‌ای نیست. مامان اینها را می‌شناسم.» من هم مادرش را می‌شناسم. با اینکه هرگز او را ندیده‌ام. تا اسمش می‌آید، مادر خودم را می‌بینم که دست به کمر روی ایوان بلند خانه ایستاده و خودم را که از پشت حصیر اتاق دایه به او خیره مانده‌ام. «آنها خواست زیادی ندارند. آن طور هم که تو فکر می‌کنی به دنبال مادیات نیستند. فقط آسایش و رفاه مرا می‌خواهند، همین. سعی کن بفهمی. سعی کن شرایط و موقعیتشان را درک کنی.» وقتی این چیزها را می‌گوید عجیب شیه زنی است که پشت میز پهلویی نشسته و با صدای بلند می‌خندد، یا آن دیگری که دم در ایستاده و با اصرار موهایش را از زیر روسری بیرون می‌کشد، یا آن دیگری که... «می‌دانی دیگر دختر ۱۷ ساله نیستم که زود احساساتی می‌شود و تصمیم می‌گیرد. درست است که این نوع زندگی را دوست دارم اما باید ببینم که توان آن را دارم.» همیشه همین طور است. می‌آیند برای اینکه این نوع زندگی را دوست دارند و می‌روند چون توانش را ندارند و من برای همیشه تبدیل به شوهر دلخواه زنانی می‌شوم که حلقه ازدواج دیگری را به انگشت دارند. «نمی‌خواهم انتخابی بکنم که بعدها تویش بمانم. می‌دانی چندین و چند سال خور کردن به یک زندگی و بعد یکباره از آن بریدن کار ساده‌ای نیست.» نه کار ساده‌ای نیست، هیچ. اما کار ساده کدام است؟ به دنبال مدینه فاضله‌ای است که از هر طرف به آن راهی است. بیهوده می‌گردد و نمی‌داند بیهودگی خود چه سخت است. صدایش چنان با حق در هم شده که به سختی قابل تشخیص است. و از چهره‌اش در پس دود سیگاری که با هر نفس ضخیم‌تر می‌شود، جز هاله‌ای نمانده. در دلم غوغایی بر پا می‌شود که یک فرصت دیگر تنها چیزی است که آرامش را به او باز می‌گرداند. از جا بلند می‌شود، به طرف دستشویی می‌رود. در غیابش ثانیه‌ها و دقیقه‌ها را می‌شمارم. زمان گش می‌آید. به ساعت نگاه می‌کنم. هشت و ۴۵ دقیقه است. آیا هشت و ۴۶ دقیقه باز هم زنده خواهم بود؟ اگر نه یک فرصت دیگر به چه کار می‌آید؟ عقربه‌ها نه و ۱۲ دقیقه را نشان می‌دهند و او هنوز نیامده. نگران می‌شوم، از جا بلند شده‌ام که می‌بینم از دور می‌آید: سلاسه سلاسه و بی‌اعتنا.



از رستوران بیرون می‌آیم. هوا سرد است. دستهایم را در جیبها فرو کرده‌ام. به کندی قدم برمی‌دارم، فکر می‌کنم: ای کاش به سرما فرصتی می‌دادیم تا وارد تک‌تک سلولهایمان بشود و آنها را به لرزه بیندازد و تازه‌مان کند. اما او شتاب دارد. چهره‌اش گرفته‌است و آرام ندارد. از جلوی چند جوان می‌گذریم. نگاهش برای لحظه‌ای روی صورت آنها می‌ماند. در چشمهایشان به دنبال چه می‌گردد؟ تأیید؟ نمی‌دانم. رو به من می‌کند. چهره آنان هنوز در نگاهش است: سرزنده و پر انرژی. نگاهم را از او می‌گیرم و به سمت دیگری می‌دوزم. اما بی‌قراری‌اش را حس می‌کنم. سرش را مرتب به این طرف و آن طرف می‌چرخاند و دستهایش را تکان می‌دهد. به تماشای و تیرینها می‌ایستد، با این حال به دنبال چیزی نیست. حالا از من فاصله می‌گیرد. آشکارا دوری می‌کند. شاید دوست دارد تنها باشد. شاید هم ترجیح می‌دهد کس دیگری به جای من در کنارش باشد. از خودم می‌پرسم آن شخص چه کسی است؟ شاید این یکی، شاید هم همانی که کنار «دوو»ی سرمایه‌های رنگش ایستاده. یک‌یک آنها را کنار او قرار می‌دهم. هیچ کدام را نمی‌پسندیم. اما شاید این یکی: مرد قوی هیجانی که پوستی سفید و موهای بلوط رنگ دارد، مرد زیبایی است. او می‌پسندد، حتماً. بیشتر از او فاصله می‌گیرم. می‌خواهم فرصت دیگری به او بدهم. نمی‌دانم، شاید خودم هم به فرصت دیگری احتیاج دارم. حالا دیگر به تصادف در کنار هم قرار می‌گیریم: گاهی جلو، گاهی عقبتر از هم. گاهی به جستجوی یکدیگریم اما میان جمعیتی که در رفت‌وآمد است به سختی هم را پیدا می‌کنیم. رفته‌رفته فاصله بیشتر می‌شود. احساس می‌کنم راحت‌تر است و سبکتر قدم برمی‌دارم. می‌خواهم در انتخاب آزادش بگذارم. اگر این بلوز را می‌پسندد یا آن دیگری را. یا اگر بستنی را به قهوه ترجیح می‌دهد. بیشتر از این چه می‌شود خواست؟ کمی آزادی برای او، کمی آزادی برای من، کمی آزادی برای همه. فاصله بیشتر شده. نگاهش آزاد است و خودش آزادتر. خودم را به جمعیت می‌سپارم. گاهی به راست و گاه به چپ کشیده می‌شوم و گاهی هم برای چند ثانیه در جا می‌ایستم. یک بار به اشتباه دستم را بر شانه زنی می‌گذارم. رویش را برمی‌گرداند، شرمسار دستم را پایین می‌آورم. لبخندی می‌زند، خجالت می‌کشم. او را هم به اشتباه انداخته‌ام. جمعیت مرا با خود می‌برد تا چند متر آن طرفتر رها کند. در پناه دیواری می‌ایستم و نگاهی می‌اندازم. تاریکی شب تشخیص را مشکل می‌کند. به خصوص زنها با مانتو و روسری سیاه کار را سخت‌تر کرده‌اند. او کجاست؟ کمی جلوتر، کمی عقبتر یا در خیابانی درست به موازات این خیابان؟ می‌خواهم سراغش را بگیرم. اما از که؟ از آدمهایی که بی‌توجه از کنارش گذشته‌اند، از همانها که حتی از خود نپرسیده‌اند: «یک زن تنها، آن هم این وقت شب!» می‌دانم که هیچ کس نمی‌داند. هیچ کس نشانی‌اش را ندارد. راستی در چه لباسی بود؟ به پلیس سر چهارراه بگویم چه؟ به دنبال چه هستم؟ دوستم، همسرم، خواهرم... از نگاهم می‌فهمند: زنهای جوان زودتر از بقیه. جلو می‌آیند. نگاهی به من می‌اندازند. من هستم؟ نه تو هم نیستی. هیچ کلماتان

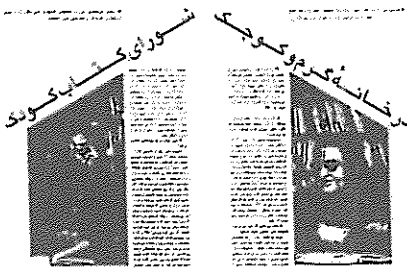
یادداشتها:

\* ابله، نادان، احمق.

\*\* مسعود احمدی، دوندۀ خسته، ص ۱۰

# درباره پرسشنامه نظر خواهی از خوانندگان «زنان»

نامه دبیر شورای کتاب کودک  
به «زنان»



مدیر محترم مجله زنان

با احترام، از توجه آن مجله به فعالیتهای شورای کتاب کودک و درج مقاله «در خانه گرم و کوچک شورای کتاب کودک» در مجله زنان شماره ۲۲ سپاسگزارم. اما ذکر نکته‌ای را در اینجا لازم می‌دانم. در سؤالی که مربوط به انتخاب و گزینش شورا در مورد کتابهای برگزیده سال بود، در خلال صحبتها فراموش کردیم نظر شورا را در مورد هنرمند معاصر، احمد رضا احمدی بیان کنیم. لذا استدعا دارم این نکته برای اطلاع جامعه فرهنگی کشور در آن مجله درج گردد:

شعری به نشر با نام در بهار خرگوش سفیدم رایسافتم (۱۳۷۰) از احمد رضا احمدی مورد بررسی شورا قرار گرفت. در این شعر کودک با آغاز بهار به سفر رنگین فصلها می‌رود تا به آغاز بهاری دیگر می‌رسد اما بی‌تعلق. او در این بهار در نقطه‌ای ایستاده که فناری زرد و خرگوش سفیدش را آزاد می‌کند گویی کودکی شده‌است که می‌داند خانه دوست کجاست.

شورای کتاب کودک این اثر را به خاطر تخیل قوی، ساخت محکم و بیان شاعرانه دارای درجه ادبی عالی می‌داند و معتقد است که این کتاب به همراه تصاویر هنرمندانه، طعم ادبیات ناب را به کودکان می‌چشاند و شایسته عنوان «کتاب برگزیده» است.

با تشکر  
نوش آفرین انصاری  
دبیر شورای کتاب کودک

علوم انسانی تحصیل کرده یا مشغول به تحصیلند.

هر یک از پاسخگویان به طور متوسط مجله را تقریباً به ۳ نفر دیگر می‌دهد تا آنان هم «زنان» را بخوانند.

میانگین نمره‌ای که پاسخگویان به مجله خود داده‌اند، حدود ۱۷ است. بیشتر پاسخگویان نمره ۱۸ را دانسته‌اند.

به هر حال آنچه آشکار است اینکه خوانندگان به مجله خود اعتماد دارند. گذشته از نحوه پاسخگویی، نزدیک به نیمی از پاسخگویان بی‌آنکه از آنان خواسته شده باشد، نام خود را ذکر کرده‌اند و نزدیک به دو سوم ایشان آدرس خود را هم نوشته‌اند، و اینها همان است که معمولاً در این قبیل نظرخواهیها مرسوم نیست مگر آنکه به پرسشگر اعتماد وجود داشته باشد.

اینها خلاصه‌ای فشرده از نظر خوانندگانی بود که محبت کرده، پرسشهای ما را بی‌پاسخ نگذاشتند. گرچه می‌دانیم دل خوانندگانی هم که پاسخ نداده‌اند با ماست ولی در هر حال از دانستن نظرشان خوشحال می‌شویم.

منتظر نتایج تفصیلی این نظر خواهی در شماره آینده باشید.

در شماره‌های ۲۱ و ۲۲ «زنان» پرسشهایی را با شما در میان گذاشتیم با این امید که نظر خوانندگان راهنمای حرکت آینده‌مان شود. نتایج تفصیلی این نظر خواهی را در شماره آینده خواهید خواند. اما اکنون به اشاره، برخی از نتایج مقدماتی را جهت اطلاع خوانندگان می‌آوریم:

میانگین سنی خوانندگان مجله (یا به تعبیر دقیقتر، میانگین سنی پاسخگویان به نظر خواهی) ۳۳ سال است. نیمی از پاسخگویان کمتر و نیمی بیشتر از ۳۰ سال سن دارند. جوانترین پاسخگو ۱۶ ساله و مسن‌ترین آنها ۶۲ ساله است.

۷۷ درصد پاسخگویان زن و ۲۳ درصدشان مرد هستند.

۵۳ درصد پاسخگویان متأهل و ۴۱ درصد آنان مجردند. ۶ درصد دیگر دست کم یک بار ازدواج کرده اما اکنون مجردند.

۷۶ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی‌اند و ۶/۵ درصد آنان پزشک یا دارای مدرک دکتر هستند. نزدیک به نیمی از پاسخگویان در رشته‌های مختلف



ردیف	سوال	پاسخ
۱	نام و نام خانوادگی	
۲	آدرس	
۳	شماره تماس	
۴	شماره کارت ملی	
۵	شماره حساب بانکی	
۶	شماره پاسپورت	
۷	شماره شناسنامه	
۸	شماره کارت ملی	
۹	شماره حساب بانکی	
۱۰	شماره پاسپورت	
۱۱	شماره شناسنامه	
۱۲	شماره کارت ملی	
۱۳	شماره حساب بانکی	
۱۴	شماره پاسپورت	
۱۵	شماره شناسنامه	
۱۶	شماره کارت ملی	
۱۷	شماره حساب بانکی	
۱۸	شماره پاسپورت	
۱۹	شماره شناسنامه	
۲۰	شماره کارت ملی	
۲۱	شماره حساب بانکی	
۲۲	شماره پاسپورت	
۲۳	شماره شناسنامه	
۲۴	شماره کارت ملی	
۲۵	شماره حساب بانکی	
۲۶	شماره پاسپورت	
۲۷	شماره شناسنامه	
۲۸	شماره کارت ملی	
۲۹	شماره حساب بانکی	
۳۰	شماره پاسپورت	
۳۱	شماره شناسنامه	
۳۲	شماره کارت ملی	
۳۳	شماره حساب بانکی	
۳۴	شماره پاسپورت	
۳۵	شماره شناسنامه	
۳۶	شماره کارت ملی	
۳۷	شماره حساب بانکی	
۳۸	شماره پاسپورت	
۳۹	شماره شناسنامه	
۴۰	شماره کارت ملی	
۴۱	شماره حساب بانکی	
۴۲	شماره پاسپورت	
۴۳	شماره شناسنامه	
۴۴	شماره کارت ملی	
۴۵	شماره حساب بانکی	
۴۶	شماره پاسپورت	
۴۷	شماره شناسنامه	
۴۸	شماره کارت ملی	
۴۹	شماره حساب بانکی	
۵۰	شماره پاسپورت	



# پاره‌های دوستی،

الهام خاکسار

## جرعه‌ای عشق

نقد و مروری بر فیلم چکمه، ساخته محمدعلی طالبی

همه ما روزگاری با چشمان کودکی به دنیا نگریم و از همین دریچه خوب و بدها را به قضاوت نشسته‌ایم. هر چند شاید اکنون بسته به موقعیتها و بنا به مشغله روزمره، کم یا زیاد، از آن نگاه شفاف و بی‌آلایش دور افتاده‌ایم. آثار هنری ممتاز کودکان و نوجوانان، که هر از چند گاه امکان ظهور می‌یابند، علاوه بر اینکه در وهله نخست حاوی پیامهای تربیتی برای مخاطبان خردسال هستند، گویی این خاصیت را هم دارند که بزرگسالان را از دنیای پرگرفتاری

می‌گویند کار فیلمساز کاشتن حوادث است. اما مجموعه وقایعی که در چکمه به نمایش گذاشته می‌شود چنان کوچک و ساده و

همیشگی بیرون می‌کشند و در مکتبی حداقل به بلندای زمان نمایش فیلم، آنان را به توقف و توجه در کودکی فرا می‌خوانند. ❏



کارگردان: محمد علی طالبی، بر اساس کتاب چکمه، نوشته هوشنگ مرادی کرمانی، فیلمبردار: فرهاد صبا، تدوین: حسن حسندوست، صدابردار: محمود سماکباشی. موسیقی: محمدرضا علیقلی. بازیگران: سمانه جعفر جلالی، علی آشکار، شقایق اسلامی، رایا نصیری. محصول گروه تلویزیونی شاهد. ۶۰ دقیقه.

سمانه، دختر یتیمی است که با مادرش در اتاقی محقر زندگی می‌کند. او در غیاب مادر، که برای گذران زندگی در کارگاهی به کارگری مشغول است، روزها نزد زن همسایه می‌ماند. شیطنت‌های سمانه موجب می‌شود زن همسایه به ستوه بیاید و از نگهداری او امتناع کند. سمانه به‌ناچار چند روزی را در محل کار مادر می‌گذراند اما بازیگوشی‌های کودکانه‌اش به اعتراض مدیر کارگاه منجر می‌شود. روزی مادر، برای سمانه یک جفت چکمه قرمز می‌خرد. چکمه‌ها، برای استفاده در آینده، بزرگتر از اندازه پای او انتخاب شده‌است. در اتوبوس سمانه به خواب می‌رود و یک لنگه چکمه از پایش می‌افتد. تلاش مادر و جستجوهای سمانه و دوستش، که در پی لنگه چکمه محله را زیر پا می‌گذارند، به جایی نمی‌رسد. عاقبت مادر لنگه چکمه را به علی، پسر یک پای معلول محله می‌دهد. علی لنگه چکمه را به دلیل رنگ قرمزش نمی‌پسندد و به بیرون پرتاب می‌کند اما به وسیله پیرمرد دوره‌گرد نمکی متوجه می‌شود که لنگه گمشده برای خرد شدن، در کارگاه پلاستیک خردکنی است. سرانجام با تلاش بسیار، علی به کارگاه می‌رسد و با کمک نوجوانی که در آنجا کار می‌کند، در میان انبوه پلاستیک‌های ضایعاتی، لنگه چکمه را می‌یابد و به سمانه بازمی‌گرداند.

می‌دهد. تعجیل به‌زودی در سراسر آفرین می‌شود و... فصل زیبای تجسس خودسرانه بچه‌ها در کوچه و مواججه با زین زنبیل به‌دست نیز بهره‌مند از همین روش القای غیرمستقیم است. از دید کودکان، توبیخ و سرزنش بزرگترها در مقابل این تجسس خودسرانه از همان ابتدا قابل پیش‌بینی است اما سمانه، پس از تمرد جسورانه نخست، مرتکب بی‌فکری دیگری می‌شود و دوچرخه‌ای را به عنوان نشانه علامت می‌گذارد. دوست سمانه

که بیشتر فیلمهای کودکان و نوجوانان با ساخت تجاری، به مجموعه‌ای پرزرق و برق، پر سروصدا و پر از زیاده‌روی تبدیل شده‌اند. توفیق چکمه از آن رو بود که قهرمانانی کوچک، با توقعاتی اندک، بی‌هیچ سهمی از خوشیها پنجره قلبهایشان را چنان رو به آفتاب دوستی گشودند که سرمای سوءتفاهم مجال ماندگاری نیافت. طرح مقوله آموزش، دوستی و مفاهیم روشن انسانی، البته همان چیزی است که

روزمره است که مشکل، نام حادثه برخورد می‌گیرد. این سلسله اتفاقات ملموس فیلم، کمابیش با تجربه‌های ما از دنیا و زندگی هم‌خوانی دارد زیرا حکایت به‌دست‌آوردن‌ها و از دست دادن‌هایی است که همگی نظایر آن را در طول زندگی تجربه کرده‌ایم و به صورت خاطره در ذهن داریم. هنر فیلمساز هم درست در همین جاست: چیدن واقعه‌ای روزمره و بزرگ‌نمایی حادثه‌ای که در نگاهی سطحی، پیش پا افتاده و بی‌مقدار می‌نماید. این

● توفیق چکمه از آن روست که قهرمانانی کوچک، با توقعاتی اندک، بی‌هیچ سهمی از خوشیها پنجره قلبهایشان را چنان رو به آفتاب دوستی گشودند که سرمای سوءتفاهم مجال ماندگاری نیافت.

به‌زودی این اشتباه را درمی‌یابد و سعی در بازگشت دارد، اما سمانه به نظر درست دخترک وقعی نمی‌نهد، پس تنها می‌ماند. در اینجا همه می‌دانیم که تنهایی برای کودک برون‌گرایی چون سمانه، گوشمالی کافی‌ای نیست. ولی تنهایی سمانه مصادف می‌شود با حضور زن مشکوکی که سایه‌به‌سایه به دنبال سمانه است و از قضا کله مخوف گوسفندی را در زنبیل دارد. پس سمانه درست به اندازه خطاهایش، به خودی‌خود متنبه می‌شود.

در فیلم، محرومیتها و حسرتها، هیچ‌گاه آشکارا نمایان نمی‌شود. نبودی اگر هست، در لابه‌لای همه بودنهاست و نداشتنها فریاد زده نمی‌شود. مثلاً یتیم‌بودن سمانه و وضعیت زندگی مادر و دختر در اولین فصلی فیلم، از طریق حضور اشیاء، به شکلی تصویری و موجز اعلام می‌شود. اتاق کوچک و نم‌دار و

تمامی دست‌اندرکاران آثار کودکان داعیه طرح آن را دارند. اما چکمه از آن رو موفق است که در رویارویی با کودکان به طوماری از بایدها و نبایدهای پدافعه شبیه نمی‌شود و به هیچ‌روی نصیحت‌گو و موعظه‌گر نیست. مثلاً در هیچ جای فیلم نمی‌شنویم که بچه‌ها مستقیماً به حرف‌شنوی از بزرگترها ترغیب شوند، بلکه به روشنی اثرات بی‌توجهی به توصیه‌های بزرگترها - در اینجا مادر - را می‌بینیم. در ابتدا تمام گرفتاریها با گم‌شدن لنگه چکمه سمانه شروع می‌شود. درست است که چکمه به انتخاب مادر، بزرگتر از پای سمانه خریده شده اما قبلاً از مادر شنیده‌ایم که: «کفشها با جوراب پشمی اندازه می‌شوند.» سمانه ذوق‌زده است. پس در میان غریب و هیاهوی سرخوشانه‌اش، تذکر مادر را نمی‌شنود و در پوشیدن چکمه شتاب به خرج

انتخاب با ذائقه از پیش شکل‌گرفته عامه تماشاگران، البته تعارض پیدا می‌کند زیرا این گروه و به‌ویژه کودکان با توقع تماشای رویدادهای استثنایی و غیره منتظره به سینما می‌روند. بنابراین گم‌شدن لنگه چکمه‌ای پلاستیکی، هر چند صاحبش دخترکی فقیر و آرزومند باشد، در ظاهر حادثه بزرگ و چشمگیری نیست. اتفاقاً همین سوژه کوچک، وقتی قرار است به تبع داستان از ابتدا تا انتها در خانه‌ای فقیرانه و کارگاهی کوچک و کوچکس کوچه‌هایی باریک و فقیرانه تصویر شود، احتمالاً از دست دادن تماشاگر را چندبرابر می‌کند و کار فیلمساز را مضاعف دشوار. زیرا جلوه‌های چشمگیر ظاهری، لباسهای رنگین و خانه‌های مجلل و رنگ و نور، به خودی‌خود حلاوتی فریبنده دارند که لوکیشنهای فقیرانه فاقد آنها. از همین روست





● برخی چهره‌ها که در فیلم بشارت‌دهندگان آشتی و دیگر خواهی هستند، با توسل به اشاره‌هایی تکراری و مستعمل و گاه شعاری معرفی شده‌اند.

● طرح موضوع زن در این فیلم به شکل پس‌زمینه، محدود به عنوان کردن معضلات زنان شاغل نیست، که استقلال، هوشمندی، زیبا اندیشی و سخاوت زنان، در جای جای فیلم و در کل اثر رسوخ کرده‌است.

چرخ خیاطی مادر (که تنها وسیله «پیشرفته» آنهاست) گویای وضعیت مالی، و آئینه و شمع‌دان کوچکی که در دو سوی قاب عکس پدر قرار گرفته، نشان از فقدان پدر و شرایط خاص خانوادگی آنها دارد. پس مقوله دیدن و خوب دیدن، در اینجا به شکلی انجام می‌گیرد که در نوجوانان وجه خردمندانه و نقادانه‌ای را تقویت می‌کند. ایجاد چنین تأثیر مطلوبی، بی‌شک این مخاطبان کوچک را از تأثیر لجام گسیخته آن دسته از فیلمهای تجاری که سبک‌رانه آدمهای خوب را همیشه زیبا و برازنده و آدمهای بد را زشت و بدظاهر نشان می‌دهد، در امان نگاه می‌دارد. زیرا در میان فیلمهای یادشده افراط در استفاده از جاذبه‌های ظاهری، به‌خصوص زمانی که قرار است قهرمان داستان دختر باشد، امری مسبوق به سابقه است. در نخستین گام، دخترکان بازیگر نقشهای اصلی فیلمهای تجاری باید زیبا باشند. در اینجا ممکن است دارا بودن فیزیکی مناسب، همچون ضرورت ابزار کار، شرط منطقی و لازمی تلقی شود اما توجه داشته باشیم که تاکنون دارا بودن این ویژگی در انتخاب بازیگران دختر در مقایسه با بازیگران پسر با تأکید و توجه بیشتری ملحوظ نظر بوده‌است. شاهد مثال بازیگران پسر نوجوان فیلمهای یاز و به‌خاطر هائیه هستند. در چکمه، بازیگر نقش سمانه (سمانه جعفرجلالی) بیشتر براساس رفتار و حرکات و به‌خصوص بازی روان و دلچسبش خواستنی به‌نظر می‌رسد. بازی خیره‌کننده سمانه، بی‌شک حاصل تجربه‌اندوزی و تسلط فیلمسازی است که قَلتِ بچه‌ها را به‌خوبی می‌شناسد. پس سهم کارگردان در طرح و ارائه این چهره مقبول و مطلوب، برخلاف فیلمسازی که ساده‌انگارانه بیش از هر چیز به‌سوی فیزیکی جذاب می‌روند و در بازی گرفتن از کودکان نیز ناموفق باقی می‌مانند، محفوظ است.

اگر قرار باشد برای این فیلم پیش‌زمینه و

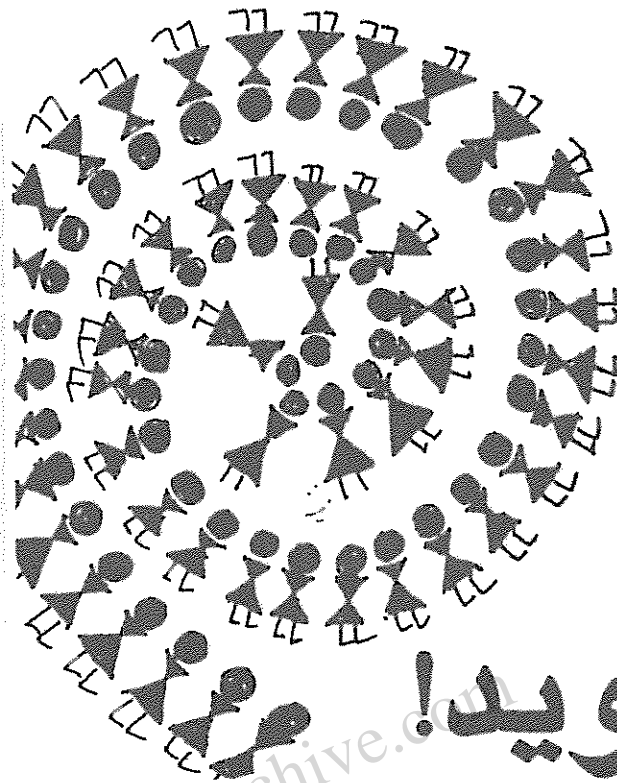
پس‌زمینه‌ای قابل‌باشیم، پیش‌زمینه و کانون توجه، ظاهراً کودکان و روابط عاطفی غنی بین آنهاست. اما در پشت این مناسبات کودکانه، فریاد خاموش زنی قربانی محرومیت، به کل روابط معنا و مفهوم می‌بخشد. قصد فیلم البته آن نیست تا با تصاویر گزارش‌گونه یا مقاله‌ای، مشکلات همیشگی زنان شاغل را توصیف کند. اما ترکیب مجموعه تصاویر موجز و سیال فیلم، تأثیری عمیق نسبت به زنان تحت فشارهای فرساینده شغلی، و به ویژه مادران، ایجاد می‌کند. در فصلی از فیلم مادر، سمانه را در زیر چادر خود پنهانی وارد کارگاه می‌کنند. در آنجا برای مهار کردن رفتار بازیگوشانه غریزی سمانه - که در فضای کاری مادر غیرمجاز است - ناگزیر پای او را به جایی می‌بندند. واکنش زن در اینجا به عنوان آخرین راه حل به منظور ادامه بقا، البته منطقی است اما اصطکاک و مواجهه منطقی دل و منطقی ذهن، و محقق شناختن مادر یا کودک، ما را گرفتار تردیدی سخت و احساسی دوگانه می‌کند. گرچه در نهایت از دیدن آن پای کودکانه که ناروا بسته شده، قلبمان فشرده می‌شود اما مادر زخم‌خورده از تقدیر، در چنین لحظه رقت‌انگیزی، نه تنها به هیچ‌روی سزاوار نگرش به نظر نمی‌رسد، که به دلیل مقاومت و مداومت، کاملاً در بیننده احساس همدلی ایجاد می‌کند. زیرا این مادر که می‌تواند شمایل تمثیلی همه زنان درگیر نان و معاش باشد، تنها محکومی سازنده است و بس؛ محکومی که آرزویمان رهاشدن اوست. اما این آرزو مترادف کار نکردن مادر نیست، که تنها مشتاقی بی‌گاری نکردن او هستیم، که می‌خواهیم مادر فرصت زندگی کردن پیدا کند و روز و شبهایش چنین نباشد که هست. طرح موضوع زن در این فیلم به شکل پس‌زمینه، محدود به عنوان کردن معضلات زنان شاغل نیست، که استقلال، هوشمندی، زیبا اندیشی و سخاوت زنان، در جای جای فیلم و در کل

اثر رسوخ کرده‌است.

گواه اغراق‌آمیز نبودن این مفاهیم، تمامی فصول واقع‌گرایانه‌ای است که مادر با دیگران ارتباط دارد. صرف‌نظر از قابلیت‌های شغلی زن، جنس دوستی مادر با زن همسایه، شیوه گفتار و رفتار و نزدیکی‌اش با سمانه و واکنشهای مادر نسبت به دیگر بچه‌ها از آن جمله‌اند. به عبارت دیگر، چهره مادر در این فیلم، که بسیار تعمیم‌پذیر هم هست، همواره با خود، هاله‌ای از لیاقت و توانمندی به همراه دارد.

البته خوب بودن سقف ندارد و همیشه می‌توان بهتر از آنچه هست بود، همچنان‌که چکمه نیز از برخی شتابزدگی‌ها و آسان‌گیری‌ها در امان نمانده‌است: برخی چهره‌ها که در فیلم بشارت‌دهندگان آشتی و دیگر خواهی هستند، با توسل به اشاره‌هایی تکراری و مستعمل و گاه شعاری معرفی شده‌اند. مثلاً دستی در یک نمای نزدیک به گلدانی آب می‌دهد و در ادامه می‌بینیم که دست پیرمرد مهربان دکه‌داری است که لنگه چکمه را در اتوبوس پیدا کرده و دغدغه یافتن صاحبش را دارد. یا نفس واگذاری امری خطیر به یک کودک قهرمان معلول (علی). همچنین در سکانسی که علی در مسیر کارخانه پلاستیک‌خردکنی با سگی سیاه مواجه می‌شود، راه‌حلی که موجب فرار سگ و رهایی علی می‌شود، باران است. مقایسه این بخش از فیلم که گره‌گشایی، معلول عنصری طبیعی است، با فیلم نان و کوجه (عباس کیارستمی) که در آن پسرک خردسال برای عبور از کوجه تکه نانی به سگ می‌دهد و دوستی او را جلب می‌کند، نشان می‌دهد که بهتر است آن‌گاه که با تماشاگرانی، چون کودکان دقیق، سروکار داریم، برای حل مشکلات و آموزش، پاسخهایی بنیانی و هوشمندانه ارائه دهیم. ■

# شما که به پکن می‌روید!



آنچه می‌خوانید زادسفری است برای آنها که به پکن می‌روند: جریان ساختن تلمخیها و ناگامیهای تجربه نایروبی از سر دلسوزی و همدردی، ارائه اطلاعات و دست‌آورد های کنفرانسهای گذشته و اعلام نیازها و نظاراتی که زنان ایرانی از این سفیران در بازگشت از پکن دارند: انتقال مسائل و مشکلات زن ایرانی و تلاش و مبارزه او برای رسیدن به برابری و آزادی و بازآوردن راه‌آورد تجارب زنان دنیا برای زنان ایران. این مقالات حاصل همکاری ماهنامه زنان، فصلنامه گفتگو و تعدادی از کارشناسان در حوزه مسائل زنان ایران است.

زمینه‌های برابری، توسعه و صلح را شامل می‌شود. این استراتژی‌ها از جانب دولت ایران نیز پذیرفته شده، اما در دهه سالی که از تهیه و تصویب آن می‌گذرد، مفاد آن به ندرت در سطح جامعه مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفته است. چه جای تعجب که سند تازه چند ماه پیش، آن‌هم توسط نمایندگی کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، به فارسی ترجمه و به تعداد معدودی پخش شده است. ظرف آن که یکی از رهنمودهای این سند به دولت‌ها این است که «استراتژیهای آینده‌نگر را حتی الامکان برای همگان پخش و کاری کنند که محتوای آن به زبانهای مختلف ترجمه و منتشر شود تا مقامات و عموم مردم و به‌ویژه سازمانهای زنان در سطح عامه از اهداف و توصیه‌های مندرج در آن آگاهی یابند.»<sup>۱</sup> کاری که پس از گذشت تقریباً ده سال صورت گرفته است. همین تذکر در مورد تأسیس دفتری که وظیفه هماهنگی سازمانهای غیردولتی را ایفا کند، صادق است.

این تجارب نشان می‌دهد که هرچند امضای اسناد بین‌المللی و قطعنامه‌ها کاری است سهل، حرکت در جهت اجرای مفاد این قطعنامه‌ها به کندی و گویی با اکراه صورت می‌گیرد. امضای اسناد و قطعنامه‌های بین‌المللی از طرف دولت‌ها می‌تواند پیرو

سیاست‌گزار» مورد استفاده همه دولت‌ها قرار می‌گیرد.

سعی افرادی که از طرف دولت ایران یا از طرف سازمانهای دولتی ایرانی در این کنفرانس شرکت می‌کنند، عمدتاً این است که سایر شرکت‌کنندگان را از مواضع دولت ایران پیرامون قطعنامه‌هایی که به تصویب گذاشته می‌شود، مطلع و حتی‌المقدور کاری کنند تا قطعنامه نهایی‌ای که در آن رهیافت‌های آینده معین می‌شود، همسو و همساز با دیدگاهها و سیاستهای دولت جمهوری اسلامی باشد.

نقش سازمان‌های غیردولتی نیز در تدوین این سند نهایی اساسی است زیرا آنان، می‌توانند از طریق تریبون‌های موجود نظر مستقل خود را پیرامون مفاد قطعنامه بازگو کنند و از طریق صحبت با نمایندگان دولت‌ها، آنان را وادار به پذیرفتن یا در نظر گرفتن دیدگاه‌های غیردولتی کنند.

شبهه همین گردهمایی، ۱۰ سال پیش در نایروبی تشکیل شد که حاصل کار آن، سندی به نام «استراتژیهای آینده‌نگر نایروبی برای پیشرفت زنان» که استراتژیهای اتخاذ شده به منظور بازنگری و ارزیابی موفقیت‌های به‌دست‌آمده در دهه ۱۹۷۵-۱۹۸۵، در

شما که به پکن می‌روید، در یکی از دو گردهمایی‌ای که تقریباً همزمان در پکن برگزار می‌شود و یا شاید در هر دو آنها شرکت خواهید کرد. این گردهمایی‌ها فرصتی است برای زنان تا پیرامون مسائل خود به گفت‌وگو بنشینند و شیوه‌های سازمان‌یابی، بسیج، تبلیغ و ترویج و آموزش را مورد توجه قرار دهند. یکی از این گردهمایی‌ها، که حدود ۳۵ هزار نفر شرکت‌کننده خواهد داشت، «گردهمایی سازمانهای غیردولتی» خواهد بود. این گردهمایی که دستور جلسه و چارچوب ثابت و از پیش تعیین‌شده‌ای ندارد، موقعیتی برای تجمع افراد است تا به تبادل نظر پیرامون تجربیات به‌خصوص در زمینه تأثیرگذاری بر سیاستهای دولت‌های متبوعشان در حوزه مسائل زنان بپردازند. در ضمن می‌دانیم این گردهمایی زمینه‌ساز تشکیل سازمانها و شبکه‌های جدید در امور زنان می‌باشد.

گردهمایی دوم، همان اجلاس دولتی است که دستور جلسه از پیش تعیین‌شده و اهداف مشخص و روشنی دارد و «چهارمین کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد زنان» نام دارد که نمایندگان دولت‌ها در آن شرکت می‌کنند. هدف این گردهمایی تدوین برنامه عملی مشترکی است که به منزله «سند

## کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

استراتژیهای آینده‌نگر برای پیشرفت زنان که در کنفرانس جهانی ناپروبی به تصویب رسید؛ به سندی به نام کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ارجاع می‌دهند. از این رو هیچیک از مصوبات قطعنامه‌های سازمان ملل، از جمله سند ناپروبی و همین‌طور سندی که در چین به تصویب خواهد رسید؛ نباید در تناقض با مفاد کنوانسیون نامبرده باشند.

حدوداً ۱۲۰ کشور، از جمله بسیاری از کشورهای جهان سوم یا با اکثریتی مسلمان، همچون اندونزی، مصر، بنگلادش، چین، عراق، نیجریه، سنگال، تونس، ترکیه و... به عضویت کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان درآمدند. این کنوانسیون از دول عضو می‌خواهد که بدون درنگ سیاست رفع تبعیض علیه زنان را در پیش گرفته و «اصل مساوات زن و مرد را در قانون اساسی و سایر قوانین مربوطه بگنجانند...» و نیز «کلیه مقررات کیفری که تبعیضات علیه زنان را دربردارد، فسخ» نمایند.

کنوانسیون نامبرده ملاحظاتی را دال بر

رعایت خصوصیات فرهنگی و تاریخی- سنتی هر کشور به هنگام امضای آن می‌پذیرد اما با تأکید در ماده ۲۸ خود یادآور می‌شود که «ملاحظاتی که با هدف و منظور این کنوانسیون سازگار نباشد، پذیرفته نخواهد شد.» یعنی تمامی قطعنامه‌هایی که به این کنوانسیون استناد می‌کنند و نیز تمامی کشورهایی که پای این قطعنامه‌ها را امضا می‌کنند، در واقع مفاد کنوانسیون را پذیرفته‌اند و در نتیجه هیچ دولتی نمی‌تواند به بهانه تفاوت‌های فرهنگی و خصوصیات محلی، قوانینی ناقض مواد این قطعنامه به تصویب برساند.

فشارهای بین‌المللی و نیز برای همسویی با سایر کشورها و در نتیجه پرهیز از انزوای بین‌المللی صورت پذیرد اما عملی کردن و فعالیت در جهت رهنمودهای داده شده در این اسناد و استراتژیهای تعیین شده به مقدمات دیگری نیاز دارد که بسیاری اوقات مورد عنایت دولتها قرار نمی‌گیرد. از این رو بر سازمانهای غیردولتی ایرانی شرکت‌کننده در این کنفرانس الزامی است که از کاستیها و

نقاط ضعفی که مانع عملی شدن رهنمودهای کنفرانس پیشین در ایران شده‌است آگاه باشند و درصد چاره‌جویی برآیند تا قطعنامه‌ها یکن به سرنوشت قطعنامه ناپروبی دچار نشود.

همان‌گونه که دراول نوشته یادآور شد، اهم توجه هیأت‌های دولتی و افرادی که از جانب سازمانهای دولتی در این کنفرانسها شرکت می‌کنند، به هماهنگ کردن قطعنامه با سیاستهای عمومی‌شان است. نگاهی به تنها

گزارش مکتوب و عمومی از کنفرانس ناپروبی، حاکی از توجه بیش از حد اعضای شرکت‌کننده به سیاستهای عمومی و مسائلی از این دست می‌باشد. به این معنا، جنبه عملی مسائل، تجربه‌آموزی از روش سایر کشورها در پیشبرد مفاد قطعنامه‌ها، مقایسه شکل‌های سازماندهی و بسیج عمومی برای پیشبرد این اهداف، نوع رابطه مطلوب بین سازمانهای دولتی و غیردولتی و سایر حوزه‌های مهم همه‌به

## تاریخچه کنفرانس جهانی زن

مجمع عمومی سازمان ملل، سال ۱۹۷۵ را به عنوان «سال جهانی زن» اعلام و بدین ترتیب مقدمات برگزاری اولین کنفرانس جهانی پیرامون مسائل زنان را فراهم کرد. این کنفرانس میان‌دولتی که در مکزیکوسیتی برگزار شد و ۱۳۳ کشور و بیش از هزار نماینده در آن شرکت داشتند، اولین برنامه عمل جهانی را برای پیشبرد امور زنان تدوین کرد. به موازات این کنفرانس، شش هزار زن و مرد در گردهمایی دیگری شرکت کردند که ویژه سازمانهای غیردولتی بود. هر چند این اجلاس، طبق توافق اولیه، قطعنامه‌ای صادر نکرد اما خود آغازی برای برانگیختن حساسیت دولتها نسبت به مسائل زنان و به‌کارگیری سازمانهای غیردولتی برای پیشبرد امور در این زمینه شد. سازمان ملل، همچنین، سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۵ را «دهه زن: برای برابری، توسعه و صلح» اعلام کرد.

پنج سال بعد، دومین کنفرانس جهانی زن در سال ۱۹۸۰ در کینشاس دانمارک برگزار شد. در این کنفرانس، بازبینی پیشرفتهای به‌دست‌آمده پس از اولین کنفرانس و نیز تعیین اهداف دومین نیمه‌دهه زن مورد بررسی قرار گرفت. در دستور کار این کنفرانس، به موضوعهای پیشین، سه محور دیگر یعنی آموزش، اشتغال و بهداشت اضافه شد. در کینشاس، به موازات گردهمایی دولتها، سازمانهای غیردولتی نیز گردهم آمدند و همان موضوعهایی را که در کنفرانس و توسط نمایندگان دولت مطرح شد؛ بین خود به بحث گذاشتند.

سومین کنفرانس جهانی زن، در آخر دهه زن، در سال ۱۹۸۵، جهت بازبینی و تأیید دستاوردهای دهه زن در ناپروبی کنیا برگزار شد. نتیجه این کنفرانس سندی با عنوان استراتژیهای آینده‌نگر برای پیشبرد زنان تا سال ۲۰۰۰ بود که با حضور و مشارکت ۱۶ هزار نماینده دولتی و سازمانهای غیردولتی از سراسر جهان، به اتفاق آراء تصویب شد.

این سند برنامه عملی دولتها و گروههای بین‌المللی را در زمینه‌های مشخص، در جهت بهبود وضعیت زنان تعیین و ارائه کرده است. سازمانهای غیردولتی نیز با برپایی سخنرانی، میزگرد، نمایشگاه، کارگاه، جشنواره فیلم، غرفه، بازار و... فعالانه در ناپروبی شرکت کردند.

کنفرانس جهانی زن در چین، چهارمین کنفرانس است که سازمان ملل به این صورت و بنا بر این هدف برگزار می‌کنند. موضوع کنفرانس شناسایی راههایی برای دستیابی به اهداف یادآوری شده و برنامه آن بررسی جهانی نقش زنان در توسعه و صدور اعلامیه‌ای است که در آن خط مشی‌های کلان در پیوند با فعالیتهای عملی تشریح شده‌باشد. در یکن نیز سازمانهای غیردولتی، از ۱۷ تا ۱۸ شهریور امسال (۳۰ اوت تا هشت سپتامبر ۹۵) حضور خواهند داشت تا با بحث و تبادل نظر، خود را برای تأثیرگذاری بر تصمیمات کنفرانس مهیا سازند.

عهده افراد و سازمانهایی است که به صورت شخصی و مستقل در این کنفرانس شرکت می کنند.

نمایندگان دولت، که برای شرکت در این کنفرانس به پکن می روند، به پشتگرمی سندی به نام «گزارش ملی» از مواضع خویش دفاع خواهند کرد اما سازمانهای غیردولتی ایرانی بدون آگاهی به اتفاق نظرها و نیز تفاوتهای موجود در دیدگاههایشان به پکن خواهند رفت. آگاهی به اتفاق نظرها و نیز تفاوت دیدگاهها بین خود این سازمانها و نیز با دولت به گردهماییهای مستقل و آزادانه ای نیاز داشت که می بایست در طول ده سالی که کنفرانس نایروبی را از پکن جدا می کند، تشکیل می شد و به زنان ایران اجازه می داد که آزادانه و بدون سرپرستی و قیومیت دولت به تبادل نظریات خود بپردازند. شاید اگر یک چنین اتفاقی می افتاد سازمانهای غیردولتی نیز سندی را به همراه خود به پکن می بردند که بیانگر نظرات جامعه مدنی ایران در زمینه پیشبرد امور زنان بود. اما در غیاب یک چنین سندی، فعلاً تنها متنی که بخشی از این سازمانها را به هم پیوند می دهد سندی است به نام سند تهران، که در آن فقط جنبه ای از جوانب مسائل زنان ایرانی پیش کشیده شده است و جوانب اساسی دیگر، به کلی، به فراموشی سپرده شده اند. حتی اگر بپذیریم که سکوت پیرامون مسائلی همچون حقوق برابر زنان، فرهنگ زن ستیزی موجود در برخی کشورهای منطقه و... برای جلوگیری از تکراری شدن مطالب یادآوری شده در سند جا کارتا بوده است، مشکل می توان کم بها دادن به نقش سازمانهای غیردولتی را حتی در اجرای مفاد خود این بیانیه توجیه کرد. از این رو انتظار می رود سازمانهای غیردولتی ایران و افرادی که به طور مستقل در این گردهمایی شرکت می کنند، با بازگو کردن سایر دیدگاهها، این کمبود را برطرف کنند و تجارب دموکراتیک سایر کشورهایی را که در آنها سازمانهای گوناگون غیردولتی با دیدگاههای متفاوت به همزیستی و تعادل مثبتی با دولت رسیده اند، برای کسانی که به پکن نمی روند به ارمغان بیاورند.

یادداشتها:

- 1 - NGO Forum on Women in Beijing 95.
- 2 - U.N. Fourth World Conference on Women.

## سند جا کارتا و بیانیه جا کارتا

اجلاس جا کارتا نخستین نشست منطقه ای میان دولتی پیش از برگزاری کنفرانس جهانی زن در پکن بود که حدوداً یک سال پیش در اندونزی تشکیل شد. در این نشست، کشورها ضمن ارائه گزارش از کارهای انجام شده در کشورشان برای بهبود وضع زنان در ۱۰ سال گذشته، استراتژیهای آینده را نیز بررسی کردند. حاصل این نشست یک سند و یک بیانیه بود.

سند جا کارتا در واقع نسخه تجدیدنظر شده استراتژیهای آینده نگر نایروبی است. این سند همراه با سایر اسنادی که از سایر منطقه ها و کشورها به کمیته تدارکات کنفرانس فرستاده می شود، پایه سند نهایی کنفرانس پکن را تشکیل می دهد.

بیانیه جا کارتا توسط سازمانهای غیردولتی تنظیم شده است و سندی است حاصل گفت و گوی این سازمانها با سازمانهای دولتی. این بیانیه به صورت جزوای جاری ۱۰۳ پیشنهاد کلیدی در زمینه بهبود وضعیت زنان و ۱۰ رهنمود برای عملی ساختن آن منتشر شده است. اهمیت بیانیه جا کارتا از جمله در این است که صدای سازمانهای غیردولتی منطقه آسیا و نشان پیشرفت و کارکرد وسیع سازمانهای غیردولتی در برخی از کشورها در این منطقه است. لحن این بیانیه که خطاب به دولتها نوشته شده است، از راهی طولانی نشان دارد که سازمانهای غیردولتی در ایران برای رسیدن به استقلال از دولت باید بیایند.

هم سند و هم بیانیه جا کارتا به فارسی برگردانده شده و می بایست که در دسترس شرکت کنندگان ایرانی کنفرانس جهانی پکن قرار گیرد.



۳- استراتژیهای آینده نگر نایروبی برای پیشرفت زنان، ترجمه شیوا صفوی، حشمت کامرانی، تکثیر توسط نمایندگی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در تهران. تلفن ۸۰۱۷۶۱۱-۱۷.

## گزارش ملی

کمیسیون مقام زن در سازمان ملل، که وظیفه آماده سازی کنفرانس جهانی پکن را به عهده دارد، از هر یک از دولتهای عضو سازمان ملل درخواست کرده بود تا گزارشی پیرامون وضعیت زنان در کشور خود تهیه کنند. تهیه این گزارش یکی از وظایف کمیته ای به نام «کمیته ملی» است. در ایران چنین کمیته ای با نام کمیته ملی چهارمین کنفرانس جهانی زن به ریاست شهلا حبیبی تشکیل شد.

گزارشهای ملی که از طرف تمامی کشورها به دبیرخانه کنفرانس پکن می رسد، اساس طرحهایی را تشکیل می دهد که چارجوب فعالیتهای عملی منطقه ای را تعیین می کند. این طرحهای منطقه ای، در تهیه سند اصلی کنفرانس پکن نقش اساسی دارند. برای تهیه این گزارش به کمیته های ملی توصیه شده که از حداکثر مشورت با سازمانهای غیردولتی زنان و نیز مشاوران و فعالان شناخته شده در حوزه مسائل زنان بهره گیرند تا دیدگاههای مختلف در این گزارش بازتاب یافته، اطلاعات و ارقام داده شده به واقعیت نزدیکتر باشد.

در ایران با وجود این توصیه، گزارش ملی بدون نظرخواهی وسیع از کارشناسان و فعالان مسائل زنان تهیه و به دبیرخانه کنفرانس فرستاده شد و از این رو، در واقع گزارشی است دولتی از تغییر و تحول وضعیت زنان ایران.



# اولین کنفرانس بین‌المللی سازمانهای غیردولتی ایران در تدارک پکن؟



مهمانان خارجی شرکت‌کننده در اولین کنفرانس بین‌المللی سازمانهای غیردولتی ایران

ایران شناسایی یا به بازی گرفته نشده‌اند، به‌ویژه حضور سازمانهای غیردولتی شهرستانها در کنفرانس بسیار کم‌رنگ بود و اظهارات آنها هم که شرکت کرده‌بودند نشان می‌داد که چندان در جریان علت حضورشان در کنفرانس قرارنگرفته‌اند. بنابراین حتی همین گروههای شرکت‌کننده در کنفرانس نیز، که البته بسیاری از آنان نوپایند و تعدادی از آنان حتی چندان هم غیردولتی نیستند، تجربه خاصی از کار مشترک و حضور در عرصه‌های بین‌المللی ندارند. گویی دست‌اندرکاران کنفرانس نیز خود هنوز تعریف منسجمی از خصوصیات، نقش و کارکرد یک سازمان غیردولتی و تفاوت آن با سازمان دولتی در ایران ندارند. بی‌تفاوتی نسبت به نقش سازمانهای غیردولتی امری است که بازتاب آن در بیانیه نیز به‌خوبی مشهود است. این بیانیه کمترین توجهی به نقش و تأثیر این سازمانها نکرده‌است.

از سوی دیگر باید باور داشته باشیم که حتی اگر منظور از برگزاری چنین کنفرانسی رسیدن به همسویی نظرات زنانی از کشورهای مختلف بوده‌است صرف دعوت تعدادی شرکت‌کننده خارجی دسترسی به این هدف را برآورده نمی‌سازد. آنچه بیش از همه به یک کنفرانس، آن هم از نوع بین‌المللی آن، اعتبار می‌بخشد؛ برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند و نظم و ترتیب در اجرای برنامه و ارائه خدمات به‌موقع است که، علی‌رغم فعالیت اعضای جوان و فعال کنفرانس، از آن خیری نبود.

گذشته از همه اینها، یکی از مشکلات مهم سازمانهای غیردولتی ایران، برای شرکت در کنفرانس پکن، مشکل مالی است. این

اسناد یادشده، بیانیه اولین کنفرانس بین‌المللی سازمانهای غیردولتی زنان در ایران نیز به تصویب رسید.

در کنار برنامه‌های کنفرانس، چهار میزگرد تخصصی در زمینه‌های «زنان پناهنده»، «زنان در جنگ»، «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان»، «لزوم ایجاد شکل سازمانهای غیردولتی زنان مسلمان» نیز برگزار شد.

پیش‌نویس سند و بیانیه نهایی توسط هیأت علمی کنفرانس تهیه شده بود که با تغییرات جزئی به تصویب شرکت‌کنندگان رسید. این اسناد شامل بخشهای مقدمه، هدفها، موانع و استراتژیهاست که محتوای آنها نهایتاً به موضوع نقش زن در توسعه انسانی بازمی‌گردد.

چنان‌که در گزارش نهایی کنفرانس آمده‌است، «مقرر گردیده» است که اسناد نهایی مصوب «جهت ارائه به کلیه نهادهای بین‌المللی از جمله کنفرانس پکن تسلیم شود.»

از آنجا که این گردهمایی نام «اولین کنفرانس بین‌المللی سازمانهای غیردولتی» را بر دوش می‌کشید، انتظار می‌رفت حداقل بخشی از آن به طرح مسائل خاص سازمانهای غیردولتی در ایران و تبادل تجربیات با سازمانهای غیردولتی سایر کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس اختصاص یابد تا از این رهگذر سازمانهای غیردولتی ایران نیز توشه‌ای برای سفر به پکن بیندوزند و این در حالی است که، علی‌رغم گذشت ده‌سال از کنفرانس نایروبی، دفتر هماهنگی سازمانهای غیردولتی در ایران عمری بیش از یک‌سال ندارد و طبیعی است که در این مدت کم همه سازمانهای غیردولتی

در فاصله روزهای اول تا سوم خرداد، اولین کنفرانس بین‌المللی سازمانهای غیردولتی در تهران، در هتل استقلال، تحت عنوان «نقش زن و خانواده در توسعه انسانی» برگزار شد. برگزارکنندگان این کنفرانس دفتر هماهنگی سازمانهای غیردولتی زنان به سرپرستی دکتر معصومه ابتکار و کمیته ملی چهارمین کنفرانس جهانی زن به سرپرستی شهلا حبیبی، مشاور رئیس‌جمهور در امور زنان، بودند. این کنفرانس با همکاری دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و سازمانهای دولتی دیگر تشکیل شد. ❏

در اطلاعیه منتشر شده در آغاز کنفرانس آمده‌بود که انتظار می‌رود در این کنفرانس نمایندگان ۶۰ سازمان و انجمن غیردولتی ایران و همچنین ۸۰ نفر از نمایندگان ۶۰ سازمان غیردولتی از ۴۵ کشور دنیا شرکت کنند که در عمل، مطابق فهرست منتشره توسط مسئولان دفتر هماهنگی، تنها ۵۳ نفر از میهمانان خارجی و، مطابق آنچه به چشم می‌خورد، تنها حدود ۴۰ سازمان غیردولتی داخلی در کنفرانس شرکت کرده‌بودند که در هر حال جمع قابل توجهی به شمار می‌آمد.

کنفرانس در کنار جلسات عمومی که به سخنرانی مدعوین اختصاص داشت، دارای سه گروه کاری بود که هر سه، در هر روز، درباره یک موضوع مشترک به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند. گروههای کاری در روزهای اول و دوم، سندهای نهایی کنفرانس را درباره سه موضوع «نقش زن در توسعه انسانی»، «نقش خانواده در توسعه انسانی» و «نقش ادیان الهی در پیشبرد وضعیت زنان» تصویب کردند. در جلسه نهایی، علاوه بر



مشکل به‌ویژه در مورد آنها که مستقل‌تر و بی‌بضاعت‌ترند صادق است. مسئولان دفتر هماهنگی و دفتر امور زنان اظهار می‌کنند که همچنان به دنبال پیدا کردن منابع مالی برای تأمین مخارج این سفر هستند. آیا در چنین شرایطی بهتر نبود که هزینه گزاف برگزاری چنین کنفرانسی صرف کمک به سازمانهای غیردولتی‌ای می‌شد که به خاطر ضعف بنیه

مالی توان حضور در پکن را ندارند؟ به هر حال مدت زیادی به برگزاری کنفرانس پکن باقی نمانده است. صحبت از ضرورت اقداماتی که می‌توانست امروز سازمانهای غیردولتی ما را نیز قادر سازد تا با ینشی عمیق از نقش خود به عنوان سازمان غیردولتی، حضوری قدرتمند در کنفرانس پکن داشته‌باشند، دیگر دیر است. آنچه اکنون باید

در برنامه کار ما قرار داشته باشد این است که حداقل پیش از رفتن به پکن بدانیم حضور در چنین کنفرانسی با چه هدفی صورت می‌گیرد. باید منتظر ماند و دید آن دسته از سازمانهای غیردولتی که امکان و فرصت این سفر و تجربه بین‌المللی را می‌یابند، برای ما چه به ارمغان می‌آورند ■

شش روز زودتر از زمان برگزاری چهارمین کنفرانس بین‌المللی زنان در پکن، گردهمایی دیگری میان نمایندگان سازمانهای غیردولتی و همچنین افراد علاقه‌مند به مسائل زنان روی خواهد داد. محل برگزاری این گردهمایی هم پکن است و تاریخ برگزاری آن از هشت تا ۱۷ شهریور خواهد بود. اهمیت این نشست نیز به هیچ‌رو کمتر از خود کنفرانس بین‌المللی زنان نیست.

سابقه حضور سازمانهای غیردولتی زنان در عرصه‌های بین‌المللی به سال ۱۹۷۵ در مکزیک و زمان برگزاری اولین کنفرانس میان‌دولتی زنان می‌رسد. در این کنفرانس ۶ هزار مرد و زن، که به نمایندگی از سازمانهای غیردولتی آمده‌بودند، در جلسات و کارگاههای آموزشی گوناگون گردهم جمع شدند. فعالیت این کارگاههای آموزشی از ارائه کالاهای زنان روستایی تا موضوعهای خاصی نظیر کارآموزی زنان اخترشناس را دربرمی‌گرفت.

در کنفرانس ناپروبی نیز، به‌موازات کنفرانس نمایندگان دولتی، ۱۵ هزار نفر در کارگاههای آموزشی، سخنرانیها، نمایشگاهها و مباحثات گروهی، جشنواره بین‌المللی فیلم و ویدئو و از این قبیل شرکت داشتند. محور موضوع گردهمایی سازمانهای غیردولتی همان مسائل کنفرانس جهانی بود. اما در بسیاری موارد دیگر نیز مانند زن، حقوق و توسعه، زن در هنر، موسیقی و غیر آن به گفت‌وگو و تبادل نظر نشستند. با این که در این گردهمایی نیز بیانیه‌ای صادر نشد، اما زمینه ایجاد حدود ۱۲ شبکه و سازمان جدید و بین‌المللی در ارتباط با دورنمای جنبش زنان و فمینیسم و سایر فعالیتهای زنان فراهم

آمد.

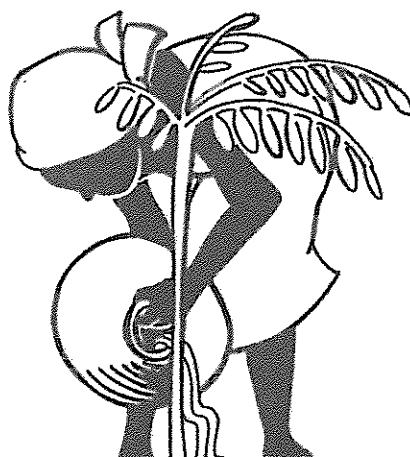
نیت از برشماری سابقه و زمینه فعالیت و حد تأثیرگذاری سازمانهای غیردولتی شرکت‌کننده در چند گردهمایی پیشین نشان دادن اهمیت شرکت در اینگونه نشستها برای سازمانهای غیردولتی ایران است. در این جلسات است که می‌توان از تجربه سایر سازمانهای غیردولتی در تأثیر بر دول متبوعشان، شیوه‌های این تأثیرگذاری و انتخاب مناسبترین آنها در پیوند با فرهنگ، تاریخ و موضوع موردنظر سود جست. علاوه بر این می‌توان از شیوه‌های گوناگون تأمین مالی، در عین استقلال، نوع و چارچوب همکاریهای بین سازمانهای غیردولتی، چگونگی برقراری ارتباط با دولت و چگونگی برخورداری از فعالیتهای مالی و معنوی سازمانهای بین‌المللی آگاه شد.

مهم این است که زنان ایرانی شرکت‌کننده در این کنفرانس دریابند که با سایر زنانی که از کشورها، فرهنگها و جایگاههای طبقاتی مختلف می‌آیند، کجا و چگونه دارای منافع و خواستههای مشترک هستند. با توجه به آنچه گفته‌شد شرکت همه‌جانبه و گسترده در تک‌تک آنها و مشارکت در آنها بی‌شک به هنگام بازگشت هیأت غیردولتی ایرانی در فعالیتهای

آنان نمود خواهد داشت. دستگاه رسمی سازمان ملل نیز خواهان مشارکت هرچه بیشتر نمایندگان غیردولتیها در فعالیتهای مزبور است. شاید علت این پافشاری نقشی است که سازمانهای غیردولتی در دهه ۸۰ یافته‌اند. حضور سازمانهای غیردولتی در این دهه، در عرصه فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی، در جهان سوم، باید در کشور خود ما نیز با ژرف‌بینی و بررسی همه‌جانبه نوع فعالیت و هدف فعالیت این سازمانها، چه مضمون فعالیت آنها مسائل زنان باشد و چه نباشد، موردبحث قرار گیرد. در کشور ما حدود ۵۶ سازمان غیردولتی فعال هستند، و هر چند کم و کیف فعالیت مستقل آنان هنوز چندان آشکار و تأثیرگذار نیست، اما حضور پاره‌ای از آنها در یک تجربه جهانی می‌تواند، به دلایل گوناگون، امیدبخش باشد.

در آخرین تصمیم‌گیریهای نشست نمایندگان سازمانهای غیردولتی در نیویورک، در اسفندماه سال جاری، از جمله محورهای زیر برای بحث تدارک دیده شده‌است: فقر، آموزش، بهداشت، خشونت علیه زنان، اثرات درگیریهای مسلحانه، ساختار اقتصادی و سیاسی، نابرابری زن و مرد در تصمیم‌گیری، برابری جنسیتی، حقوق بشر زنان، وسایل ارتباط جمعی، محیط زیست.

یکی دیگر از جهت‌گیریها در فعالیت زنان، که در سطح بین‌المللی مطرح است، مشارکت دادن نیروهای جوان در تدارک اولیه کنفرانس و گردهمایی و همچنین برگزاری جلسات برای طرح موضوعات مورد نظر و خاص جوانان است. اینان با شرکت و آشنایی به موضوع می‌توانند همچون نیروی تداوم حرکت مبارزاتی زنان را در آینده



تضمین کنند.

سازمانهای غیردولتی ایرانی می‌توانند از میان ۳۲ موضوع پیشنهادی از طرف کمیته تدارک کنفرانس فعالیت خود را در موضوعاتی که در جامعه ما بیشتر مطرح و اهمیت آن بیش از پیش مورد توجه است متمرکز کنند و اطلاع وسیعی را در این حوزه‌ها در بازگشت از پکن برای سایر زنان

به همراه بیاورند. این موضوعها عبارتند از: دختر بچه‌ها، آموزش، اشتغال، برابری، خانواده، حقوق بشر و زنان مهاجر. سازمانهای غیردولتی که تأییدیه سازمان ملل را دارند و همچنین سازمانهای غیردولتی طرف مشورت سازمان ملل می‌باشند، اجازه شرکت در اجلاس دولتی را دارند. ولی کماکان حق رأی ندارند. دیگر سازمانها

می‌توانند از طریق رسانه‌های مختلف، همزمان، در جریان مصوبات و مباحث قرار گیرند.

فعالتهای هنری و فرهنگی فراوانی نیز برای این مدت تدارک دیده شده‌است که انتظار می‌رود هیأت ایرانی، با حضور خود در آنها دستاوردی در همه زمینه‌ها برای زنان ایران داشته‌باشد.

در سال ۸۵ یک هیأت ایرانی با دو نقش دولتی و غیردولتی در نایروبی حضور یافت. طبعاً تحمیل چنین بارگزافی بردوش گروهی ناهماهنگ، تبعاتی به همراه دارد که در دو مصاحبه‌ای که با خانمها منیره گرجی، سرپرست هیأت ایرانی و اعظم طالقانی، نماینده یک سازمان غیردولتی صورت گرفته، به خوبی مشهود است، با هم می‌خوانیم: ❁❁

● خانم گرجی، چه شد که شما را به سرپرستی هیأت ایرانی، برای شرکت در کنفرانس جهانی زن، در نایروبی انتخاب کردند؟

○ یک روز در دانشگاه الزهرا روی قرآن کار می‌کردیم، آمدند و گفتند برنامه کنفرانس جهانی زن دارد شروع می‌شود و گروههای آزاد هم می‌توانند شرکت کنند. چند تا اصل هم دارد...

● صلح، توسعه، برابری.

○ آن وقتها توسعه نبود: علم، صلح، برابری. به هر حال تزاری با چند نفر از خانمها گذاشتیم تا چیزی برای ارائه داشته‌باشیم. یک روز ما را خواستند و گفتند همه چیز باید دقیق باشد چون آنجا گروههایی هم هستند که نمی‌شود هر کسی را بفرستیم. از من خواستند چند نفر را معرفی کنم و من خانمهای دکتری را معرفی کردم که ظاهراً بعضی خانمهای دیگر با آنها مشکل داشتند. گفتم: «کس دیگری را نمی‌شناسم. چون این افراد باید هم زبان بدانند، هم وارد باشند». خودشان چند نفر از خانمهایی را که یکی از آنها معلول شده‌بود، به ما معرفی کردند. من مخالفت کردم و گفتم: «ما که نمی‌خواهیم نمایش بدعیم، می‌خواهیم حرف منطقی

بزنیم». گفتند: «مگر فکر می‌کنید آنجا چه کسانی هستند؟ ما که نمی‌توانیم خودمان را درگیر کنیم. می‌دانیم که دیگران بیشتر صلاحیت دارند، ولی به هر حال مصلحت می‌دانیم که با همه درنیستیم». گفتم: «می‌خواهید پست خود را حفظ کنید یا واقعاً مصلحت انقلاب و زن و کشور مهم است؟ خانم معلول است ولی چه می‌خواهد بگوید؟ برای هر شخص که نمی‌شود یک مترجم برد.» به هر حال آنها مخالفت کردند.

● بالاخره در چه شرایطی به نایروبی رفتید؟

○ وقتی ما رفتیم دو روز از سمینار گذشته بود. به ما گفته بودند سمینار ۱۰ روز طول می‌کشد و با سخنی مقدار اندکی پول به ما دادند. ولی سفرمان ۲۶ روز طول کشید. بالاخره بعد از ۲۴ ساعت سرگردانی به نایروبی رسیدیم که روز سوم سمینار بود. نمی‌دانم آیا فقط می‌خواستند ما را به نایروبی ببرند؟ نفهمیدم هدف از این سفر چه بود؟ ما حتی یک مقاله نداشتیم که آنجا بتوانیم از روی آن حرفمان را بزنیم. حتی اصول و خطوط بیانیه را به ما نداده بودند. من گفتم نمی‌توانم رأی شخصی‌ام را مطرح کنم، ولی آنها اهمیتی نمی‌دادند. یک نمونه بیانیه را که قبلاً در جایی خوانده بودند، به من نشان دادند؛ واقعاً تأسفانگیز بود. با یک انشای بچه مدرسه‌ای نوشته بودند: «خانمها در ایران کار می‌کنند. پشت جبهه ژاکت می‌بافند.» اینها اصلاً بیانیه نبود. هنر زنهای ما که بافتن ژاکت و پختن حلوا نیست. گفتند: «در دوره قبلی کنفرانس برای همین حرفها کلی برایمان دست زدند. آنها که چیزی سرشان نمی‌شود.» با این ایده‌ها که ما برترین و بهترینیم، رفتیم. همه جاها را گرفته بودند. ما در سالنهای

سخنرانی جا نداشتیم. از پله‌ها بالا و پایین می‌رفتیم تا جا پیدا کنیم ولی دیگران از سه چهار ماه قبل جا رزرو کرده بودند.

● با این وصف شما جلسات را چگونه برگزار کردید؟

○ ما چند روزی را روی همان چمن دانشگاه جلسه برگزار کردیم. البته وسایل ما مثل کتاب، فیلم، اسلاید، نشریه و حتی سوغاتیهایی که خودمان تهیه کرده بودیم و به اندازه یک وانت بود، اصلاً به دستمان نرسید.

● چرا وسایل را با خودتان نبردید؟

○ در ایران از ما درخواست گرایه بار کردند و ما هم پول نداشتیم. به ما گفتند: «شما بروید ما با اولین پست سیاسی وسایل را برایتان می‌فرستیم.» ولی هرگز به دست ما نرسید.

● خوب، از برنامه‌ها بگویید.

○ برنامه کنفرانس غیردولتی که تمام شد، شب آخر از تهران تلفن زدند که خانمها بمانند و در برنامه دولتی هم شرکت کنند. گفتیم: «مگر می‌شود؟ در برنامه دولتی ۱۵۷ کشور به طور رسمی شرکت کرده‌اند.» گفتند: «هر چه هست بمانید.» ما که رفتیم، دیدیم نمایندگان کشورهای دیگر، افراد دوره ۱۰ سال قبل را می‌شناختند. اعضا مثل ارکان تثبیت شده بودند ولی ما هیچ کس را نمی‌شناختیم. آمدیم به مسئولان کنفرانس اعتراض کردیم که چرا همه اصول را در دست دارند و ما نداریم؟! گفتند: «ما این اصول را شش ماه قبل به ایران داده‌ایم، این هم رسیدش!» تقریباً ۲۷۰ اصل به چندین زبان (غیر از فارسی) بود. شب اصول را گرفتیم که تا صبح بررسی کنیم. این اصول حرفه‌ای بود و باید افرادی که فن آن را می‌دانستند آن را می‌خواندند و بررسی



ولی این کمال پیشرفت ما نیست. اگر جلو برویم و زنهای ما بتوانند خودشان را باور کنند و جامعه هم از بالا راههایی را باز کند، در آینده زن به جایگاه خودش می‌رسد ولی الان این جایگاه، جایگاه اصلی زن نیست. ما باید ایمان داشته باشیم که یک انسانیم بدون هیچ وابستگی به هیچ کس. آن قدر که مرد به زن وابسته است، زن به مرد وابسته نیست. زنهای مستقل‌تر از مردها می‌توانند زندگی کنند. قدرت زنان در زندگی بیش از قدرت مردان است ولی مردها برای خودشان شعار داده‌اند که همه چیز برای ماست و به این باور هم رسیدند و پیش رفتند. البته جای امیدواری است که امسال برای کنفرانس برنامه‌ریزی شده و کار به صورت منظم‌تر پیش می‌رود و مقدمات خوبی برای کار فراهم شده‌است.

صحبت را با خانم اعظم طالقانی با این پرسش آغاز می‌کنیم:

● خانم طالقانی، شما در سال ۱۹۸۵ به چه صورت به کنفرانس جهانی در نایروبی راه یافتید؟

○ سال ۸۵، پایان دهه اول کنفرانس جهانی زن در سراسر دنیا بود که ما چون به عنوان یک سازمان غیردولتی شناخته شده بودیم و در کنفرانسهای منطقه‌ای و در کنفرانس نیمه دهه در کپنهاگ شرکت کرده بودیم، برای نایروبی هم دعوت شدیم و با هزینه خودمان در بخش غیر دولتی کنفرانس شرکت کردیم.

● شما چه مدت قبل از آغاز کار کنفرانس از موضوع با خبر شدید؟

○ ما دو ماه زودتر از طریق دعوتنامه‌ای که برای ما دادند، آماده شرکت در کنفرانس

کمبودها و در نهایت جانفیتادن مسائل زنان می‌گذاشتم، اما هیچ گروهی به تنهایی آنجا نیامده بود. هر گروهی چند مشاور سیاسی، حقوقی داشت و بعضی‌ها هم چند وزیر همراهشان داشتند. روز موعود وقتی پای می‌گرفتن رفتیم، بعد از یک دقیقه برق قطع شد ولی من ایستادم تا دستگاه درست شد و کارم را مغرورانه ادامه دادم. کل بیانیه ۱۱ دقیقه طول کشید ولی با اینکه ما یک ربع وقت داشتیم، از همان اول تمام مدت به من اخطار دادند که کلامم را قطع کنم اما من به خواست خدا بیانیه را تمام کردم.

● هنگام بازگشت به ایران واکنش مسئولان در برابر شما چگونه بود؟

○ وقتی آمدیم تهران، همه هاج و واج بودند که ما کجا رفته بودیم. اگر فوتبالیستها بخوانند به وطن برگردند همه لاقبل به استقبالشان می‌آیند، ولی ما که آمدیم اصلاً کسی نمی‌دانست کجا رفته بودیم. آنها جریان را خیلی بی‌اهمیت تلقی کردند.

● شما به عنوان سرپرست هیأت اعزامی به نایروبی، نظرتان در مورد پیشرفت مسائل زنان ایران حول محورهای عمده مطرح در کنفرانس: صلح، توسعه، برابری چیست؟

○ انصافاً این مسأله خوب پیش رفته و نمی‌شود انکار کرد. به خصوص در مورد توسعه که پیشرفت علمی و صنعتی و اشتغال صورت گرفته‌است. در زمینه صلح هم که عدم تقارن دیدها و افکار مانع آن است. اگر این تقارن پیش بیاید، صلح برقرار می‌شود ولی اگر کسی بر استبداد خود استوار باشد صلحی در جهان پایدار نخواهد ماند.

● با همه تأکیدی که در کنفرانس در مورد برابری صورت می‌گرفت، در این ۱۰ سال چه کارهایی در جهت تحقق آن برای زنان ایران صورت گرفته‌است؟

○ مسأله برابری هم، در اصل شعار است و در معنای ظاهر، غیر ممکن و ضد پیشرفت و ضد توسعه و ضد تعالی انسان است. مگر اینکه برابری به این معنا باشد که زمینه رشد و تعالی برای همه به صورت یکسان امکان‌پذیر باشد و هر کس به اندازه کارکرد خودش حقوق داشته باشد.

● بعد از کنفرانس نایروبی، چقدر برای کسب برابری زن‌ها در ایران تلاش شده‌است؟

○ آن تلاشی که شده با توجه به پیشنی بوده که مسلمانان نسبت به زن داشته‌اند و در همه جا مشهود است. این یک واقعیت است.

می‌کردند. چند تا اصلش را که خیلی به نظرمان بر ضد انسانیت بود درمی‌آوردیم و ترجمه و بحث می‌کردیم. تهران هم هیچ راهنمایی و کاری برای ما نمی‌کرد. بالاخره ۱۰ یا ۱۵ دقیقه فرصت گرفتیم تا بیانیه را بخوانیم، چون دیگران همه وقت گرفته بودند. ما اختلافات درون گروهی هم داشتیم. به هر حال من به یاد آن مصیبتها که می‌افتم...

در نایروبی چند بار تهدید گونه از ما خواستند که این طور در مقابل امریکا موضع نگیرید. حتی یکبار خواستند که من به عنوان رئیس گروه بروم و صحبت کنم. هیأتی تشکیل داده بودند، خیلی تهدیدآمیز و رعب آور. ما را از این سالن به آن سالن می‌بردند و می‌گفتند: «شما این طور تنها تصمیم نگیرید. کسی هم که محافظ شما نیست. در ضمن مسائلتان را با ایران در میان بگذارید. ببینید آیا شما می‌توانید این طور حرفها را بزنید؟» من گفتم: «دولت ایران متشکل از ۴۰-۵۰ میلیون نفر است که من یکی از همان افراد هستم. درست است که سفتی ندارم ولی افکار دولت ایران همان افکار ملت است و دولت هم حرف ما را تأیید می‌کند.» بالاخره بیانیه ما خوانده شد و خیلی هم مورد تشویق قرار گرفت.

● بیانیه شما چه بود؟

○ چیزی نبود. من می‌خواستم از اسلام حرف بزنم و سخن را از صاحبان دین آوردم یعنی از زیربناهای اعتقادی. تنها چیزی که امیدوار کننده بود همین بیانیه بود که ما به زبانهای مختلف تهیه و بین افراد بخش کردیم. بیانیه با بسم‌الله... و سلام بر موسی (ع)، عیسی (ع) و محمد (ص) شروع شد و به خصوص شهر کنیا را به عنوان یاران موسی مخاطب قرار دادم. بعد مسأله جنگ و حقوق زن و دفاع از انسانیت را مطرح کردم. ما اتاق کار هم نداشتیم. یک جمع سرگردان بودیم که بدون هیچ امکاناتی گروه را تقسیم می‌کردیم تا به هر نحوی شده در بحثها شرکت کنند. بالاخره امکانات تبلیغاتی ما تا آخر نرسید. حتی وقتی تلفن زدیم، گفتند: «ما فرستادیم.» کجا رفته بود، نمی‌دانم. به هر صورت وضع بسیار اسفباری بود. نکته مهم اینکه ما ۱۰ روزه رفته بودیم ولی سفر ۲۶ روز طول کشید. برای بیانیه چقدر مشکل داشتیم. به ایران می‌گفتم آخر این یک سند است، ولی اصلاً با ما همکاری نکردند. من همه اینها را پای مشکلات آن زمان، جنگ و مبارزان شهرها و

شدیم.

● برای این سفر چه برنامه ریزی‌هایی داشتید؟

○ برنامه‌ها این بود که چند جلسه گفت‌و شنود داشته باشیم. فیلمی هم در مورد جنگ در ایران تهیه کرده بودیم. نمایشگاه عکسی در همین زمینه و نیز تصاویری از بمباران شهرها، حملات شیمیایی و کشتار عراق در ایران داشتیم که بسیار مؤثر بود و وقتی جلسات را همراه با این نمایشگاه برگزار می‌کردیم تأثیر بسیار مثبتی داشت. مطالبی را هم به صورت ترجمه شده آماده داشتیم و بین گروهها بخش می‌کردیم.

● شرکت کنندگان ایرانی در کنفرانس چند نفر بودند و گروه شما چند نفر؟

○ ما نه نفر بودیم و به همین دلیل توانستیم با برنامه و به طور گسترده در بخشهای مختلف، جلسات، میزگردها، و کارگاهها شرکت کنیم. گروه دولتی هم ۱۲ نفر بودند. جالب است بدانید که از آمریکا حدود ۲۵۰ سازمان غیردولتی شرکت کرده بودند و یکی از حرکت‌هایشان این بود که گروههای کشوری را که با هم در حال جنگ بودند، در چادری به مناظره دعوت می‌کردند و علت مخصوصه و راه‌حلهایی برای صلح را از آنها جویا می‌شدند.

● عملکرد بخش غیردولتی چه تأثیری در بخش دولتی کنفرانس داشت؟

○ دو بخش کنفرانس از هم جدا بود. منتهی کنفرانس بخش غیردولتی زمینه‌ساز و مهیا کننده موضوعاتی بود که باید در بخش دولتی تصویب می‌شد. چون در بخش غیردولتی مباحثات و تبادل نظرها و ارائه راه‌حلهای شرایطی را ایجاد می‌کرد که بتوان در بخش دولتی موارد را راحت‌تر به تصویب رساند یا رد کرد. امسال هم در پکن کار به همین روال خواهد بود.

● شما اطلاع دارید که امسال سازمانهای غیردولتی زنان ایران با چه دست‌آوردی به پکن می‌روند؟

○ من شنیده‌ام که در پی جمع‌آوری مطالب مستندی هستند و برنامه‌هایی برای پکن دارند. منتهی مهمترین بخشی که می‌شود آنجا کار کرد این است که زمینه‌سازیهایی برای پیشنهادهاى متدرج در سند پکن بشود. فضایی که گروههای غیردولتی در آنجا ایجاد می‌کنند، به عنوان اهرم فشار برای تصویب یا عدم تصویب پیشنهادها بسیار مؤثر و مهم

است و می‌تواند جو کنفرانس را تحت تأثیر قرار بدهد.

● شما سند تهران را مطالعه کرده‌اید؟

○ بله.

● نظرتان چیست؟

○ به نظر من قدم مثبتی بود اما می‌شد با توجه به وضع عمومی جهان و شرایط زنان دنیا و مسائل اسلامی کاملتر و بهتر تدوین شود. باید مترقیانه‌تر برخورد می‌شد. اگر سازمانهای غیردولتی هم می‌توانستند نظر بدهند - با توجه به محدودیتهایی که عناصر دولتی دارند - مسائل و مشکلات بازتر می‌شد.

● چون هیچ‌کدام از مسئولان دفتر هماهنگی سازمانهای غیردولتی در ایران از این سازمانها تعریف مشخصی به دست ندادند می‌خواهم بدانم شما تعریفی از آنها دارید و آیا این تعریف با انتخابهایی که در مورد سازمانهای غیردولتی برای اعزام به پکن صورت گرفته می‌خواند یا خیر؟

○ منظور بخش خصوصی است و از حمایت و امکانات بخش دولتی هم می‌تواند استفاده کند، ولیکن راهش مستقل است. می‌تواند این راه را برود، می‌تواند نرود و اگر نرود اثرات کارش ممکن است در یک ابعادی کم بشود و در زمینه‌هایی هم می‌تواند نظر دولت را جلب کند چون در این صورت نظر مردم را جلب کرده، وقتی پایگاه و پشتوانه مردمی پیدا کرد، دولتها و نظامها هم مجبورند به این بخشها عنایت و توجه بیشتری بکنند، چون پایگاه مردمی دارند. چون امکانات دولتی هم مال مردم است. دولتها که از خودشان چیزی ندارند.

● شما از عملکرد هیأت دولتی در نایروبی چه مواردی را به خاطر دارید؟

○ هیأت دولتی متأسفانه هماهنگ عمل نکرد. فقط یکی-دو نفر از ۱۲ نفر زبان خارجی می‌دانستند و اطلاعات مناسبی داشتند اما اختلافات درون خودشان باعث شد نتوانند آن طور که باید و شاید در تصویب سند نقش داشته باشند. در آنجا کارشناسان در کمیته اصلی نقش مهمی دارند. وقتی می‌خواهند سند را تصویب کنند، هر بخشی در یک کمیته مورد بررسی قرار می‌گیرد و این خیلی مهم است که کارشناسان بتوانند با بیان خوب و زبان مسلط در جلسات و کمیته و در جلسه نهایی که سند مورد بررسی قرار می‌گیرد، مطالب را جا بیندازند و افراد وقتی در مورد موضوع خوب توجیه می‌شوند با

بینش بیشتری رأی می‌دهند. همچنین در ارائه پیشنهادات جدید می‌توانند فعال و مؤثر باشند. هیأت ایرانی در آن زمان حتی گزارش تهیه نکرده بودند و بعضی اعضای هیأت با همدیگر همدلی و همفکری نداشتند و لذا بقیه هم نمی‌توانستند کار کنند. این هیأت گروه منسجمی نبود. از آن تعداد چند نفری در هیأت امسال هم هستند. البته بخش مهمی از ناهماهنگیها هم به مسئولان وقت در ایران برمی‌گشت.

ایران تا قبل از نایروبی توجه جدی به مسأله زن نداشت ولی بعد از نایروبی این مسائل را جدی گرفت. اما به هر حال در جریان نایروبی دست‌اندرکاران هم مقصر بودند و کوتاهی کردند. عدم حضور یک گروه هماهنگ باعث می‌شد بعضی افراد که خود را صالح‌تر می‌دانستند و خارج از گروه عمل می‌کردند، متوجه بعضی قضایا نشوند و آرایی بدهند که آن آرا به نفع کسانی باشد که ما در دنیا با آنها مبارزه داریم.

● شما به عنوان یک سازمان غیردولتی در آن میان چه کردید؟

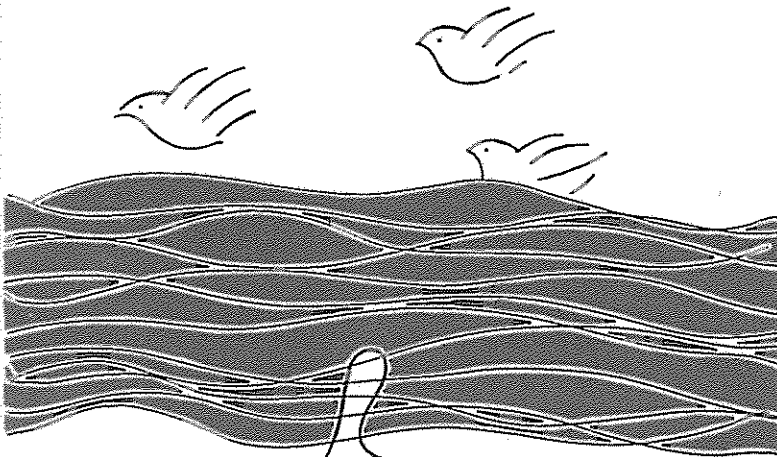
○ ما البته آنجا ساکت نشستیم. با آنکه از ما کمک نگرفتند ولی وقتی متوجه شدیم هیأت دولتی احتیاجاتی دارد و گزارش ندارد، گزارش را به کمک همکاران ترجمه و شبانه تایپ کردیم و به خانها دادیم و اینها را وظیفه خود می‌دانستیم چون فرقی نمی‌کرد، آبروی مسلکت و حیثیت ما در میان بود. اما چیزی که در آنجا برای ما خیلی دردناک بود، این بود که هیأت دولتی علاوه بر اینکه خودش چیزی نداشت، با ما خصمانه هم برخورد می‌کرد. به زنان سودانی گفته بودند اینها از ما نیستند و آن خارجیها این صحبت را به ما منتقل کردند. این وضعیت خیلی ناراحت کننده بود. عقلایی نبود از موضع درک درست نبود یک برخورد احساسی بود. اگر ما از شما نیستیم پس از که هستیم؟ بیگانه‌ایم؟ سودانیها دوست‌تر بودند؟

● به نظر شما براساس محورهای مطرح در نایروبی در خصوص مسائل زنان در ایران چه پیشرفتهایی حاصل شده‌است؟

○ البته در ایران حرکتی ایجاد شده که حداقل خود زنان کم‌کم دارند آگاه می‌شوند. اما هنوز باید تلاش کنند که حقوق مساوی و البته نه مشابه با مردان به دست بیاورند. باید امکانات مساوی برای زنان فراهم شود تا اگر می‌خواهند از آن استفاده کنند ■



# زن در ساحل



زن به آرامی از بچه دور شد و به دریا رفت. احساس آسودگی سرشاری وادارش کرد بلود و تمامی تنش را یکباره به آب سپارد. حتی یادش رفت نقاب آفتابگیر را از سرش بردارد. سرش را زیر آب برد و وقتی درآورد در دور دست، قایق موتوری را دید که نزدیک می‌شد. شوهر

شناکنان به طرف او می‌آمد. فاصله خیلی زیاد بود. مرد دست تکان می‌داد. زن معنی اشاره‌اش را فهمید و با شتاب به ساحل برگشت. قایق موتوری نزدیکتر شد. مردی از توی آن خم شد و چیزی به شوهر زن گفت و دور شد.

زن در ساحل نشسته بود و مرد را تماشا می‌کرد که علامت می‌داد، زن اعتنایی نکرد. رویش را از دریا برگرداند و زانوهایش را بغل کرد. سردش بود و لباس خیسش به تنش چسبیده بود. نزدیک تخته سنگی دراز کشید و چشمانش را بست. وقتی باز کرد که قطره‌های آب از موهای مرد به صورتش می‌چکید.

صورت خیس و پر نشاط مرد دایره نگاهش را پر کرده بود. مرد کنار او دراز کشید و نفس پر لذتی بیرون داد. لبخندی به آفتاب زد و یک مشت ماسه داغ روی سینه‌اش ریخت.

زن نشست و به دریا خیره شد. حالا دیگر کسی در دریا نبود. دریا تنها بود و تن مواجش زیر آفتاب می‌درخشید. مرد حرف می‌زد و هیاهوی موجهایی که هر دم بزرگتر می‌شدند صدای او را قطع می‌کرد. چیزی به غروب نمانده بود. در دوردستها آفتاب به سرخی می‌زد. زن بلند شد و به طرف آب رفت و به نرمی یک ماهی به آغوش امواج سرید. به تمامی زیر آب رفت و به پشت دراز کشید. صورتش زیر نوری که به سرخی می‌زد می‌درخشید.

زن نرم‌نرم از ساحل دور می‌شد. صدای جیغ بچه او را نگاه داشت. موج بلندی از بالای سرش گذشت. رو به ساحل کرد و مرد را دید که لباسهایش را تنش کرده و بچه را آرام می‌کند. زن ایستاد تا موج بلند دیگری بگذرد. مرد در طول ساحل تند و تند قدم می‌زد و بچه را در بغلش تکان می‌داد.

بچه زیر بازوی مرد دست و پا می‌زد. زن ایستاد و مشتایش را به آب کوفت. مرد رو به دریا ایستاده بود و به زن نگاه می‌کرد. بچه توی بغلش بی‌وقفه جیغ می‌زد. زن پشتش را به ساحل کرد. دریای وسیع و ناآرام پیش رویش بود. به طرف موج بلندی که می‌آمد خیز برداشت. مرد یک دستش را دور دهانش حلقه کرد و زن را فریاد زد. زن به دل دریا شنا کرد

دریا می‌درخشید. سر کم‌سوی مرد روی آب پیدا و ناپیدا می‌شد. زن با پسرش توی ساحل بازی می‌کرد. پسرک چهار دست و پا به طرف دریا می‌خزید. زن او را بغل می‌کرد و چند قدمی دورتر می‌برد و با سر و صدا دنبالش می‌کرد. پسرک خنده کنان از مادر دور می‌شد و رو به دریا می‌رفت.

زن سطل کوچکی را پر از گوش‌ماهی کرد و پسرک را صدا زد. سطل را تکان می‌داد و بچه تاتی‌تاتی دنبالش می‌رفت. زن او را کمی دورتر از دریا نشانده و به تماشای دریا نشست. موجهای ریز رخشان پیش می‌آمدند و کف کنان و پر صدا روی ماسه‌ها ول می‌شدند. تا چشم کار می‌کرد دریای رنگین بود و آسمان پر نور. چند مرغ دریایی آن دورها پرواز می‌کردند و دیگر چیزی نبود.

زن با چابکی بلند شد. پاچه‌های شلوارش را بالا زد و پاهایش را روی ماسه‌های خیس و گرم گذاشت. موج کوچکی تا میچ پایش بالا آمد و تند فرار کرد. پاهای خیس زن، موج رفته را دنبال کرد. سر مرد از قسمت‌های عمیق دریا بیرون می‌آمد و تو می‌رفت. زن آشغالهایی را که به پایش چسبیده بود کنار زد و جلوتر رفت. آب زلال از پسِ موجها پیدا شد.

زن تا نیمه در آب بود و چشم از مرد برنمی‌داشت. وسوسه شنا به عمق دریا ولش نمی‌کرد. به ساحل نگاه کرد. پسرک سطل را کناری انداخته و دنبالش راه افتاده بود. روی زانوهایش نشسته بود و با کف دست به آب می‌زد و می‌خندید.

زن جیغی کشید و به طرف پسرک دوید. بچه را بغل کرد و دورتر برد.

بچه دستهایش را رو به دریا دراز کرده بود و گریه می‌کرد. زن بغلش کرد و مرد را که نزدیکتر آمده بود نشان بچه داد. بچه آرام شد و خیره به پدرش نگاه کرد. مرد سرش را از آب بیرون آورده بود و هورا می‌کشید. دستهایش را تکان می‌داد. آب به طرف آنها می‌پاشید و آواز می‌خواند. پسرک می‌خندید و دندان کوچک سفیدش بیرون می‌زد. مرد شیرجه رفت. توی آب ماند. بار دیگر معلق زد و دور شد.

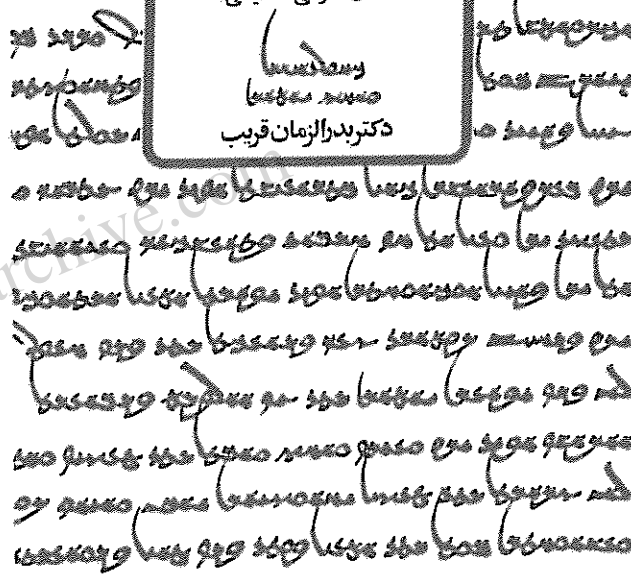
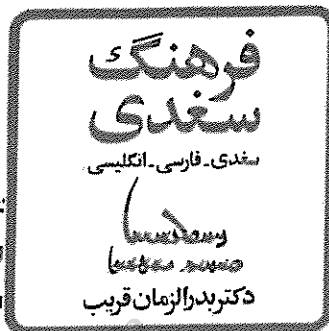
پسرک با نقاب آفتابگیر زن بازی می‌کرد. زن گوش ماهیها را از لابه‌لای انگشتانش می‌ریخت و به صدای آنها گوش می‌داد. موجها بزرگتر شده و صدایشان گوش زن را پر کرده بود. پسرک چشمهایش را با مشت‌های کوچکش مالید. زن دستهای او را شست و لباسی تنش کرد. از لباسها بالش کوچکی درست کرد، بچه را روی آن خواباند و لالایی گفت.

چشمهای بچه باز بود. صدای دریا که بیشتر می‌شد، بی‌حرکت به مادرش نگاه می‌کرد و دوباره پستانگ شیشه‌اش را مک می‌زد.

فرهنگ سُغدی  
(سُغدی - فارسی - انگلیسی)

بدرالزمان قریب  
تهران  
فرهنگان  
۱۳۷۴

امروزه تنها یادگار زنده‌ای که از زبان سُغدی برجاست و بنابر موازین زبان‌شناسی دنبالهٔ زبان سُغدی محسوب می‌شود، گویش یغناپی است که در دژه رودخانهٔ یغناپ در میان قتل مرتفع جبال حصار و زرافشان<sup>۲</sup> بدان سخن گفته می‌شود. در اوایل قرن حاضر هیأت‌های اکتشافی در ترکستان چین در آسیای مرکزی از نواحی نزدیک شهر سمرقند تا



برجهای داخلی چین در تون‌هوانگ (Tun Huang) اسناد و مدارکی از زبان سُغدی را به صورت پراکنده کشف و به تدریج به اروپا منتقل کردند. این نوشته‌های کهن به وسیلهٔ دانشمندان مختلف اروپایی و امریکایی مورد بررسی قرار گرفت. بیشتر متون موجود سُغدی دارای موضوع مذهبی و متأثر از فلسفه و عقاید ادیان بودایی، مانوی و مسیحی است و به همین اعتبار به سه گروه متون سُغدی بودایی، سُغدی مانوی و سُغدی مسیحی تقسیم می‌شود. از آنجا که بیش از ۹۰ سال از آشنایی اروپاییان با این زبان

در حدود هزارهٔ اول میلادی، زبان سُغدی مهمترین زبان ایرانی در آسیای مرکزی و دیرزمانی ابزار ارتباط و پیوند فرهنگهای شرق و غرب آسیا بوده و این نقش را به خوبی ایفا می‌کرده‌است. سُغد نام ناحیه‌ای میان سیحون و جیحون بوده و زبان سُغدی از زبانهای گروه شرقی ایرانی میانه<sup>۱</sup> است. زبان سُغدی بر اثر نفوذ و توسعهٔ تدریجی فارسی میانه (برخوردار از پیشینیانی دولت ساسانی) و نیز زبان ترکی (ارمنان هجوم قبایل ترک زبان به آسیای مرکزی) از رواج افتاد و به تدریج به دست فراموشی سپرده شد.

نمی‌گذرد، در میان آثار متعدد ایران‌شناسان جهان دربارهٔ زبانهای ایرانی جای واژه‌نامه‌ای جامع از زبان سُغدی به یکی از زبانهای زندهٔ دنیا حقیقتاً خالی بود. مؤلف کتاب فرهنگ سُغدی، استاد زبانهای باستانی در دانشگاه تهران (از ۱۳۵۰ تاکنون) و بانی نخستین کرسی آموزش زبان سُغدی در ایران است. دکتر بدرالزمان قریب پس از ۲۰ سال تلاش خستگی‌ناپذیر در گردآوری و تدوین این کتاب، موفق به تألیف و انتشار واژه‌نامه‌ای برای زبان سُغدی همراه با معادلهای فارسی و انگلیسی شده‌است. بی‌گمان با توجه به کمبود منابع فارسی دربارهٔ زبان سُغدی که تقریباً همهٔ آنها نیز از آثار این مؤلف و یا شاگردان ایشان است، می‌توان به ارزش تدوین این فرهنگ بی‌برد.

با وجود این، شایان ذکر است که هنوز به زبانی دیگر نیز چنین واژه‌نامه‌ای برای زبان سُغدی نوشته نشده و این نخستین بار است که با تونی دانشمند از سرزمین ایران توفیق آن را یافته است که به این کار فرهنگی بزرگ دست یازد، هر چند سطح علمی این اثر وجههٔ جهانی دارد و همهٔ پژوهشگران زبان سُغدی و نیز زبانهای کهن ایرانی و رشته‌های وابسته از آن بهره‌مند خواهند شد؛ این واژه‌نامه برای ادیبان و پژوهندگان و دانشجویان زبان فارسی ارزشی متمایز دارد، زیرا که گنجینهٔ عظیمی از واژه‌ها و ترکیبات و اسکان واژه‌سازی در اختیار آنان قرار خواهد گرفت و از آن سودهای بسیاری در جهات گوناگون حاصل خواهد آمد. به ویژه این نکته در خور توجه است که زبان فارسی در این اثر حامل پژوهشی سترگ و نوین در جهان علم است و این افتخار بازیافته را «بیون زنی» است از جامعهٔ ما.

بخش اصلی این کتاب دارای بیش از ۱۱ هزار و پانصد مدخل به ترتیب الفبایی بر اساس املائی مورد پذیرش سُغدی‌دانان امروز دنیا و با

شمارهٔ مسلسل است. ذیل هر مدخل، دیگر مشخصات هر واژه به شرح زیر آمده‌است: متن مأخذ (بودایی، مانوی، مسیحی و یا متنها و کتیبه‌های غیرمذهبی)، آوانویس<sup>۳</sup> (که برای نخستین بار در دنیا، در این کتاب به این صورت ارائه می‌شود)، اشتقاق، برابرهای فارسی و انگلیسی، نکات دستوری، گونه‌های املائی<sup>۴</sup> (که هر یک در عین حال، در محل الفبایی مناسب خود، مدخلی مستقل است) و بالاخره صورت جامعی از مأخذ هر واژه و ارجاع هر مدخل به مدخلهای دیگر بر اساس مشابهت‌های دستوری یا اشتقاقی و ندرتاً معنایی.

دو فهرست الفبایی یکی به فارسی و دیگری به انگلیسی مکمل بخش اصلی کتاب است که در مقابل هر مدخل در هر کدام از فهرستها، کلمات یا اصطلاحات یا عبارتهای کلیدی که نهایتاً به یافتن واژه‌های سُغدی کمک می‌کنند، به ترتیب الفبایی آمده‌اند و جلوی هر یک شمارهٔ مدخل مربوط به آن، یعنی شماره‌های واژه‌های سُغدی مربوطه، در بخش اصلی آمده‌است و کتاب را در هر یک از زبانهای نامبرده قابل استفادهٔ دو سویه می‌کند و برای بررسی ریشه‌شناختی و اشتقاق نیز ابزار مفیدی است زیرا از هر کلمه در فهرستهای واژه‌یاب می‌توان به گروهی از واژه‌های سُغدی دست یافت که هر یک معمولاً با واژه‌های دیگری نیز در محدودهٔ الفبایی پیرامون خود قرابت دارد به طوری که هر کلمه در فهرست واژه‌یاب به خوشه‌ای از کلمات سُغدی راه می‌برد.

مقدمهٔ کتاب به دو زبان فارسی و انگلیسی توصیف جامعی از منابع تاریخ قوم سُغد، آثار مکتوب سُغدی و تاریخچهٔ کشف و چاپ آثار و دست‌نوشته‌های آنان و هم‌چنین تاریخچه‌ای از خط سُغدی و جدول تطبیقی گونه‌های مختلف خط سُغدی<sup>۵</sup> است.

افزون بر این، فصلی دربارهٔ دستگاه صوتی و نظام آوایی زبان

چاپ اول ۱۳۷۴

ص ۲۴۰

کتاب حاضر که چند جایزه بین‌المللی را به خود اختصاص داده و به بیش از ده زبان زنده دنیا ترجمه شده است، پرتیراژترین و پرفروش‌ترین کتاب شیرینی‌پزی جهان معرفی شده است.

کسانی که علاقه‌مند به شیرینی‌پزی هستند، با استفاده از این کتاب می‌توانند، به آسانی، جهت مناسبت‌های مختلفی چون جشنهای خانوادگی، عروسیها و مهمانیهای بزرگ و گرجک، انواع کیک، شیرینی، تارت، نان و بیسکویت دلخواه خود را درست کنند.

در ترجمه مقدمه آلمانی کتاب آمده: «ما برای کلیه انواع شیرینیها مقدار ژول و کالری هر قطعه را محاسبه کرده و در اختیار شما قرار داده‌ایم. برای کیکهایی که در قالب پخته می‌شوند اندازه و شکل قالب خاطر نشان گردیده و در زمینه



شیرینیهای کوچک تعداد تقریبی آنها را یادآوری نموده‌ایم. در باب لوازم و ابزار، قالبها و اصطلاحات شیرینی‌پزی نیز توضیحات لازم داده شده و با در تصویر و طرح ارائه نموده‌ایم و نیز در فصل مربوط آموزش داده شده که چگونه می‌توان کیک یا بیسکویتها را برای مدت نسبتاً طولانی نگهداری یا فریز کرد.»

لازم به ذکر است که همه شیرینیها دوبار به وسیله نویسندگان کتاب و یکبار هم به وسیله مترجم با دقت و وسواس کافی پخته و آزمایش شده است ■

## بگذار تو را آواز بخوانم (مجموعه شعر)

اعظم حسینی

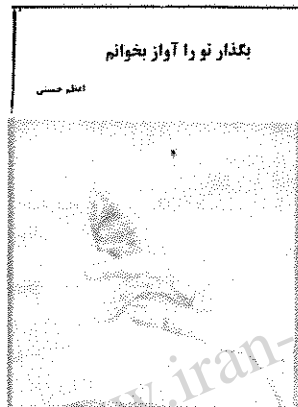
تهران

نشر الفبا

چاپ ۷۳

ص ۲۰۸

۲۹۰۰ ریال



در کدام نقطه ایستاده‌ام اینک؟  
در چهارراه باد چه می‌جویم؟  
با خانه‌ام چه رفته‌است  
که پلکانهای کهنش  
به اعماق می‌کشاند  
و آینه این چنین از خشم چه‌راهم  
ترک برمی‌دارد؟

بگذار تو را آواز بخوانم، شامل ۸۸ قطعه شعر کوتاه از اعظم حسینی است. عنوان کتاب نیز برگرفته از قطعه‌ای به همین نام است. این کتاب با قطع رقعی و جلد شمسیر در دسترس علاقه‌مندان می‌باشد.

## هنر شیرینی‌پزی در منزل (شامل کیکها، تارتها، بیسکویتها، کیکهای عروسی، تولد و...)

کریستیان تیونر، آنت ولتر  
ترجمه زری خاور (مرعشی)  
تهران  
مترجم

شرقی شامل سُغدی و خوارزمی و بلخی است.

۲ - اصطلاح ایرانی میانه شامل زبانهایی است که از انقراض شاهنشاهی هخامنشی (حدود ۳۰۰ قبل از میلاد) تا آغاز اسلام در سرزمین وسیع ایران (حدود ۷۰۰ بعد از میلاد) به کار می‌رفته‌است و زمانی کاملاً تقریبی است. این اصطلاح بیشتر ناظر به ساختمان زبانهاست.

۳ - این ناحیه اکنون در جمهوری تاجیکستان قرار دارد.

۴ - البته تعدادی افسانه و داستان نیز نظیر داستان «کشاورز و ماهیگیر»، «رویا» و «میسون» «سه ماهی» و غیره در میان این متون دیده می‌شود.

۵ - آوانوشت عبارت است از تلفظ واژه سُغدی با الفبای بین‌المللی.

سُغدی به اختصار در مقدمه آورده شده‌است. کتاب در بخش فارسی با فهرست واژه‌یاب فارسی و در بخش انگلیسی با فهرستهای اختصارات عام و اختصارات مأخذ و واژه‌یاب انگلیسی تکمیل شده‌است.

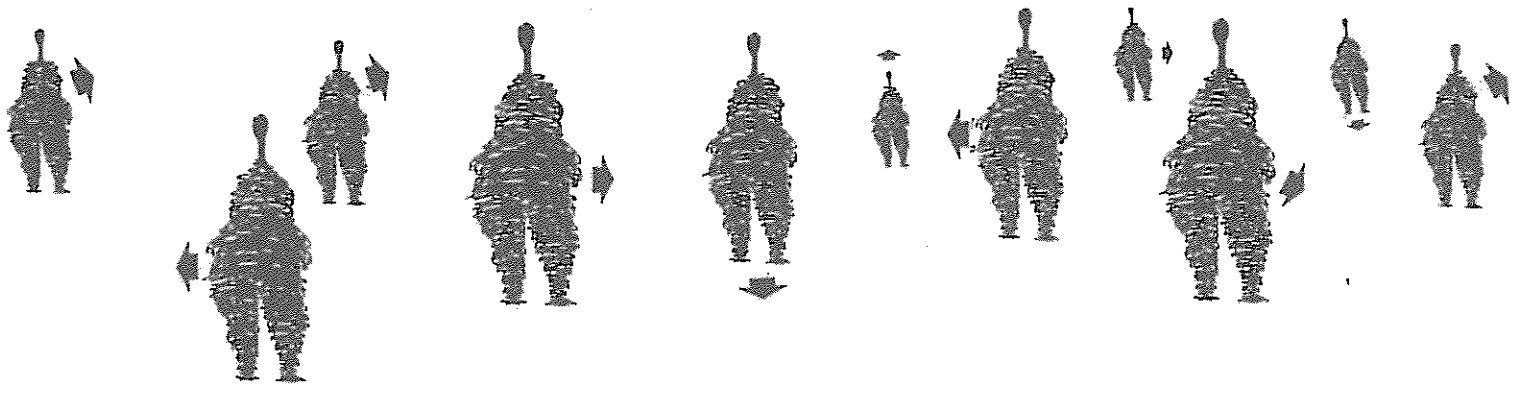
باید این نکته را نیز ذکر کرد که انتشار چنین اثر بزرگی به زبان فارسی از نظر چاپ نیز کاری نوین و انصافاً دشوار بوده‌است و طبیعتاً نمی‌تواند به‌دور از غلطهای چاپی باشد اما با توجه به حجم زیاد کتاب و مشکلات چاپ چنین آثاری می‌توان ادعا کرد که انتشار این فرهنگ در جهت ارتقای صنعت چاپ و انتشار کتاب در ایران گامی به پیش محسوب می‌شود.

در اینجا برای نمونه چند مدخل از این فرهنگ آمده‌است:

6680	pcmy B	نجیب
	pačmāk, pačmē ⇒ pcm* <sup>6</sup> k <sup>6</sup>	
	noble	
	TSP 8.169; Hen. Texts. 736	
6681	pcng C	صلیب، آلت شکنجه
	pačang @ < *pati-šan ⇒ ptcng, pišng, ptš'nh	
	cross, torture instrument	
	STi 13.10, 50.3; GMS 164	
6682	pcp'ncyq C	قریب‌الوقوع، نزدیک، در راه
	pačpāncik @adj; pl. -t	
	imminent	
	C2 52V12; BSTii 917.12	
6683	pcp'n(h)	مستقر، آماده، مشرف
	pačpān ⇒ ptcšp'n, pcp'y-	
	exposed, established, ready	
	TSP 7.66n p212; Hen. Tales. 475.23n4; Sund.	
	AoFiii 1975, 18R17; f. pcp'nh, KG 327, 570;	
	STi 50.5, 87.20; BSTi apud.; Benv. JA 1943-5,	
	113; BSTii: C2 gloss. "imminent", used as adv.	

یادداشتها:

- ۱ - زبانهای ایرانی میانه از نظر نزدیکی و شباهت خصوصیات ساختمان به دو گروه شرقی و غربی تقسیم می‌شوند. گروه غربی شامل زبانهای فارسی میانه و پارتی و گروه
- ۲ - گونه‌های اسلامی عبارت است از شکل‌های مختلفی که کلمه با آن املا شده‌است.
- ۳ - خطهایی که زبان سُغدی به آنها نگارش شده عبارتند از: خط سوتره، خط مانوی و خط سترنجلی



## برای رفع چاقی،

# چقدر از این شاخه

چقدر برای لاغری از این شاخه به آن شاخه می‌پرید؟ اگر واقعاً قصد لاغر شدن دارید بهتر است از این ۱۵ باور غلط که درباره رژیم غذایی وجود دارد پرهیز کنید. ❏

### ۱- اگر کمتر غذا بخورم وزنم کم خواهد شد:

این گفته واقعیت ندارد. اگر کم غذا بخورید بدن حالت قحطی زده به خود می‌گیرد و حتی چربی ذخیره شده در بدن را مورد استفاده قرار نمی‌دهد. در نتیجه سوخت‌وساز بدن کاهش می‌یابد و بدن شما به جای مصرف چربی اضافه، آن را ذخیره می‌کند.

### ۲- گذشته مهم نیست، رژیم جدیدی را شروع می‌کنم:

این کار درست نیست. اگر بارها رژیم غذایی کم کالری گرفته‌اید، بدن خود را به ذخیره کردن چربی عادت داده‌اید و آن را برای «گرسنگی» بعدی آماده کرده‌اید. برای آنکه سوخت و ساز بدن را افزایش دهید، به جای ذخیره چربی، آن را مصرف کنید. انجام تمرینات ورزشی بهترین راه برای تثبیت وزن بدن است.

### ۳- بهترین راه، محاسبه میزان کالری مصرفی روزانه‌ام است:

طبق اطلاعات جدید شمارش کالری

چندان اهمیتی ندارد. به جای این کار بهتر است مقدار چربی مصرفی خود را محاسبه کنید. تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد کالری مصرف شده از چربی به دست می‌آید برای محاسبه چربی توجه داشته باشید که هر یک گرم چربی حاوی ۹ کالری است.

### ۴- بهتر است مقدار غذایم را کنترل کنم:

اینکه چه می‌خورید خیلی مهم‌تر از آن است که چقدر می‌خورید. وقتی چربی را از رژیم غذایی حذف کردید، می‌توانید آن قدر میوه، سبزی و حبوبات بخورید تا احساس سیری کنید. البته این بدان معنی نیست که باید یک نان درسته بخورید، که چربی هم ندارد، با این فکر که رژیم غذایی‌تان را به خوبی حفظ کرده‌اید.

### ۵- نباید بین وعده‌های غذا چیزی بخورم:

بهترین زمان برای غذا خوردن وقتی است که احساس گرسنگی می‌کنید. به جای آنکه از روی ساعت غذا بخورید، به ندای بدنتان گوش دهید چون بدن می‌داند چه موقع ذخیره انرژی‌اش تمام شده و نیاز به غذا دارد. وزن مطلوب برای هر کس خاص اوست و طبیعت علایم موثقی در اختیار ما گذاشته که می‌تواند در این مورد راهنمای ما باشد.

### ۶- درست نیست در اتومبیل،

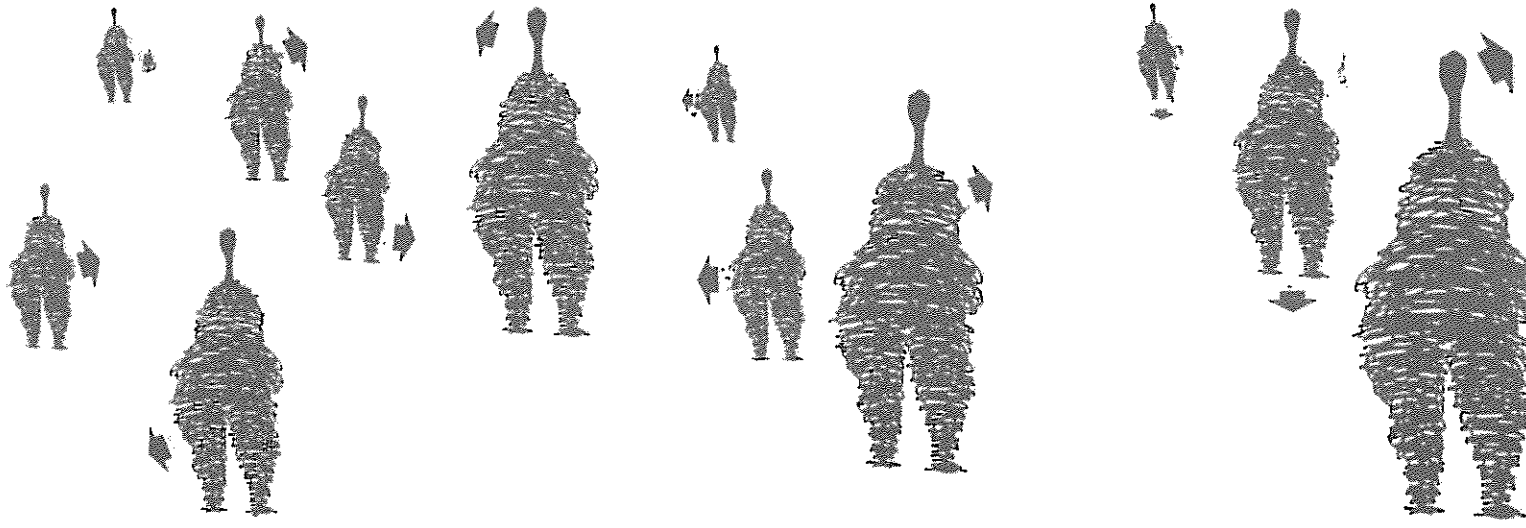
رختخواب و یا خیابان غذا بخورم: در واقع محل غذا خوردن ربطی به چاقی و لاغری ندارد. شما می‌توانید غذای مطبوعی پشت میز غذاخوری، در پرتو نوری ملایم و با آرامش کامل صرف کنید و یا هنگام خرید به سبزی‌گاز بزنید، چندان تفاوتی ندارد. آنچه مسلم است غذایی که در حالت ایستاده و با عجله خورده شود، دیرتر فرد را سیر می‌کند.

### ۷- مشکلات روحی باعث چاقی‌ام می‌شوند:

گو اینکه مسائل روحی و عاطفی در این زمینه نقشی دارند ولی نباید شما را محدود کنند. در چنین مواقعی می‌توانید در کنار کارهای روزمره، تمرینات ورزشی را آغاز کنید و به وضع تغذیه خود نیز سر و سامان دهید.

### ۸- وقتی ناراحت، خسته و تنه‌ایم و یا حوصله‌ام سررفته، زیاد غذا می‌خورم و چاق می‌شوم:

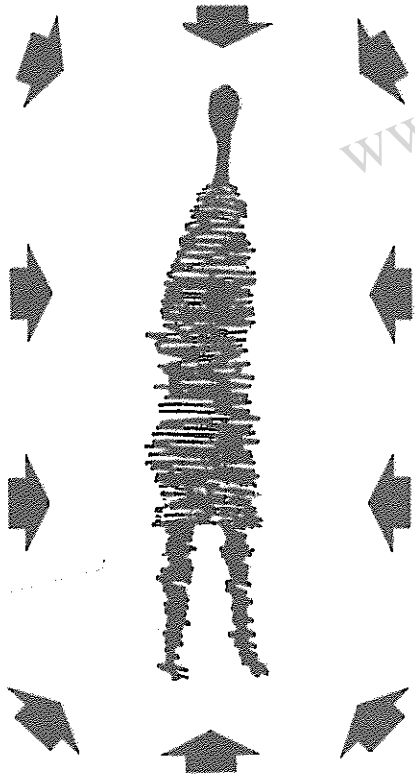
همه ما گاهی برای پر کردن «خلاء عاطفی» پرخوری می‌کنیم. در چنین مواقعی بهترین کار این است که خوراکی‌های کم‌چربی مثل ذرت بوداده، بیسکویت، چوب‌شور، سیب‌زمینی، ماکارونی و یا ماست بدون چربی مصرف کنید. آشامیدن یک لیوان بزرگ آب خیلی سریع آرامش را به شما باز می‌گرداند، بدون آنکه حتی یک گرم هم به وزنتان اضافه شود.



# آنها شاخه؟!

میچ الیاس  
ترجمه افسون زمردیان

شما و بدنتان به نوعی هماهنگی می‌رسید. دیگر جنگی میان میل به خوردن و میل به لاغری نخواهد بود.



**۱۲- هر روز باید خود را وزن کنم:**  
در واقع این ایده نادرستی است چون تنها چیزی که شما باید از دست بدهید، چربی است و ترازو فقط کاهش یا افزایش آب بدن و نوسانات طبیعی آن را نشان می‌دهد. در ضمن وزن ماهیچه از چربی بیشتر است. در نتیجه زمانی که ورزش می‌کنید مسلماً کشیده‌تر می‌شوید ولی ترازو این کاهش را نشان نمی‌دهد. برای اندازه‌گیری چاقی یا لاغری بهتر است به گشاد یا تنگ شدن لباسهایتان توجه کنید.

**۱۳- اگر در طول هفته چیزی نخورم در آخر هفته می‌توانم دلی از عزا در آورم:**  
این حالت «شل گن - سفت گن» نه تنها کارساز نیست بلکه مضر هم هست. با ورزش منظم و مصرف غذاهای مغذی و کم‌چربی می‌توانید هر روز از زندگی لذت ببرید و بدون عذاب کشیدن به هدفتان برسید.

**۱۴- چون اراده قوی ندارم نمی‌توانم وزنم را کم کنم:**  
انسان طوری خلق شده که از خوردن لذت می‌برد. غذا سوخت لازم بدن را تأمین می‌کند و همیشه نوعی مایه دلخوشی در زندگی است. به جای مبارزه با گرسنگی، از آن استقبال کنید، فقط غذاهای مغذی کم‌چربی و البته خوشمزه را انتخاب کنید. به این طریق

**۹- قند زیاد مرا چاق می‌کند:**

تا همین اواخر عقیده بر این بود که قند باعث چاقی می‌شود اما حالا روشن شده که چربی تمام این مشکلات را به بار می‌آورد. در ضمن در بسیاری از غذاها چربی و قند «همراه» هستند. بکوشید این دو را از هم «جدا» کنید. از مواد غذایی که طعم شیرین دارند استفاده کنید. هرگاه هوس چیز شیرینی کردید؛ میوه تازه، بیسکویت بدون چربی و حتی آبنبات چوبی بخورید.

**۱۰- نشاسته مرا چاق می‌کند:**

این عقیده‌ای قدیمی و منسوخ است. نشاسته یا کربوهیدراتهای مرکب بسیار مغذی هستند و معمولاً مواد سلولزی بیشتری دارند و باعث افزایش وزن نمی‌شوند. به همین خاطر خوردن حتی شش الی ۱۱ وعده نان، برنج، غلات و ماکارونی در روز مانعی ندارد!

**۱۱- ورزش چندان مهم نیست، باید رژیم را حفظ کنم:**

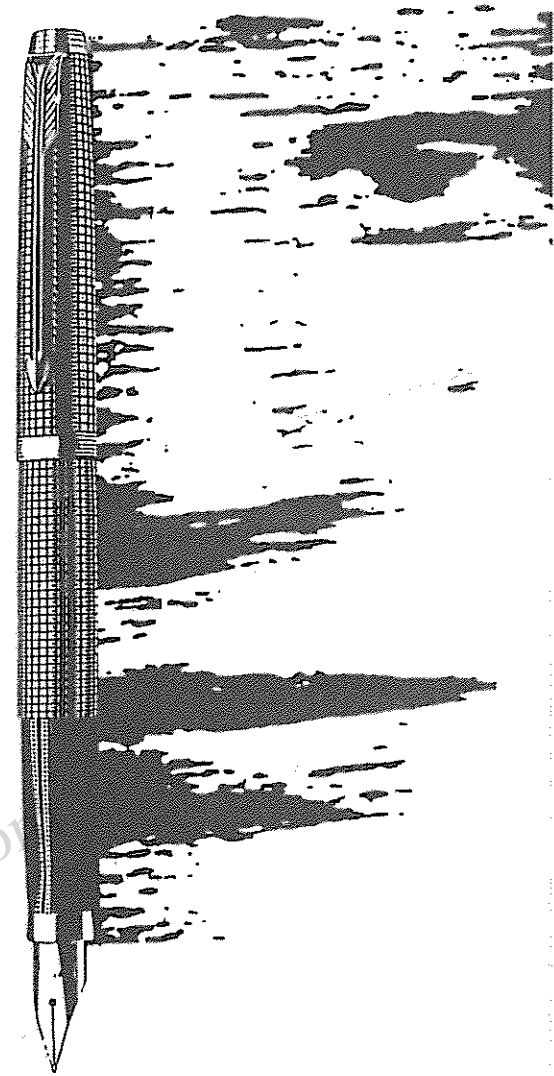
برای کاهش و تثبیت وزن بدن، ورزش عاملی بسیار حیاتی است. ورزش سوخت و ساز بدن را بالا می‌برد و بافتهای سوزاننده چربی را تقویت می‌کند. بهتر است در برنامه ورزشی خود پیاده‌روی زیاد، بدنسازی، کار با وزنه و یا تمرین رشته ورزشی مورد علاقه‌تان را بگنجانید.

**۱۵- بالاخره روزی رژیمی پیدا می‌کنم که به دردم بخورد:**  
در واقع تنها یک راه برای کاهش و تثبیت وزن وجود دارد: تغییری استوار در روش زندگی خود به وجود آورید!



# زنان مؤلف و مترجم در سال ۷۳ چه کردند؟

شهرزاد پاک‌سرشت



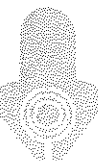
عنوان کلی تکنولوژی یا علوم عملی، مجموعه کتابهای آشپزی را می‌یابیم. می‌بینید که با این تفاسیل، دیگر جایی برای یادکردن از غلطهای چاپی فراوان این مجموعه باقی نمی‌ماند.

بگذریم از اینکه برای تهیه همه شماره‌های مورد نظر از همین نشریه نیز چه تلاشها صورت گرفته و عاقبت هم در هیچ آرشیو یا کتابخانه عمومی‌ای چنین مجموعه‌ای وجود نداشت. کارکنان خانه کتاب ایران حتی آرشیو متعلق به خود این مؤسسه را نمی‌شناختند که بتوان با مراجعه به آن شماره‌های مورد نظر را در همان محل مطالعه کرد. سرانجام نیز برخی از شماره‌های مورد نیاز خود را از کتابخانه شخصی دوستی به امانت گرفتم که با گشاده‌رویی این مشکل را حل کرد و جای

آن خانه کتاب ایران است. از این رو قاعدتاً باید معتبرترین مرجع کتاب‌شناسی کتب منتشره باشد اما متأسفانه دقت لازم در تهیه و تنظیم آنها به کار نرفته است. مثلاً گاه یک کتاب در دو شماره این نشریه، دو بار فهرست شده و گاه کتاب‌شناسی برخی از کتابها ناقص یا مغلوط است. همچنین بارها کتابها ذیل موضوعات و عناوین نامناسب و حتی کاملاً اشتباه ثبت شده‌اند. مثلاً مجموعه شعری ذیل عنوان داستان و مجموعه داستانی ذیل عنوان شعر طبقه‌بندی شده یا کتاب شعری که عنوانش نامه‌ها است، جزو مجموعه‌های مکاتبات محسوب شده است. به علاوه در دسته‌بندی موضوعی کتابها نیز دقت اصولی به چشم نمی‌خورد. به عنوان مثال ذیل عنوان یا موضوع کلی هنر به کتابهایی درباره یوگا و پرورش اندام برمی‌خوریم و ذیل

مقاله‌ای که می‌خوانید، نگاهی است گذرا و اجمالی از روزنه آمار به فعالیتهای زنان در عرصه نشر کتاب، در طی سال گذشته (۱۳۷۳). بی‌تردید خواننده از چنین مقاله‌ای بیش از هر چیز انتظار دقت دارد. کوشش نویسنده نیز بر آن بوده است که در حد امکان به این انتظار پاسخ گوید اما باید اعتراف کنم که این کوشش کاملاً به موفقیت نینجامیده است.

منبع و مرجع نویسنده برای استخراج آمار و اطلاعات ارائه شده در این مقاله، شماره‌های ۲۶ تا ۷۸ نشریه کتاب هفته بوده است. این نشریه که هر شماره آن حاوی کتاب‌شناسی کتب منتشره در عرض یک هفته است، توسط اداره کل چاپ و نشر (وابسته به معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) تهیه و تنظیم می‌شود و ناشر



● نسبت ترجمه و تألیف در کتابهای چاپ ۷۳ نشان می‌دهد که در سال گذشته گرایش زنان به ترجمه بیش از روند کلی گرایش به ترجمه بوده است.

«نمودار شماره ۳» میزان گرایش به هر یک از گروههای موضوعی را در مجموعه آثار منتشر شده سال گذشته و «نمودار شماره ۴» میزان گرایش به هر یک از گروههای موضوعی را در میان مؤلفان و مترجمان زن نشان می‌دهد.

گروههای موضوعی به ۱۱ دسته تقسیم شده‌اند که هر کدام زیرگروههای ذیل را شامل می‌شوند:

کلیات: فهرستها، کتاب‌شناسی‌ها، کتابداری و اطلاع‌رسانی، دایرةالمعارفها، کامپیوتر، روزنامه‌نگاری، چاپ، روش تحقیق و ...

فلسفه و روان‌شناسی: منطق، فلسفه، روان‌شناسی، پیراروان‌شناسی، علوم غریبه و رازورها و اخلاق و ...

دین: کتابهای چاپ شده درباره مباحث گوناگون دینی (اعم از دین اسلام و دیگر ادیان).

علوم اجتماعی: علوم سیاسی، اقتصاد، بازرگانی، حمل و نقل، ارتباطات، حقوق، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، علوم تربیتی، آموزش و پرورش، علوم اداری، علوم نظامی و ...

زبان: واژه‌نامه‌ها و آثار مربوط به زبان‌شناسی، گرایشها، دستور زبان، زبانهای بیگانه و ...

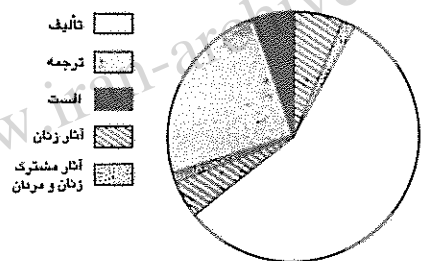
علوم خالص: ریاضیات، نقشه‌برداری، فیزیک، نجوم، زمین‌شناسی، شیمی، زیست‌شناسی و ...

علوم عملی (کاربردی): علوم پزشکی، مهندسی، کشاورزی، صنایع غذایی، دامداری و دامپروری، مدیریت، امور اداری، حسابداری، رانندگی، تعمیر و نگهداری ابزار و آلات و ماشینها، آشپزی، خیاطی، پوشاک، اقتصاد خانواده، آرایش و بهداشت و ... (در پاره‌ای از موارد نیز این گروه وسیع موضوعی، با نام کلی «تکنولوژی» مشخص شده‌است که به هیچ وجه مناسب به نظر نمی‌رسد. شاید عنوان «علوم و فنون عملی (کاربردی)» برای این حوزه، دقیقتر و مناسبتر باشد.)

شده‌است که ۶۷ درصد آن را تألیف و ۳۳ درصد آن را ترجمه تشکیل می‌دهد.

نسبت ترجمه و تألیف در کتابهای چاپ ۷۳ نشان می‌دهد که در سال گذشته گرایش زنان به ترجمه بیش از روند کلی گرایش به ترجمه بوده است. در حالی که از مجموع کتابهای منتشر شده در سال ۷۳، ترجمه حدود ۳۳ درصد را شامل می‌شود؛ حدود ۴۶ درصد از کتابهایی را که زنان اهل قلم پدید آورده‌اند، آثار ترجمه شده تشکیل می‌دهد.

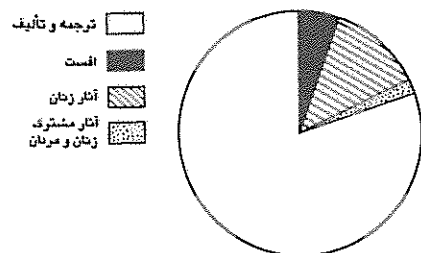
برای آنکه تصور کاملتری از نقش زنان در تألیف و ترجمه کتابهای چاپ سال ۷۳ داشته باشیم، می‌توانیم به «نمودار شماره ۱»



نمودار شماره ۱ - سهم زنان در تألیف و ترجمه کتابهای چاپ سال ۷۳

رجوع کنیم. در این نمودار نسبت آثار تألیفی، ترجمه و افست نمایش داده شده و سهم زنان در هر یک از گروههای ترجمه و تألیف مشخص شده‌است.

در «نمودار شماره ۲» نیز نسبت سهم



نمودار شماره ۲ - سهم زنان در پدید آوردن کتابهای چاپ سال ۷۳

زنان اهل قلم در پدید آوردن این آثار، بدون تحکیم ترجمه و تألیف نمایش داده شده‌است.

سپاسگزاری از او همین جاست. در هر حال، در تهیه این مقاله بایستی به مرجعی استناد می‌شد و نویسنده نیز با وجود این ضعفها و اشکالات به شماره‌های کتاب هفته، که عملاً تنها منبع قابل دسترسی بود، استناد کرده‌است.

مشکلات دیگری نیز در کار بود. مثلاً برای شناخت نویسندگان و مترجمان زن، چاره‌ای جز این نبود که نام آنها ملاک قرار گیرد. بنابراین روشن است که اسامی مشترک بین دو جنس، اسامی مستعار و نامهای مخفف، به دقت این آمار لطمه زده‌است.

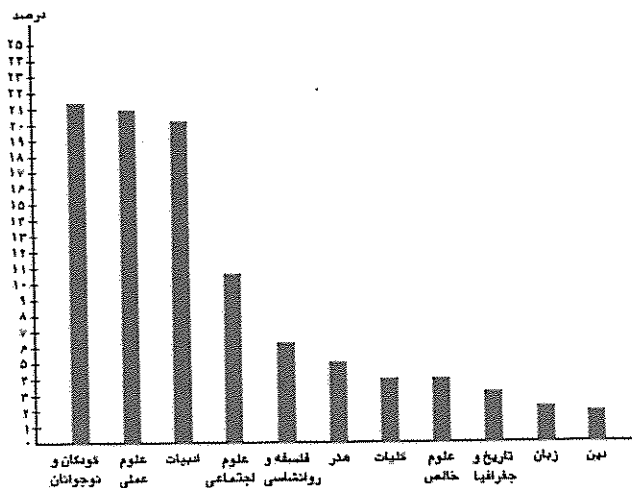
همچنین نمی‌توان احتمال خطای نویسنده این مقاله را در استخراج آمار کاملاً منتفی دانست. وقتی در کار اداره‌ای دولتی با در اختیار داشتن امکاناتی فراوان و بهره‌گیری از افراد متعدد، که قاعدتاً دست‌کم گروهی از آنها باید متخصص باشند، این مایه خطا راه می‌یابد؛ چگونه می‌توان کار یک نفر را که مجموع امکاناتش منحصر به کاغذ، قلم و شماره‌های کتاب هفته است، عاری از خطا دانست؟

این نکته را نیز باید یادآوری کنم که این مقاله نگاهی صرفاً آماری و توصیفی دارد و بررسی تحلیلی این آمار، خارج از حوزه مسئولیت آن است. ■

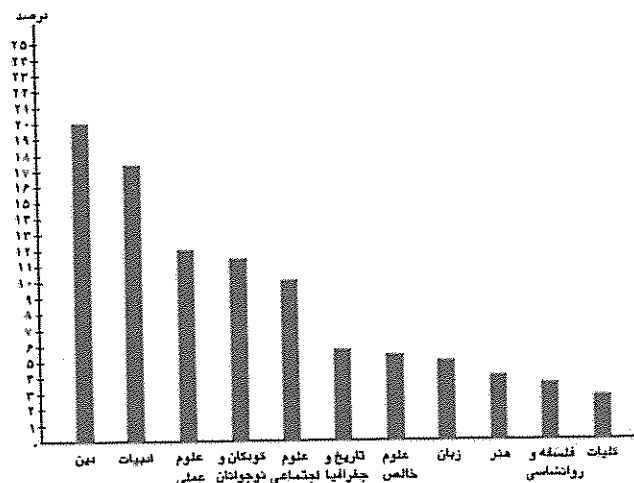
مجموع کتابهای منتشر شده در سال گذشته، ۱۰ هزار و ۹۳۶ عنوان بوده است. ۶۴ درصد از این عناوین را آثار تألیفی تشکیل می‌دهند و ۳۱/۴ درصد از آنها به آثار ترجمه اختصاص دارند و ۴/۶ درصد نیز کتابهای افست شده‌اند.

با توجه به این آثار و سهم زنان در پدید آوردن آنها درمی‌یابیم که در مجموع، زنان در تألیف و ترجمه هزار و ۲۶۹ عنوان کتاب (حدود ۱۲/۲ درصد از کتابهای منتشر شده) سهم بوده‌اند.

اگر از فهرست کتابهای منتشر شده، کتابهای افست را کنار بگذاریم و تنها تألیف و ترجمه را به حساب آوریم، مجموعاً ۱۰ هزار و ۴۲۹ اثر در سال گذشته منتشر



نمودار شماره ۲ - گرایش به گروه‌های موضوعی بر آثار مؤلفان و مترجمان زن



نمودار شماره ۳ - گرایش به گروه‌های موضوعی بر آثار مؤلفان و مترجمان

کل کتابهای تألیف و ترجمه شده در این سال را شامل می‌شود. اگر این گروه از کتابها را به تفکیک موضوع بررسی کنیم، می‌بینیم که در سه موضوع «زبان»، «علوم خالص» و «کودکان و نوجوانان» هیچ کتابی در این زمینه چاپ نشده است. البته این سه گروه موضوعی، زمینه و موضوعیت چندانی نیز برای طرح مباحث مربوط به زنان ندارند.

اگر بر اساس تعداد کتابهای منتشر شده در این زمینه، گروههای موضوعی یازده‌گانه را بررسی کنیم، نتیجه چنین خواهد بود: در محدوده «علوم و فنون عملی (کاربردی)» ۱۹۵ کتاب، در حوزه «دین» ۱۲۶ کتاب، در زمینه «هنر، ورزش و سرگرمی» ۷۱ کتاب، در گستره «علوم اجتماعی» ۳۴ کتاب، در وادی «ادبیات» ۱۴ کتاب، در دایره «فلسفه و روان‌شناسی» ۱۳ کتاب، در مقوله «تاریخ و جغرافیا» ۱۰ کتاب و زیر عنوان «کلیات» ۳ کتاب منتشر شده‌است که به زن، مسائل زنان و علایق آنها مربوطند.

اما اگر ترتیب را بر اساس درصد کتابهای مربوط به مسائل زنان، نسبت به کل کتابها در هر گروه موضوعی در نظر بگیریم، حاصل چنین خواهد بود: «هنر، ورزش و سرگرمی» ۱۵/۶ درصد، «علوم و فنون عملی (کاربردی)» ۱۴/۶ درصد، «دین» ۶ درصد، «فلسفه و روان‌شناسی» ۳/۲ درصد، «علوم اجتماعی» ۳/۲ درصد، «تاریخ و جغرافیا»

شده، کتابهای مربوط به موضوعات دینی با دو هزار و ۹۴ عنوان (۲۰/۱ درصد کل آثار)، بیشترین تعداد را تشکیل می‌دهند؛ زنان با تألیف و ترجمه تنها ۲۷ اثر در این باره (۲/۱ درصد از آثاری که زنان پدید آورده‌اند)، کمترین توجه را به این گروه موضوعی نشان داده‌اند.

یکی دیگر از مواردی که در این بررسی می‌توان بدان پرداخت، آمار کتابهای منتشر شده درباره زن، مسائل زنان و موضوعات

شماره ترتیب	موضوع	تعداد		درصد	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	دین	۲۰۹۴	۲۰/۱	۲۷	۲/۱
۲	ادبیات	۱۸۲۹	۱۷/۷	۲۲۷	۱۹/۵
۳	علوم عملی	۱۲۲۹	۱۲	۲۶۴	۲۱
۴	کودکان و نوجوانان	۱۱۹۹	۱۱/۵	۲۵۲	۲۱/۶
۵	علوم اجتماعی	۱۰۷۵	۱۰/۳	۱۳۲	۱۰/۴
۶	تاریخ و جغرافیا	۶۱۴	۵/۹	۲۰	۳/۱
۷	علوم خالص	۶۱۰	۵/۵	۲۸	۳/۵
۸	زبان	۵۳۸	۵/۲	۲۲	۲/۷
۹	هنر	۲۲۹	۲/۳	۶۸	۵/۳
۱۰	فلسفه و روانشناسی	۲۰۴	۲/۹	۶۳	۵/۵
۱۱	کلیات	۲۴۴	۲/۳	۲۸	۲/۸

مربوط به زنان و علایق آنها و مقوله‌هایی است که عرفاً بیشتر مورد توجه زنان بوده‌است.

در سال گذشته مجموعاً ۴۶۶ کتاب در این قلمرو منتشر شده که حدود ۴/۵ درصد از

هنر: معماری، عکاسی، موسیقی، تئاتر و نمایش، سینما، فیلمنامه، طراحی، نقاشی، پیکرتراشی، مجسمه‌سازی، گرافیک، خوشنویسی، صنایع دستی، سرامیک، تمبر، گلسازی، ورزش، سرگرمیها و... (زیر عنوان کلی «هنر» عنوان فرعی «هنرهای زیبا و تزیینی» نیز آمده‌است. همان طور که می‌بینید ذیل این عنوان با مجموعه‌ای وسیع و ناهمگون از موضوعها روبه‌رو می‌شویم و شاید عنوان «هنر، ورزش و سرگرمی» برای این گروه موضوعی گویاتر به نظر برسد. هر چند کنار هم قرار گرفتن این سه گروه نیز چندان منطقی نیست.)

ادبیات: کتابهای مربوط به ابعاد و موضوعات و جوانب گوناگون در حوزه ادبیات

تاریخ و جغرافیا: کتب منتشر شده در قلمروی تاریخ و جغرافیا  
کودکان و نوجوانان: کتابهای مربوط به کودکان و نوجوانان

در «جدول شماره ۱» تعداد آثار تألیف و ترجمه شده در هر یک از گروههای موضوعی مشخص شده و گرایش زنان به هر یک از این موضوعات با آمار نشان داده شده‌است. با توجه به این جدول نکته جالبی را درمی‌یابیم: گرایش زنان به موضوعات گوناگون، کاملاً منطبق بر گرایش عمومی نبوده‌است. به عنوان مثال، در حالی که در میان کل آثار منتشر

● بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که در محدوده «علوم و فنون عملی (کاربردی)»، بیشترین کتب مربوط به زنان را کتابهای آشپزی، خیاطی، آرایش و بهداشت و اقتصاد خانواده تشکیل می‌دهد.

۱/۶ درصد، «کلیات» ۰/۹ درصد و «ادبیات» ۰/۷ درصد.

بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که در محدوده «علوم و فنون عملی (کاربردی)»، بیشترین کتب مربوط به زنان را کتابهای آشپزی، خیاطی، آرایش و بهداشت و اقتصاد خانواده تشکیل می‌دهند و پس از آن کتابهای مربوط به زنان در زمینه علوم پزشکی بیشترین تعداد را دارند. در موضوعات دینی نیز دو دسته از کتابها بیشترین رقم کتابهای مربوط به زنان را شامل می‌شوند: گروه نخست، سرگذشتها و کتابهای مربوط به زندگی زنان بزرگ تاریخ اسلام، و به ویژه صدراسلام، و گروه دوم، کتابهای مربوط به حقوق زن از دیدگاه اسلام.

زیر عنوان کلی «هنر، ورزش و سرگرمی» نیز اغلب کتابهای مربوط به زنان، به موضوعاتی چون گلدوزی، گل‌سازی و فنون و صنایع دستیاف تعلق دارد. در قلمرو «فلسفه و روان‌شناسی» نیز اکثر کتابهای مربوط به زن، متعلق به حوزه روان‌شناسی است. در زمینه «تاریخ و جغرافیا» نیز تعداد کتابهای مربوط به زندگی‌نامه‌ها و بررسی تاریخی درباره زنان مشهور تاریخ، بسیار بیشتر از بررسیهای کلی درباره نقش زنان در دوره‌های گوناگون تاریخی است. در زمینه «کلیات» نیز کتابهای مربوط به زنان، صرفاً به کتابشناسی‌های زنان اختصاص دارد.

آمار مربوط به «ادبیات» نیز صرفاً کتابهایی را دربرمی‌گیرد که درباره شاعران و نویسندگان زن نوشته شده‌اند و یا به طور خاص به بررسی نقش زنان در حوزه‌های ادبی پرداخته‌اند. طبیعی است که کتب شعر یا داستانی که درباره زن نوشته شده‌اند، یا شخصیت‌های زن در آنها نقش محوری دارند، در این آمار منظور نشده‌اند.

در پایان، ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در این بررسی صرفاً به فعالیت زنان مؤلف و مترجم پرداخته شده و از نقش زنان در دیگر مراحل آماده‌سازی، نشر و چاپ و پخش کتاب سخن به میان نیامده است. بررسی این موارد، در گرو تحقیق دیگری است که از حوصله این مقاله خارج است. اما همین قدر می‌توان اشاره کرد که اگر به این موضوع نیز در مقاله‌ای مجزا پرداخته شود، بی‌تردید بررسی نقش زنان ویراستار و زنان تصویرگر کتاب کودک در مجموعه دست‌اندرکاران نشر کتاب، اهمیت ویژه‌ای دارد. ■

با طعم کال نوبرانه خرداد  
گاه، باز می‌آید  
ساعتها پلک می‌بندند  
و او در سایه روشن نیمروز  
با خش خشی آشنا  
از آستانه ابری عبور می‌کند

دوشیزه اطلسی‌ها  
با چتری بفش از کنار فواره می‌گذرد  
و آبی تازه می‌افشانند  
به شادی و غمها  
آه می‌کشند

دفتری عتیق  
در باد ورق می‌خورد  
و پرهای طاووس را در هوا می‌پراکند

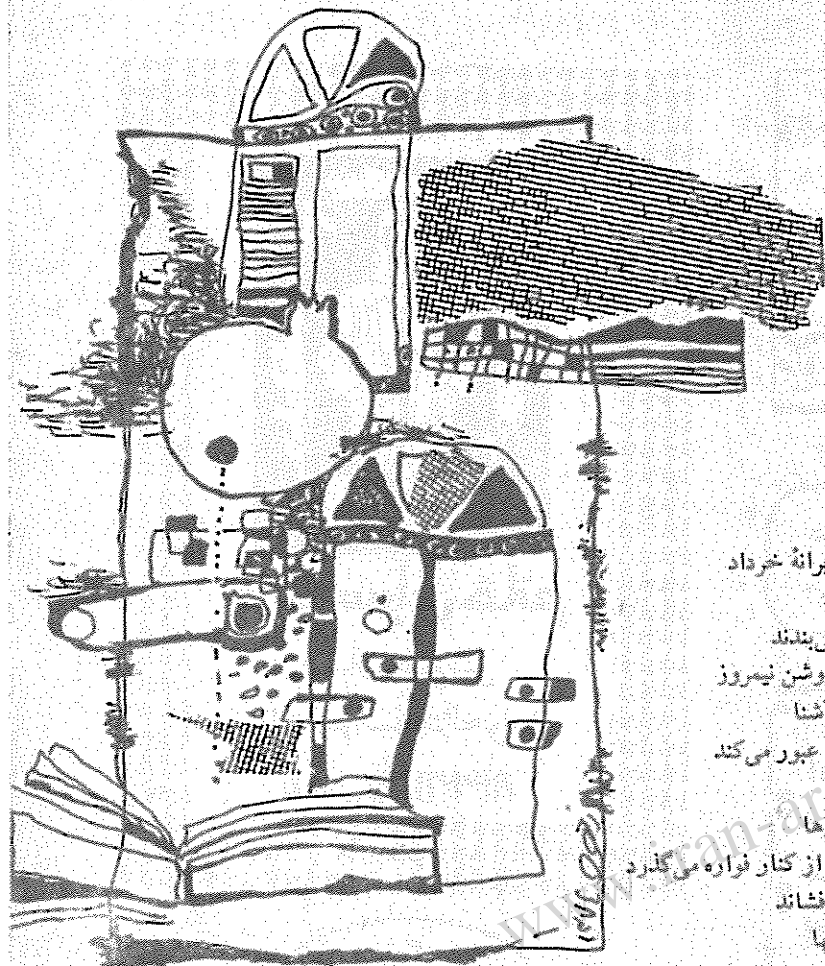
این سومی‌آید  
میان شاخه‌های بلند ریحان راه می‌رود  
و رویاهای شکسته را  
همچون بادامهای تلخ و پرک  
به گوشه دامن می‌افکند

و بانو که مثل همیشه  
با لنج لنج دمیایی‌ها  
در دلانهای سرد و طولانی پیش می‌آید  
می‌ایستد

تا توج سایه او را  
بر شاخه‌های لخت ازل نگاه کند  
و به یاد بیاورد  
بی او چقدر تنها مانده‌است  
کنار این نوبرانه‌های مکرر  
کنار این دخترهای پیر و قدیمی ■

# پلمه روشن

آرژنا قهرمان





**انستیتو زیباکده**

چاقی و لاغری تضمینی، ده کیلو در ده جلسه بدون بازگشت به حالت اولیه، ترمیم آبرو، خط چشم، خط لب، فرمزه و رنگ مژه، بهداشت پوست با بالاترین کیفیت زیر نظر متخصصین همراه با آموزش موارد بالا

۸۷۶۱۶۱۵ - ۷۲۲۱۵۶۸ صنعتی

مژده به بانوان محترم شرق تهران (نیروی هوایی)  
۱۰ کیلو در ۱۰ جلسه لاغر شوید ۲۲۵۲۹۶

آموزش سبزی آرائی و میوه آرائی و سفره های نذری، شیرینی تر و خشک، شکلات، دسر، آشپزی، گل آرائی، سفره های عقد در کلاس هستی.

۹۷۲۶۷۸ - ۶۰۴۶۲۶۰

لباس و کلاه عروسی  
سفره عقد مجلل و استثنایی  
۲۳۶۴۲۰

**موسسه آموزشی راهنمای دانش**  
کتاب و نوار

زبانهای زنده دنیا را در مدتی کوتاه با هزینه مناسب با استفاده از جدیدترین دوره های کتاب و نوار این موسسه در منزل فرا بگیرید. داوطلبان شهرستانها با ذکر مشخصات تحصیلات خود مکاتبه فرمائید.  
دکتر فاطمی ساختمان ۲۹ طبقه ششم کدپستی ۱۴۳۱۶  
تلفن: ۸۸۵۷۲۰۲-۲۰۶۴۲۵۸



**مانتو سرای خاتم**

میدان هفتم تیر  
جنب مسجد الجواد  
تلفن: ۸۳۳۲۵۸۵

موگه  
اجاره لباس عروس، سفره عقد  
۸۲۱۹۲۶۹

**بانو وزیر**  
خانمها، خانمها  
آموزش:  
شیرینی، آشپزی  
تزئین: انواع سبزی و میوه  
آموزش: گلهای تزئینی و کار روی یخ و...  
با اخذ گواهینامه رسمی همراه با

**کدین الهی**  
حضوری و مکاتبه ای  
تلفن: ۲۲۳۲۰۵۲  
خیابان شریعتی - سهیل، مهر چهارم







۸۷۱۰۳۷۷  
۸۷۱۹۳۷۱

راهنمای زنان



تعلیم ارگ، پیانو، سنتور

مخصوص خانمها — ۸۸۵۲۷۴۳

آموزش یوگا ویژه بانوان

توسط مربی آموزش دیده در هندوستان

۲۵۶۵۲۷۰

قابل توجه خانمهای آرایشگر

جدیدترین فن گریم عروس، کوتاه کردن مو، ترمیم ابرو و آرایش دائمی و کلیه خدمات پوستی و بهداشت پوست برای خانمهای آرایشگر شهرستانی در چند جلسه هنرجو می پذیرد



تلفن ۲۵۴۹۷۱۳

تلفن ۲۷۲۰۱۸

۱۰ الی ۴۰ بعد از ظهر

ارتباط با دنیای زیبایی و پاکیزگی

شهر بزرگ

خشکشویی و سفیدشویی

کلیه البسه

با سرویس رایگان

خشکشویی موکت، مبلمان،

واکس، پارکت و کفپوش

شما نیز می توانید یکی از مشتریان

ما باشید. تلفن: ۷۵۴۲۱۰۳

شعبه ظفر: ۲۶۰۰۰۹

شرق تهران: ۷۸۰۸۱۳۷

شرکت

روپاپرداز

مشاور روابط عمومی و تبلیغات

مجری تابلوهای بزرگ تبلیغاتی

بر بام سینماهای تهران

بزرگش، طراحی، چاپ، فیلم، عکس، نمایشگاه

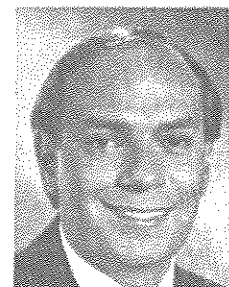
تلفن: ۸۷۱۰۳۷۷-۸۷۱۹۳۷۱

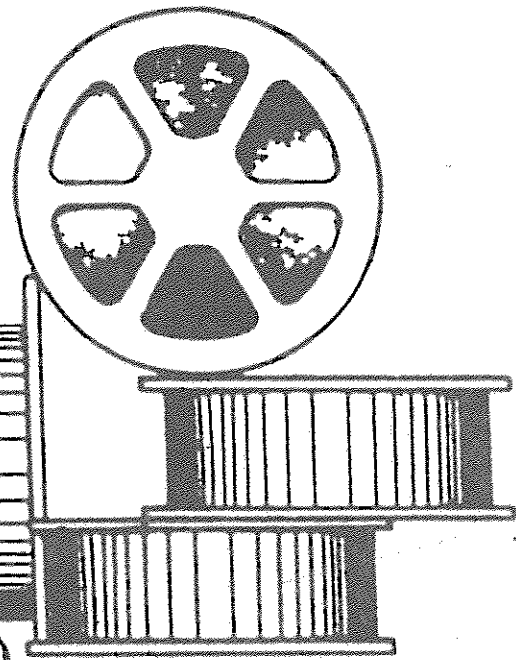
خانمهای ایران

(روپاپرداز سابق) اولین مزه ترسیم مو در ایران

خبری مسرت بخش برای تمام کسانی که موهای خود را از دست داده یا می دهند ما نتیجه آخرین تحقیقات و اکتشافات دانشمندان و متخصصین مو در امریکا را رایگان در اختیار شما قرار می دهیم که روش های فوق در اروپا هم عرضه نمی شود این متدها نتیجه تلاش بیگینر متخصصین مو در امریکا می باشد، در این روش بدون عمل جراحی از یکصد تار مو تا ده ها هزار تار مو روی سر شما نصب می گردد با این متد کاملا جدید و استثنایی شما احساس خواهید کرد که موهایتان از زیر پوست روئیده و هیچگونه تفاوتی با موهای طبیعی تان ندارد و با لمس کردن موهای جدید حتی فراموش می کنید که موهایتان ریخته است با خیال راحت استحمام کرده و موهایتان را به نرم دلخواه شانه کنید بعد از نصب مو چنانچه مورد پسندتان واقع گردید وجه آنرا بپردازید ضمنا فراموش نکنید متدهای فوق احتیاج به مراجعه بعدی ندارد. تلفن: ۸۹۸۴۳۳

تهران خیابان ولی عصر حب سینما آریفا (آنلاینیک سابق)



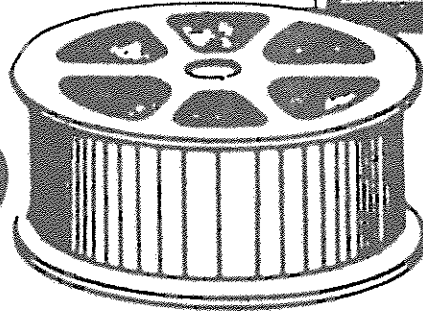


### ● برگزاری این کلاسها برای شما مفید بود؟

○ بیگدلی: در این کلاسها بر نحوه برخورد درست و استقبال از تماشاچیان تأکید بسیار می‌شود. بعضی دست‌اندرکاران معتقد بودند که سینما تا اندازه‌ای تماشاچیان خود را از دست داده‌است و باید با مدیریت صحیح دوباره آنان را به سینما جذب کرد. مدیر سینما باید بداند چگونه نظر تماشاچی را جلب کند، ما قبلاً به خیلی از مسائل بی‌توجه بودیم ولی حالا می‌دانیم که چه مسائلی باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. من خودم فکر می‌کنم گذراندن این دوره در آینده روی کار من تأثیر زیادی خواهد داشت.

### ● خانم شیرازی، ارزیابی شما از این کلاسها چیست؟

○ شیرازی: این کلاسها در حقیقت یک دوره مدیریت برای مدیران



# زنان ایرانی

سینما بود. البته عده‌ای هم به صورت آزاد شرکت کرده بودند و هیچ تجربه‌ای از سینما نداشتند. به نظر من این دوره از نظر ارائه یک سری موضوعات تئوریک واقعاً خوب بود اما از نظر عملی چندان قوی نبود. سینماداری گرفتاریهای زیادی دارد که خیلیها از آن بی‌خبرند. مثلاً یک مدیر سینما باید بداند وقتی در سینما زد و خوردی پیش می‌آید، چه باید بکند. درست است که با برگزاری یک دوره نمی‌توان انتظار داشت تمام تجربیات ملموس سینماداری به اشخاصی که تماس مستقیمی با مسائل سینما نداشته‌اند، منتقل شود اما حداقل می‌توانستند کارآموزان را به چند سینما ببرند و برای کسانی که قرار است مدیران آینده سینما باشند، جنبه‌های کاربردی مدیریت سینما را هم مطرح کنند.

### ● چرا این مسائل را در طول دوره مطرح نکردید؟

○ فرمت: این کلاسها شامل دو بخش مدیریت عمومی و مدیریت تخصصی بود. مدیریت تخصصی در انتهای دوره برگزار شد و وقتی کلاسها تمام شد، دیگر فرصتی برای ارائه پیشنهادات و انتقادات نبود. بعد از اتمام امتحانات هم چنین فرصتی پیش نیامد. اما اگر از ما بخواهند، می‌توانیم پیشنهادات خود را برای رفع اشکالات دوره‌های بعدی مطرح کنیم. به هر حال به نظر من که پیش از این به شکل حرفه‌ای در کار سینماداری نبودم؛ این حرکت به خصوص از دو جنبه بسیار مفید بود: اول آن که در کار سینماداری فقط تجربه کافی نیست و دوم آن که دعوت از خانمها برای شرکت در این کلاسها باعث می‌شود آنان با حرفه مدیریت سینما آشنا و به انتخاب این شغل ترغیب شوند. به هر حال سینما، محیطی خانوادگی است و حضور یک مدیر زن به خانواده‌ها احساس امنیت خاصی می‌دهد.

○ شیرازی: البته من باید نکته‌ای را در اینجا اضافه کنم. کسی ما را برای گذراندن این دوره دعوت نکرد، حتی خود من بارها نامه نوشتم

تا چند سال پیش تقریباً همه سینماها به صورت تجربی اداره می‌شد. در سال ۶۸ دست‌اندرکاران به ضرورت آموزش شاغلان در بخشهای مختلف سینما واقف شدند و بر این موضوع تأکید کردند. در آن زمان یک دوره آموزش سینماداری برگزار شد و مدیران سینماهای ممتاز و درجه‌یک و داوطلبان آزاد، به صورت اختیاری در آن شرکت کردند. در سال ۷۳ به پیشنهاد انجمن مدیران سینما، دومین دوره برای کلیه مدیران سینماهای ممتاز و درجه‌یک اجباری شد و در صورتی که مدیر سینمایی، این دوره را نمی‌گذراند، درجه سینما تقلیل می‌یافت. پس از پایان دوره دوم نیز کلیه مدیران سینما موظف به گذراندن این دوره شدند. در ادامه این حرکت، سینماهای شهرستان نیز در برنامه آموزش در دوره‌های بعدی قرار دارند.

خبر یافتیم که خانمها نیلوفر فرمت، لیلا مجد بیگدلی و ناهید شیرازی موفق به گذراندن سومین دوره این کلاسها شده‌اند و به ترتیب رتبه‌های دوم، سوم و پنجم را کسب کرده‌اند. به عنوان اولین گروه زنان آموزش دیده در این رشته، با آنان و همچنین با آقای فرناد، عضو هیأت مدیره انجمن مدیران سینما، به گفت و شنودی کوتاه نشستیم. با هم می‌خوانیم: ❁❁

### ● خانم بیگدلی، لطفاً مختصری درباره این دوره برای ما توضیح دهید.

○ بیگدلی: این دوره به سفارش وزارت ارشاد و توسط انجمن مدیران سینما و نیز با همکاری مرکز آموزشی صنایع ملی در مرکز صنایع ایران برگزار شد و تقریباً چهار ماه طول کشید. در این مدت ما ۳۰ واحد درسی گذراندیم که شامل کامپیوتر، معارف اسلامی، حسابداری، مبانی مدیریت، روابط عمومی، آشنایی با قوانین کار، آیین نگارش، تاریخ سینما، ارزشیابی کیفی سینما، اقتصاد در سینما، خط مشی و سیاستهای معاونت سینمایی می‌شد.

می‌خواهد. به هر حال کار سینما باید به نحو احسن انجام شود و این مسئولیت به عهده مدیر سینماست. حتی در روزهای تعطیل، جمعه و اعیاد که همه به همراه خانواده‌شان در شادی و جشن هستند، مدیر باید سر کار باشد. فقط در روزهای عزا که سینما تعطیل است، مدیر سینما هم تعطیل است. او باید با توجه به درآمد سینما جوابگوی بدهیهای موجود باشد. ما در طول سال فیلمهایی داریم که ممکن است حتی ۴۰ تا بلیط هم فروش نداشته باشند. یعنی درآمد یک روز سینما، هزار یا دوهزار تومان است. او باید آخر شب از پولی که گرفته، سهم صاحب فیلم، ۲۰ درصد وزارت ارشاد، پول آب و برق و هزینه‌های دیگر و حقوق کارمندان را کنار بگذارد و مابقی را هم برای مالک سینما در نظر بگیرد. مجموعه این شرایط موجب شده این شغل تاکنون در ایران یکی از مشاغل کاملاً مردانه تلقی شود. انجمن مدیران سینما بر حضور

و تلفن کردم. به هر حال حضور ما در این دوره‌ها چندان هم ساده انجام نشد.

○ فرناد: اجازه بدهید من توضیحی بدهم. مهمترین مسأله برای یک مدیر سینما، سیاست برخورد با افراد مختلف است. شاید برای وزارت ارشاد هم این سؤال مطرح بوده که آیا زنان می‌توانند این مسئولیت را به عهده بگیرند و امنیت خانواده‌هایی را که وارد سینما می‌شوند تأمین کنند. به هر حال با حمایت‌های انجمن مدیران سینما از ضرورت حضور مدیران زن در سینماها و پیگیری خود خانمها توانستیم وزارت ارشاد را راضی به شرکت خانمها در این دوره کنیم.

● آقای فرناد بفرمایید انجمن مدیران سینما برای مدیران چه می‌کند؟

○ فرناد: تا همین دو - سه ماه پیش، چه در بخش خصوصی و چه

# و مدیریت سینما

خانمها اصرار داشت اما وزارت ارشاد مسئولیت آن را به عهده نگرفت، در حالی که عملاً خانمها از سالها پیش وارد این کار شده بودند.

● خانم بیگدلی با توجه به اینکه شما در زمینه مدیریت سینما سابقه فعالیت داشته‌اید، شرح مختصری از کارهای خودتان برای ما بگویید:

○ بیگدلی: البته تمام فعالیت‌های مدیران سینما الزاماً مشابه هم نیست مثلاً یک مدیر ممکن است فیلم سینما را هم خودش تهیه کند ولی مدیر دیگر فقط مسئول اکران باشد. اما اصولاً تمام امور داخلی سینما به عهده مدیر است به عنوان مثال تمام کارگراها زیر نظر او هستند. اگر بخواهم خودمانی حرف بزنم، در حقیقت مدیر سینما حالت سرکارگر دارد. در سینمای ایران، چندان مهم نیست که مدیر حتماً صاحب سینما هم باشد، چون به هر حال کارهای مربوط به او را هم باید انجام دهد: هر صبح باید به نظم و نظافت سینما نظارت کند. روزهای جمعه

در ارگانها، مالک سینما می‌توانست یک روز، نامه‌ای به وزارت ارشاد بنویسد و شخصی را به عنوان مدیر سینمای خود معرفی کند و مدیر قبلی را از سینما اخراج کند که در آن صورت مدیر قبلی دیگر دستش به جایی بند نبود. با تشکلی که انجمن مدیران سینما داشت و با همکاری کلیه مدیران، این باور به وجود آمد که مسئولیت مدیران سینما یکی از بخشهای بسیار مهم در صنعت سینماست. آنها با همکاری و استفاده از راهنمایی‌های مدیران دیگر، از وزارت ارشاد کمک گرفتند و اخیراً بخشنامه‌ای از طرف وزارت ارشاد به کلیه سینماها صادر شده که هیچ سینمایی حق ندارد مدیرش را بدون دلیل اخراج کند و اگر مشکلی به وجود آمد یک کمیسیون شامل نماینده انجمن سینماداران، انجمن مدیران سالنهای سینما، وزارت ارشاد اسلامی، مالک سینما و مدیر سینما تشکیل می‌شود و رأی نهایی این کمیسیون قابل اجراست. نکته مهمتر اینکه تمام مالکان باید مدیران خود را از میان آنهایی که این دوره را گذرانده‌اند انتخاب کنند. این مسأله باعث می‌شود فقط افرادی که این دوره‌ها را گذرانده‌اند، انتخاب شوند. البته فعلاً دو خانم مشغول کار هستند و خانم فرحت نیز تاکنون از چندین سینما پیشنهاد کار دریافت کرده‌اند.

● به هر حال تعداد زنان در این حرفه هنوز بسیار کم است و باید تعداد بیشتری از آنان جذب این کار شوند:

○ فرناد: بله، البته من فکر می‌کنم یکی از کارهایی که «مجله زنان» در این مورد باید انجام دهد این است که ضرورت حضور مدیران زن را در سینما مطرح کند.

● آقای فرناد، مسئولیت یک مدیر سینما در چه حوزه‌هایی است؟

○ فرناد: مهمترین مسأله در صنعت سینما بخش هماهنگ‌کننده کالای تولید شده (فیلم) با مصرف‌کننده (تماشاچی) است. مدیر سینما کسی است که باید جوابگوی نیازهای تماشاگران و تمام بخش اداری سینما باشد. وزارت ارشاد هم تنها بیخ هر موردی را از مدیر سینما

● نیلوفر فرحت: «شرکت

زنان در دوره سینماداری،

باعث ترغیب آنها به

انتخاب این شغل می‌شود

و حضور یک مدیر زن در

سینما، به خانواده‌ها احساس

امنیت خاصی می‌دهد.»





● **ناهید شیرازی، مدیر سینما ناهید: «مشکل اصلی سینما در ایران کمبود فیلم است، یعنی سینما خوراکی برای تغذیه و بارور شدن ندارد.»**

● **خانم فرحت شما از خودتان بگویید:**

○ **فرحت:** من ۲۹ سال دارم، متأهل هستم و در یکی از رشته‌های پزشکی تحصیل کرده‌ام ولی چون به سینما علاقه داشتم، می‌خواستم به شکلی در این زمینه فعالیت کنم که این دوره باعث شد من به شکل عملی‌تری با سینما آشنا شوم و امیدوارم در آینده فرصتی فراهم شود تا به کار در این زمینه مشغول شوم.

● **نظر همسرتان نسبت به این کار چیست؟**

○ **فرحت:** او همیشه یکی از شوقان من در این زمینه بوده است.

● **خانم شیرازی، شما هم اطلاعاتی از خودتان در اختیار**

**خوانندگان ما بگذارید:**

○ **شیرازی:** من ۳۰ سال دارم، متأهل هستم و از سال ۱۳۷۲ کاملاً تاخوایسته وارد این کار شدم و هنوز هم به کارم ادامه می‌دهم. البته سینما جذابیت و کششی دارد که با وجود تمام مشکلاتش، مرا وادار به ادامه کار می‌کند. وقتی می‌بینم سالن سینما پُر است، بچه‌ها از دیدن فیلم به وجد می‌آیند، دست می‌زنند و می‌خندند، من هم لذت می‌برم. چون سینمای ما، ناهید، سینمای کودکان است. البته تعداد این

وظیفه‌اش سنگین‌تر است چون جمعیت بیشتری می‌آیند و او باید تربیتی بدهد که تماشاگران راحت وارد سینما شوند، مدتی در سالن انتظار بمانند، و همزمان با خروج تماشاچیان سانس قبل، گروه بعدی وارد سالن شوند. اگر صندلی خالی باشد و مشتری هم پشت در مانده باشد، عدم مدیریت سینما دار را می‌رساند. اگر کارگراها بدرفتاری کنند، او مسئول است چرا که باید در استخدام افراد بسیار دقیق باشد.

اگر کسی در سینما سیگار بکشد، معمولاً کارگر یا سرایدار جرأت نمی‌کند به او تذکر دهد. بارها شده است که در این موارد من شخصاً رفته‌ام و تذکر داده‌ام و اغلب اوقات هم مردم حرف‌شنوی داشته‌اند. بارها شده که دیده‌ام آقایان در سالن انتظار پد نشسته و من به او تذکر داده‌ام که پاهایش را پایین بگذارد و مرتب بنشیند و او همان کار را کرده و دفعات بعد هم که به سینما می‌آید تا مرا می‌بیند، اول سعی می‌کند درست بنشیند. تقریباً مردم هم قبول کرده‌اند که خانمها می‌توانند در سینما حضور داشته باشند. مدیر باید همیشه آینده‌نگر باشد، مثلاً فکر کنید یک روز صبح که به سینما می‌روید، می‌بینید گپی فیلم خراب است یا فیلمی را که از یک ماه پیش تبلیغ کرده‌اید و همین امشب باید اکرانش کنید، آماده نیست. به هر حال سینما را که نمی‌شود تعطیل کرد یا یک فیلم را به مدت طولانی نمایش داد. شب به شب هم باید حساب و کتاب کند. فرمهایی هم که مربوط به وزارت ارشاد است باید پُر شود و اول هر ماه برای آنها فرستاده شود.

● **این کار پرمشغله را چطور با امور خانوادگی هماهنگ می‌کنید؟**

○ **بیگدلی:** در طول گذراندن دوره‌های اخیر، من تا ساعت ۱۲ شب کار می‌کردم. صبح تا ساعت یک بعدازظهر در کلاس بودم. بعد حدود دو ساعت به خانه می‌رفتم و پس از آن برای انجام کارهای سینما به دفتر می‌رفتم و ۹ شب که می‌رسیدم، باز کارهای خانه را انجام می‌دادم و تا حدود ساعت ۱۱ شب به درسهایی می‌رسیدم. من ۳۹ ساله، متأهل و دارای دو دختر هستم. دختر بزرگم ۱۵ ساله و دومی ۱۲ ساله است. مدت ۲۰ سال است که در این کار هستم و تقریباً تمام کارهایی را که مربوط به سینما بوده، خودم گردانده‌ام. البته راجع به تولید صحبت نمی‌کنم، درست است که ما تولید هم داشته‌ایم ولی من دخالت زیادی نداشته‌ام. حدود پنج، شش سال است که شوهرم هم در کار سینما با من همکاری می‌کند و تصمیم داریم در آینده همچنان مدیریت سینما را به عهده داشته باشیم.



● **لیلا مجد بیگدلی،**

**مدیر سینماهای نادر و**

**میرزا کوچک خان: «من تا**

**حالا در برابر مشکلات**

**مقاومت کرده‌ام و اگر**

**دخترانم علاقه‌مند باشند،**

**حتماً امکان ورود آنان را**

**هم به این حرفه فراهم**

**خواهم کرد.»**



## دوره‌های «مجله زنان» با جلد زرکوب

زنان سال سوم	زنان سال دوم	زنان سال اول
۱۶-۲۲ ۱۳۷۳	۱۰-۱۵ ۱۳۷۲	۱-۹ ۱۳۷۰-۷۱

علاقتمندان می‌توانند برای هر یک از دوره‌های اول و دوم و سوم (شماره‌های ۱ تا ۲۲) مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۱۹۷۰ بانک ملی ایران شعبه سمیه به نام مجله «زنان» (قابل پرداخت در شعب بانک ملی در سراسر کشور) واریز کرده، کپی رسید را همراه با آدرس دقیق، کدپستی و تلفن خود، به آدرس تهران، صندوق پستی ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵ ارسال فرمایند.

هزینه ارسال با  
پست سفارشی بر  
عهده «زنان» است.

● علی اکبر فرناد، مدیر عامل انجمن مدیران سینما:

«شاید برای وزارت ارشاد این سؤال مطرح بوده که آیا زنان می‌توانند مدیریت سینما را به عهده بگیرند و امنیت خانواده‌ها را تأمین کنند؟»

گونه سینماها متأسفانه بسیار کم است و مشکلات آنها هم، زیاد. به نظر من مشکل اصلی سینما در ایران کمبود فیلم است، یعنی سینما خوراکی برای تغذیه و بارور شدن ندارد.

● سینمای شما درجه چند است؟

○ شیرازی: درجه دو، در خیابان هفده شهریور، پایینتر از میدان شهدا. البته در این محل تراکم جمعیت زیاد است، و تراکم سینما هم بالا. یعنی در اصل ما میان تعداد زیادی سینما محاصره شده‌ایم ولی فقط سینمای ما مخصوص کودکان است.

● خانم بیگدلی، راستی نگفتید چطور شد که به این کار روی

آوردید؟

○ بیگدلی: پدرم صاحب سینما بود. او تمام مسئولیت‌هایش را به من واگذار کرد. البته مدیر سینما، الزاماً مالک سینما هم نیست. ولی به هر حال من تمام کارها را مانند حسابداری و پخش فیلم به تنهایی انجام می‌دادم و هر دو سینمای نادر و میرزا کوچک خان (رشت) زیر نظر خودم بود. آن روزها که من وارد سینما شدم، حتی یک مدیر زن دیگر نبود که من بتوانم با او مشورت کنم. همکاران من همه مرد بودند. البته مسأله‌ای نبود ولی دوستان پدرم برایشان خیلی عجب بود که پدرم تمام مسئولیت خود را به من واگذار کرده. همه آنها فکر می‌کردند وقتی من ازدواج کنم، حتماً کارم را رها خواهم کرد. اما من ازدواج هم کردم و گماکان به کارم ادامه دادم. بعد همه گفتند بعد از بچه‌دار شدن، میدان را خالی خواهم کرد، ولی من باز هم مقاومت کردم. البته کم‌کم خانمهای دیگری هم وارد این کار شدند. بعضی پدرها، دخترانشان را به این کار دعوت کردند، ولی اغلب خانمها به مجرد اینکه ازدواج کردند، کارشان را رها کردند و رفتند. یادم می‌آید زمانی یکی از مدیران سینما که به دفتر پدرم می‌آمد، به من گفت: «شما هر وقت ازدواج کنی، مجبور می‌شوی این کار را کنار بگذاری، چون باید ۲۴ ساعته کار کنی. مثلاً یک شب که در خانه هستی، تلفن می‌زنند و می‌گویند در سینما فلان اتفاق افتاده. تو هم باید همان وقت شب به محل بروی و به وضعیت رسیدگی کنی.» اما من تا حالا در برابر مشکلات مقاومت کرده‌ام و اگر موقعیت پیش بیاید و دخترانم هم علاقه‌مند باشند، حتماً امکان ورود آنها را به این حرفه فراهم خواهم کرد ■



# زنان

## و برپایی یک سمینار

### منظم و مفید

#### در سمینار «نقش زنان در کشاورزی» چه گذشت؟

تهیه و تنظیم: رزا افتخاری

بررسی چگونگی توجه به زنان کشاورز در برنامه‌های توسعه بخش کشاورزی، فقراتی از متن برنامه اول و دوم توسعه را مورد بررسی قرار داده‌بود: از یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که در هر دو برنامه توسعه بخش کشاورزی، نقش زنان در تولیدات این بخش و اهمیت حضور فعال آنان در فرآیند توسعه نادیده باقی مانده‌است.

وی یادآور شد که یکی از مشکلات اساسی در برنامه‌ریزیهای بخش کشاورزی، کمبود اطلاعات جامع و مطمئن است اما این «کمبود» در مورد زنان کشاورز به «نبود» تبدیل می‌شود و این نقصان پیش از آن که جنبه فنی داشته‌باشد، علل فرهنگی و اجتماعی دارد. او، با این مقدمات، بحث خود را چنین ادامه داد: سؤال این است که آیا «عدم‌تساوی» و فرهنگ جامعه «مردسالارانه» سبب طولانی‌تر کردن دوره «نبود اطلاعات» و استفاده از ابتدایی‌ترین روشها برای برآورد اطلاعات نشده‌است؟

دکتر شادی‌طلب همچنین معتقد بود که همزمان با اجرای طرحهای متناسب با رهیافت خانواده‌گرا، تصمیمات و سیاستهای کاملاً متفاوت و مغایر اهداف برنامه‌های توسعه اتخاذ شده‌است که می‌توان آن را رهیافت «زن‌گرا» نامید. از جمله این گونه سیاست‌گذارها ایجاد تعاونیهای خاص زنان است.

از آنجا که زنان به عنوان نیمی از اعضای جامعه باید در برنامه‌های توسعه مشارکت داشته‌باشند و از نتایج آن بهره‌مند شوند، وی گفت که لازم است طرحهای این برنامه‌ها از جهات زیر مورد بررسی محتوایی قرار گیرد:

◀ نکته مشترک میان صحبت‌های اغلب سخنرانان این بود که تعاریف متخصصان و محققان از مفاهیمی چون «شاغل»، «فعالیت اقتصادی» و از این قبیل، با شرایط اجتماعی - اقتصادی کشور ما مطابقت ندارد. جمع‌بندی نظرات نشان می‌دهد که تطبیق این مفاهیم با ساخت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور و ارائه تعاریف مناسب از آنها بسیار ضروری می‌نماید.

◀ مهندس اشرف اسدی، مشاور وزیر کشاورزی در امور زنان، که دبیر سمینار نیز بود، گفت که هدف از برگزاری چنین همایشی فراهم کردن محیطی

◀ یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۷۴، سمیناری یکروزه با عنوان «نقش زنان در کشاورزی» در ساختمان وزارت کشاورزی برگزار شد. هدف این سمینار ارائه پیشنهادها و کاربردی جهت رفع مشکلات اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی بود. این پیشنهادها در سه زمینه «ابعاد اجتماعی - اقتصادی فعالیتهای زنان در بخش کشاورزی»، «پیش‌نیازهای فعالیت زنان در بخش کشاورزی» و «نقش اطلاعات در برنامه‌ریزی توسعه» ارائه شد.

در این سمینار فقط به طرح موضوعات و مسائل ویژه زنان در بخش کشاورزی پرداخته شد و پیشنهادها و راهبردهای مقدماتی برای اجرای آنها مطرح گردید.

از آنجا که زنان روستایی سهم قابل توجهی در نیروی کار کشاورزی دارند و تاکنون نقش و اهمیت حضور فعال آنان در هر دو برنامه اول و دوم توسعه بخش کشاورزی کشور نادیده گرفته شده، قرار شده‌است در دومین سمیناری که در سال ۷۶ برگزار می‌شود، نتایج و میزان به‌کارگیری این پیشنهادها در برنامه سوم توسعه کشور بررسی شود.

در پی چکیده‌ای از نظرها و پیشنهادهای مطرح شده در سمینار را به نظر شما می‌رسانیم: □□

◀ **زنان کشاورز ایرانی در برنامه‌های توسعه**  
دکتر زاله شادی‌طلب، استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، برای

#### در حاشیه برگزاری سمینار

◀ سخنرانی دکتر لهسایی‌زاده، مهمان شیرازی سمینار، به دلیل تأخیری در آغاز به کار سمینار، از ساعت ۱۱ و نیم صبح به ساعت ۶ و نیم بعدازظهر موکول شد. طبیعی است که در آن ساعت فقط شنوندگان «سبوتر باقی‌مانده» و به هر حال همه خسته بودند. او نیز وقتی پشت تریبون قرار گرفت، با لهجه شیرین شیرازی‌اش، به شوخی گفت: ما در شهر خودمان معمولاً اول از مهمانهایمان پذیرایی می‌کنیم، این تهران چه جوری است که وقت مهمانها را هم ازشان می‌گیرند و نوبت آنها را می‌اندازند آخر!



۱ - در مجموع برنامه‌های بخش کشاورزی، کدام دسته از طرح‌های تدوین شده جنبه کلی داشته و نمی‌توانند نسبت به جنسیت حساس باشند؟ ۲ - کدام دسته از طرح‌های تدوین شده با توجه به نوع فعالیت مورد هدف در طرح واقعیت‌های موجود جامعه روستایی می‌توانند نسبت به جنسیت حساس باشند و این حساسیت تا چه اندازه بر فعالیتها، اعتبارات و اقدامات پروژه‌ای خاص مؤثر واقع شده‌است؟ ۳ - کدام دسته از طرح‌های برنامه اول و دوم در بخش کشاورزی، علی‌رغم آنکه می‌توانند نسبت به جنسیت حساس باشند، مورد بی‌توجهی برنامه‌ریزان قرار گرفته‌اند. ۴ - پیامد این دسته از طرحها برای زنان کشاورز چیست؟ ۵ - نگرش تدوین‌کنندگان طرحها و مسئولان دستگاهها در مورد طرح‌های حساس نسبت به جنسیت چیست؟ دلایل ملاحظه با عدم این حساسیت را چگونه عنوان می‌کنند؟

دکتر شادی‌طلب در خاتمه گفت:

اگر تاکنون برای زنان کشاورز کاری انجام نداده‌ایم، بهتر است بدون مطالعه نسبت به سیاست‌گذاریهای ناسازگار یا رهیافت‌های ناهمگون با برنامه توسعه اقدام نشود. گرچه مسئولان دستگاه‌های اجرایی همواره اجرای ضربتی ایده‌های خود را بر تحقیق مقدم داشته‌اند، ولی این بار بهتر است از صبر و بردباری زنان کشاورز

### زن، محور اساسی توسعه پایدار انسانی

جهان در پنج دهه گذشته با تحولات و پیشرفتهای اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی چشمگیری روبه‌رو بوده‌است که از بهبود نسبی وضعیت زندگی انسانها خیر می‌دهد، اما از آنجا که هنوز ملتها با مشکلات عدیده‌ای دست به‌گریبانند، به نظر می‌رسد که جامعه جهانی قادر به استفاده بهینه از این دستاوردها نبوده‌است: هنوز بیش از یک پنجم مردم دنیا گرسنه می‌خوابند؛ یک چهارم مردم به آب آشامیدنی دسترسی ندارند؛ از هر پنج نفر، یک نفر زیر خط فقر به سر می‌برد و بار بدهی کشورهای در حال توسعه و رشد روزافزون فساد و خشونت‌های داخلی، که بیشتر علیه زنان و کودکان به کار گرفته می‌شود، بر عمق فاجعه می‌افزاید. دکتر سودابه امیری، کارشناس ارشد و مدیر طرح‌های عمرانی برنامه عمرانی سازمان ملل، پس از بررسی تحولات و رویدادهای دهه‌های گذشته، ضرورت تأکید بر توسعه انسانی پایدار را مطرح کرد.

دکتر امیری در بررسی وضعیت زنان با استناد به آمارهای بین‌المللی نشان داد که علی‌رغم پشت‌سر گذاشتن دهه زن (۱۹۷۶ - ۱۹۸۵)، زنان در عرضه‌های مختلف زندگی، در سطح بین‌المللی، در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برند. وی برای تغییر وضعیت نامطلوب زنان، پیشنهاد‌های خود را چنین ارائه داد:

مقالات کارشناسی دیگری نیز گنجانده شده که کمک مؤثری به بررسی دقیقتر نظرات و پیشنهادات مطرح شده در سمینار برای صاحب نظران و سیاست‌گذاران خواهد بود. به هر حال تدارک و تنظیم این مقالات و چاپ به موقع این ویژه‌نامه، همزمان با برپایی سمینار، خبر از تلاش پیگیر و مستمر دست‌اندرکاران سمینار و نشریه می‌دهد.

علی‌رغم تأخیر یکساعته‌ای که در شروع برنامه سخنرانی رخ داد، برنامه‌ریزی درست در ارائه سخنرانها؛ توزیع همزمان ویژه‌نامه سمینار؛

است برای تبادل نظر و تعاطی افکار و اتخاذ تصمیم‌های مدیرانه. وی از دست‌اندرکاران قلبی و مسئولان جدید، که علی‌رغم تحولات مدیریتی پیش آمده، در برگزاری سمینار کماکان مشارکت داشته‌اند، تشکر کرد. در ضمن سمینار از همکاری دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و جمعیت همبستگی زنان جمهوری اسلامی ایران نیز برخوردار بوده‌است.

در سمینار، ویژه‌نامه «فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه» توزیع شد. در این فصلنامه علاوه بر مقالات مطرح شده در سمینار،

## ● دکتر ژاله شادی طلب: اگر تاکنون برای زنان کشاورز کاری انجام نداده‌ایم، بهتر است بدون مطالعه نسبت به سیاست‌گذاری‌های ناسازگار یا رهیافتهای ناهمگون با برنامه توسعه اقدام نشود.

مشکلات جهانی‌اند و باید در چارچوبی جهانی و به فراخور زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و فرهنگی هر کشوری رفع گردند. تأکید بر توانمندی دختران و زنان به عنوان شرکای هم‌پا در فرآیند توسعه و واگذاری ابزارهای لازمه به آنان؛ ارائه واحدهای کم بهره؛ مشارکت زنان در تعاونها، به خصوص در بخش روستایی؛ ارائه امکانات روزافزون و جامع جهت اشتغال زنان و شرکت مستمر آنان در تصمیم‌گیریهای آگاهانه پیرامون رفع نابرابریها و تفاوت‌های جنسیتی در تمامی رشته‌ها و زیربخشها؛ بررسی و اصلاح و تدوین قوانین و مقررات خاص و اجرای آن جهت تحقق اهداف توسعه انسانی پایدار الزامی می‌باشد.

نفوس و مسکن به طور واقعی نشان داده‌شده است و شاید دلیل آن، تعریفی باشد که از اشتغال ارائه شده است. وی فعالیت زنان در روستاهای ایران را در سه مقطع قبل از اصلاحات ارضی، پس از اصلاحات ارضی و پس از انقلاب اسلامی بررسی کرد و گفت: در واحدهای بزرگ، زنان بیشتر سعی می‌کنند در کارهای خانگی مشارکت کنند. در واحدهای متوسط زنان به صورت کارکنان کشاورزی خانوادگی بی‌مزد انجام وظیفه می‌کنند و بالاخره در واحدهای خرد، زنان مجبورند در مزارع دیگران به صورت کارگر مزدی کار کنند. پس نقش اقتصادی زنان خانوارهای دهقانی متوسط و روستایی، چشمگیرتر از خانوارهای دهقانی غنی است.

دکتر لهسایی‌زاده، در انتها، از بحث خود چنین نتیجه‌گیری کرد که باید به نقش و پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی به طور کلی و کشاورزان زن اهمیت بیشتری داده شود و جایگاه خاصی در تحقیقات برای آنها در نظر گرفته شود؛ زنان کشاورز باید در سرشماریها و آمارگیریهای کشاورزی، دقیقتر تعریف و تقسیم‌بندی شوند؛ در برنامه‌ریزیهای اقتصادی - اجتماعی کشور باید به زنان روستایی بهای کافی داده شود؛ زنان کشاورز باید، به عنوان کشاورزان مؤثر، هم‌تراز با مردان آموزش ببینند؛ ورود هر گونه تکنولوژی به بخش کشاورزی نباید از نقش فعال زنان در این زمینه بکاهد. باید به روستاییان تفهیم کرد که زنان می‌توانند همانند مردان در به‌کارگیری تکنولوژیهای کشاورزی سهمین باشند.

### ◀ سنگ زیرین آسیا: زن یا مرد؟

دکتر فاطمه گیوه‌چیان، عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء، مطالعات مردم‌شناختی مربوط به زنان را مرور و این مطالعات را به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول، مطالعاتی که زن را عامل مؤثری در زندگی اجتماعی می‌داند و ثابت می‌کند که زن هم در طول تاریخ کار می‌کرده است و تأکید بر این امر چنان زیاد است که گویا زن قبلاً در جامعه وجود نداشته یا اگر داشته، منشاء اثری مثبت نبوده است.

دسته دوم، مطالعاتی که زن و مرد را رقیب فرض می‌کند و رابطه بین آنها را رابطه استثماری و متناقض می‌شمارد.

دکتر گیوه‌چیان در پایان صحبت‌هایش دو پیش‌فرض مطرح کرد: یکی مکمل بودن نقش زن و مرد و نه متناقض بودن آن؛ و دیگری کشف منطق بومی به جای اعمال منطق پژوهشگر. وی معتقد است تأکید زیاد پژوهشگران بر تفاوت زن و مرد بعضی ناهنجاریهای بین زنان و مردان را در شهرها تقویت می‌کند و چه بسا که مردم معمولی، خواه زن و خواه مرد، در کلیه جوامع، به‌ویژه مردم جوامع کم‌سواد، از تأکید پژوهشگران بر این تفاوتها به عنوان حربه‌هایی علیه مردان یا زنان دیگر استفاده کنند. او شاهد مدعای خود را چنین ارائه می‌دهد که آسار بالای طلاق در جوامع شهری و ناراحتیهای روحی و افسردگیها، به‌ویژه در بین زنان، و عدم تحمل فشار کار در خانه ممکن است در نتیجه تأکید پژوهشگران بر

مشکلات جهانی‌اند و باید در چارچوبی جهانی و به فراخور زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و فرهنگی هر کشوری رفع گردند. تأکید بر توانمندی دختران و زنان به عنوان شرکای هم‌پا در فرآیند توسعه و واگذاری ابزارهای لازمه به آنان؛ ارائه واحدهای کم بهره؛ مشارکت زنان در تعاونها، به خصوص در بخش روستایی؛ ارائه امکانات روزافزون و جامع جهت اشتغال زنان و شرکت مستمر آنان در تصمیم‌گیریهای آگاهانه پیرامون رفع نابرابریها و تفاوت‌های جنسیتی در تمامی رشته‌ها و زیربخشها؛ بررسی و اصلاح و تدوین قوانین و مقررات خاص و اجرای آن جهت تحقق اهداف توسعه انسانی پایدار الزامی می‌باشد.

فطور در ایجاد و اجرای شرایط مناسب برای رشد پایدار این قشر عظیم و رفع نابرابریها و ظلم به این جامعه بشری نه تنها برای آنان، بلکه برای کل جامعه بشری بسیار مهلک خواهد بود و می‌بایست تلاش همه جانبه امروز آغاز گردد که فردا خیلی دیر است.

### ◀ احتساب سهم زنان در تولید کشور

مطالعه روند تاریخی توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها نشان می‌دهد کشورهایی که تعادل مناسب و مطلوب برای مشارکت زن و مرد را فراهم نیاورده‌اند، در فرآیند توسعه عقب مانده‌اند و حتی در چنین جوامعی بازدهی مردان نیز کمتر از جوامعی است که مرد و زن دوشادوش یکدیگر از فرصتهای برابر اشتغال برخوردار بوده‌اند. بررسی ساختار اشتغال زنان در کشورهای مختلف نیز بیانگر آن است که رابطه مستقیمی بین کاهش رشد جمعیت و افزایش نرخ اشتغال زنان وجود دارد. در حال حاضر نیز کشور ما با دو مسأله مهم توسعه اقتصادی و رشد بالای جمعیت روبرو است. مهرانگیز چنگیزی اشتیانی، کارشناس و محقق مرکز آمار ایران، پس از بیان این مقدمات، با ارائه آمار نشان داد که اگر زنان خانه‌دار نیز شاغل فرض شوند، سهم زنان در تولید ناخالص داخلی کشور نزدیک به ۷۰ درصد افزایش می‌یابد:

با ورود زنان به بازار کار، نه تنها بر درآمد خانواده‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم افزوده می‌گردد، بلکه از نرخ رشد جمعیت فعلی کشور کاسته شده و بسیاری از هزینه‌های مربوط به تأمین نیازهای جمعیت فزاینده کشور کاهش و کارایی اقتصادی کشور افزایش می‌یابد.

### ◀ بررسی جامعه‌شناختی نقش زن در کشاورزی ایران

دکتر عبدالملکی لهسایی‌زاده، دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، با بررسی جایگاه زن در اشتغال روستایی، سهم زن در ارزش افزوده اقتصاد روستایی را در مقایسه با جامعه شهری مشخص کرد:

سهم و نقش زن روستایی در اشتغال، در نتایج سرشماریهای

جمع‌بندی هیأت‌رئیس، فضای مناسب با تهویه مطبوع و پذیرایی ساده و خوب، تحمل یک از صبح تا شب نشستن در محل سخنرانی را سهل و حتی دلپذیر می‌کرد.

دکتر شادی طلب وقتی از برنامه‌های توسعه اول و دوم صحبت می‌کرد، گفت که کلمه «زنان» در برنامه توسعه اول فقط یکبار و در برنامه دوم فقط دوبار آمده است. وی همانجا اظهار امیدواری کرد که در برنامه سوم، حتماً سه بار کلمه «زن» گنجانده شود!

گفتن بخشی از حقیقت، گفتن همه حقیقت نیست. مدیرعامل بانک کشاورزی در گزارش خود گفت که از کل «تعداد» اعتباراتی که در ۱۰ ماهه اول سال ۷۳ به کشاورزان پرداخت شده، ۱۳/۴ درصد به زنان سرپرست خانوار تعلق داشته است که دو برابر نسبت خانوارهای روستایی دارای سرپرست زن است. اما آن بخش دیگر حقیقت زمانی آشکار می‌شود که به جای «تعداد» به «مبلغ» توجه و از تعارف کم کنیم. در واقع کل مبلغ پرداختی به زنان کشاورز (اعم از سرپرست خانوار و غیر آن) چیزی نزدیک به ۲ درصد بوده است؛ در حالی که طبق آماري که ایشان ارائه کردند؛ باید حدود ۷ درصد

## ● دکتر سودابه امیری: یکی از راههای تغییر وضعیت نامطلوب زنان شرکت مستمر آنان در تصمیم‌گیریهایی آگاهانه پیرامون رفع نابرابریها در تمامی رشته‌ها و زیربخشهاست.

را به خوبی نشان می‌دهد. زنان در تعاونیها، شوراهای اسلامی روستایی و... نقش مدیریتی ندارند و حتی عضویت آنها در تعاونیها و مشارکت آنها در مجامع و جلسات عمومی شوراهای اسلامی در روستاها، اگر صفر نباشد، بسیار ناچیز است. عدم حضور زنان روستایی ایران در سازمانها و نهادهای رسمی جدید واقعیتی است که ریشه در کمبودها، نارساییها، بی‌توجهی‌های کارشناسانه و امکانات برنامه‌ای دارد که وقتی با عناصر فرهنگی جامعه و اصول حاکم بر تفکر و تلقی مدیران و برنامه‌ریزان و عامه مردم شهری و روستایی همراه می‌شود و بر هم تأثیر می‌گذارد به مرور زمان به سنگ خارا می‌سخت و غیرقابل نفوذ تبدیل می‌شود که زن را به نحجی، از خود بیگانگی و بی‌قابلیتی و در نتیجه گوشه‌گیری و بی‌مترقی بیشتر می‌کشد.

دکتر انصاری دلیل شکست بسیاری از طرحهای توسعه‌ای در بخش روستایی کشورهای جهان را عدم تطابق الگوی توسعه با فرهنگ جامعه می‌داند. وی معتقد بود که تشکیل تعاونی برای زنان روستایی ایران نیاز به بررسی و مطالعات جامع دارد و چنین نهادی وقتی معنی‌دار و مؤثر است که یافته‌های تحقیقاتی ضرورت تشکیل آن را تأیید کرده باشد؛ هدف معین و مشخصی را دنبال کند؛ شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه شناخته شود، رابطه سازمان مجری، به عنوان نماینده و شاخه‌ای از دولت، و مسیر حرکت و دینامیسم این رابطه با دقت لازم معین شده باشد و واحدهای اجرایی دست‌اندرکار ملزم به رعایت و اعمال آن باشند و حوزه کار و تأثیر تعاونی از اقدامات موردی و محدود برای اعضا، به اقدامات متنوع و گسترده تغییر کند.

### ◀ طرح مرکز اطلاعات زنان در کشاورزی ایران

نسرین دخت عمادخراسانی، رئیس بخش اطلاعات و انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، طرحی برای مرکز اطلاعات زنان در کشاورزی ارائه داد.

وی با تأکید بر این نکته که بسیاری از کشورهای جهان سوم بی‌اعتنا به تحقیق، توسعه را طلب می‌کنند، از اطلاعات فقط به اهمیت آن واقفند و از چگونگی دستیابی به این مهم بی‌خبرند و با جنبه‌های کاربردی آن قرابتی ندارند، گفت:

در جهانی که بهره‌وری از اطلاعات اساس هر گونه پیشرفت شده‌است، پیوستگی و رابطه هدفمند اطلاعات و توسعه، ضرورتی آشکار است. از جمله مواردی که توجه کارشناسان جهان را در چند سال اخیر جلب کرد مسائل مربوط به زنان است. به کارگیری موضوعها و عباراتی نظیر زن و اشتغال، زن و بهداشت، زن و توسعه، زنان روستایی، زنان بی‌سرپرست و... نشانه‌هایی از این توجه است که باید برای دستیابی به نتایج مطلوب مورد بررسی و مطالعه دقیق و عمیق قرار گیرد.

نسرین دخت عماد پس از معرفی مراکز اطلاع‌رسانی مربوط به زنان در آسیا، گفت علی‌رغم آنکه در حوزه زنان اندیشه‌های آرمان‌خواهانه‌ای نیز مطرح شده اما تاکنون حرکتی در این جهت صورت نگرفته و ضرورت ایجاد یک مرکز ملی اطلاعات زنان در ایران بسیار مشهود است.

یادداشت:

\* برای مطالعه تفصیلی مقالات می‌توانید به فصلنامه علمی - پژوهشی مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی، سال سوم، بهار ۱۳۷۲ رجوع کنید.

رابطه استماری و تفاوت‌های متافرض زن و مرد تشدید شود. در مورد پیش‌فرض دوم نیز وی معتقد است که به جای اعمال منطق پژوهشگر، باید بر «خرده‌فرهنگ‌ها» تأکید بیشتری داشت.

### ◀ اقتصاد غیررسمی: واقعیتی ناشناخته در طرح مسائل زنان روستایی

مفهوم بخش «غیررسمی» در واژه‌شناسی تحلیل‌گران مشاغل و توسعه نسبتاً جدید است و به سالهای ۱۹۷۰ برمی‌گردد. پس از آنکه برنامه‌ریزان و سازمانهای بین‌المللی متوجه شدند که مفاهیم رایج کار کل جمعیت فعال کشورها را طبقه‌بندی نمی‌کند، به بخش غیررسمی به عنوان یک واقعیت اجتماعی نظر کردند. از سوی دیگر واقعیت نشانگر آن است که نیروی عظیم کار در بخش غیررسمی را، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته یا در حال توسعه، زنان روستایی‌ای تشکیل می‌دهند که در فقر «مهلک» بی‌سواد می‌زمن به سر می‌برند. دکتر خجسته عارف‌نیا، مسئول انارۀ علوم اجتماعی کمیسیون ملی بونسکو در ایران، با بیان اینکه ویژگی بخش غیررسمی، تقسیم ناعادلانه کار و درآمد است، اضافه کرد:

در «اقتصاد غیررسمی» مناسبات و روابط مرد / زن بر حسب سلطه تعریف می‌شود و تقسیم کار در خانه، مزرعه، کارگاه بازارهای محلی شهری و روستایی، تعاونیها و... شدیداً از آن تأثیر می‌پذیرد. به نظر دکتر عارف‌نیا، باید همچون دهه ۷۰ به بخش «غیررسمی» به مثابه یک عنصر سؤال برانگیز درباره اقتصاد و جامعه در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نگریست. او معتقد است که گسترش بخش «غیررسمی» در کشورهای جهان سوم، بر خلاف نظر بعضی کارشناسان، یک واکنش مردمی در تأمین بقای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است، نه یک خطای اقتصادی:

سؤال نهایی این است که آیا نباید به هنگامی که اقتصاد نمی‌تواند تمامی یک جامعه را پوشش دهد به بخش «غیررسمی» به عنوان یک گزینه نگریست؟ این سؤال را در چارچوب اقتصاد جهانی امروز چگونه باید مطرح کرد؟ پاسخ کارشناسان امور اقتصادی و برنامه‌ریزی کشور ما به این سؤالات چیست؟ ساختار اشتغال در کشور ما چگونه است؟ آیا این مسأله در کشور ما طرح شده‌است؟ اگر نه، چرا؟ و اگر بله، چگونه؟

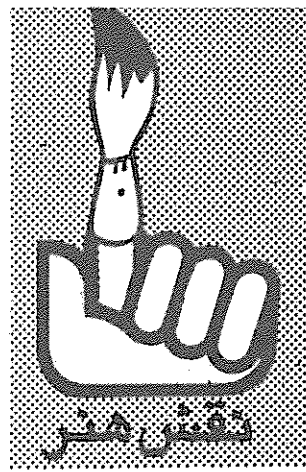
### ◀ تعاونیهای زنان روستایی، ضرورت یا موج

دکتر حمید انصاری، استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، با بررسی ویژگیهای نقش اقتصادی و اشتغال زنان روستایی در جهان سوم نتیجه گرفت که زنان اسکانات و ابزار لازم برای تغییر وضع و بهبود فعالیتهای اقتصادی و موقعیت اجتماعی خود را ندارند. او گفت:

«شاهد جامعه روستایی ایران و نهادهای جدید آن تقوی مردان

از کل مبلغ اعتبارات پرداختی به زنان سرپرست خانوار تعلق می‌گرفت.

◀ وزیر کشاورزی در مورد اعزام خانمها برای دوره‌های آموزشی به خارج از کشور گفت: «خانمها به حق نگران بودند و گله‌مند که وقتی شما می‌گویید فرقی بین خانم و آقا نیست، چرا این همه تبعیض؟»



### نیمه دوم سبب

- نمایشگاه نقاشی باسَم رسام

- نگارخانه آفرند

- ۱۶ تا ۲۱ اردیبهشت ۷۴

● فرید کلهر

خود بازتابی از ورزش بادهای ناملازم جهان بیرون بر روح اوست. نقاشیهای باسَم رسام جهان را توضیح نمی‌دهد و کار فلسفه را نمی‌کند، بلکه مانند شعر در مقوله عرفان جای می‌گیرد زیرا هنر نیامده



است که گره‌ای از مشکل انسان بگشاید چون اصولاً در بستر ادراک نیست و این فلسفه است که با توضیحاتی که پیرامون هستی می‌دهد، سعی می‌کند به پرسشهای بزرگ پاسخ بدهد. اما هنر به گنّه این پرسشها می‌رود و تلاش می‌کند با آن دوست شود بدون آنکه پاسخی برای آن بیابد. اگر هم در طول راه خود به پرسشی پاسخ می‌دهد، ناخودآگاه است و در ضمن، پاسخ از دیدگاهی شاعرانه است.

نقاشیهای باسَم رسام بازآفرینی جهان است؛ جهانی مملو از نابرابری، نابرابری در معادله شب و روز، شهر و بیابان، درخت و بی‌درختی و حتی در توازن اندام چهره‌ها؛ به طوری که رخ نگاره‌های او در واقعیت حضور ندارد و بازتاب عینی هیچ کدام از چهره‌های جمعیت شش میلیاردی جهان نیست اما نمی‌توان گفت که این آدمها وجود

تازه‌ترین آثار نقاشی باسَم رسام، نقاش و طراح معاصر، به مدت یک هفته در گالری آفرند به نمایش درآمد. در این نمایشگاه ۳۲ تابلو از آخرین اندیشه‌های قلمی این نقاش به روی بازدید کنندگان چهره گشوده بود.

باسَم رسام، برای جامعه هنرمندان تجسمی و نیز جامعه مطبوعات ما چهره‌ای آشناست. آثار باسَم رسام با حسی گنگ، از بی‌همزبانی سخن می‌گویند و خطوط نگاره‌هایش اشاراتی است که در قاموسهای لغات، تفسیر پیدا نمی‌کنند و فقط شاخکهای حسی مخاطب می‌تواند معنا را - بدون تفسیر - دریافت کند.

باسَم رسام، در نقاشی قلمرو خاصی دارد و خطوط او جامعه او را به تن دارند. در آدمهای او، غربت صد درجه سانتی‌گراد غلیان دارد و طرحها و نقاشیهایش واگویی‌های از آشفته‌نمایی درونی نقاش است که

### نشانه‌هایی از تکنیک، سنت، طبیعت و قدمت

- نمایشگاه گروهی نقاشی

- گالری کیهان

- ۱۳ تا ۱۷ خرداد ۷۴

● سپیده خانلوکی

در گالری کیهان، نرزانه فیروزفر، فوزه گرجیان، مژگان شجریان و مهیار سبکبار، که همگی در رشته نقاشی تحصیل کرده‌اند، با برگزاری نمایشگاهی گروهی، کارهای متفاوتی ارائه کرده بودند.



فوزه گرجیان

در ناپسوه‌های رنگ و روغن فوزه گرجیان، گلیم، گلدان، پله، ستون، درخت و پنجره، همه و همه به همراه رنگهای زنده و شاد، فضایی ایرانی و سنتی به وجود آورده‌اند. اتاقهای ساده با خطوط مؤرّب پنجره‌هایشان و درهای چوبی‌ای که کلون دارند و سکوه‌های قدیمی، به یادآوری این فضا کمک می‌کنند. گرجیان، خود را از قید بسیاری از «بایده‌هایی» که در نقاشیهای واقع‌گرایانه و طبیعت‌گرایانه وجود دارد، رها کرده و ذهنی و بسیار ساده

ندارند زیرا نشانه‌های رنج را بر خطوط کلی خود دارند و این نخستین نشانه انسان بودن است.

گرایش دیگر باسَم رسام در حوزه نقاشی، غوطه‌خوردنهای غیبه‌انگیز در روح ادیان است. بر این اساس، با تحتر طاقلیسهای سنتی را در بورش شکلهای مدرن و هندسی به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که دامنه این معماری به گنّه مفهوم بشریت و اصالت نیز می‌رسد و شیشه‌های صیقلی آن را مکذّر می‌کند. بر این مبنا، در تابلوهای او رخدادهایی مانند مصلوب شدن مسیح، همواره یادآور می‌شوند و بازگویند تکراری باز مصلوب شدن انسان بر دار تمدن امروز است.

باسَم رسام در تازه‌ترین نمایشگاه خود، گرایش دیگری را نیز به نمایش گذاشته است و آن بازگویی درونی نیمه دوم سبب است. با یک حساب سرانگشتی از تابلوهای به نمایش درآمده در نمایشگاه جدید، بی‌می‌بریم که نمایش زوایای مختلف وجود زن، که مادر جامعه است، تمام فضای تابلوها را به خود گرفته است. زن که نمادی از تداوم انسان بر گستره خالی است، در کنار انار که واژه مقدس عشق است، زندگانی مسالمت‌آمیزی یافته است. زنان نقاشیهای باسَم رسام، زنانی رنج‌برده‌اند که در عمق هزاران فرسنگی افق به جست‌وجوی جرقه‌اند و این انتظار که کشنده‌تر از مرگ است، زوایای وجودشان را خطوطی معلق به روی آینده و گذشته می‌بخشد و در لحظه‌های ساده‌ای خود زندانی می‌کند. شاید هم گمشده‌شان معجزه‌ای است که عیسی را به رهایی انسان برگزید.



و راحت نقاشی کرده‌است و موضوع کارهایش، ترکیبی از تخیل و واقعیت را به تماشا می‌گذارند. پرسپکتیو، در تابلوهای او جایی ندارد، نحوه رنگ‌آمیزی و انتخاب رنگها و کمپوزیسیونهای شبیه به هم و عناصر تکرار شده نوعی هماهنگی و یکدستی در آثارش به وجود آورده‌اند و کلاً نقاشیهایش، آرامش را به بیننده منتقل می‌کنند.



مژگان شجریان

متفاوت ارائه کرده: آبستره و دیگر، کارهایی که موضوع دارند بدون پرداختن به جزئیات، طبیعت را نمایانده‌اند. تابلوهای آبستره شجریان، نمایانگر رنگهایی شاد هستند که با خطوط ظریف و مورب به یکدیگر پیوسته و اشکال مختلفی را به وجود



فرزانه فیروزفر

این بار، مواد گوناگونی دست به دست یکدیگر داده‌اند تا فرزانه فیروزفر بتواند درباره تکنیکهای مختلف نقاشی به تحقیق بپردازد. موادی چون: رنگ و روغن، آبرنگ، پاستل گچی و روغنی، مداد رنگی، مداد کنته، زغال، گواش، چسب آکریلیک، مونولیت، استون، طناب، گچ، ساسه، کاغذ دیواری، مقوا و خاکه اره!

فیروزفر، گاه یک کمپوزیسیون خاص را با سه نوع تکنیک مختلف تجربه کرده و نتایج متفاوتی نیز از نظر انتقال حس به بیننده به دست آورده‌است. کارهای او آبستره هستند. وی با کنار هم قرار دادن رنگهایی چون آبی، نارنجی، سبز، قرمز، طورتی، طلایی و بنفش و کمتر با خط، کمپوزیسیونهایش را به وجود آورده‌است. مژگان شجریان، دو سبک کار

این همه، نفسی تازه کرده و با رنگهای ملایم و آرامش‌بخش خود، با تماشاگر، از سادگیها و پاکیها می‌گویند.

مهیار سبکبار، از طرحهای سستی گلیم ایرانی الهام گرفته و با رنگهای زنده و شادی چون آبی و نارنجی، کارهای ساده و قشنگی ارائه کرده‌است. وی در بعضی از تابلوهایش که «کولاز» هستند، بافت گلیم را نیز نمایانده‌است. کارهای سبکبار از نظر طرح و کمپوزیسیون رنگ و ترکیبندی کلی کار موفق‌اند.

## گالری کیهان



### غمهای بزرگ در قلبهای کوچک

- نمایشگاه نقاشی مهتاب حقیقی  
- گالری ضرابی  
- ۲۰ تا ۲۵ خرداد ۷۴



این بار در گالری ضرابی، شاهد برگزاری نمایشگاهی هستیم از نقاشیهای رنگ و روغن مهتاب حقیقی. تحصیلات وی در رشته نقاشی بوده و قصد دارد همین رشته را دنبال کند.

مهتاب حقیقی با حسی قوی، به دنیای معصومیتها گام نهاده: به دنیای آبی کودکان، به آنجا که گاه قلبهایی کوچک از سنگینی بار غمهایی بزرگ فشرده می‌شوند.

فضای کارهای حقیقی، بسیار ساده و بیانگر آرزوهایی است که به واقعیت نییوسته‌اند. در اینجا حتی طبیعت نیز در بند است: ابر، پرند و نیز آن کودکی که در بند اندوهی بزرگ (غم نداشتن مادر) سر بر زانوی صندلی گذارده و به تفکر نشسته است. در آثار این نقاش، سبک کار با موضوع هماهنگ است، چرا که او کاملاً از دید یک کودک نقاشی کرده و رنگها و عناصر به کار رفته در کارهایش نیز همه کودکانه به تصویر کشیده شده‌اند. وی فیکورها، اشکال و پرتورها را دفرمه کرده و از این لحاظ، تحت تأثیر مودیلیانی بوده‌است.

حقیقی از ماهی، نیلیوفر آبی، خطوط مارپیچ و گل انار به عنوان نماد مادر استفاده کرده و عناصری چون درخت، آسمان، خورشید، خانه و گل (همچون نقاشیهای کودکان) در آثارش تکرار شده‌اند. وی در انتقال حس موفق بوده و درباره این حس و موضوعهای انتخابی‌اش می‌گوید: «من در خانواده‌ای بسیار با محبت و صمیمی بزرگ شده‌ام و هیچ وقت مشکلی عاطفی یا کمبودی در این زمینه نداشتم ولی همیشه به طرح به چنین موضوعهایی در کارم علاقمند بوده‌ام.»



بسیاری از زنان با علائم رایج و متداول تغییرات هورمونی کاملاً آشنا هستند. این علائم عبارتند از: دردهای دوران عادت ماهانه، جوش صورت، تهوع صبحگاهی و گرگرفتگی. اما بسیاری از زنان نمی‌دانند که تغییرات هورمونی حتی می‌تواند باعث بروز بیماری لثه، خشکی دهان، تب‌خال و بیماریهای دیگر دهان شود.

در این مقاله قصد داریم به شما کمک کنیم این بیماریها را تشخیص داده و از بروز آنها پیشگیری کنید و اختلالات و ناراحتیهای دهان را که بر اثر تغییرات هورمونی پدید می‌آیند درمان کنید. ❏

### ◀ دوران بارداری

در آستانه ماه دوم یا سوم بارداری، افزایش هورمون باروری یا همان پروژسترون موجب می‌شود که لثه نسبت به پلاک دندان حساستر شود. پلاک دندان همان لایه رسوبی مواد بر روی سطح دندان است که محیط مناسبی برای رشد باکتریهاست. این حالت می‌تواند منجر به «ژنژیویت» شود که مرحله اولیه بیماریهای لثه است و علامت مشخصه آن التهاب و قرمزی

غیرطبیعی لثه، تورم و خونریزی است. در این دوره از بارداری باید به بهداشت دهان و دندان خود کاملاً توجه کرد و مسواک زدن و نخ دندان کشیدن را با وسواس بیشتری انجام داد. گاهی شاید لازم باشد در طول دوران بارداری حداقل دو بار دندانها را جرم‌گیری کرد.

زنان باردار معمولاً از مراجعه به دندانپزشک وحشت دارند ولی باید بدانند که نگرانی آنها بی‌مورد است. فقط کافی است پزشک را از بارداری خود مطلع سازند. دکتر باربارا اشتاین برگ، یکی از دندانپزشکان دانشگاه پنسیلوانیا، معتقد است که حتی اگر دندانپزشک لازم بداند، می‌تواند از دندانهای بیمار با اشعه ایکس عکسبرداری کند. او برای این کار و برای جلوگیری از تابیدن اشعه ایکس به جنین، به بیمار یک روپوش سربی می‌پوشاند و حتماً تا آنجا که ممکن است از عکسبرداریهای غیرضروری خودداری می‌کند.

### ◀ دوران عادت‌ماهانه

تعدادی از زنان معمولاً در ایام عادت ماهانه خود دچار تب‌خال یا دیگر زخمهای

دندان (حفره خشک) شود. در این حالت حفره باقی مانده از دندان کشیده شده، به سختی ترمیم شده و دیرجوش می‌خورد. دکتر اشتاین برگ توصیه می‌کند کشیدن دندان را به زمانی که مصرف قرصها را قطع می‌کنید موکول نمایید. از سوی دیگر پروژسترون موجود در قرص می‌تواند موجب افزایش احتمال ژنژیویت یا التهاب لثه‌ها شود. بنابراین وقتی قرص ضدبارداری مصرف می‌کنید، باید بیش از پیش مراقب دندانهای خود باشید.

از آنجا که مصرف بعضی از داروها موجب کاهش اثر قرصهای ضدبارداری می‌شود. اگر پزشک برای ناراحتی دندان شما دارو تجویز می‌کند، حتماً باید او را از مصرف قرصهای ضدبارداری آگاه کنید تا دارویی را انتخاب کند که تأثیر قرص ضدبارداری را از بین نبرد.

### ◀ دوران یائسگی

کاهش هورمون استروژن در دوران یائسگی، گاهی باعث بروز حالتی می‌شود که اصطلاحاً به آن التهاب لثه و دهان یائسگی

# تغییرات هورمونها و اختلالات دهان

لیزا مک گراث  
ترجمه فرزانه خردمند

می‌گویند. علائم این ناراحتی عبارتند از خشکی دهان، شفافیت و خونریزی لثه‌ها، سوزش دهان، اختلال در حس چشایی، حساس شدن به گرمی و سردی غذاهای گرم و سرد و حتی پوکی استخوانهای فک. در این موارد ممکن است مصرف هورمون مصنوعی یا هورمون درمانی تا حد زیادی باعث تخفیف این علائم شود. اما توجه کنید که باید دندانپزشک و پزشک متخصص زنان با مشورت یکدیگر در مورد درمان فرد تصمیم بگیرند. ❏

### ◀ قرصهای ضدبارداری

اگر یکی از دندانپزشکان را بکشید، استروژن موجود در قرص می‌تواند باعث ایجاد یک ناراحتی دردناک در محل کشیدگی





۲۶ اردیبهشت تا پنج خرداد، هشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران و در بخش‌های ناشران داخلی، خارجی، اطلاع‌رسانی، خدمات چاپ و نشر و فرهنگ و میراث مشترک برگزار شد. امسال، بر خلاف سنت چهارساله نمایشگاه بین‌المللی کتاب، جای نمایشگاه مطبوعات در میان غرفه‌ها خالی بود. ■

در هشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب ۷۸۰ ناشر داخلی با بیش از ۳۵ هزار عنوان کتاب و ۴۷۰۰ ناشر خارجی از ۳۰ کشور جهان با ۳۵ هزار عنوان کتاب حضور داشتند. در بخش ناشران خارجی، ۹۰ ناشر عرب در یک سالن و ۳۸۰ ناشر اروپایی و امریکایی در دو سالن، کتابهای خود را عرضه کردند. بخش خارجی نمایشگاه، طبق معمول، با استقبال بسیار زیاد بازدیدکنندگان روبه‌رو بود.

در بخش ناشران داخلی علاوه بر ناشران و توزیع‌کنندگان کتاب، مؤسسات تندخوانی، سرگرمی‌های کودکان، مراکز تهیه و توزیع نوارهای موسیقی و چند بخش دیگر نیز حضور داشتند. در این بخش تنها معدودی از

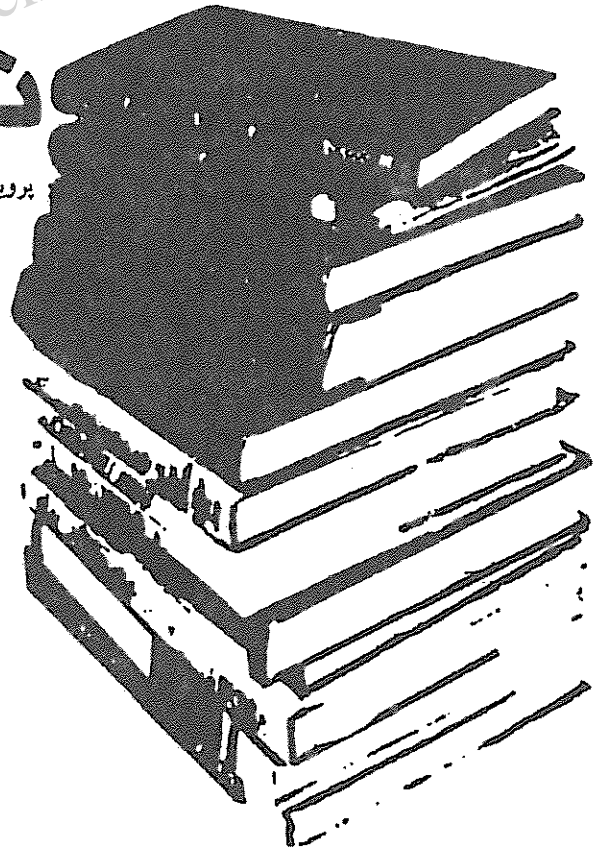
ناشران چون امیر کبیر، انیس، چشمه، روشنگران، شبانروز، فرهنگ معاصر، صراط، طرح نو، مرکز و... صرفاً کتابهای مؤسسه انتشاراتی خود را عرضه می‌کردند و در دیگر غرفه‌ها، آثار انتشاراتی مؤسسات دیگر نیز به چشم می‌خورد. برخی از ناشران نیز، با اسامی گوناگون، چندین غرفه در اختیار داشتند.

از بین ۷۸۰ مؤسسه انتشاراتی شرکت‌کننده در نمایشگاه، انتشارات روشنگران، انیس، روش نو و شبانروز از مؤسساتی بودند که توسط مدیران زن اداره می‌شدند و در میان آنها تنها انتشارات روشنگران به طور جدی فقط به نشر کتب و آثار زنان اختصاص دارد. شهلا لاهیجی، مدیر انتشارات روشنگران، در پاسخ به این پرسش که چرا سایر ناشران کمتر به نشر کتاب درباره زنان توجه می‌کنند گفت: «در نشر کتاب انگیزه‌های شخصی و انگیزه‌های مادی هر دو به کار می‌آید. طبیعی است که در کاری چون کار ما، انگیزه‌های شخصی قوی‌ترند. در بیشتر کشورهای دنیا، نهادهای فرهنگی از نشر کتابهایی که در راه ارتقای فرهنگ جامعه است اما به دلیل ماهیتش، بازار ندارد حمایت می‌کنند. اما در اینجا

چون این کار به عهده بخش خصوصی است که از هیچ سو هم حمایتی نمی‌شود، طبیعی است که باید ضرر کند. بنابراین فقط انگیزه شخصی و آرمانی، انسان را به ورطه چنین سودایی می‌کشاند.» وی در ارزیابی خود از نمایشگاه کتاب گفت: «برپایی نمایشگاه کتاب در کشور ما رویداد بزرگی محسوب می‌شود. استقبال پرشور مردم نشان می‌دهد که اگر کتابی هم نخرند، حداقل برای دیدن می‌آیند که به نظر من، خودش دستاورد مهمی است. البته لازم است که ضمن برگزاری نمایشگاه، سمینارهای گوناگونی با حضور ناشران، نویسندگان و دست‌اندرکاران برگزار شود تا همه بتوانند نظرات و پیشنهادات خود را ارائه دهند و مردم نیز از کم‌وکیف اوضاع باخبر شوند زیرا نمایشگاه کتاب با بازار مکاره کتاب تفاوت بسیار دارد.» وی در پاسخ به این سؤال که چرا خودتان اقدام به برگزاری چنین سمینارهایی نمی‌کنید، گفت: «سال پیش، با کمال خوش‌بینی اقدام به این کار کردیم و قبل از برگزاری سمینار نیز تمام مجوزهای لازم را گرفتیم و مراحل قانونی آن را طی کردیم اما در میانه کار ما را مجبور به متوقف کردن برنامه کردند. بنابراین تصمیم نداریم دوباره مرتکب اشتباه شویم.» لاهیجی

# نمایشگاه کتاب

پروین اردلان



برای بهبود فعالیت نمایشگاه کتاب معتقد است که برای برنامه‌ریزی، برگزاری و حتی نظارت بر اعمال ناشران باید از خود ناشران هم استفاده کرد: «چه طور می‌توان بدون حضور ناشران، در کاری که مستقیماً به آنها مربوط است؛ کمیسیونهای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرایی گذاشت و انتظار داشت که نمایشگاه در حد مطلوبی وظیفه خود را ارائه دهد.» انتشارات انیس برای نخستین بار در نمایشگاه بین‌المللی کتاب شرکت کرده بود. بهرخ منتظمی درباره فعالیت‌های این انتشاراتی گفت: «ما در نشر هر کتابی به اهمیت و ضرورت نشر آن در جامعه نظر داریم نه دستیابی به سود بیشتر و در عین حال فعالیت خود را تنها به نشر کتاب درباره زنان اختصاص نمی‌دهیم. لازم است بگویم که ما برای اولین بار در ایران اولین سررسید

درباره زنان را منتشر کرده‌ایم.»

انتشارات روش تو فعالیت خود را به نشر کتابهای کودکان و نوجوانان اختصاص داده‌است. نوراندخت مقوی‌تهرانی، مدیر انتشارات روش‌نو، در ارزیابی خود از نمایشگاه کتاب گفت: «به رغم گرانی اجتناب‌ناپذیر قیمت کتاب و رکود بازار نشر، استقبال مردم بسیار دلگرم‌کننده بود.»

در نمایشگاه بین‌المللی کتاب جای غرفه‌ای که خاص آثار و کتب مربوط به زنان باشد، خالی بود. اگر چه نمایشگاه کتاب و خانواده به بهانه معرفی و ارائه کار زنان برگزار شده بود اما فعالیتهای این نمایشگاه تنها بر نقش زنان در خانواده تأکید داشت و کمترین توجهی به نقش فعال و پویای زنان در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نشده بود.

همزمان با برگزاری نمایشگاه، کتاب فر هنگ سفندی، تألیف دکتر بدرالزمان قریب نیز عرضه شد. این کتاب حاصل ۲۰ سال تلاش مداوم و پی‌گیر این استاد و محقق برجسته و همکاران او درباره اقوام سفند است که در هزاره دوم پیش از میلاد می‌زیسته‌اند. کتاب دارای دو مقدمه فارسی و انگلیسی و سه بخش اصلی واژه‌یاب فارسی و

## بدون مطبوعات

واژه‌یاب انگلیسی است. مسئولیت چاپ این کتاب به عهده نشر فرهنگستان بود که برای قدردانی از استاد، مراسمی در سالن کنفرانس نمایشگاه بین‌المللی کتاب و با حضور استادان و محققان برگزار کرد. در این مراسم ابتدا چند تن از استادان دانشگاه درباره ضرورت تهیه فرهنگ سفندی و کوشش پی‌گیر دکتر قریب برای تهیه آن صحبت کردند و در پایان دکتر قریب با سپاس از برگزارکنندگان این مراسم، از تمامی کسانی که وی را در این کار خطیریاری کرده بودند تشکر کرد.

امسال نمایشگاه بین‌المللی کتاب بدون حضور مطبوعات برگزار شد. این در حالی بود که برگزارکنندگان نمایشگاه بین‌المللی کتاب، حتی دعوتنامه و فرم مخصوص شرکت در نمایشگاه را به دفاتر نشریات ارسال کرده بودند.

عدم برگزاری همزمان این دو نمایشگاه برای بازدیدکنندگانی که چهار سال پی‌پی‌پای شاهد برگزاری همزمان نمایشگاه کتاب و مطبوعات بودند، سؤال برانگیز بود. بسیاری

از آنان و به ویژه شهرستانیها گله می‌کردند که جدا کردن نمایشگاه مطبوعات از نمایشگاه کتاب باعث هدر رفتن وقت آنان و به خصوص صرف هزینه بیشتر می‌شود. عده‌ای نیز معتقد بودند که برگزاری نمایشگاه مطبوعات برای علاقه‌مندان این امکان را فراهم می‌کرده‌است که مستقیماً نظرات و انتقادات خود را با نشریه مورد نظر خود در میان بگذارند. یکی از بازدیدکنندگان می‌گفت: «نمی‌دانم چرا هر وقت کار مثبتی هم انجام می‌شود، تا می‌آید به نتیجه برسد؛ سیاست دیگری اتخاذ می‌شود که کار قبل را نیمه‌تمام می‌گذارد.»

با این اوصاف چند نشریه معدود در نمایشگاه حضور داشتند. در این زمینه از کاظم حافظیان، معاون کمیته اطلاع‌رسانی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب درباره معیارها

و ضوابط انتخاب برخی از نشریات جویا شدیم. وی گفت: «در اطلاع‌رسانی خبری در مطبوعات، گاه واژه اطلاع‌رسانی را به اشتباه مترادف با واژه خبررسانی معنا می‌کنند. حال آنکه تنها روزنامه‌ها، به علت تولید خبر، در این مقوله‌ها جای می‌گیرند و مجلات به عنوان یکی از اجزا و ابزارهای اطلاع‌رسانی محسوب می‌شوند. به همین دلیل ما از کلیه روزنامه‌ها دعوت کردیم تا در بخش اطلاع‌رسانی شرکت کنند و تنها تعداد معدودی از آنها به دعوت ما پاسخ دادند.» ناگفته پیداست که با این تعریف، شکل نشریه، مرز تعیین‌کننده اطلاع‌رسانی خبری با ابزارهای اطلاع‌رسانی می‌شود و در نتیجه نقش مجلاتی که مثلاً با نگرشی کتابشناختی بر نشریات به اطلاع‌رسانی می‌پردازند از نظر دور می‌ماند. در حالی که اگر اطلاع‌رسانی را بهره‌گیری مؤثر و کارا از تمام امکانات و ظرفیتهای رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب در انتقال اطلاعات بدانیم، در آن صورت کلیه رسانه‌ها با توجه به گوناگونی مخاطبان، در این مقوله جای می‌گیرند و به نظر می‌رسد که با ارائه تعاریف خاصی از اطلاع‌رسانی مطبوعات فقط امکان شرکت روزنامه‌ها - که البته ما فقط شاهد برپایی غرفه چند روزنامه خاص بودیم - فراهم می‌شود و نشریات دیگر امکان حضور نمی‌یابند. ■



# ترک عادات موجب...

گیتی شامیاتی

سمینارها، کنفرانسها و نمایشگاهها، مدام در پی یافتن راه‌حلهایی تازه برای بهبود فضا، روشهای دستیابی به اطلاعات، طراحی و زیبایی غرفه‌ها و... هستند. اما متأسفانه در ایران به علت انبوهی و به خصوص جوانی جمعیت که باعث می‌شود هر جا هر اتفاقی رخ دهد و عده‌ای از بهر کنج‌کاو و بی‌برنامگی نیز که شده به آن روی آورند، هیچ دکانی خالی از مشتری نمی‌ماند. از این رو، نه تنها هیچ بقالی بلکه هیچ سازمان دهنده‌ای در جهت بهبود روشهای کار و جلب مشتری زحمتی به خود نمی‌دهد. به نظر می‌رسد آنچه در این همایش، گردهمایی‌ها و نمایشگاهها وجود ندارد، ارزشیابی از فعالیتهای صورت پذیرفته، برنامه‌ریزی برای آینده، بالا بردن کیفیت و بهره‌وری و بالاخره توجه به اصولی است که می‌بایستی رعایت شود.

هر سال وقتی به نمایشگاه می‌روم، خسته و عصبانی، با کیفی پر از کتابهای پراکنده و بی‌هدف خریداری شده و شرمنده از اینکه چرا هیچ‌گاه نمی‌توانیم هیچ کاری را درست انجام دهیم، باز می‌گردم و با خودم شرط می‌کنم که دیگر قدم به نمایشگاه نگذارم. اما باز سالی بعد - از آنجا که ترک عادت موجب مرض است - خودم را در مینی‌بوس و راهی غرفه‌های کتاب می‌بینم.

امسال تصمیم گرفتم، حداقل به عنوان دفاع از حقوق یک بازدیدکننده، در مقابل زمانی که صرف می‌کنم و این همه سختی که بر خود هموار می‌کنم!!! و در برابر عدم مسئولیت سازمان برگزارکننده نکاتی را عنوان کنم شاید گوش شنوایی وجود داشته باشد.

- قبل از هر چیز باید از وزارت بهداشت و درمان برای تهیه طرحی در زمینه «چگونگی

اعتبار کتاب و کتاب‌خوانی هر ساله در اردیبهشت، و امسال در خرداد ماه، در ایران به نمایش گذاشته می‌شود. این نمایشگاه که یکی از پراقبال‌ترین نمایشگاههای کشور است، در سال جاری به علت همزمانی با نمایشگاه گل و گیاه و ایجاد بخشی مستقلی به نام اطلاع‌رسانی، از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بود. معمولاً سازمانها و افراد دست‌اندرکار و متخصص در امور برپایی رعایت بهداشت و ایمنی در نمایشگاه مدد خواست. فکر نمی‌کنم در عقب‌مانده‌ترین کشورهای دنیا نیز اجازه دهند آشپز یک سلف‌سرویس با دستش مرغ را بردارد و روی غذای مراجعه‌کننده بگذارد. این امر علاوه بر عدم رعایت مسائل اولیه بهداشتی، آن چنان کراهتی ایجاد می‌کند که نگفتنی است... مطمئناً کارشناسان وزارت مربوطه قادرند به نسبت جمعیتی که پیش‌بینی می‌شود به نمایشگاه روی آورند اما اگر اصلاً محاسبه‌ای در کار باشد - تجهیزات و تدابیر لازم بهداشتی را برای ارائه خدمات به بازدیدکنندگان عرضه کنند. استفاده از نیروهای داوطلب در این گونه موارد با لباسهای متحدالشکل یا بازوبندهای مشخص برای راهنمایی مردمی، که چون می‌بینند به آنها احترام گذاشته نمی‌شود به هیچ چیز احترام نمی‌گذارند، رفته‌رفته فرهنگ «نحوه بازدید از نمایشگاه» را به وجود خواهد آورد.

- اگر قرار است آغاز کار نمایشگاه ساعت نه صبح باشد، ضروری است کارکنان اصلی مثل توزیع‌کنندگان بروشور راهنمای نمایشگاه از لحظاتی قبل سر کار خود حاضر باشند و در مدخل کلیه دریاها ارائه خدمت به شرکت‌کنندگان پیش‌بینی شود. وجود کیوسکهای اطلاع‌رسانی نیز در محوطه - به

علت وسعت فضا - به بازدیدکنندگان کمک بسیار خواهد کرد.

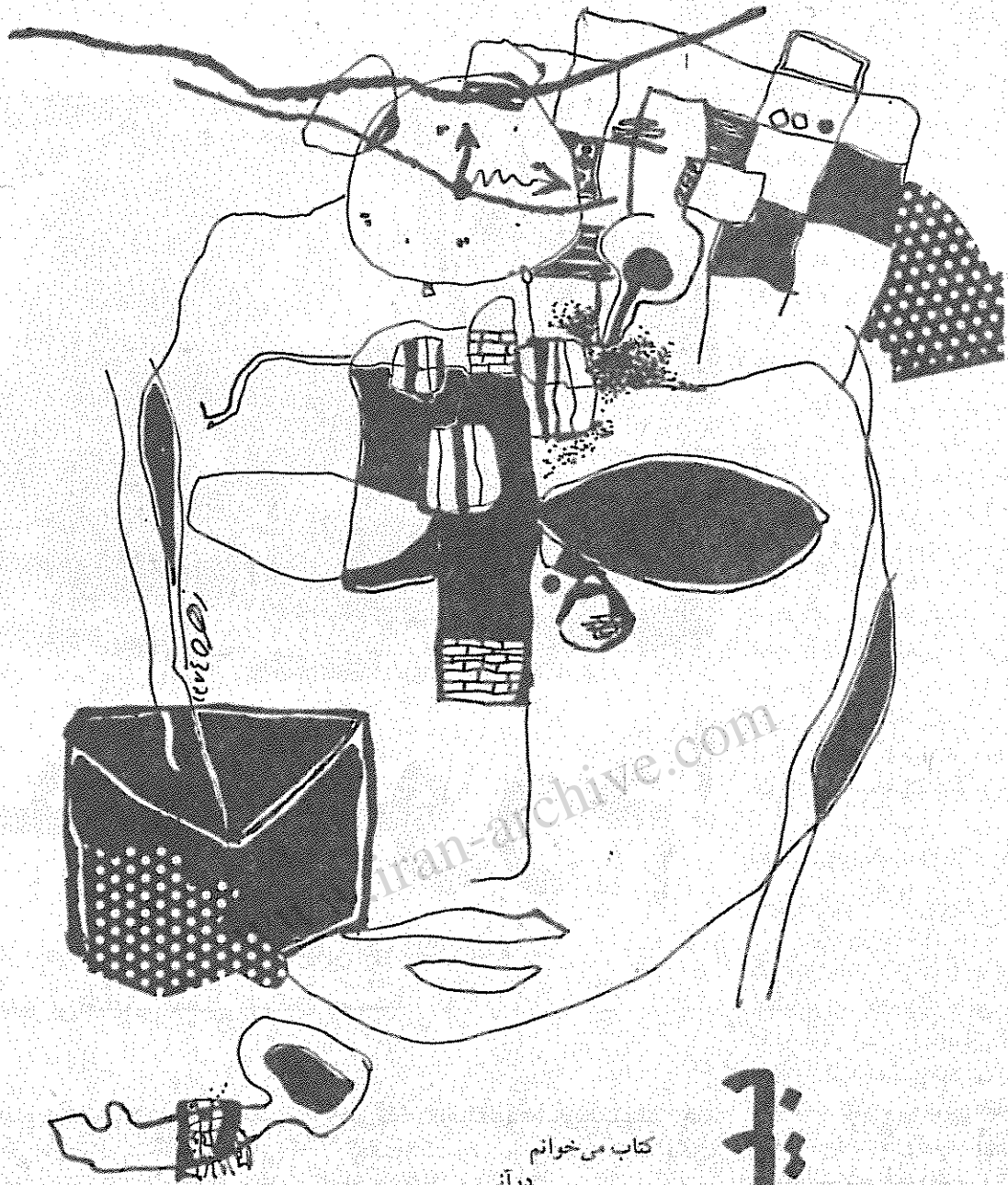
- با توجه به تنوع موضوعات و تخصص ناشران بهتر است نحوه طبقه‌بندی سالنها بر اساس اصول خاصی صورت گیرد. نمایشگاه فرصت مغتنمی است برای دسترسی به کتب منتشر شده‌ای که به آسانی نمی‌توان در خیابان انقلاب به آنها دست یافت، مانند انتشارات سازمانها و مؤسسات دولتی، دانشگاهها، به خصوص دانشگاههای شهرستانها، و بالاخره ناشران شهرستانها. ایجاد سالنهای اختصاصی یا مجموعه‌هایی در کنار هم و تنظیم بروشورها و تعیین نام سالنها بر این اساس، یقیناً کتابخوانان جدی، کتابداران و علاقه‌مندان را راهگشا می‌شود.

- حال که نمایشگاه را به فروشگاه تبدیل کرده‌ایم، با توجه به سنگینی و بدبازی کتاب، وجود باربرهایی - مثل فرودگاهها - که با چرخ دستی و در مقابل مبلغی مشخص، کتابهای خریداران را تا درب خروجی برسانند ضروری است.

- نصب نیمکتها و حتی میزهای مخصوص پارک، خستگی را از تن مراجعه‌کنندگان می‌گیرد، فضای سبز را مصون می‌دارد و در ضمن تسهیلاتی در اختیار کسانی که به خاطر صرفه‌جویی یا رعایت بهداشت و احیاناً غذای ماکول‌تر، خورد و خوراک خود را همراه می‌آورند قرار می‌دهد.

- تهیه لباس متحدالشکل بپنای کارشناسان و مدیران مسئول نمایشگاه نه تنها حس اعتماد بازدیدکنندگان را تقویت می‌کند، بلکه راهنمای خوبی برای ایجاد ارتباط و مشارکت، بیان انتقادات و شکایات و حتی راهنمایی خواستن و پاسخ صحیح دریافت کردن است. ■





کتاب می خوانم  
 درآنی  
 ترانه گوش می دهم  
 درآنی  
 نان می خورم  
 برابری  
 کار می کنم  
 کناری

نه می توانیم با هم سخن بگویم  
 و نه صدای هم را بشنیم  
 ای همیشه حاضر در آفات من!

هشت سالی است  
 که زن بیرۀ من هستی ■

# بیتاوه زن من

ناظم حکمت  
 ترجمۀ عزت جلالی

۲۲ سپتامبر ۱۹۴۵



# نمی خورم!

● بیشتر مادرها از بد غذایی و بی اشتهایی کودکشان گله دارند.

واقعا دلیل بی اشتهایی بعضی کودکان چیست؟

اشتهای اطفال بیشتر به انرژی مصرفی آنان بستگی دارد و در نتیجه مقدار غذایی که در هر وعده می خورند با وعده دیگر متفاوت است، در صورتی که این قاعده در مورد بزرگسالان کمتر صدق می کند. کودکان نوپا و بچه های زیر پنج سال هر گاه گرسنه شوند غذا می خورند و بسیاری از کودکانی که بی اشتها به نظر می رسند غذای کمتری نیاز دارند.

یک چهارم کودکان زیر پنج سال به نظر والدینشان بی اشتها و کم غذا هستند. بهتر است بدانید که تقلا و جست و خیز، علت عمده مصرف سوخت در بدن کودکان است. اگر چه تغییر در اشتهای طفل می تواند نشانه بیماری باشد با این حال به سادگی می توان یک کودک بهانه گیر را از یک کودک بیمار تشخیص داد. نکته مهم این است که کودک از خوردن چه مقدار غذا و مایعات خودداری

می کند، فاصله وعده های غذایی اش چند ساعت است و بر خورد شما با قضیه چگونه است. ❏

## چرا غذا نمی خورد؟

نوزادان گاهی اوقات جیغ می کشند و سینه مادر را پس می زنند در حالی که سالم هستند و نیروی کافی برای مکیدن دارند. اگر کودک شما نیز چنین است سعی کنید او را با صحبت و نوازش آرام کنید. کهنه اش را عوض کنید یا او را در آغوش گرفته و تکان دهید تا ساکت شود. زمانی هم که به او شیر نمی دهید، صورت او را نوازش کنید و به سینه خود بچسبانید تا از طریق تماس پوست، احساس امنیت را بیاموزد و در جوار سینه مادر آرام گیرد. زمانی که برای شیر دادن آماده هستید ولی او شیر نمی خورد، می توانید شیر را بدوشید و برای مدت کوتاهی در یخچال

نگه دارید. نوزاد را در فضایی که نور، زیاد نباشد شیر دهید. حتی اگر امکان دارد از موسیقی ملایم برای ایجاد آرامش بیشتر کمک بگیرید. اگر صبر و حوصله داشته باشید شیر خوردن نوزاد به تدریج به ووال عادی برمی گردد. نوزادان کوچک یا نارس یا آنهایی که هنگام به دنیا آمدن مشکل داشته اند، شاید قدرت کافی برای مک زدن سینه مادر نداشته باشند. کودکانی که در هفته اول دچار

زردی می شوند نیز در گرفتن سینه مادر کُند هستند. به هر حال مسلم است که برای بیدار کردن یک نوزاد خواب آلود و شیر دادن به او باید برنامه منظمی طرح کرد. ممکن است پزشک توصیه کند بچه را، خصوصاً در دو هفته اول، هر دو یا سه ساعت یکبار شیر دهید تا یاد بگیرد هنگام گرسنگی گریه کند. نوزاد خواب آلود باید خیلی به آرامی بیدار شود و شیر بخورد. برای این کار کهنه او را عوض و لباسش را کمی سبکتر کنید و برای اطمینان از بیداری کاملش کمی با او صحبت کنید. در صورتی که سینه تان کمی ورم کرده باشد، برای مگش راحت تر کودک، اندکی با کف دست نوک سینه را مالش دهید تا مقدار کمی شیر از آن خارج شود و پس از آن سینه را به دهان نوزاد بگذارید. اگر کودک هنگام شیر خوردن از مکیدن باز ایستاد، به آرامی کفپا یا زیر چانه یا گونه اش را نوازش کنید تا دوباره آرامش را به دست آورد. در چند روز اول تولد ممکن است نوزاد به حد کافی

سینه را نمکد و سینه مادر کاملاً تخلیه نشود. در این صورت لازم است مادر شیر سینه اش را بدوشد (در صورت لزوم از دستگاہ شیردوش استفاده کنید).

بعضی از بچه ها بدون هیچ دلیل مشخصی از یک پستان مادر، شیر نمی خورند و یا در یک وعده، از هر دو پستان تغذیه نمی کنند. اگر بچه سر حال و آرام است ولی در دو یا سه وعده، خوردن شیر را رد کرده است، شیر را بدوشید و با قاشق به او دهید. توجه کنید که علائم کم آبی، یعنی خشک بودن کهنه پیش از شیر خوردن و بی حالی و رنگ پریدگی در کودک وجود نداشته باشد. اگر فکر می کنید کودک اسهال گرفته، سریعاً او را نزد پزشک ببرید.

برخی از شیرخواران برای تغذیه فقط به محیطی آرام نیاز دارند. شاید اگر کمی فکر کنید متوجه شوید که سرتان خیلی شلوغ بوده

و نتوانسته‌اید در محیطی آرام به بچه شیر دهید. بنابراین کودک را به اتاقی آرام ببرید و ترجیحاً روی تشک نرم دراز بکشید و به او شیر دهید. بعضی از بچه‌ها وقتی خواب هستند یا حتی در حمام بهتر شیر می‌خورند.

اگر کودک از خوردن غذای جامد امتناع کرد، معلوم است که هنوز آمادگی خوردن آن را ندارد. معمولاً تا شش ماهگی خوراندن غذای سفت و جامد به کودک ضرورتی ندارد. اگر بعد از مدتی باز هم کودک غذای جامد را نخورد حتماً مزه‌اش را دوست ندارد و یا می‌خواهد به جای قاشق، با دست بخورد. برای آن که مزه غذا را به او بیچشانید، مقدار کمی از غذا را روی نوک قاشقی کوچک یا نوک انگشت کاملاً تمیز خودتان بگذارید و به او بدهید. اگر باز هم از خوردن امتناع کرد و در ضمن بیماری خاصی هم نداشت، او را به حال خود بگذارید و مجبورش نکنید.

شیر زیاد (در حدود نیم‌لیتر یا سه بطری ۱۷۰ تا ۲۰۰ سی‌سی) در روز نشان می‌دهد که کودک نیاز به غذای دیگری ندارد. اگر کودک حدود چهار شیشه ۱۷۰ تا ۲۰۰ سی‌سی شیر می‌خورد، سعی کنید به جای یکی از وعده‌های شیر به او غذا دهید یا میزان شیر هر وعده را زیاد کنید. شیر کافی در روز کلیه احتیاجات غذایی کودک را برطرف می‌کند. برخی از بچه‌ها صرفاً از مکیدن لذت می‌برند. بنابراین سعی کنید شیر را به دفعات، وسط وعده‌های غذا به او بدهید. نیم لیتر شیر در روز تمامی نیاز کودک به مواد غذایی را تأمین می‌کند. بچه‌ای که دندان درمی‌آورد، علاقه‌ای به مکیدن ندارد اما یک حلقه «دندان‌گیر» سرد می‌تواند مؤثر باشد. کودکی که دندان درمی‌آورد، هنگام شیر خوردن پستان را گاز می‌گیرد. در چنین مواقعی سعی کنید عکس‌العمل شدید نشان ندهید. اگر از جا بپرید و فریاد بکشید، ممکن است کودک دیگر شیر نخورد. با او حرف بزنید، او را مضطرب نکنید و به آرامی به او «نه» بگویید. اگر بچه‌ای که در حال دندان درآوردن است، دوبار پشت‌سرهم از خوردن غذا امتناع کند، بهتر است نزد پزشک برده شود.

سرسختی و لجباجت در طی شش تا نه‌ماهگی بیشتر می‌شود و وقتی کودک می‌فهمد که با نخوردن غذا تأثیر زیادی بر بزرگسالان می‌گذارد، بیشتر لج می‌کند و از غذا

رومی‌گرداند. وقتی کودک بزرگتر می‌شود با سرسختی و جدیت بیشتری می‌گوید: «این را دوست دارم.» یا «آن را دوست ندارم.» اگر کودک پیوسته نوع مشخصی از غذا را رد کرد، تنوع بیشتری به غذای او دهید و زیاد سخت نگیرید زیرا در آن صورت وی در مورد غذا، بهانه‌گیر می‌شود. برای تهیه غذا، وقت خیلی زیادی صرف نکنید تا اگر بچه غذا را نخورد، دلخور و عصبانی نشود.

بچه‌ای که سرحال و سالم است ولی غذا نمی‌خورد، احتمالاً در مرحله‌ای از رشد شخصیتی است که می‌خواهد وجود خود یا «من» خود را ثابت کند و برایش جالب است که از این طریق توجه بزرگسالان را جلب کند. مشکلات غذا خوردن غالباً از آنجا شروع می‌شود که توقع والدین بیش از اشتیاق کودک است. یک کودک شش ماهه به طور متوسط روزانه به ۸۰۰ کالری نیاز دارد. چهار وعده ۱۸۰ سی‌سی شیر، تقریباً ۶۰۰ کالری به او می‌دهد. بنابراین فقط ۲۰۰ کالری می‌ماند که باید از طریق غذاهای کمکی جذب شود. اگر کودک سعی دارد میزان اختیارات خود را با رد کردن غذا امتحان کند، با او لج نکنید. بگذارید پدر، خواهر یا برادر بزرگتر به او غذا دهند. ممکن است برخورد آنها با کودک عادیتر باشد و او بهتر غذا بخورد.

در مورد کودک بهانه‌گیر می‌توانید غذا خوردن را به بازی تبدیل کنید تا او احساس نکند که مجبور است غذا بخورد. از غذاهای نسبتاً خوش‌رنگ مثل هویج یا لپو استفاده کنید و اگر حوصله و وقت داشتید همان غذا را به نحوی زیبا بیارید. کودک می‌تواند در همان حین که شما به او غذا می‌دهید، به عروسکش غذا دهد. گذاشتن یک بشقاب و قاشق برای عروسک او، می‌تواند در تقویت ذائقه بچه‌های بدغذا خیلی مفید باشد. برای تنوع، گاهی غذا را در حیاط و یا روی تراس صرف کنید. بچه‌ای که مدام می‌گوید: «این را دوست

### ● کودکی که سرحال

و سالم است ولی غذا نمی‌خورد، احتمالاً در مرحله‌ای از رشد شخصیتی است که می‌خواهد وجود خود یا «من» خود را ثابت و توجه بزرگسالان را جلب کند.

دارم.» «آن را دوست ندارم.» ممکن است غذا را تف کند، سرش را کنار بکشد یا بشقاب غذایش را واژگون کند. پس بهتر است یک سفره زیر او یا زیر صندلی غذاخوری‌اش پهن کنید تا در صورت ریختن غذا روی فرش، جایی کثیف نشود و شما هم عصبی نشوید. بچه‌های ۱۸ ماهه بیشتر دوست دارند بازی کنند و غذا را در دستهایشان له و یا تکه‌تکه کنند. در دو سالگی طفل می‌داند که واقعاً چه می‌خواهد و چه نمی‌خواهد و وقتی غذایی به او می‌دهید که واقعاً دوست ندارد، لبهایش را محکم به هم می‌چسباند.

### ▲ آیا راهی برای تشویق او وجود دارد؟

کودک نوپایی را که تمایلی به خوردن غذا ندارد به طرق زیر می‌توان تشویق به خوردن کرد:

- به او اجازه دهید تا آنجا که ممکن است در آماده کردن غذا به شما کمک کند.
- غذای مورد علاقه‌اش را به او بدهید.
- از دادن شیرینی و شکلات زیاد به او پرهیز کنید چون مسلماً آنها را به غذا ترجیح می‌دهد.
- توجه داشته‌باشید که بین وعده‌های غذایی چه چیزهایی می‌خورد.
- وعده‌های شیر بین غذا را کم کنید.

### ▲ آیا مریض است؟

بی‌اشتهایی طفل شاید علامت بیماری او باشد. در مورد بچه‌های بی‌اشتها به علایم زیر توجه کنید:

- کودک ناگهان تمام غذاها و نوشیدنیها را رد می‌کند.
- وزنش آن چنان که انتظار می‌رود اضافه نمی‌شود و رشدش کند است.
- انرژی کمی دارد.
- علاوه بر بی‌اشتهایی، علایم دیگری مانند رنگ‌پریدگی، تب، تهوع، لوزه متورم، یا برفکهای سفید دهان دارد.
- کاملاً رنگ‌پریده و افسرده است.

### ▲ علت چیست؟

○ عفونت: عفونت می‌تواند نوزاد را کاملاً از غذا بیندازد. بچه‌ای که مایعات مصرف نکنند، در عرض چند ساعت آب بدنش از دست می‌رود، خصوصاً اگر اسهال هم داشته باشد. اولین نشانه‌های عفونت،

خشکی کهنه، تب، یا تیرگی و غلظت بیش از حد ادرار است. اگر طفل یکی از این علائم را داراست، فوراً او را نزد پزشک ببرید. در صورت وجود تب و عفونت حتماً سعی کنید آب بدنش را در حد معمول نگه دارید و بهتر است نگران غذا نخوردنش نباشید. به او کمی نوشیدنی خوش طعم دهید و اگر شیر خواست او را به دفعات شیر دهید. اگر تبش همچنان بالا رفت، لباسهایش را درآورید و او را با حوله نم‌دار پاشویه کنید. به کودکان بالای سه ماه می‌توان تب‌برهای اطفال داد.

○ گلودرد: درد در ناحیه گلو باعث می‌شود بچه به خصوص از خوردن غذاهای جامد امتناع کند. بنابراین به او شیر زیاد و مایعات خنک و در صورت لزوم داروهایی مثل «استامینوفن» بخورانید. اگر بعد از ۴۸ ساعت هنوز گلودرد او ادامه داشت و کودک ناخوش بود، او را نزد پزشک ببرید.

○ تورم غده لنفاوی گردن: غدد لنفاوی گردن گاهی به دلیل عفونت ویروسی دچار التهاب می‌شوند که در این صورت درمان کمی مشکل می‌شود زیرا آنتی‌بیوتیک بر آن اثر ندارد و عفونت تا چند هفته طول می‌کشد.

پس حتماً باید کودک را نزد پزشک ببرید. در طول مدت بیماری به کودک مایعات بیشتری بدهید، خصوصاً مایعات خنک و مغذی مانند شیرموز، یا شیرتخم‌مرغ یا آب‌میوه.

○ التهاب یا تورم لوزه: این نوع عفونت در میان کودکان پیش دبستانی شایع و در کودکان زیر یک سال بسیار نادر است. از طفل بخواهید دهانش را باز کند و با دم یک قاشق، زبان او را به آرامی به پایین فشار دهید. اگر قسمت عقب دهان ملتهب است و لوزه‌ها در هر دو طرف حلق ورم کرده‌اند، کودک التهاب لوزه دارد. پس به او مقدار فراوانی مایعات خنک بخورانید و فوراً به پزشک مراجعه کنید.

○ عفونت مجاری ادرار: عفونت دستگاه دفع ادرار موجب بی‌اشتهایی و کاهش وزن کودک می‌شود. در مورد کودک خردسال شاید هیچ علامتی دال بر عفونت وجود نداشته‌باشد اما در بچه‌های بزرگتر، دفع ادرار زیاد می‌شود طوری که حتی گاهی لباس‌زیر یا جایشان را خیس می‌کنند. در چنین مواردی پزشک معمولاً آزمایش ادرار می‌دهد تا از وجود عفونت مطمئن شود و آنتی‌بیوتیک لازم را تجویز کند. در این گونه موارد، علاوه بر استفاده دارو، باز هم به کودک مایعات فراوان

## ● گذاشتن یک بشقاب و قاشق برای عروسک کودک، می‌تواند در تقویت ذائقه بچه‌های بدخذا مفید باشد.

## ● عفونت به طور کلی و نیز عفونت مجاری ادرار موجب بی‌اشتهایی و کاهش وزن کودک می‌شود.

بدهید. به محض برطرف شدن عفونت، اشتهای کودک به حال اول بازمی‌گردد و دوباره وزنش زیاد می‌شود. اگر بچه را شیر می‌دهید؛ در چنین مواقعی، مدت بیشتری او را زیر سینه خود نگه دارید تا فرصت تغذیه بیشتری داشته‌باشد.

○ کاهش وزن: اگر وزن کودک خیلی کند افزایش می‌یابد و یا کاهش وزن دارد، معلوم است که تغذیه او مناسب نیست. احتمال دارد که نوزاد پس از تولد اندکی وزن کم کند اما تا ده روزگی باید به همان وزن زمان تولد بازگردد و پس از آن به طور

### ◀ نکاتی که مادران باید بدانند :

○ اگر کودک اشتها ندارد، مقداری از غذا را در یک نوبت و باقی را ساعتی بعد به او بدهید.

○ بسیاری از کودکان دوست دارند به جای خوردن سه وعده غذای کامل، ریزه‌خواری کنند، یعنی گاهی شش بار یا بیشتر در روز و به مقدار کم غذا می‌خورند. این کار اشکالی ندارد البته در صورتی که توقع نداشته‌باشید همراه با شما در وعده‌های اصلی نیز غذا بخورند.

○ شکل غذا خوردن را تغییر دهید. خصوصاً باید بدانید که کودک تقریباً از دو سالگی میل دارد مایعات را با نی بخورد.

○ کودک بدخذا را راحت بگذارید تا خودش غذا بخورد. بچه‌ها دوست ندارند تحت فشار و زیر نظر باشند.

○ کودکان بالای شش ماه تا دو و حتی پنج سالگی باید به اندازه کافی قطره ویتامین‌های آ (A)، س (C)، د (D) مصرف کنند. میوه، تخم‌مرغ، سبزیجات، جگر و نور آفتاب، منابع خوب دیگری برای کسب این ویتامین‌ها هستند.

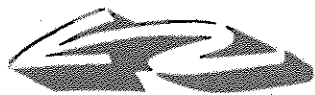
میانگین ۱۷۰ تا ۲۰۰ گرم در هفته وزن اضافه کند. بعد از سه ماهگی معمولاً هفته‌ای ۱۴۰ گرم به وزن کودک اضافه می‌شود که این میزان در شش ماهگی به ۱۰۰ گرم و در ۱۰ ماهگی به ۷۰ گرم در هفته می‌رسد. اگر کودک شما کاهش وزن دارد یا خوب تغذیه نشده، حتماً او را نزد پزشک ببرید.

○ دانه‌های سفید و قرمز. دانه‌های سفید داخل دهان گاهی نشانه برفک است. این دانه‌ها بسیار دردناک هستند و بچه را از خوردن و آشامیدن می‌اندازند. گاهی نیز دانه‌های قرمز ملتیمی در ناحیه ران و باسن کودک به وجود می‌آید که سوزش و خارش ایجاد می‌کند. در چنین مواردی حتماً کودک را نزد پزشک ببرید تا با تجویز داروی مناسب، درد کودک را التیام بخشد. هم‌زمان با مصرف دارو، خوراندن غذاهای خنک مانند ماست، پوره سرد و رقیق که به راحتی بلعیده شود، برای کودک مفید است.

○ بیماری سیلیاک: نوعی بیماری گوارشی در اطفال است که سؤتغذیه شدید به وجود می‌آورد و معمولاً بر اثر عدم تحمل کودک در برابر گلوتن گندم (ترکیبی شیمیایی که در گندم وجود دارد) به وجود می‌آید. این بیماری گاهی باعث بی‌اشتهایی اطفالی می‌شود که تازه از شیر گرفته شده‌اند. اگر مشاهده کردید در چند هفته اولی که کودک تازه شروع به خوردن نان و نان‌سوخاری کرده، وزنش زیاد نمی‌شود، اشتها ندارد و مدفوعش کم‌رنگ و بسیار بدبو است، او را نزد پزشک ببرید. بچه‌ای که بیماری سیلیاک دارد باید تحت رژیم غذایی خاصی قرار گیرد و غذاهای گندم‌دار و جو‌دار مصرف نکند و به جای آنها از مواد غذایی آماده و مخصوص استفاده نماید.

○ کم‌خونی: رنگ‌پریدگی و تحریک‌پذیری همراه با بی‌اشتهایی می‌تواند از علائم کم‌خونی کودک باشد. به قسمت داخلی پلک پایین او نگاه کنید. اگر خیلی کم‌رنگ بود احتمالاً کمبود آهن دارد. بسیاری از کودکان بین شش‌ماهگی تا دو سالگی معمولاً چون شیر زیاد می‌خورند، دیگر اشتهایی به خوردن غذاهای پر آهن ندارند و در نتیجه به حد کافی آهن جذب نمی‌کنند. غذاهایی مانند گوشت، جگر، اسفناج و سبزیجات، آهن مورد نیاز بدن کودک را تأمین می‌کند. فراموش نکنید که بدون مشورت با پزشک هیچ دارویی به کودک ندهید. ■





۸۷۱۰۳۷۷  
۸۷۱۹۳۷۱

زبان


راهنمای



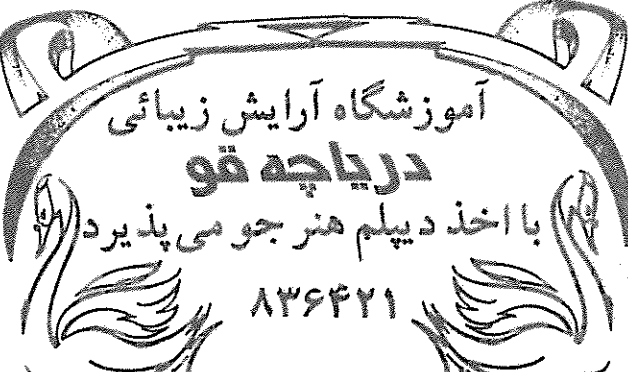
**آموزشگاه**  
**شیرینی و آشپزی نیلوسرا**  
با امتیاز رسمی از وزارت کار و امور اجتماعی  
با مدیریت خانم بیاتین (رهگذر)  
برنامه آشپزی ما را از شبکه یک  
با بال مرغ ملاحظه کردید.  
تلفن: ۲۲۷۲۵۶۹

**عزت کالو**  
کلیه خدمات  
فیلمبرداری، عکسبرداری  
مجالس و صنعتی و ورزشی  
بسیستم کامپیوتری  
پاسداران، اقدسیه، بازار صدف  
تلفن: ۲۲۹۱۹۳۷  
تلفن: ۲۲۹۱۳۲۲

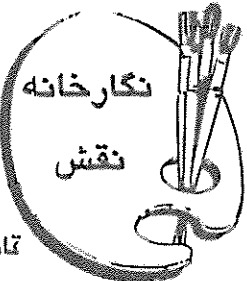
**مرکز تعمیر سوار**  
تهران: خیابان سعدی - خیابان منوچهری  
چهارراه کنت، ساختمان درفشان  
جنرال استیل سابق (طبقه همکف پلاک ۸-۱)  
تلفن ۳۷۸۳۷۶۷-۳۱۱۷۸۰۱



**آموزشگاه آرایش زیبایی**  
**دریاچه قو**  
با اخذ دیپلم هنر جو می پذیرد  
۸۳۶۴۲۱




**نگارخانه نقش**  
آموزش طراحی و نقاشی و تجسمی  
زیر نظر استاد با تجربه (خانم)  
با تحصیلات دانشگاهی در ایران و انگلیس  
برای خانمها و دخترخانمها و کودکان  
تأتم مقام فرهانی - ۸۸۴۵۹۶۵



**ماساژور دستی هور**  
مطابق نمونه اروپایی  
طراحی شده بر اساس طب فشاری  
رفع چاقی کاذب و کمک به تحلیل چربی  
زیروستی در ناحیه شکم، سینه‌ها، پهلوها و ران،  
رفع خستگی، گرفتگی عضلاتی  
فروش در کلیه داروخانه‌ها، فروشگاههای ورزشی و بهداشتی  
از شهرستانها نماینده فعال پذیرفته میشود  
تلفن: ۸۸۹۳۵۴۸  
نماینده گی مشهد ۲۹۲۶۸



**موسسه زیبایی روزانو**  
خدمات پوست و مو - از بین بردن موهای صورت  
لاغری با مدرنترین دستگاهها - گریم  
خدمات آرایشی - ترمیم ابرو کلیه موارد بالا  
آموزش  
تلفن: ۷۸۸۰۲۴۲





**خانه آرایش سیما**  
 ترمیم ابرو و آرایش دائم صورت  
 و کلیه خدمات پوستی و بر طرف  
 کردن موهای صورت. تدریس  
 کلیه موارد بالا و فروش انواع  
 دستگاه.  
 بزرگراه رسالت چهارراه بنی هاشم.  
 تلفن: ۲۵۰۲۱۰۴

**کلیه خدمات پوستی و ترمیم ابرو.**  
 تدریس پذیرفته می شود  
**با نازلترین قیمت**  
 ۶۶۷۸۰۶۶

**تعلیم طراحی و نقاشی**  
 ویژه بانوان و کودکان توسط  
 فارغ التحصیل نقاشی  
 ۷۹۱۳۲۲

**تدریس خصوصی**  
**زیست شناسی**  
 از اول تا چهارم دبیرستان توسط  
 استاد دانشگاه (خانم) فقط  
 برای خانمها.  
 تماس همه روزه از ساعت ۱۶ به بعد

**آموزش سفره عقد**  
 گل آرایی خشک و آویزهای  
 تزئینی - گل چینی - تعلیم آرایش  
 و گریم صورت  
 تلفن ۲۲۶۵۰۲۲

**قابل توجه پژوهشگران - استادان - دانشجویان و کلیه علاقه مندان به علوم اجتماعی**  
 نشر شب تاب منتشر کرد:  
  
**مردم شناسی** (روش، بینش، تجربه)  
 تالیف: دکتر اصغر عسگری خانقاه  
 ۴۲۰ صفحه با جلد شومیز ۶۶۰ تومان  
 علاقه مندان جهت دریافت کتاب می توانند بهای اعلام شده را به حساب جاری ۱۱۹۰ بانک صادرات شعبه ۱۵ خرداد غربی کد ۷۲۹ به نام علی اکبر فرناد (قابل پرداخت در شعب سراسر کشور) واریز نمایند و فتوکپی فیش آن را به آدرس تهران صندوق پستی ۱۴۳۳۵-۸۸۵ ارسال نمایند هزینه ارسال با پست سفارشی به عهده نشر شب تاب است.  
 تلفن: ۸۷۱۹۳۷۱-۸۷۱۰۳۷۷  
 کتابهای زیر چاپ:  
 ۱- **جامعه شناسی سازمانها** تالیف: منوچهر صیوری  
 ۲- **جامعه شناسی سیاسی** تالیف: جرج کوروتاریس - بتی دبرانتز  
 ترجمه: منوچهر صیوری

**شرکت پاک مکان**  
 با مسئولیت محدود  
 با ۲۳ سال سابقه درخشان در امر  
 خشکشویی مبیل - موکت - فرش - واکس  
 و پوشش سنگ و پارکت و کفپوش، نظافت  
 محلی ساختمان - خشکشویی داخل اتومبیل  
 نگهداری و نظافت ساختمانهای بزرگ  
 دولتی و خصوصی و ترمینالها و بیمارستانها  
 روزها ۸۵۸۶۴۶ - ۸۷۰۷۷۷۷  
 شبها ۷۸۶۸۳۸۸

# چرا آب؟



نگاره مکتب

مقدس و زندگی بخش است. محصولات مینا نیز همه با آب سروکار دارد و در خدمت پاکیزگی و بهداشت زندگی است. اما مصرف بی رویه آب می تواند موجب پایین آمدن سطح بهداشت مردم و اختلال در آبیاری و سازندگی کشور کرد. و از آنجا که هر نوع بهسازی باید از خانه آغاز شود، ما در سرویس های خود سیستم های تخلیه را با هدف حداکثر صرفه جویی در آب بهبود بخشیده ایم. ذخیره آب را به حد بهینه رسانده ایم و با اجرای یک نظام بازیابی مواد اولیه در کارخانه، ضایعات را به کمترین میزان کاهش دادیم و فکرمی کنیم هموطنان عزیز نیز با هدف استفاده صحیح از آب می توانند صرفه جویی را از خانه آغاز کنند.

 **چینی بهداشتی مینا**

آب سرمایه ملی است. در مصرف آن صرفه جویی کنیم.

همه می دانند که چینی بهداشتی مینا بزرگترین تولیدکننده سرویس های بهداشتی کشور بشمار می آید. ۲۵ سال پیش به خاطر کیفیت ممتاز فرآورده های خویش موفق به دریافت " مهر استاندارد " شدیم و امروز به اتکای یک تجربه طولانی و ثمربخش، مجموعه ای از ۴۸ قطعه سرویس بهداشتی را در مدلها و رنگهای گوناگون برای مصارف مختلف تولید می کنیم. اما . . .

همه می پرسند چرا مینا تبلیغات خود را بر اساس حمایت از یک مضمون اجتماعی یعنی " صرفه جویی در آب " قرار داده است؟ همه می دانیم در فرهنگ کهن ایران زمین، آب عنصری



منتشر شد

# هنر شیرینی پزی در منزل

زری مرعشی

شامل: کیکها، تارتها، بیسکویتها، کیکهای عروسی، تولد و...

صدها نوع از معروفترین شیرینیهای دنیا با عکسهای بزرگ چهار رنگ



مرکز پخش: ۷۵۳۳۶۲۸ - ۲۵۴۰۴۴۹ - محل فروش در کلیه کتابفروشیها و فروشگاه رفاہ  
با تماس تلفن، کتاب در اسرع وقت در اختیار شما خواهد بود.